



از ماست که بر ماست!

ازجمله آزادیای مثبت از رویداد چند روز اخیر یکی هم این است که نشان داد، آزادی قلم – و بیان – علیرغم همه تبلیغات بیگانگان علیه کِیان جمهوری و انقلاب اسلامی – در کشور وجود دارد. شاید آن موج نقدها و تفسیر در اغلب رسانه‌های دیداری و شنیداری ازجمله روزنامه‌ها، سایت‌ها، کانال‌های مجازی و نیز تریبون‌های سخنرانی شخصیت‌ها و بالاخره مجموعه حوزه و دانشگاه است. اولین پرسش از زاویه محک فرهنگی بر پی آمدهای رویداد اعتراض اخیر آن است که اینهمه صاحب‌نظر دلسوز و اند نقد و نظر و ارائه‌دهندهٔ افکار و مدافع «حقوق شهروندی» قبل از وقوع حادثه کجا بودند؟ چرا چنین امواج و رهموج‌های علاج واقع قبل از وقوع آنهم از بستر ارشاد فرهنگی صورت نگرفت؟

دوستی عالم و اندیشه‌ی می گفت، از دلایل چنین تعللی یکی هم سبب‌انگاری و تجربه نیاموختن از حوادث است. تا همین دو ماه گذشته میدان رسانه‌ای، تریبون‌های رسمی و غیررسمی که در اختیار مسئولین و شخصیت‌های اجتماعی و سیاسی، اعم از اصلاح‌طلب یا اصول‌گرا بود، مدار سخن بر جنگ تشکیلاتی و تخریبی جهت بیرون‌اندن حریف از میدان جنگ بود. تا آنجا که در همین ستون محک چندین بار از آفت شایعه‌سازی‌ها هشدار داده شد که چرا اینهمه سیاه‌نمایی و خوراک تبلیغاتی به رسانه‌های بیگانه داده می‌شود. ترسیم بخش خالی لیوان و چشم مردم را دام به کاستی‌ها معطوف کرد. نتیجه آن ناآبادی و یأس در جامعه می‌شود.

مرد راجان تا ناآید کردیم که از هم می‌پرسیدند، در کشور و در دولت می‌گذازد که سنگ روز سنگ بند نیست! هفت‌ماه از انجام انتخابات پر شور ملی گذشت و این فاصله زمانی به‌جای پایان رقابت‌های انتخاباتی و همکاری جمعی با دولت، به تخاصم فردی و تشکیلاتی سپری شد و هنوز همچنان ادامه دارد تا رئیس‌جمهور و دولت ناکارآمد معرفی شود.

این پیمای در فرهنگی را در کشور ریاست‌گس نبرد قدرت می‌نماید که کسی پیروز آن نخواهد بود.

پنج‌سال قبل، بعد از پایان دوران ریاست‌جمهوری هشت‌ساله احمدی‌نژاد، انفجار خبری رخ داد با این محور که ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی هشت سال ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد چه شد؟ تورم ۴۰درصدی و فسادهای مالی کلان موضوع روز همه محافل شد. حدود طوفانی از فساد سرباورد که واژه «اختلاس» ترجیح بند ادبیات عمومی جامعه شد. آنچنان که در محاوره عادی، مردم از یکدیگر می‌پرسیدند، از اختلاسی خبری چه خبر! از هر حلالی که این جریان به میخانه و اعدام هفت‌اثر بد اخلاقی سپردی رسید در حالی که پرونده‌های اختلاس و فساد مالی دیگر، یک به یک گشوده می‌شد تا به پرونده ۷۵۰میلیارد دلاری می‌رسیدند، از اختلاسی خبری چه خبر! از هر قضاوانی که کمترین جداسازی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی از زوال گزارش‌دهی به مردم نکردند! فرهنگ عمومی جامعه چنان در چرخه اطلاع‌رسانی از فسادها به محاصره درآمده که هر سینه قضاوانی، مفتنه و مجریه را در به جنتره سوءمدیریت ناکارآمدی قرار داد. چنین فضا سازی از جهت نبودن لیوان، در افکار عمومی بابشوی مدیریت نظام و اجوله‌داد در کنار به کارگیری چنین شیوه‌ای که هر محله به هر محله ترجمه مستمر یأس و ناآبادی در جامعه شد. فضعت‌های اقتصادی تا حد بد به‌زیختی مدیریت معیشتی از سامهٔ مسئولین قاضیه‌بار توصیف شد. یزادات می‌آید قصه روغن‌های پالم که به مرز وحشت خرید یک بطری شیر و ماست رسید. خوارده‌های از نوسان فنامده و شاید همتر از آن خطرات سلامت و تهادد کلاه‌های ضروری روزانه به‌دسته آمده. کمترین خبری دیگر، رشد سرطان به‌خطر امواج پارتازیت بود. تا آنجا که رئیس‌جمهور (روحانی) در فراگیری امواج مغرب و خیرسان آن، کمینهٔ ویژه‌ای مشکل از چند پرونده و مدیر کل و رؤسای نهادها و سازمان‌ها تشکیل داد تا گزارش جامع از فاجعه ارتباط رشد سرطان با پراکندگی و قدرت تخریب امواج پارتازیت به‌جای ارائهٔ دهندهٔ همهٔ رسانه‌ها به‌جای روز و روزی یک مورد خبری و ارائهٔ تفسیر گویاگون گذاشتند. مردم پارتازیت‌زده‌هم می‌پرسیدند، گزارش چه شد؟! تا این که رئیس آن کمینه، وزیر بهداشت و درمان در مصاحبه‌ای گفت، گزارش تهیه شد و اکنون برای اعلام تصمیم اجرایی روی میز رئیس‌جمهور است. نمیدانم آن گزارش ضروری روی میز رئیس‌جمهوری است یا نه، اما این را می‌دانم که هنوز بحران پارتازیت، همچنان ادامه دارد و اعصاب فرهنگی خانواده‌ها را به‌هم می‌یزد! حال از گزارش این چند نمونه در تولید ناراضیانی عمومی و یأس فرهنگی خود محاسبه و نتیجه‌گیری کنید.

تا نیست دو نمونه دیگر از این تخریب‌های فرهنگی که در همین سال اخیر اتفاق افتاده و ناآباد پیابوریم. امام جمعه مشهد به یکباره نام رعایت اصول شرعی، بر گزاری کثرت موسیقی استعاده شهرام ناظری که ارائه‌دهنده موسیقی فاخر ملی با استفاده از اشعار مولانا، حافظ و سعدی است را در شهر مشهد و به در استان خراسان با یکوتی و سرحد اعلام کرد. از پی این اقدام امام جمعه موسیقی موجهی را به افتاد و در چند استان با شهرستان دیگر بر گزاری کثرت موسیقی ممنع شد. کمترین ناراضیانی و پیامد منفی از آن اقدام در اذهان جوانان یأس فرهنگی و هنری بود که چند هنرمندان موسیقی کشور را نیز در بر گرفت. در نمونه دیگر از این روال ایچپماژ! یأس، خبر در صلاحیت حضور «سیتنا» هموطن زرتشتی ما در شورای اسریر شد در هفته‌های اخیر بود که دولت، مجلس و مردم بزدار(العاده) و اذهان تجدیدنظر شورای نگهبان کشیدند. اما شورای نگهبان حضور در زرتشتی در شورای اسریر شهر یزد را خلاف شرع دانست و بر آن اصرار می‌کرد. از پی نقدها و مصاحبه‌ها بقول معروف کار بالا گرفت تا اینکه از یک مصدق آیت‌الله العظمی سیستانی استفاده شد. پاسخ این بود که این افراد معصومین (و کالت است، نه اختیار اولایت)، و لذا ما نمی‌شود نارند!

اما هنوز این قصه ادامه دارد و بعد از تصویب پیشنهاد مردم در مجلس شورای اسلامی و در مسجد شورای نگهبان کار به مهمت تشخیص مجلس نظام کشیده شده است! تصور کنید، کشش‌ها و واکنش‌ها را پی قصه و خبرهای آن چه شده است! تصور که باور و فرهنگ مذمبی در اذهان جوانان مخصوص در شهر یزد سمبایر کرده است. گویا از پیست و دو هزار آرای آسانی بیرون نمایندگی در شورای شهر یزد بیش از ۱۸ هزار رای از جانب مسلمانان زد بوده است!

نمونه‌ها از اخبار تخریبی و دمیدن یأس فرهنگی در جامعه بسیار است که مجال شایر از این نوشته به اختصار نیست. اما انگیزه نوشتن محک فرهنگی، یادآوری نکته‌ای است که اگر چه همه اعتراض‌های اخیر را به مشکلات اقتصادی و سامان نداشتن چرخه معیشتی در جامعه نسبت می‌دهند که خلاف واقع نیست، اما نباید آن نظر دور داشت که ریشه بسیاری و اگر بنویسم همه‌مان این باورستانی‌ها در مشکلات فرهنگی از قدرت فزایندهٔ مسایون‌تا انواع و اقسام فساد نهفته است.

وزیر کشور و چند مسئول دیگر در شرح وقوع اعتراض‌ها گفتند، متوسس سنی کسانی که در اعتراض‌ها حضور داشتند ۲۵ سال بوده است.

نسلی و جوانانی که در انقلاب و در دوران جنگ تحصیلی حضور نداشتند.

نسلی که اصلی‌ترین مطالبات آن زیتس معقول فرهنگی است. نسلی را یا این نسل را جریان اعتراض‌ها به در خیابان‌ها و با همشدار «قطع‌انسل» یا فناوری در نمازخانه قطع فرهنگی! شاید مفید باید به یاد داشت تا از زاویه «محک فرهنگی» به کار نقدهای امنیتی، اقتصادی و سیاسی دربارهٔ حوادث اخیر، نپه‌نگامی هم به فرهنگ سازی خود دانش‌ها باشد!

طرح کمیتهٔ اتحاد برای اشغال دانشجویان مددجو

معاون اشتغال و دانشجویان کمیتهٔ امداد برنامه این نهاد برای اشغال‌زایی دانشجویان تحت حمایت را تشریح کرد.

به گزارش سایت خبری کمیتهٔ امداد،حجت‌الله اسلامی، معاون اشتغال و خودکفایی کمیتهٔ امداد با اشاره به حمایت این نهاد از ۳۲ هزار و ۲۸۰۰ دانشجو گفت: بسیاری از این افراد جزو دانشجویان نخبه‌اند یا در دانشگاه‌های معتبر تحصیل می‌کنند.

وی با اشاره به سیاست کلی حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان و یابرداری و درامدزایی بیشتر این طرح‌ها، گفت: کمیتهٔ امداد در حال برنامه‌ریزی برای آشنایی دانشجویان تحت حمایت با فضاهای کسب‌وکار دانش‌بنیان است.

حکام‌الملکی با بیان اینکه دانشجویان مددجو از همان ابتدای ورود به دانشگاه به سمت فعالیت‌های دانش‌بنیان هدایت می‌شوند گفت: فعالیت جزئی یا پاره‌وقت این افراد در حوزه‌های دانش‌بنیان به نحوی است که پس از فارغ‌التحصیلی محل و نوع اشتغال این افراد مشخص می‌شود.

وی با اعلام اینکه برای توسعهٔ مشاغل دانش‌بنیان در کمیتهٔ امداد علاوه بر کمیتهٔ امداد در حال تحلیل است افزود: در فاز نخست توسعهٔ حوزه‌های

کمیتهٔ امداد که به‌طور معمول در کشور وجود دارد و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و وزارت علوم و تحقیقات برای آنها برنامه دارند مانند صنایع

کرتونیکی، صنایع پاپین‌دستی صنعت نفت و گاز و حوزه‌های علوم پزشکی در دستور کار قرار گرفته است.

معاون اشتغال و خودکفایی کمیتهٔ امداد با اشاره به اینکه دانشجویان تحت حمایت با توجه به رشته تحصیلی تفکیک می‌شوند گفت: کمیتهٔ امداد در فاز دوم به‌جای دانشجویان تحت حمایت این رشته‌ها فعالیت می‌کند.

وی بیان اینکه برای توسعهٔ مشاغل دانش‌بنیان در کمیتهٔ امداد علاوه بر

طریق دانش‌جویران تحت حمایت می‌توان از طریق خیران کارآفرین استفاده کرد گفت: دانشمندان، استادان دانشگاه و متخصصانی که در حوزه‌های دانش‌بنیان فعالیت می‌کنند می‌توانند در طرح‌های خود از مددجویان متخصص یا فاقد

تاکیدمراجع عظام تقلید بر تحقق مطالبات

ودغدغه‌های معیشتی مردم

نمایندگان وزیر کشور با سفر به شهر مقدس قم با حضرات آیت‌عظام مقام کلبایگانی، مکارم‌شیرازی‌سیستانی، علوی کرگانی و نوری مهدانی و حجت الاسلام والمسلمین شهیستانی نماینده آیت الله العظمی سیستانی درپایان دیدار و گفتگو کردند.

به گزارش مرکز خبر حوزه، مراجع معظم تقلید دراین دیدارها که روز گذشته برگزار شد، در سخنانی حفظ اتحاد و هویشاری ملت را نیاز مبرم به‌گونه کنونی برای عبور از مواع و بی اثر ساختن توطئه‌ها و دشمنی‌ها بر ضد نظام اسلامی بیان و بر لزوم اهتمام جدی مسئولان به پیگیری و تحقق مطالبات و دغدغه‌های معیشتی و اقتصادی مردم تأکید کردند.

قائم مقام وزیر کشور هم در این دیدارها به نمایندگی از سوسی اعضا در سخنانی با ارائه گزارشی از وضع حوادث و اتفاقات کشور، اظهار داشت: این حوادث و ناآرامی‌ها به

فرمانده کل ارتش: دفاع مقدس جنگی مقابله با دشمنان را

باز آموزی می‌کند



موقعیت عبورکنیم.

وی درباره ارتباط ارتش با بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس گفت: این بنیاد متعلق به همه گروه‌ها و سازمان‌ها با اقتضاری است که در دوران دفاع مقدس حضور داشته‌اند.

فرمانده کل ارتش همچنین از کادر بنیاد مرتبط با دفاع مقدس است و همه سازمان‌ها موظفند از این بنیاد حمایت کنند، چرا که این بنیاد به اشکال

هنری مباحث مرتبط با دفاع مقدس را استانی باید مانند کل ارتش همچین یان می‌کند.فرمانده کل ارتش همچنین با اشاره به موضوع و حمایت رئیس جمهوری آمریکا از مسائلی که اخیرا در کشور شکل گرفت، تأکید کرد، این موضوع بسیار ساده است و نیاز به

دکتر ظریف: احیای نظام دولت ـ ملت و احترام به مرزهای ملی باید در اولویت باشد

سرویس سیاسی –اجتماعی–:دومین کنفرانس امنیتی تهران با عنوان امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا چالش‌ها و روندهای نوظهور با شعار احترام، اعتماد، گفتگو، همکاری، متقابل، امنیت و پیشرفت خیرگی مردم در پیروزی سران برگرآور است.

به گزارش خبرگزاری ما، در این کنفرانس که در سطح سیاسی – راهبردی و با حضور مقامات ارشد سیاسی، دفاعی و امنیتی کشورهای اسلامی ایران، مقامات دربار و نمایندگان جهان، اندیشمندان برجسته داخلی و خارجی و نمایندگان دیپلماتیک کشورهای حاضر دانشتند، دکتر محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان در سخنان افتتاحیه با تأکید بر این که حفظ انسجام ملی و تمامیت ارضی کشورهای منطقه ضروری تریزد ناپذیر است، تصریح کرد: تحولات قومی و طائفه‌ای در سوریه و عراق با گرایش‌های جدایی طلبی خطرناک برای منطقه و جهان است و بایستی با دادریت مسئولین ملی و محلی ر گفتگو برپا شود با احترام به حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و حق تعیین آسایی به همکاری و همکاری این تبدیل شود.

وزیر امور خارجه کشورمان گفت: در این دوران که بین فروپاشی نظام منطقه‌ای دامن‌ و شکل‌گیری شرایط مطلوب امنیتی در خاقت جاری داریم، ما به دیگر بازیگران منطقه‌ای سه چالش مهم یعنی درک درست واقعیات موجود، نیل به درکی مشترک در مورد وضعیت مطلوب برای منطقه و راه‌های تحقق این وضعیت و سوریه و عراق که به‌تدریج همسپس می‌رو و با تبیین این‌ها می‌توانیم در مورد کنونی منطقه غرب آسیا، اظهار داشت: این گره‌های دشوار دیگر گروه‌های تروریستی در یکی دو سال اخیر شکست‌های مبرکباری را متحمل شده و پروژه تلاش‌ها باعث متوقف شده‌ه و دستگاه‌های اداری و نظامی آن در حال متلاشی شدن است، اما سازمان ترور و عاشق و گروه‌های مسلح در منطقه خفا هستند. اما همچنان با توجه به شبکه وسیعی که در کشورهای مختلف در آسیای میانه و آسیای غربی و به ویژه افغانستان و همچنین در شمال آفریقا ایجاد کرده‌اند، دارای درده منطقه‌ای و جهانی هستند و باید همچنان تهدیدی جدی به ششمار آیند، بنابراین ادامه مقابله با باقی‌مانده‌های این تفکر خطرناک در سوریه و عراق، جلوگیری از نفوذ و گسترش افراط در مناطق جدید، سرکوب کامل خواستگاه فکری و قطع منابع مالی افراط همچنان باید یکی از اولویت‌ها باشد. رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان تأکید کرد: احیای احترام به مرزهای ملی و نظام دولت – ملت که توسط گروه‌های تروریستی و برخی دیگر از جریان‌های تکفیری هدف تخریب قرار گرفته است، به عنوان یک با اولویت باید مدنظر باشد.

اصرار آمریکا با ادامه حضور نظامی نامشروع در سوریه

در سوریه وزیر امور خارجه در ادامه، دخالت‌ها و سیاست‌های آمریکا را در منطقه از اساسی‌ترین چالش‌هایی ذکر کرد که موجب پیچیدگی بیشتر شرایط شده است و گفت: آمریکا یکی از اولویت‌ها و واقعیت‌های مهم منطقه می‌توجه است. اما این کشور به مرزهای ملی و نظام دولت – ملت که توسط گروه‌های تروریستی و برخی دیگر از جریان‌های تکفیری هدف تخریب قرار گرفته است، به عنوان یک با اولویت باید مدنظر باشد.

سرویس سیاسی – اجتماعی –:وزارت خارجه اخیر مربوط به طرح مسائلی داخلی ایران در جلسه پایان هفته وزیر خارجه کشورمان با رویبازی‌ها و توطئه برخی رسانه‌های وابسته به رژیم صهیونیستی در دولت است.

این جلسه فقط با هدف بررسی برجام تشکیل می‌شود.
فرمانده قاسمی در جمع خبرنگاران با بیان این که سفر دکترظریف به منظور شرکت در نشست با حضور موگرینی (مسئول سیاسی خارجی اتحادیه اروپا) و سه وزیر امور خارجه اروپایی آخر هفته جاری انجام می‌شود، افزود: دولت از وزیر خارجه کشورمان برای حضور در این جلسه از طرف خود کشورمان اطلاع داده و جلسه صرفا به منظور بررسی اجرای برجام است.

وی درباره برخی اخبار غیرواقع و ناصحیح در مورد مامیت سفر و دیدار ظریف با سه وزیر اروپایی عضو گروه ۵+۱۰ خاتم موگرینی، تأکید کرد: آنچه از سوی برخی رسانه‌های وابسته به رژیم صهیونیستی درباره این سفر مطرح شده، دروغ است، ما با اروپا روابط سازنده و مستمری داریم و دیالوگ و تماس به طور مرتب بین ما و آنها وجود دارد.قاسمی تأکید کرد: با توجه به ضرورتی که نیازمند تسهیل تعلیق تحریم‌های آمریکا علیه ایران در چارچوب برجام است، ۱۳ ژانویه، موگرینی از طرف و سه وزیر اروپایی

اخبار داخلی

تاکیدمراجع عظام تقلید بر تحقق مطالبات

ودغدغه‌های معیشتی مردم

هشدار ایران به آژانس نسبت به عواقب نقض برجام

توسط آمریکا

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران گفت: در صورت عدم اجرای تعهدات برجامی از جانب آمریکا، کردیم این که اعتراض را حق خود می‌دانند، خشونت را نمی‌پذیرند و برمی‌تابند.

وی افزود: اگرایی‌ها تلاش کردند از این حرکت برای اهداف خود سوء استفاده سیاسی کنندو دیدیم حتی با وجوداعمال فشاری که این کشور نسبت به عواقب نامناسبی که وجود داشت، چگونه متوری شدند و همه کشورها به جای این که درمورد مسائل مورد نظر آنها صحبت کنند درباره ضرورت حفظ

و برجام و امتناع از دخالت در امور داخلی صحبت کردند. وزیر امور خارجه ادامه داد: این کشورها در شورای امنیت سازمان ملل از این که بخواهند این موضوع را بهانه ای برای استفاده اهداف سیاسی خود کنند، ابراز نگرانی کردند و براساس تمام گزارش‌های جمع خبرنگاران در پاسخ به این سؤال که آیا مقامات آلمان از شما دعوت کرده‌اند که در باره وقایع اخیر در ایران به آلمان سفر کنید، اظهار داشت: براساس صحبت‌های انجام شده، توافق کردیم با توجه به اهمیتی که این روزها برجام دارد و به ویژه با توجه به سیاست‌های مغرب آمریکا، نشست مشورتی بین ایران و سه عضو اتحادیه اروپا در مورد

مردم می‌تواند به جد اعتقاد داریم که مردم ولی نعمت ما هستند. وی ادامه داد: برخی از رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های اسرائیلی تلاش کردند در این زمینه خبرسازی کنند که این خبرسازیهایی با اساس و بی‌بناست.وزیر امور خارجه همچنین گفت: برخی در خارج از کشور تلاش کردند سوء استفاده کنند از واقعیت است که در ایران، دولت برخلاف متحدین منطقه حق سالن اجلاس سسران در پاسخ به استوایی درباره ایسن که خروج آمریکا از برجام –جست پیامدهای

خارجی بوده است و به توم امکان خرید امنیت منجر شده که نتیجه آن تنها ناامی و افزایش بی‌اعتمادی بوده است. وی با تأکید بر این که تلاش‌ها برای ایجاد یک نظام جمعی غیر واقع‌بینانه به نکتست انجام شده است، تأکید کرد: به‌نظر می‌رسد راهکار بی‌برونرفت از این چرخه باطل و خطرناک، اینست که کشورهای غربی با حذف رقیب و تأثیرات ژئوپلیتیکی ایران به منطقه پیروامنی خود دارد و به معنی پذیرش اعلام تأمین منابع جمعی در منطقه خلیج فارس و تسلیم قاعده بود.بر به سطح این منطقه است.

ظریف افزود: تأمین منابع هر یک از کشورهای منطقه در دو تأمین منابع همه کشورهای آن است و تلاش سلطه‌جویانه توسط هر یک از کشورهای منطقه برای حذف رقیب و تبدیل شدن به‌قدرت فائقه‌نه تنها پیسنده نیست، بلکه اصولا ناممکن است. وزیر امور خارجه خاطرنشان کرد: تجربه پر فراز و نشیب نزدیک به سه دهه پس از ایران جنگ سرد و شرایط راهبردی جدید در دوران گذار جهان پس‌اگرایی ثابت کرده است که تلاش برای هرزمنی در سطح جهانی با منطقه‌ای بی‌حاصل و خطرناک است. اگر چه رقابت بین کشورها در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی و نیل به سطح بالاتری از رفاه و آسایش برای شهروندان امری ناپسند نیست، اما تلاش برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای و سلطه و کنترل منطقه و ژئواستراتژیک عاملی تنش‌زا بوده و موجب ایجاد مواع اساسی بر سر راه توسعه ملی کشورهای خود دارد. قطعاً چنین رقابتی تنها در باطلی و امری موجب می‌شود که نمی‌تواند همین پرده‌ای رانده باشد.

ظریف گفت: دیگر مسأله خلیج فارس بعد از این که رقابت‌های مغرب سلطه محور در سطح سرگذاشتند و به همکاری با هم مشاغل تبدیل توانستند به صلح توسعه دست یابند. رئیس دستگاه دیپلماسی در ادامه به بیان مسائلی استعاضی به عنوان نمونه‌ای از رقابت‌های مغرب اشاره کرد و گفت: همین‌گونه بسیاری مسائلی که در منطقه خلیج فارس نسبت به تولید ناخالصی داخلی از بالاترین‌ها در سطح خلیج فارس است به طوری که در سال گذشته، کشورهای شوری همکاری خلیج فارس مجموعاً ۱۱۴ میلیارد دلار صرف بودجه‌های نظامی کرده‌اند که چنین اقدامی هم موجب تنش می‌شود و بی‌اعتمادی دامن می‌زند و هم موجب هدر رفتن سرمایه‌های حیاتی مردم منطقه و پر کردن جیب‌های بغمگران می‌سازند- تسلیحات می‌شود. وی تصریح کرد: در شرایطی که منطقه ما با طیفی از مشکلات خاد مانند تروریسم و افراطی‌گری، بحران‌های زیست محیطی همچون درخ و غیره و خشکسالی، تشدید مهاجرت و ضعف دولت‌ها در پاسخگویی به مطالبات مردم مواجه است، رقابت مغرب تسلیحاتی و تنش بین همسایگان به معنی تحمیل هزینه‌های بیشتر به ملت‌های منطقه و موجب تشدید بیش از پیش این مشکلات خواهد بود.

ظریف با تأکید بر این که هیچ کشوری نمی‌تواند به قیمت نام این کردن همسایگان خود برای خود تولید امنیت کند، تأکید کرد: چنین تصوری در جهان به هم پیوسته کنونی نوهی نیست و خطرناک نیست. تجربه چهار دهه گذشته این منطقه به ما ثابت کرده است که چنین تلاشی بیش و بیش از همه مانگیر آنهایی شده است که برای همسایگان جنگ و خونریزی خواهند داشت.

تلاش برای ایجاد به امنیت نظام امنیتی، شکست خورده است

وزیر امور خارجه در این دیدار بحث اصلی و فلسفه نشست، برجام است.

قاسمی در پاسخ به این سؤال که اگر

حجرب‌های جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سخت‌گیری جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سخت‌گیری جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سخت‌گیری جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سخت‌گیری جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سخت‌گیری جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سخت‌گیری جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سخت‌گیری جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سخت‌گیری جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سخت‌گیری جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سخت‌گیری جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سخت‌گیری جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سخت‌گیری جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سخت‌گیری جدید علیه ایران در روزهای آینده می‌شود و امکان مرتبط با برجام است، از آنچه در اخبار گفته شده است که در این نشست قرار است درباره مسائل داخلی ایران صحبت شود به وزیر مشخص دروغ و با اهداف خاص دیگری است. وی گفت: دعوت ایران به دیدار با موگرینی و به ابتکار شخص ایشان در رابطه با برجام است. در عین حال ما همواره از هر فرصتی برای دیدار در رابطه با این موضوع و اظهار نظر و به تناسب تصمیمات آمریکا در وقت

سه‌شنبه ۱۹ دی ۱۳۹۶- ۲۱ ربيع‌الثانی ۱۴۳۹- ۱۳ ژانویه ۲۰۱۸- سال نویدوم- شماره ۲۹۹۱۱

همدلی، همدردی و همنوایی درد آشنایان...

مصحف‌وحججی کرمانی

۱-«فتح‌الله آملی نویسنده نام‌آشنای «اطلاعات»...قادران و مستکبران زورگوی عالم و نوجه‌های ریز و درشت آنان تهدیدی بزرگ برای کشور و نظام به حساب نمی‌آیند؛ آسیب دیدن و از دست رفتن قسمتی اجتماعی بزرگ‌ترین خطر است...»
اطلاعات مورخه ۱۳۹۶/۱۰/۱۶

۲-«علیرضا عینی –سرپریر اطلاعات «بهرترین، عاقلانه‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پاکیزه‌ترین راه برای پیشگیری از وقوع ناراضیانی سیاسی، رصد به موقع و پایش دقیق خواست‌ها و مطالبات افششار و گروه‌های مخفی و اجتماعی و رسیدگی و رفع عوامل مؤثر به ناراضیانی‌های معیشتی، شغلی، صنفی، زیست‌محیطی و... قبل از رسیدن ناراضیانی‌ها به آخرین مرحله مسیر خطی یعنی ناراضیانی سیاسی است...»
اطلاعات مورخه ۱۳۹۶/۱۰/۱۶

۳-«دکتر حبیب‌الله پیمان –چهرهٔ سابقه‌دار شناخته‌شدهٔ سیاسی «گام‌گذاری در این راستا، ایجاد فضایی امن و آشتی‌جویانه و دعوت نمایندگان همهٔ گروه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی از اقوام و مذاهب برای یک رشته گفتگوی انتقادی با هدف رسیدن به اجماع و روی مدعرت‌ترین هم‌ترین مسائل مشترک و ملی یا پیش‌شرط تعهد و التزام عملی میانگن به اجرای قانون اساسی و رعایت کامل حقوق عمومی و اساسی مصرح در آن است...»
روزنامه شرق مورخه ۹۶/۱۱/۱۴

۴-«محمد کاظمی –نماینده مجلس «اگر می‌خواهم در برابر اقو به مشکلات ملی پیش رو، توان استقامت را داشته باشیم و دشمنان قادر به سوءاستفاده از آنها نباشند و جامعه احساس کند که مسئولان آثار و اقصیت‌برداران و انتعاف هستند و روندها رو به بهبودند، نیاز مبرم به تغییر روشها در همه ابعاد داریم، در مسائل سیاسی و به خصوص در اقتصاد باید علمی‌وار رفتار کنیم و از خاصه‌خرجی‌ها دست برداریم و هزار مؤسسه روی بوده دولت اوار نشوند تا قوه مجریه بتواند امداد‌رسانی به مردم را آغاز کند...»
روزنامه اعتماد –مورخه ۹۶/۱۱/۱۶

۵-«اگر می‌خواهم در برابر اقو به مشکلات ملی پیش رو، توان استقامت را داشته باشیم و دشمنان قادر به سوءاستفاده از آنها نباشند و جامعه احساس کند که مسئولان آثار و اقصیت‌برداران و انتعاف هستند و روندها رو به بهبودند، نیاز مبرم به تغییر روشها در همه ابعاد داریم، در مسائل سیاسی و به خصوص در اقتصاد باید علمی‌وار رفتار کنیم و از خاصه‌خرجی‌ها دست برداریم و هزار مؤسسه روی بوده دولت اوار نشوند تا قوه مجریه بتواند امداد‌رسانی به مردم را آغاز کند...»
روزنامه اعتماد –مورخه ۹۶/۱۱/۱۶

۶-«اگر می‌خواهم در برابر اقو به مشکلات ملی پیش رو، توان استقامت را داشته باشیم و دشمنان قادر به سوءاستفاده از آنها نباشند و جامعه احساس کند که مسئولان آثار و اقصیت‌برداران و انتعاف هستند و روندها رو به بهبودند، نیاز مبرم به تغییر روشها در همه ابعاد داریم، در مسائل سیاسی و به خصوص در اقتصاد باید علمی‌وار رفتار کنیم و از خاصه‌خرجی‌ها دست برداریم و هزار مؤسسه روی بوده دولت اوار نشوند تا قوه مجریه بتواند امداد‌رسانی به مردم را آغاز کند...»
روزنامه اعتماد –مورخه ۹۶/۱۱/۱۶

۷-«اگر می‌خواهم در برابر اقو به مشکلات ملی پیش رو، توان استقامت را داشته باشیم و دشمنان قادر به سوءاستفاده از آنها نباشند و جامعه احساس کند که مسئولان آثار و اقصیت‌برداران و انتعاف هستند و روندها رو به بهبودند، نیاز مبرم به تغییر روشها در همه ابعاد داریم، در مسائل سیاسی و به خصوص در اقتصاد باید علمی‌وار رفتار کنیم و از خاصه‌خرجی‌ها دست برداریم و هزار مؤسسه روی بوده دولت اوار نشوند تا قوه مجریه بتواند امداد‌رسانی به مردم را آغاز کند...»
روزنامه اعتماد –مورخه ۹۶/۱۱/۱۶

۸-«اگر می‌خواهم در برابر اقو به مشکلات ملی پیش رو، توان استقامت را داشته باشیم و دشمنان قادر به سوءاستفاده از آنها نباشند و جامعه احساس کند که مسئولان آثار و اقصیت‌برداران و انتعاف هستند و روندها رو به بهبودند، نیاز مبرم به تغییر روشها در همه ابعاد داریم، در مسائل سیاسی و به خصوص در اقتصاد باید علمی‌وار رفتار کنیم و از خاصه‌خرجی‌ها دست برداریم و هزار مؤسسه روی بوده دولت اوار نشوند تا قوه مجریه بتواند امداد‌رسانی به مردم را آغاز کند...»
روزنامه اعتماد –مورخه ۹۶/۱۱/۱۶

۹-«اگر می‌خواهم در برابر اقو به مشکلات ملی پیش رو، توان استقامت را داشته باشیم و دشمنان قادر به سوءاستفاده از آنها نباشند و جامعه احساس کند که مسئولان آثار و اقصیت‌برداران و انتعاف هستند و روندها رو به بهبودند، نیاز مبرم به تغییر روشها در همه ابعاد داریم، در مسائل سیاسی و به خصوص در اقتصاد باید علمی‌وار رفتار کنیم و از خاصه‌خرجی‌ها دست برداریم و هزار مؤسسه روی بوده دولت اوار نشوند تا قوه مجریه بتواند امداد‌رسانی به مردم را آغاز کند...»
روزنامه اعتماد –مورخه ۹۶/۱۱/۱۶

۱۰-«اگر می‌خواهم در برابر اقو به مشکلات ملی پیش رو، توان استقامت را داشته باشیم و دشمنان قادر به سوءاستفاده از آنها نباشند و جامعه احساس کند که مسئولان آثار و اقصیت‌برداران و انتعاف هستند و روندها رو به بهبودند، نیاز مبرم به تغییر روشها در همه ابعاد داریم، در مسائل سیاسی و به خصوص در اقتصاد باید علمی‌وار رفتار کنیم و از خاصه‌خرجی‌ها دست برداریم و هزار مؤسسه روی بوده دولت اوار نشوند تا قوه مجریه بتواند امداد‌رسانی به مردم را آغاز کند...»
روزنامه اعتماد –مورخه ۹۶/۱۱/۱۶

۱۱-«اگر می‌خواهم در برابر اقو به مشکلات ملی پیش رو، توان استقامت را داشته باشیم و دشمنان قادر به سوءاستفاده از آنها نباشند و جامعه احساس کند که مسئولان آثار و اقصیت‌برداران و انتعاف هستند و روندها رو به بهبودند، نیاز مبرم به تغییر روشها در همه ابعاد داریم، در مسائل سیاسی و به خصوص در اقتصاد باید علمی‌وار رفتار کنیم و از خاصه‌خرجی‌ها دست برداریم و هزار مؤسسه روی بوده دولت اوار نشوند تا قوه مجریه بتواند امداد‌رسانی به مردم را آغاز کند...»
روزنامه اعتماد –مورخه ۹۶/۱۱/۱۶

۱۲-«اگر می‌خواهم در برابر اقو به مشکلات ملی پیش رو، توان استقامت را داشته باشیم و دشمنان قادر به

داد و دین و دولت در اندیشه ایرانی‌شهری

دکتر علی اکبر امینی در سدهٔ بیستم، در اندیشه غربی قدرت بیش از هر زمان دیگر به نقد کشیده شده است. برتراند راسل ضمن پرشردن گونه‌های قدرت به‌ویژه قدرت برهنه، از خطرات قدرت دولتی سخن به میان می‌آورد که یکی از آنها جانشیندن فرد قدرت‌پرست از اخلاق است: «مردمان خواه ناخواه به خاطر عشق به قدرت معیارهای اخلاقی خود را نقض می‌کنند» (راسل ۱۳۶۱:۳۳۵) آیزایا برلین نیز از همین پیامد پرده برمی‌دارد: «زندیکشده به قدرت کم و بیش به معنای فاصله گرفتن از اخلاق است» (برلین، ۱۳۴۱:۹۳). یوپر یکسره از منتقدان قدرت متمرکز و تمرکز قدرت بود. یوپر (۱۳۴۹) نمود عملی این همه قول و غزل، در روزگار ما، پذیرش نظریه تفکیک قوا و پاسخگو بودن مسئولان جامعه در برابر توده مردم است. انصاف را که این خود دستاورد بزرگی برای سالم‌سازی جهان می‌شمارد.

۲- خردگرایی: موضوع محوری دیگر که در شاهنامه مطرح می‌شود، خردگرایی است. وازه خرد بیش از یسجد بار در شاهنامه آمده است (زنجیر، همان منبع) بیات آغازین شاهنامه:

چنین می‌نماید که در اندیشه ایرانی‌شهری و در شاهنامه و بر سر هم ادبیات سیاسی، خرد در برابر مفاهیمی چون جهل و همسایه دیوار به دیوارش، خرافه‌گرایی و هیجان‌زدگی و احساس‌گرایی و توهم و پندارباغی قرار می‌گیرد. فوکوتسا وایوکی‌شیی که پدر توسعه‌زاین به شمار می‌رود، بر این باور است که خرافه‌گرایی یکی از عوامل عمده عقب‌ماندگی است. (یوکیشی، ۱۳۳۲) و به گفته یکی از صاحب‌نظران (خرافات دایه قدرت است» (رجیمی، ۱۳۶۹) خرافه‌پرست در عمل منکر اراده و خرد است؛ و برای انسان‌ها در تعیین سرنوشت خودشان نقشی قابل نیست؛ بدین‌سان سرچشمه نیک‌روزی و بدبختی انسان در جایی دور از دسترس قرار می‌گیرد؛ یعنی در دست چرخ کمدار و فلک غدار و ستارگان سعد و نحس که بری از هرگونه شور و شعوری هستند! ولی اندیشمندان خردورزی چون فردوسی و ناصر خسرو، پیشینیان دیگر دارند. سخن جاودانه ناصرخسرو به خرافی‌مسلمانان را بارها خوانده یا شنیده‌ایم:

نگوئش مکن چسرخ نیلوفری را بیرون کن ز سر بسد باز خیره‌سری را تو چون خود کنی اختر خویش را بد مدار از فلک چشم نیک‌اختری را بری دان از افعال چهر برین را نسیاید نگوئش ز دانش بری را فردوسی در پرورش اندیشه عقلانی نقشی بسزا دارد. البته او اقتدر تکساحتی نیست که اراده و عقل را تنها گردانندهٔ رویدادهای جهان بداند، بلکه برای بخت و تقدیر و تصادف نیز سهمی و نقشی قابل دارد. این باور نه تنها بر خرافه‌پرستی در نمی‌آمیزد، که در سیاست، نشان واقع‌گرایی به‌شمار می‌رود. چه بخواهیم و چه نخواهیم، بخشی از رویدادهای سیاسی با سرانگشت تقدیر و تصادف شکل می‌گیرد. جهان سیاست بارها شاهد این بوده است که:

یکی به‌نر خفته بر تخت بخت همی گل فشان بهر او بر، درخت و بارها پیش آمده که «عزیز نگینی» به دست «اهریمنی» افتاده است. چه بسا که یک پیشلدم، سبب یک جا به‌جایی و دگرگونی شده است. ادر جنگ جهانی دوم سپاهیان شکست‌خورده انگلستان و فرانسه به بر اثر هجوم نازی‌ها به بنابر دنگر رانده شده بودند، بر تصادف صرف (که علش هنوز معلوم نشده) نجات یافتند؛ و در جنگ قادیسه طوفان شن از علل مهم شکست ایرانیان شد. (رجیمی، همان منبع) قهرمانان شاهنامه گاهی سرنوشت خود را به یک تقدیر می‌سپارند. برای نمونه، در داستان رستم و سهراب نیک‌نامگی به نقش «تقدیر» و «تصادف» انداخته می‌شود. می‌توان این نگاه تا اندازهای تسلی‌بخش است و تا اندازهای نیز اثرگذار در آن رویداد. سهراب برای اترشی پدر می‌می‌گوید: من تو را نگاهی نیست، بلکه این پیشامدی است که از آن گریزی نبوده است.

اسفندیار نیز هنگامی که در برابر خواست و منطق مادرش (کاتبون) به زانو درمی‌آید و نمی‌تواند دلیلی خردپسند برای جنگ با رستم بیآورد، مأموریت مادر را هم ناشی از بازی روزگار می‌داند. هم گردن نهادن در فرمان پدر که البته هر دو توجیه، بی‌پایه است؛ چون عامل پذیرش این مأموریت، بیماری قدرت‌جویی بیش از اندازه یا به تعبیر افاطرون پلئو نوعی خبیاست که پیوسته تشنه قدرت را تشنه می‌کند. (کاتیر، ۱۳۲۷:۹۲۰) اسفندیار به این پیماری مبتلاست و بلکه ظریف اینکه نه تنها «دایه پهن» ایسن بیماری را درمان نمی‌کند، بلکه آن را بدتر هم می‌کند! فراموش نکنیم که گنگناسب و اسفندیار مروج نبی نبوده‌اند. در نامه رستم به فرح‌زاد نیزسن دوباره به جبر و تقدیر و رویدادهای بیرون از اراده فرد اشاره می‌شود و اینکه چرخ در جهت خلاف خواست ایرانیان می‌چرخد فیلسوف واقع‌گرا و دهری‌مسلمی چون ماکاولی نیز بر آن است که همه رویدادهای را نمی‌توان با سر انگشت تدبیر رقم زد. اعتقاد به تقدیر و تصادف همواره به عنوان خرافه‌پروری رسیده. معنا و مفهوم خرافه این است که به سنتهای ناسالم فرهنگی و عقیدتی و سیاسی دامن زده شود (افشار، ۱۳۷۳). ربه به تعبیر یونگ، بخت‌ها به جای عقل و تدبیر، پیشینند. (دوبایک، ۱۳۷۰) خرافه را نه با معیار خرد می‌سنجند، نه ریشه در اسطوره و نماد دارد و نه پدیده‌ای دارای ریشه‌های تاریخی است. خرافه برزگترین دشمن عقلانیت است، گرچه بیشتر ردای ایمان و عقیده و دین را می‌پوشد، ولی بزرگترین دشمن آگاهی ایمان است. نمونه برجسته رواج خرافات را در دوران برخی از پادشاهان صفوی و قجر می‌بینیم. **قلب‌الدین** در رساله **فصل الخطاب** می‌نویسد: «رسائل و نامه‌هایی به دربار شاه سلطانخویش نوشتند و او را از حرمت اجدادش مطلع ساختند و از خطری که سلطنت شیعه و کشور اسلامی را تهدید می‌کند آگاه نمودم. شاه گفت: راست است که فتنه افافنده در کار است، اما به خود به علاوه تدارک دولتی، تدارک دعایی کرده و فرموده‌ام در اندرون از رجال و نساء و سادات موسویه، نخود را لاله الا الله بخوانند. صیاحا و مساءً در کارند، اشتدالله اله معتبری فراهم کرده و به کل خلایق من توراتیم. از باطن شداد مسوسیه دفع بلا خواهد شد» (نمبپوری، ۱۳۷۲)

در رسالهٔ فلک‌العساده نوشته علیقلی میرزا **افعضالسلطنه** وزیر علوم ناصرالدین ششاه می‌خوانیم: «کواکب کیهانی خواه بنا بر هیئت غلط وعلیوموسی و خواه با اعتماد بر حرکت ارض بنا بر هیئت جدیده صحیحه در هیچ‌گونه حوادث زمین مؤثر نیستند. احکام منجمان جز اقوال کاذب و اساطیرالاولین نیست... این احکام نجوم و اخبار رمال و جملار، کذب محض و رجح کذب است» (ادبیت، ۱۳۵۶:۲۲۱)

در دربار قاجار که اوج رواج خرافات بود، محمدعلی‌قلی در این زمینه از پدر و پدانش گوی سبقت برده بود. گفتنی است نمونه‌هایی از رفتارهای متکی بر خرافه را در نزد دیگر فرمانروایان پیشین و پسین هم می‌بینیم.نوشته‌اند که خسایارشرا برای فروشاندن اموال سرکش دریا به آن زبانه زد و شیوه همین رفتار از فرمانروایی به نام پتیاوشی سارا در سده دوازدهم سر زد. وی برای فروشاندن طوفان، شمشیر خود را به روی امواج انداخت. (یوکیچی، ۱۳۶۲) فردوسی برای درهم گوییدن بازار خرافه‌پرستی و نادانی، دست به دامن خرد می‌زند. در بزم دوم نوشیروان با بزرگمهر و موبدان، پرشش و پاسخ را می‌شنوم:

بهرسید دیگر که: در زیستست که سزای که کمتر بود رنج تن؟

چنین داد پاسخخ که: گر با خرد خرد دست گیرد به هر دو سرای دلی کسز خرد گردد آراسته دلش بریدار است، رامش برد زیستن بر پای خرد، آراشش و امنیت و صلح می‌آفریند و اینها خود عوامل مهمی برای توسعه‌یافتگی و یکبختی هستند؛ و باز در مورد خردگرایی می‌فرماید:

خرد رهنمای و خرد دلگشای

خرد خست گیرد به هر دو سرای

دلی کسز خرد گردد آراسته

یکی گنج گردد بر از خواسته

کسی کو خرد را ندارد ز پیش

دلش گردد از کردهٔ خویش ریش

خرد چشم جان است چون بنگری

نی بی‌چشم شادان جهان نسپری

شاذزیستن در سایه خرد یکی دیگر از ارزش‌های ایرانی‌شهری است

که فردوسی به آن تکیه و تأکید کرده است. فضای زندگی در شاهنامه

شاد است. شاد بودن جزو داده‌های انسانی استانی است (ملائی، دوشن، ۱۳۷۳)

اشاره: غلامعلی رجایی از زندانیان سیاسی پیش از انقلاب و زندگن دفاع مقدس (با سابقه ۹۲ ماه حضور در جبهه و مسئولیت فرهنگی در قرارگاه‌های مرکزی کربلا و خاتم‌الانبیاء) و مؤلف بیش از ۳۵ عنوان کتاب دربارهٔ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و دکتر در تاریخ است که در پنج سال پایانی عمر مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، از مشاوران ایشان بود. از آثار اوست: خطرات جنگ و سیرهٔ شهید (۹ جلد)، سیره حضرت امام (۵ جلد)، تحقیق در صحیفه‌نور، اشعار آیینی و عاشورایی (۱۰ جلد)، تألیفات تاریخی، اخلاقی ... (۱۰ جلد)، تشنه و دریا (خطرات یکی از پاسداران بیت امام)، سیره شهیدبهنشی، آینه سادگی‌ها (سیری در زندگی، مبارزات، عملی و مدیریت شهیدرجانی)، مرد همیشه‌بهار (خطراتی از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی)، فرهنگ آزادگان (سه جلد)، اسلام‌ستیزی رضانها، امام به روایت امام، شهد عشق (پنجاه خط‌اظر و آیه امام حبیبی)، یکصد نکته عرفانی از امام خمینی (۷) ... آنچه در پی می‌آید، سخنرانی ندازم، در هماایش ملی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و هشت‌سال دفاع مقدس است که در کتابخانه ملی ایران بر گزار شد. ***

خطرات آیت‌الله هاشمی درباره هشت سال مرتبط با امام راحل (۷) و دفاع مقدس، مشحون از نکات بسیار بدیع و ناگفته از شخصیت ایشان و رهبری حضرت امام رحمت‌الله علیه و فرماندهی ایشان در دوران جنگ است. من این هشت جلد را به گروه تحقیق دادم و خط به خطش را بررسی کردم و امیدوارم جلد اول را که درباره رابطه امام با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و حاج احمد خمینی است و جلد دیگر را که در مورد فرماندهی جنگ است، همزمان با سالگرد عروج مرحوم آیت‌الله هاشمی به از یادماندان ایشان تقدیم کنم. اکنون نکاتی را از این کتاب در حال تألیف، با ذکر دو خاطره از ایشان عرض می‌کنم.

با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی چهار محله‌ای داشتم که در کتاب ددر آئینه، منتشر شده است و با طرح حدود ۳۴۰ سؤال طی دو سال از ایشان پرسیدم که:

– اگر خدا را ملاقات داشتید، چه خدا عرض می‌کنید که من هاشمی در این عمر بیش از ۸۰ سال چه آورده‌ام؟

ایشان بعد از مکی گفتند: فکر می‌کنم مهمتر از همه، کار قرآن است که از زندان آغاز شد؛ اما متأسفانه مهجور ماند.

گفتند: دیگر چه؟ گفت: ختم جنگ. پرسیدم: ختم جنگ چرا؟ گفتند: من با تمام شدن جنگ، جلوی کشته‌شدن ایرانی‌ها را گرفتم.

گفتند: جلوی کشته‌شدن عراقی‌ها را هم گرفتید. فرمودند: همین‌طوراست؛ چون عراقی‌هایبیشتر کشته می‌دادند. من اسامیا از کشتار و کشتن خوشم نمی‌آید. گفتی: اگر دشمن مقابل شما باشد، خوشان نمی‌آید که کشته شود؟ یا شما با همین روحیه به امام گفتید صادق قطب‌زاده اعدام نشود؟

گفتند: روحیه من همین است. واقعاً وقتی احساس می‌کنم که کسی به زندان رفته و به سلول افتاده، می‌ترسم حالت بدی پیدا کند. فرقی نمی‌کند چه کسی باشد، نمی‌توانم تحمل کنم، چون از کشتار خوشم نمی‌آید. بعد ادامه دادند:

ختم جنگ برای من بسیار مهم بود و واقعاً از کشته‌شدن عراقی‌ها ناراحت می‌شدم و دلم نمی‌خواست در سخنرانی‌هایم آثار تلفات عراقی‌ها را بگویم؛ ولی ناچار بودم و باید گزارش می‌دادم. هرچا جنگ می‌اعلام می‌کردم که من از جنگ بیزارم. یکبار آیت‌الله خامنه‌ای به من گفتند که: «شما از جریان جنگ قهرمان هاشمی رفسنجانی هستید»

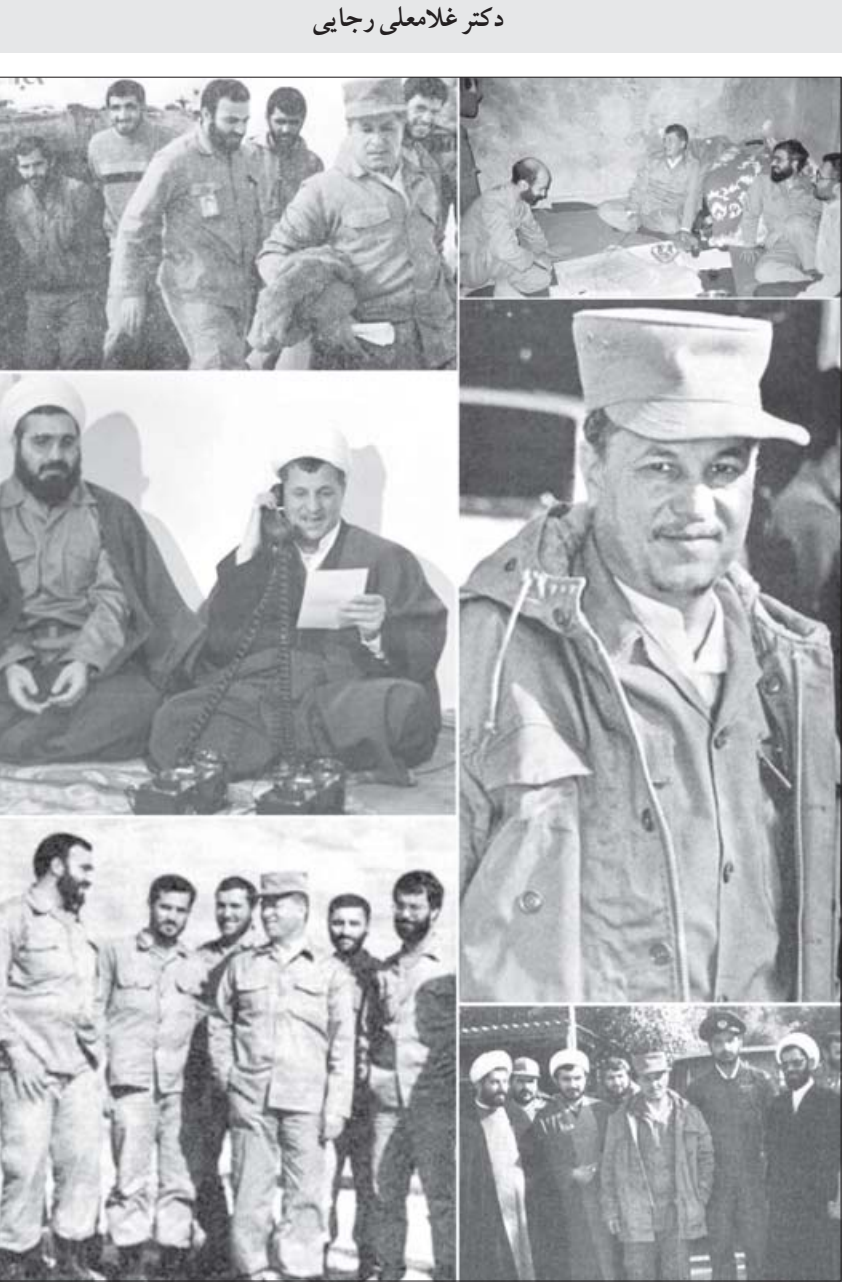
بهرین خدمت آقای هاشمی به عنوان یک آدم واقع‌گرا به کشور، ختم جنگ بود. او خودش را سپر کرد و جایی جنگ را متوقف کرد و به سمت طغتنامه برد که امام فرمود: تصمیم جمعی بود. من تاریخ را مطالعه کرده‌ام، شاید تا چهار پنج دهه دیگر، ایران فردی مثل هاشمی نداشته باشد

بیرون می‌آیید، من گفتفم: «نمی‌خواهم قهرمان جنگ باشم، بلکه می‌خواهم قهرمان صلح باشم». روحیه من این گونه است. **خاطره دوم** خاطره دوم از خودشان تعریف کردند و من هم این توفیق را داشتم که روزانه خدمشان برسم. ایشان فرمودند: «وقتی وضع حلبچه را دیدم، گفتم به هر قیمتی هست، باید امام را متقاعد و جنگ را تمام کنیم...» من این را به عنوان یک محقق کوچک عرض می‌کنم که هاشمی به یک کشور خدمت کرد و ولی بعضی‌های خوداند این خدمت دیده شود و هنوز هم متأسفانه این خدمت و کینه وجود دارد و تمامی هم ندارد. هفته سومی که در سال ۱۴ خرداد ایشان رسیدم، به جهت تشخیص مصلحت نظام، من هم این گفتفد که: در گذشته محبتی با فرماندهان داشتم چون من صحبتی با امام کردم و وقتی برای فرماندهان دیدار کردم، برایشان خیلی جالب بود و از هر جانوار آن دربار عرف طلب کردم چون این مطلب را برای اولین بار عرض کردم، متأسفانه این نور تا آخر در اختیار ایشان قرار نگرفت، صورتی که چنین دیدارهایی ضبط می‌شد که متأسفانه

در اختیار فرمانده جنگ قرار نمی‌گرفت؛ اما گفتفم چرا یک عده می‌خواهند نباشند. تصادفاً یکی از مقاماتی را که در تاریخ ۹۲/۸/۲۹ نوشته بودم، پیدا کردم که نوشته بودم: تاریخ‌سازی برادرم مبارک باشد! وسط این مقاله دو خط است. حمید اخوندی که خدرا رخشند کشت از آن تهیه کنندگان بود و مرحوم هاشمی به ایشان‌هم علاقه‌داشت و وقتی هم که می‌آمدند، حدود ۳۵ تا۳۷ ساعت ضبط می‌کرد و من از سرنوشت این ضبط شده‌ها هم اطلاعی ندارم، ایشان در جلسه‌ای گزارش دادند از کتاب «دره نوشته صادق کریمار در ۲۷ آبان یا همت بنیاد ادبیات داستانی ایرانیان با حضور چند نفر از جمله جناب آقای دعایی که در جلسه حاضر بودند.

آنجا گفتفد خطرات آقای هاشمی رفسنجانی و این چند نفر دیگر هم که نام بردند، در یک سریال بود، اما چند سریال متوقف شد. اخوندی با همان روحیه بزرگی که داشت، این موضوع را برای آقای هاشمی تعریف کرد

قهرمان جنگ و صلح



که: «خطرات شما در سریال آمده بود؛ اما کار متوقف شده است»؛ چرا باید خطرات فرمانده جنگ و جانشین حضرت امام سنانور شود که تهیه‌کننده نتواند سریال مربوط به آن را بسازد؟

چهار اختلاف کمرشکن
آقای هاشمی برای اداره جنگ بسیار دچار مشکلات بود. مشکل اول که تا آخر جنگ حل نشد، اختلاف بین ارتش و سپاه بود. آقای هاشمی تا سال ۷۲موق نشد.اتلاف بین ارتش و سپاه را ایجاد کند. اگر وقت بود، برخی نکات بر او عرض و به دو دست‌نوشته ایشان اشاره می‌کردم. آقای هاشمی رفسنجانی که رئیس مجلس شورای اسلامی بود و امام ایشان را به سمت جانشین خود در جنگ منصوب کردند، در آن مقطع چهار اختلاف کمرشکن مهم در بین مسئولان و فرماندهان ارتش و سپاه اختلافات در داخل سپاه، بین سپاه و نمایندگی ام در سپاه، فرمانده ارتش با اداره عقیدتی – سیاسی، فرمانده سپاه با رئیس‌جمهوری و بین رئیس دولت وقت و رئیس‌جمهوری وجود داشت. حالا در این شرایط جنگ چگونه باید تمام می‌شد؟ در این بین تدبیرهایی به وجود داشت که من به یکی دو نمونه اشاره می‌کنم:

در سال ۷۲ خطرات بسیار و ارتش مطرح می‌شود که فرمودند که آقای صیاد شیرازی هم طرحی برای ادغام ارتش و سپاه دارند، به نفع ارتش و راندن سپاه به امور

انتظامی، این یک تلاطم بود و در همان سال آقای صیاد شیرازی خواست مأمور طرح تهیه سازمان نیروی مسلح شود، آقای هاشمی گفتف: «لادم نیست، اگر نظری دارد، حضوراً ارائه ده».

صورت تحلیل مختصر تهیه و چاپ و منتشر گردید،

طبعاً برآوردکنی ۴۰مجلد در طول ده سال باعث شده که برخی از مجلدات در دسترس علاقه‌مندان و کتابخانه‌ها نباشد. برای پرکردن این خلأ تصمیم گرفته شد که مجموعه این مجلدات یکجا چاپ و منتشر شود. امروز همه علاقه‌مندان می‌توانند تمام این آثار را در اختیار داشته باشند. خوشبختانه همکاران مشغول تهیه متون تحلیلی تاریخ و مسائل سیاسی و امنی است که در مجموع به دست‌نوشته‌های من تبدیل شده است.

فرایند کار، کبر اکبر هاشمی رفسنجانی ۱۳۹۲/۱۲/۲۳
فاطمه هاشمی در دل‌نوشته‌ای بر این کتاب آورده است: «یک سال از پرواز ملکوتیات گذشت. در طول یک سال سال خطرات و روایت سربود رویدادهای حوادث و تأثیر گستران تاریخ انقلاب اسلامی برای مورخان و محققان و اندیشمندان و تسلاهی امروز و آینده است. حضور در مسئولیت‌های حساس و ملاقات‌ها و ملاحظه گزارش‌های متوج و سفرهای مهم داخلی و خارجی باعث شده که این مجموعه حاوی سرنخایی برای پیگیری رویدادهای مهم تاریخ باشد. از سال ۱۳۶۰ اکنون هر روز کارنامه و خطرات خود و بخشی از حوادث مهم داخلی و خارجی و مختصر و کوتاه یادداشت کرده‌ام و تاکنون ده جلد آن با اصلاحات جزئی ویراستاری، توسط دفتر نشر آینه گزین شده است. معارف انقلاب بخشن و بخش و منتشر شد. در کنار آن خطرات و جلدی دوران مبارزه و خطرات و خطرات خود را به صورت روزانه بنویسم، گذر کار با صبر و مقید نداشت با تکیه بر اسناد موجود به و لازم که وقت کمی را می‌گیرد

نظرها و اندیشه‌ها

عقیدتی و ستاد مشترک ارتش گله کرد و پیشنهاد تغییر هر دو را داشت. قرار شد برای رسیدگی جلسه مشترکی برگزار و حرف‌های دو طرف شنیده شود. این یک برش. برش دوم گفتفد در مقطعی در سال ۶۵ آقای محسن رضانی از اینکه ریاست‌جمهور را برخی فرماندهان سپاه در مورد تغییر فرمانده سپاه صحبت کردند، تلفنی گله کرد. آقای هاشمی می‌گوید در سال ۶۶ ساعت ۷ صبح روزی به دفتر ریاست‌جمهوری رفتم و درباره ارتش و سپاه مذاکره کردیم و ایشان از من خواستند که تمشیت را از ایشان بپوشم، چون روابط ایشان با سپاه به خوبی ارتش نیست و خوف این است که در جنگ تأثیر منفی بگذارد. از این اشکال نبود، مناسب بود که مسئولیت جنگ هم به عهده ایشان باشد. پاسخ غریب‌ستقیم به این که غیر از مسأله‌ای که در بحث ترور متوجه رهبری شد، امام روی این ملاحظه، فرماندهی جنگ را به آقای هاشمی

ارتش مسلط شوم و ارتشی‌ها تصور کنند که من از تعصب سپاهی‌گری استفاده کرده‌ام. با این کار می‌توانم امکانات ارتش را به نفع جنگ بکشانم. آقای هاشمی گفتفد: «اشکالات آن طرح را به آقای رضانی گفتفم، اما ایشان قانع نشد». در جای دیگری می‌خوانیم صیاد همین نقش آقای رضانی را ایفا می‌کند و می‌گوید: «شما سازمان نیروهای مسلح را متحد کنید تا من فرمانده آن شوم و آقای رضانی هم جانشین من شود». بیاداست که این طرح هم اجرانی‌شود و این مسأله‌ها به ماه پیش می‌رود.

چرا طغتنامه پذیرفته شد؟
توصیه من این است که خطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۶۶ را مطالعه کنید. نواری از قرارگاه تهریه شخصی شده است که ریز مذاکرات آقای هاشمی با فرماندهان سپاه در آن آمده است. حالا افرادی ایراد می‌گیرند که چرا آنجا چنین شد و آنجا چنین شد و قطعنامه چرا پذیرفته شد؟ من عرض می‌کنم که بهترین خدمت آقای

هاشمی به عنوان یک آدم واقع‌گرا به کشور، ختم جنگ بود. من در قرارگاه خاتم‌الانبیاء مسئول تهیه و تدارکات بودم در سه سال آخر جنگ، طرح‌هایی که در استادیوم آزادی مطرح می‌شد، شاید نمی‌ از جایگاه این صدهزار نفر بر نمی‌شد، نیروها نمی‌آمدند. دکتر ۲۵۰۰ نفر از تهران می‌آمدند. در آنجای گفتفم اگر خیابان جمهوری را ببینید، ۱۰ گردان درمی‌آید. از قرارگاه خاتم و از دوستان پرسیدم، از این ۲۵۰۰ نفر تعدادی برای تبلیغات، مدعاهای هم برای تدارکات و تعدادی برای بهداری می‌رفتند و رزمندهای وجود‌نداشت و این واقع‌گرایی آقای هاشمی را نشان می‌داد که اگر آن انگشت ملاقات داشت. ایشان تشخیص دادند که این قضیه را تمام کنند. با شجاعت تمام به امام گفتفد که این کار را نکنید.

در اینجا باز نکته‌ای از عرض می‌کنم. من از ایشان سؤال کردم، نفرمودند، اما از جای دیگری که از ذکر نام من معذورم، شنیدم که به امام گفتفد: «آقا شما قطعنامه را نمی‌پذیرید، من می‌پذیرم. شما فرمانده هستید، من جانشین شما هستم، بگویید ما را بازداشت کنند و مسئولیت آن را می‌پذیرم». امام جمله‌ای گفتفد و ایشان فرمودند: «آقای رجایی، من نمی‌خواهم به شما بگویم». ایشان هم حرف‌ری را به هر کسی نمی‌گفتفد و رابطه ما هم با ایشان جدی‌داشت، من از یکی از مقامات آن دوره که در جلسه بود، پرسیدم که: «امام چه گفتفد؟» گفت: «امام جمله تلخی را گفتفد، و اگر آن جمله را می‌توانستم بگویم، معلوم می‌شد که این جمله دکتر ظریف چقدر بیجاست که: «آقای هاشمی خودش را هزینه کرد و با امام تعارف نکرده» و امام هم آدمی نبود که تعارف کند. خلاصه کلام امام گفتفد که: «خودم قطعنامه را می‌پذیرم» و جمله تلخ را نمی‌گویند.

آقای هاشمی را سیر کرد. بر اساس واقع‌گرایی، به من چند بار فرمودند: «در فرماندهان سپاه، آقای شمعانی از همه عاقل‌تر بود؛ چون از سال ۶۲ به من گفت که آقای هاشمی، این جنگ برنده ندارد، و آخر جنگ هم که دوستان مستعزفند توان نظامی عراق دو برابر شد، جمعیت عراق نصف جغرافیای ایران بود، ما این همه کششیم، منهدم کردیم، اما توان آنها خرد می‌شد، دو برابر شد. سقوط هواپیمای مسافربری، بحث حملات

آیت‌الله هاشمی: من با تمام شدن جنگ، جلوی کشته‌شدن ایرانی‌ها را گرفتم. ختم جنگ برای من بسیار مهم بود: آن که کشته‌شدن عراقی‌ها نیز ناراحت می‌شدم. یک بار آیت‌الله خامنه‌ای با من گفتفد: «شما از جریان جنگ قهرمان بیرون می‌آیید» گفتفم: می‌خواهم قهرمان صلح باشم. روحیه من این گونه است

شیمیایی، بحث تفککش‌ها و... کشور را قفل کرده بود. خداوند روح را با پیامبر منحور کند که چه خدمتی به کشور کردند و جایی جنگ را متوقف کردی و به سمت قطعنامه بردن که امام فرمودند: تصمیم جمعی بود، تصمیم آقای هاشمی بود. همه قطع‌فدتنو جمع هم همه مدتین و صادق هستند، ولی متأسفانه مقدمه‌ا اجازه نمی‌دهد، ولی سهم آقای هاشمی در این مسائل محفوظ است. نکته آخر اینکه وقتی صدام به کویت حمله کرد، مسأله رمزگشایی شد و آقای هاشمی هم که خیلی فنی صحبت می‌شد، مطالب خود را در پس پرده بیان کردی. نکته بلایی که به ما وارد شد، صدام دچار یک گرفتاری شد و بعد هم به چه شکله برداشته شد. ایملورام روزی این نقش کایده شود تا ایران و ایرانی بفهمد که در شخصیت اندیشمند و روشمند را از دست دادند. من تاریخ را مطالعه کرده‌ام. شاید تا چهار پنج دهه دیگر، ایران فردی مثل هاشمی نداشته باشد؛ به دلیل اینکه ما در امام داریم، نه دوره مبارزه داریم، البته دست خدا بر است و بسته نیست و اشتدالله برکاتش بر این ملت و بر خاندان هاشمی جاری باشد.

استفاده شود. مبانی استنتاج شده نیز به چهار عرصه کلی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و ارزش‌شناسی تقسیم شده‌اند. اما به لحاظ اهمیت مباحث دینی در پژوهش‌های تربیت، اسلامی سعی شده در کنار مبانی ارزش‌شناسی، مبحث دین‌شناسی نیز جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

در کام دوم، بعد از تبیین و استنتاج مبانی، به مبحث تربیت اشتدالله و اشاره شده است که تربیت از دیدگاه آیت‌الله هاشمی چگونه قابل تبیین است. در این راستا، نگاهی نیز به تعاریف رایج از تربیت، تربیت نوین، تقریباً وی را نیز با آنها مورد مقایسه قرار داده و بر پایان به اهداف تربیتی، در قالب اهداف غایی و واسطه‌ای اقدام شده است.

در کام سوم، به مبحث تربیتی تربیت پرداخته شده است، در ذیل این مبحث که به نظر مؤلفان، مهمترین و کاربردی‌ترین بخش این اقدام از دل قنایات‌های او است استنتاج محسوب می‌شود، به استنتاج اصول به عنوان دستورالعمل‌های تجویزی و کاربردی و روش‌های محقق‌سازی تربیت، در این فصل سعی شده تا متناسب با مبانی استنتاج‌شده در فصل نخست، به استنتاج اصولی که مقتضای هر کدام از این مبانی باشد، هم‌چنین روش‌هایی که مقتضای این اصول باشد، اقدام شود. در این اثر هم‌چنین تلاش گردیده به منظور دوری از تکرار هر کدام از اصول و روش‌هایی که در دیگر کتب مربوط به فلسفه تربیتی اسلامی به آنها پرداخته شده، اجتناب و صرفاً به معرفی آنها

اکتفا شود.
روش‌ها نیز از دیدگاه‌های ایشان

شنبه ۱۹ دی ۱۳۹۶ - ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ - ۹ ژانویه ۲۰۱۸ - سال نود و دوم - شماره ۲۶۹۱۱

دولت و اقتصاد

توماس سوئل **ترجمه محمدحسین وفار** **بخش سوم**



یکی از نمونه‌های ناگوار برنامه‌ریزی دولت را می‌توان در تلاش دولت بریتانیا برای کشت بادم‌زمینی در مستعمره رودزیا بعد از جنگ جهانی دوم مشاهده کرد. اگرچه این طرح به شکستی پر هزینه منتهی شد، اما در اطراف جهان، کشاورزان معمولی، هر یک در زمین خود که با ویژگی‌های خاص آن بر مبنای تجربه شخصی مستقیماً آشنا شده‌اند، نسل بعد از نسل تصمیم گرفته‌اند که چگونه بادم‌زمین بکارند، چرا این برنامه دولت برای کاشتن بادم‌زمینی به چنین مصیبتی اقتصادی منتهی نشد؟ چرا کشاورزان کم‌درآمد یا حتی بی‌سواد توانستند کاری را انجام دهند که کارشناسان بسیار تحصیل‌کرده قادر به انجام آن نبودند؟ کشاورزان از معلومات بسیار دقیقی برخوردار بودند که اغلب از «نظر کلی کارشناس» بسیار مهمتر است.

اگرچه برنامه‌ریزی مرکزی در صنعت نیز سابقه نه چندان درخشانی دارد، ولی این حقیقت که شکست‌های آن در زمینه کشاورزی معمولاً بسیار سخت‌تر و اغلب مصیبت‌زاتر است، از نقش تعیین‌کننده معلومات حکایت دارد. تولیدات صنعتی و فرایندهای تولید صنعتی، در مقایسه با کشاورزی، یکپارچه‌تری بسیار بیشتری دارند. احتمال موفقیت دستورات مسمک در مورد نحوه تولید فولاد در ولادی‌وستوک و در مسکو دربارۀ نحوه کاشت هویج با توت فرنگی در ولادی‌وستوک بیشتر است.

یکی از خطرناک‌ترین اختیارات دولت‌ها، قدرت ممانعت از تأثیر معلومات بر تصمیمات است. از آنجا که دقیق‌ترین معلومات به صورت جزء جزء در سطحی وسیع در میان تعداد کثیری از مردم گسترده است، احتمالاً تصمیمات اندیشهٔ تعداد قابل توجه، از چوکی یا برنامه‌ریزان دولتی بر معلوماتی بسیار کمتر از معلومات موجود در سطح جامعه، مبتنی است. و وجود این، به مجرد آنکه تصمیم‌های دولت به قانون و سیاست تبدیل گردید، دیگر صحت یا سقم بوارهایی که شالوده آنها بوده‌اند، اهمیتی ندارد. قدرت بر حقیقت غالب است. تاریخ اقتصادی اتحاد شوروی نمونه بارزی است از سیاست‌های زیانبار منتهی به فقر گسترده در کشور بر‌خوردار از غنی‌ترین نعمت‌ها در جهان. مثلاً شهرت غنای خاک در مناطق وسیع بخش اروپایی اتحاد شوروی تا بدان‌جا رسیده بود که مینر قصد داشت بعد از فتح اتحاد شوروی، آن خاک را به منظور بهبود کشاورزی آلمان، با قطار به آلمان منتقل سازد؛ اما ممانعت خود او از رسیدن معلومات لازم به افسران آلمانی در جبهه روسیه، مانع تحقق این پیروزی گردید، که می‌توانست آزمایش این طرح را عملی سازد. اما این حقیقت که کشاوری با خاکی برخوردار از چنین کیفیتی مانند خاک اتحاد شوروی، باید برای تغذیه مردم خود مواد غذایی وارد کند، ملاک مهم ارزیابی کارایی و ناکارایی اقتصادی در تخصیص منابع کیماب است.

هزینه خارجی و سود خارجی

تصمیمات اقتصادی اندیشه از طریق باور همیشه از تصمیمی که دولت می‌تواند بگیرد، بهتر نیست. عوامل بسیاری بر انعکاس صحیح هزینه و سود توسط معاملات بازار بستگی دارد. بدین لحاظ در بعضی شرایط انعکاس صحیحی وجود ندارد. وقتی کسی زیر یا تراکتوری را می‌خرد، به این سؤال که آیا این شیء ارزش هزینه‌اش را دارد یا اقدامات خریداری که تصمیم می‌گیرد آن را بخرد، پاسخ داده می‌شود؛ اما وقتی شرکت برق برای تولید برق زغال سنگ می‌خرد و آن را فروشد، بخش مهمی از هزینه این عمل را مردمی می‌پردازند که دود ناشی از سوختن زغال سنگ را تنفس می‌کنند و خانه‌ها و اتومبیل‌هایشان در نتیجه دوده کثیف می‌شود. هزینه تمیزکردن، رنگ‌آمیزی و خدمات پزشکی در بازار در نظر گرفته نمی‌شود؛ زیرا این مردم در معاملات میان تولیدکننده زغال‌سنگ و شرکت برق مشارکت ندارند. این هزینه را اقتصاددانان «هزینه‌های خارجی» می‌خوانند؛ زیرا این‌گونه هزینه‌ها در خارج طرفهای معامله، که این هزینه را ایجاد می‌کنند، قرار می‌گیرد؛ بنابراین هزینه‌های خارجی در بازار در نظر گرفته نمی‌شود، حتی وقتی هزینه‌های بسیار معتنابه باشد و از زیان پولی فراتر رود و از جمله موجب بیماری و مرگ زودهنگام گردد.

اگرچه تصمیمات بسیاری از طریق بازار کارآمدتر از دولت اخذ می‌شود، اما این یکی از آن مواردی است که تصمیمات بازار کارآمدتر از دولت است. برای مثال، قوانین می‌تواند با موانع مقررات لازم موجب کاهش گزاهای مضر خروجی شود. به همین ترتیب، قوانین آب پاک و قوانین دفع زباله‌های سمی می‌تواند موجب اخذ تصمیم‌هایی گردد و بنابراین، منافع آنها در نظر گرفته نشود. منافع کلی هر یک از کامیون‌های رای هر کس که در باران شدید پشت کامیونی رانندگی کرده یا با پاشیدن آب یا گل به شیشه جلو او، دیدش را در حد خطرناکی کور نموده باشد، باید یکی است اگر همه موفق باشند که منافع کلنگری بسیار بیش از هزینه آن است، راهی عملی برای خرید آن منافع در بازار آزاد وجود ندارد؛ زیرا دید کلنگری که می‌خرد و روی اتومبیل‌تان نصب می‌کند، صرفاً نفعی نمی‌برد، بلکه تنها از کلنگری‌هایی نفع می‌برد که دیگران می‌خرند و روی کامیوشان نصب می‌کنند.

اینها «سود خارجی» می‌خوانند. در اینجا نیز ممکن است تصمیمی از طریق دولت جوریه شود که به دست آورد که به صورت افرادی از طریق بازار به دست آمدنی نیست و تنها با قوانینی که کامیون‌ها را ملزم به نصب گلنگری می‌کند، قابل تحقق است. بعضی سودها نمایانند. یا فله این سودها را به دست می‌آورند یا هیچ‌کس دفاع نظامی یک نمونه از آن است. اگر لازم بود دفاع نظامی به صورت افرادی از طریق بازار خریداری شود، در آن صورت کسانی که هزینه قبل قراردادی خارجی احساس خطر می‌کنند، می‌توانستند هزینه تفنگ، توپ و همه دیگر وسایل بازدارندگی نظامی و دفاع از خود را بپردازند، و کسانی که خطری متوجه خود نمی‌دیدند، می‌توانستند از خرج کردن پولشان برای این مقاصد امتناع کنند؛ اما وضع اینست: نظامی برای هر دو یکسان می‌بود، زیرا در هر جامعه، حامیان و مخالفان نیروهای نظامی از هم تفکیک‌ناپذیر و به یک میزان در معرض خطر اقدام دشمن قرار دارند.

با توجه به غیرقابل تفکیک بودن سودها، حتی بعضی شهروندانی که خطرات نظامی را کاملاً درک می‌کنند، و به نظرشان تأمین هزینه آن با سود آن کاملاً توجیه می‌شود، باز هم دلیلی برای خرج کردن پول خود برای مقاصد نظامی نخواهند داشت؛ زیرا پرداخت افرادی آنها تأثیری جدی بر امنیت افرادی خود آنها نخواهد داشت، و اساساً به سهمی که دیگران تأمین آن را برعهده می‌گیرند، بستگی دارد. در چنین وضعیتی، اگر گروه همه هزینه دفاع مؤثر را درک کرده و معتقد باشند که آن منافع ارزش این هزینه را دارد، باز هم کاملاً ممکن است در نهایت دفاع نظامی غیرکامیاب باشد.

با دست‌جمعی ساختن این تصمیم و واداشتن دولت به اخذ آن در مقایسه با اخذ تصمیمات افرادی توسط مردم در مورد نحوه عمل دولت می‌توان نهایتاً به نتیجه‌ای رسید که با خواست اغلب مردم هماهنگی بیشتری دارد. حتی قوی‌ترین مدافعان بازار آزاد نیز پیشنهاد نمی‌کنند که افراد باید دفاع نظامی خود را در بازار خریداری کند. خلاصه کلام، بعضی کارها را دولت می‌تواند کارآمدتر از افراد انجام دهد؛ زیرا هزینه خارجی یا سود خارجی، از تأثیر تصمیمات افرادی ناشی از منافع فردی در روش مقایسه هزینه‌ها و سودها برای کل جامعه، می‌کاهد.

تعیین معیارها نیز از دیگر وظایف دولت است و در این طبقه قرار می‌گیرد. قرنها دولتها مقیاس‌های اندازه‌گیری را تعیین کرده یا بعضی‌مقیاس‌ها را مدنرض عرض خطوط راه‌آهن را مقرر داشته‌اند، اینچ، یارد و مایل، همانند پاینت، کوارت و گالن، همه واحدهای اندازه‌گیری بوده‌اند. دولت‌ها نیز در هر فرد واحدهای اندازه‌گیری خاص خود را ایجاد کنند. انجام معاملات و قراردادهای همانند فرایند اثار قانو، به کابوسی از پیچیدگی تبدیل می‌شود. زمانی که نخستین بار راه‌آهن ساخته شد، هر شرکت برای تعیین فاصله ریلها از یکدیگر نیاز بود. در نتیجه عرض ریلها در خطوط مختلف راه‌آهن به یکدیگر متفاوت بود؛ به عبارت دیگر، فاصله میان چرخ‌های قطار نیز با هم فرق داشت، به طوری که قطارهای یک خط‌آهن نمی‌توانستند فرد خط‌آهن دیگری حرکت کنند. در این وضعیت، اتصال نقاط مستقیم کشور به یکدیگر به خطوط آهن بسیار پرهزینه‌تر از آن می‌شد که اگر قطارها می‌توانستند، به علت وجود خطوط آهن به عرض، از سانفرانسیسکو به شیکاگو بروند. وقتی ریل‌های عرضهای متفاوت داشتند، امواج سبزی مستلزم ساخت: خطوط آهن بسیار بیشتری بود، که بسیاری از آنها از خطوط موازی ایپنهای مختلف تشکیل می‌شد. معیارهای تعیین‌شده توسط دولت برای فاصله میان ریلها این مسئله بسیار پرخرج را رفع نمود.

ادامه دارد

پزشک در ردای نخست وزیر



تردیدی نیست که آمریکایی‌ها معتقد بودند او نخست وزیری بهتر از مسن خواهد بود و این نکته‌ای بود که در برخی روزنامه‌های عمده و مجلات سیاسی نقل کرده بودند زیرا من بسیار تند پودم و از آمریکایی‌ها هرگز هراسی نداشتم، با این حال کوشیدم «آنور» را به دیدار سانواترها و نمایندگان آمریکایی راضی کنم و در جلسات آموزشی که تنظیم می کرد، شرکت می کردم. من تردیدی در اهداف او برای دعوت هر ساله از آمریکایی‌ها برای بازدید از «مالزی» نداشتم. ظاهراً به قصد ایجاد فرصت آشنایی بهتر با «مالزی» بود و هنگامی که به دلیل علول از قوانین کفیری ما، تصمیماتی علیه او اتخاذ کردم همه این افراد محکوم کردند و خواهان آزادی او شدند. بعدها زمانی که بازداشت به اتهام فساد محاکمه شد و ادعا کرد او کسی است که با موقعیت بجران از را حل کرده است، دولت نامگزیر شد با هزینه‌های شهرت بین‌المللی وی، تعامل کند. در داخل، برخی رهبران «آمنو» که «آنور» آنها را دوست نداشت یا از نزدیکان من به شمار می‌رفتند، از تنگنا قرار گرفتنشان از سوی وی شکایت کردند زیرا او معاون نخست وزیر بود. در سال ۱۹۹۳، «نون محمد حنیف ابراهیم» بازرس عمومی پلیس وقت به دیدار آمد و با خود مدارکی مبنی بر رفتار غیراخلاقی «آنور» آورده بود. این نهیمت آنقدر مهم بود که من صحت آن را بعد دانستم و به نظم رسید دمی است خطرناک که علیه من چیده شده است. پیشنهاد هیچ اقدامی را نذادم ولی پلیس به تحقیقات خود ادامه داد زیرا کارش مهم است. تا سال ۱۹۹۸، که مدارک رسمی مستند پیدا شد و ناگزیر شدم اقداماتی انجام دهم، هیچ گزارش دیگری به دستم نرسید. داستان این اقدامات را در یکی از فصل‌های بعدی، توضیح خواهم داد.

در این میان، کوشش‌های «آنور» برای اجبار من به کناره‌گیری، افزایش یافت. من نگرانی چندانی نداشتم. روابط ما متشنج شد و تردیدهایی در اینکه رهبر خوب و جانشین مناسبی برای من باشد، در من ایجاد شد ولی باید طوری با وی رفتار می‌کردم که گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است، درست مانند زمانی که اوضاع میان من و «نون موسی» شرکاب شد. این شیوه من در برخورد با مردم است. من متهمشان نمی‌کنم ولی کار خود را چنان ادامه می‌دهم که گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است‌و محبوبیت خود را در داخل حزب از دست داد و در مرحله بعد آماده بومد او را بازگردانم و هنگامی هم که هوادارانش می‌خواستند او به عنوان معاون نخست وزیر و معاون رئیس حزب باز گردد، اعتراض نکردم. برای من روشن شد که این استراتژی درستی است. در مورد «آنور» هم عیناً همین روش را در پیش گرفتم. «آنور» به تدریج موقعیت خود را ضعیف تر کرد و چنان اقدام می کرد که گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است. در این میان شمارزی از اعضای دولت سخنان نه چندان خوشایندی اینجا و آنجا دربارام می گفتند و به رغم همه کارهایی که «آنور» و همیمانان این انجام می‌دادند و همه شیوه‌های خبیثانه‌ای که به کار می گرفت، آواره خود را به عنوان یک آدم پارسا و دیندار، حفظ کردم.بر ترديدپایم غلبه و احساس اعتماد به نفس زیادی درصورت ملازمه مستقیم با وی بر سر نخست‌وزیری کردم زیرا همچنان فکر بومدم بر او ویروز شوم. اما چنانکه‌که حوادث هم فعلا نشان داد، حملات تجّار بین‌المللی از علیه رینگ مالزی در فاصله سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸، همه نقشه‌های مرا برای کناره‌گیری پس از بازی‌های ورزشی کشورهای مشترک المنافع در «کوالالمپور» نقش بر آب کرد. سرفطر از برنامه‌های شخصی که داشتم، من در این شرایط نمی‌توانستم کناره‌گیری کنم و در شرایطی که کشور با بحران بزرگی روبرو بود، نمی‌توانستم بروم. وظیفه خود می‌دانستم که ابتدا اوضاع را سر و سامان دهم و این چیزی بود که به ویژه مورد تأکید قرار گرفت زیرا جانشین «آنور» در برخورد با اوضاع، کاملاً ناتوان بود. او متعهد به فرمول صندوق بین‌المللی بود و اوضاع را بدتر کرد و اگر اقدامات اصلاحی صورت نمی‌گرفت، کشوری که در اختیار جانشینم قرار می‌گرفت، غرق در رکود اقتصادی می‌شد.

ادامه دارد

«دونالد ترامپ» در نخستین راهبرد امنیت ملی خود، چین و روسیه را به عنوان رقیبای دانست که نفوذ، قدرت و پیشوایی آمریکا را در آینده تهدید می کنند. رئیس جمهوری آمریکا بر افزایش توان واشنگتن و ضرورت جلوگیری از روند روبه رشد قدرت این دو کشور تأکید دارد.

به گزارش گروه تحلیل، تفسیر و پژوهش‌های خبری ایرنا، اخیراً دونالد ترامپ نخستین راهبرد امنیتی ملی خود را برای تعیین سیاست‌های آتی آمریکا منتشر کرد و در آن بر چهار موضوع به عنوان پایه‌های استراتژی خود تمرکز کرد. رئیس جمهوری آمریکا چهار پایه حفاظت از مهن، ارتقای سطح رفاه مردم و امنیت اقتصادی آمریکا، تضمین صلح از طریق اعمال قدرت و افزایش نفوذ آمریکا در جهان را به عنوان محورهای راهبرد خود بیان کرد. اگرچه ترامپ در این راهبرد شعار انتخاباتی خود یعنی «اول آمریکا» را اصل قرار داد.

وی حمایت از اقتصاد داخلی در کنار ایجاد سازان تجاری با کشورهای جهان را مهم دانست. رئیس جمهوری آمریکا چین را به عنوان مهم ترین تهدید در حوزه سیاسی و اقتصادی قرار داده است. در این چارچوب روسیه نیز به عنوان تهدید مهم امنیتی و سیاسی برای آمریکا مطرح شده‌ است.از نگاه استراتژی امنیت ملی ترامپ، رقابت با قدرت‌های دیگر به ویژه چین و روسیه چالش اصلی برای قدرت، منافع، نفوذ، امنیت و رفاه آمریکا خواهد بود.

سندی تکراری
تحلیلگران و رسانه‌های آمریکا بسیاری از مولفه‌های راهبرد امنیت ملی آمریکا را تکرار رویکردهای روسای جمهوری پیشین آمریکا می‌دانند. از این رو به سسند اخیر ترامپ انتقادهای بسیار زیادی وارد می‌کنند. روزنامه «شیکاگو تریبون» در گزارشی از احتمال وجود راهبرد مخفی ترامپ در این سند استراتژیک سخن به میان آورد و نوشت: این راهبرد سوا‌های جدی را در مورد آینده رهبری آمریکا، ایالات متحده و جهان آورده است. پیش از این ۱۶ سند امنیت ملی از سوی روسای جمهوری آمریکا منتشر شده بود که همه آنها دفاع از مهن را هدف اصلی خود بیان کرده‌اند. ترامپ در راهبرد خود، روسیه و چین را مهمترین چالش برای برتری جهانی آمریکا دانست. اواما هم این دو کشور را تهدیدی برای آمریکا توصیف کرد اما آنها را متفاوت دانست. وی در مقابل چنین خط مشی‌های ظریفی را در سنایه رقابت توام با همکاری در

پیش گرفته بود. حال آنکه ترامپ به روسیه و چین با یک چشم نگاه کرده و هسر دو را به عنوان یک رقیب ژئواستراتژیک فرض کرده است.روزنامه نیویورک تایمز نیز در مرحله هشدار قرار می دهد زیرا چین نوشته است بسیاری عناصر امنیت ملی مورد نظر ترامپ، از سسوی روسای جمهوری پیشین آمریکا نیز مسورد قرار گرفته. به همین دلیل نباید به این سند ۵۵ صفحه‌ای تمرکز کرد بلکه باید دید ترامپ چه

به روسیه و ۲۳ بار به چین اشاره شده است.

نویسنده گزارش تارنمای فوربس نیز ژئواستراتژیک دارد راهبرد امنیت ملی ترامپ، رقیبا را در مرحله هشدار قرار می دهد زیرا چین به عنوان رقیب استراتژیک آمریکا، می‌تواند نظم مورد نظر آمریکا در عرصه بین المللی را تضعیف کند. کتا و ذهنیت جنگ سردی خود را ایالات متحده اکنون به اشتگی از شرایط لیبرالی پس از جنگ سرد دور می شود و در روابط تجاری

ترامپ این کشور را چالش مهم امنیت ملی آمریکا در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی می داند. به نوشته تارنمای شبکه تلویزیونی سی‌ان‌بی‌سی،چین،منتقد جدی راهبرد امنیتی ترامپ است و به عنوان رقیب استراتژیک آمریکا، اهداف استراتژیک چین خودداری کند و ذهنیت جنگ سردی خود را ایالات متحده اکنون به اشتگی از شرایط لیبرالی پس از جنگ سرد اظهار داشت؛ یکن و واشنگتن باید

کارشناسان اعتقاد دارند این سند در مورد روسیه هم تناقضاتی دارد. این سند راهبردی از یک سو بر مقابله با روسیه تأکید دارد اما سیاست‌های اعلامی واعمالی ترامپ به دنبال نزدیکی بیشتر واشنگتن و مسکو است. روسیه سند راهبردی ترامپ را امپریالیستی می داند که به دنبال افزایش سیطره آمریکا بر جهان است. شبکه تلویزیونی ای‌بی‌سی بیشتر از این فهرست است اما وبگاه هیل به ذکر این ۱۰ مورد بسسند کرده است:

راهبرد امنیت ملی ترامپ؛ ادامه راه اسلاف یا تغییر؟

داشتن افکار ژئادپرستانه منتهم است، در بیانیه خود از محکوم کردن صریح اقدامات گروه‌های ژئادپرست خودداری کرد و گفت:خشونت از سوی همه طرف‌ها را محکوم می‌کند. او تـازه بعد از دو روز، تحت فشار رسانه‌ها با صدور بیانیه تازه‌ای صراحتاً از گروه‌هایی چون «کـو کلاـس کلاـن»، نـونازـی‌ها و سفیدپـر تر پندارها اعلام برائت کرد. این اظهارات ترامپ واکنش‌های تند منتقدان را به همراه داشت.

بخش دوم و پایانی

چالش‌های نوظهور در امنیت ملی آمریکا

*** «دونالد ترامپ» در نخستین راهبرد امنیت ملی خود، چین و روسیه را به عنوان رقیبای دانست که نفوذ، قدرت و پیشوایی آمریکا را در آینده تهدید می کنند**

*** ترامپ در حالی که تنها یک هفته از ورودش به کاخ سفیدی گذشت با امضای یک فرمان اجرایی اتباع چند کشور مسلمان از جمله ایران را از ورود به خاک آمریکا منع کرد**

۱- اخراج جیمز کومی
ترامپ حدود هشت ماه پیش در اقدامی غیرمنتظره جیمز کومی را از ریاست اداره فدرال تحقیقات آمریکا برکنار کرده است. کومی چندین قبل در اظهاراتی که خشم رئیس جمهور آمریکا را به همراه داشت، تأکید کرد که تحقیقاتی در مورد ارتباط نزدیکان ترامپ با روسیه در جریان است.

۲- دفاع از ژئادپرستان سفیدپوست
دفاع ترامپ از گروه‌های طرفدار برتری نژادی سفیدپوستان در اخبار پیرامون ترامپ در سراسر ماه آگوست سیه افتاد. در تجمعی که ماه آگوست با شرکت گروه‌های نئونازی، سفیدپر تر پندارها، ملی‌گرایان افراطی و حامیان ترامپ برگزار شد، شعارهای تندی در حمایت از برتری آمریکا، نژاد سفید و علیه مهاجران داده شد. در این سخنرانی‌ها کومی نیز با تکرار ۲۰۱۷ درگیرها ۳ نفر کشته و ۳۵ نفر نیز مجروح شدند.

۳- فرمان منع مسافرت
ترامپ در حالی که تنها یک هفته از ورودش به کاخ سفید می‌گذشت با امضای یک فرمان اجرایی اتباع چند کشور مسلمان از جمله ایران را از ورود به خاک آمریکا منع کرد. این فرمان اولین اقدام پس از ایجاد هرج و مرج و جنجال در فرودگاه‌ها با رأی یک قاضی فدرال متوقف شد. ترامپ بعداً چندین بـسار این فرمان را اصلاح کرد.

۴- فحاشی به ورزشکاران
ترامپ در ماه سپتامبر به شماری از ورزشکاران لیگ فوتبال آمریکایی که هنگام پخش سرود ملی قیام نکردند، فحاشی کرد.این ورزشکاران در اعتراض به رفتارها و تصمیم‌های ترامپ هنگام پخش سرود ملی آمریکا زانو زدند. ترامپ مدتی بعد با لحنی توهین‌آمیز خطاب به آنها گفت: وقتی کسی به پرچم کشور ما احترام نمی‌گذارد، باید گفت آن حرام‌زاده باافلاصله از بیرون می‌آمده است. آنها باید اخراج می‌شدند.

۵- تنش‌های لفظی با رهبر کره شمالی
رفتارهای تکانشی و غیرقابل کنترل ترامپ به صحنه بین‌المللی هم کشیده شد. ترامپ در یک سخنرانی در سازمان ملل از لفظ



خود به دنبال دستاوردهای مطلق است. در واقع آمریکا می‌خواهد به دستاوردهای نسبی خود در روابط بین‌الملل در یک رویکرد واقع‌بینانه اولویت بدهد.

واکنش به نگاه جنگ سردی ترامپ
بسیاری از تحلیلگران معتقد هستند رویکردهای ترامپ در سند امنیت‌ملی جدید آمریکا شباهت‌های بسیاری به دیدگاه‌های روالاند ریگان دارد که در مقام ریاست جمهوری آمریکا در دوره جنگ سرد به شدت بر طبل مقابله با روسیه در شرق به نیوزویک در گزارشی در این زمینه اعتقاد دارد که براساس تحلیل برنامه‌ها، دوره رقابت قدرت‌های بزرگ در حال تکرار شدن است. چیزی که این نتیجه‌گیری را مورد تأیید قرار می‌دهد آن است که در استراتژی امنیت ملی آمریکا ۱۵ بار

مسئولیت‌های مهم جهانی خود را عملی کنند و منافع مشترک و جامع خود را در چارچوب ثبات و صلح جهانی و توسعه دیگر کشورها دنبال کنند.به نوشته این گزارش رشد سریع اقتصادی چین، این کشور را به عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی در جهان در دوران پس از جنگ سرد مطرح کرده است. این کشور به ویژه با اقدامات پنهانی در عرصه فضایی مجازی منتهم شده است.

عنوان کرد و روابط دو کشور را به مرور هم این سسند را به شدت دارای روحیه امپریالیستی (سلطه‌طلبانه) می‌داند و نـشـانـه‌ی هم‌دکـلـی برقرار شد، شعارهای تندی در حمایت از برتری آمریکا، نژاد سفید و علیه مهاجران داده شد. در این سخنرانی‌ها کومی نیز با تکرار ۲۰۱۷ درگیرها ۳ نفر کشته و ۳۵ نفر نیز مجروح شدند.

یک وبگاه آمریکایی به بررسی ا رویداد جنجالی در ارتباط با

فراخوان مزایده واگذاری برخی از غره‌های دانشگاه صنعتی شریف

دانشگاه صنعتی شریف در نظر دارد ارائه خدمات -فروش و تعمیر ماشینین های اداری - دفتر خدمات طراحی، چاپ و تبلیغات - فروش لوازم کامپیوتر و خدمات تایپ و تکثیر- را از طریق برگزاری مزایده عمومی به شرکت ها و یا افراد واجد صلاحیت واگذار نماید.جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس www.sharif.ir مراجعه فرمایید.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت گروه پزشکی (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۷۷۶۴۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۲۴۹۲۱

بدینوسیله به‌اطلاع می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت گروه پزشکی لاه روز جمعه مورخ ۹۶/۱۱/۹ ساعت ۱۰:۰۰ صبح در محل بیمارستان واقع در تهران، شهرک غرب، فاز ۵ سیمای ایران، نبش فلامک جنوبی تشکیل خواهد شد. از کلیه سهامداران تقاضا می‌گردد که در مجمع فوق حضور بهم رسانند.

دستور کار جلسه:

– بررسی رای‌گیری در انتخابات هیئت‌مدیره بیمارستان به‌خصوص در مورد نوع اسالت واکلت‌ها در مجامع

هیئت‌مدیره گروه پزشکی لاله

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنعتی‌زا (سهامی عام)

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنعتی‌زا (سهامی عام) و نمایندگان قانونی آنان دعوت به‌عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که در ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ در محل تهران – بلوار غربی مجموعه ورزشی آزادی – مرکز همایش‌های بین‌المللی پژوهشگاه صنعت نفت – سالن کاسپین تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش فعالیت هیئت‌مدیره در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۰۶/۳۱ – استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی شرکت در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۰۶/۳۱ – بررسی و تصویب صورت‌های مالی شرکت اصلی برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۰۶/۳۱ – بررسی و تصویب صورت‌های مالی تلفیقی ابدان سرمایه‌گذاری گروه صنعتی‌زا (سهامی عام) برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۰۶/۳۱ – تصویب میزان سود تقسیمی مربوط به سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۰۶/۳۱ – تصویب میزان پاداش و حق حضور اعضای هیأت‌مدیره ۲- انتخاب حسابرس مستقل و بازرسان (اصلی و علی‌البدل) قانونی برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۰۶/۳۱ ۳- انتخاب روزنامه کنیرال-انتشار جهت درج هر گونه دعوت، اطلاعات و آگهی‌های منتشره شرکت ۴- سایر مواردی که اتخاذ تصمیم در خصوص آن در مجمع عمومی عادی باشد.
ضمناً سهامداران محترمی که مالیل به حضور در جلسه مجمع مذکور می‌نایسند لازم است با در دست داشتن برگه سهام و کارت‌ملی و یا واکالت‌نامه رسمی به همراه کارت ملی در ساعت اداری روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه مورخ ۲۶ و ۲۷ دی ماه سالجاری به محل شرکت واقع در تهران (خیابان شهید رجایی) حضور داشته‌باشند (ظفر) شماره ۱۲ – اداره سهام و مراجعه و کارت ورود به جلسه را دریافت نمایند.

هیات‌مدیره شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنعتی‌زا (سهامی عام)

روابط بین‌الملل

ترامپ این کشور را چالش مهم امنیت ملی آمریکا در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی می داند. به نوشته تارنمای شبکه تلویزیونی سی‌ان‌بی‌سی،چین،منتقد جدی راهبرد امنیتی ترامپ است و به عنوان رقیب استراتژیک آمریکا، اهداف استراتژیک چین خودداری کند و ذهنیت جنگ سردی خود را ایالات متحده اکنون به اشتگی از شرایط لیبرالی پس از جنگ سرد اظهار داشت؛ یکن و واشنگتن باید

کارشناسان اعتقاد دارند این سند در مورد روسیه هم تناقضاتی دارد. این سند راهبردی از یک سو بر مقابله با روسیه تأکید دارد اما سیاست‌های اعلامی واعمالی ترامپ به دنبال نزدیکی بیشتر واشنگتن و مسکو است. روسیه سند راهبردی ترامپ را امپریالیستی می داند که به دنبال افزایش سیطره آمریکا بر جهان است. شبکه تلویزیونی ای‌بی‌سی بیشتر از این فهرست است اما وبگاه هیل به ذکر این ۱۰ مورد بسسند کرده است:

راهبرد امنیت ملی ترامپ؛ ادامه راه اسلاف یا تغییر؟

چالش‌های نوظهور در امنیت ملی آمریکا

*** «دونالد ترامپ» در نخستین راهبرد امنیت ملی خود، چین و روسیه را به عنوان رقیبای دانست که نفوذ، قدرت و پیشوایی آمریکا را در آینده تهدید می کنند**

*** ترامپ در حالی که تنها یک هفته از ورودش به کاخ سفیدی گذشت با امضای یک فرمان اجرایی اتباع چند کشور مسلمان از جمله ایران را از ورود به خاک آمریکا منع کرد**

۱- اخراج جیمز کومی
ترامپ حدود هشت ماه پیش در اقدامی غیرمنتظره جیمز کومی را از ریاست اداره فدرال تحقیقات آمریکا برکنار کرده است. کومی چندین قبل در اظهاراتی که خشم رئیس جمهور آمریکا را به همراه داشت، تأکید کرد که تحقیقاتی در مورد ارتباط نزدیکان ترامپ با روسیه در جریان است.

۲- دفاع از ژئادپرستان سفیدپوست
دفاع ترامپ از گروه‌های طرفدار برتری نژادی سفیدپوستان در اخبار پیرامون ترامپ در سراسر ماه آگوست سیه افتاد. در تجمعی که ماه آگوست با شرکت گروه‌های نئونازی، سفیدپر تر پندارها، ملی‌گرایان افراطی و حامیان ترامپ برگزار شد، شعارهای تندی در حمایت از برتری آمریکا، نژاد سفید و علیه مهاجران داده شد. در این سخنرانی‌ها کومی نیز با تکرار ۲۰۱۷ درگیرها ۳ نفر کشته و ۳۵ نفر نیز مجروح شدند.

۳- فرمان منع مسافرت
ترامپ در حالی که تنها یک هفته از ورودش به کاخ سفید می‌گذشت با امضای یک فرمان اجرایی اتباع چند کشور مسلمان از جمله ایران را از ورود به خاک آمریکا منع کرد. این فرمان اولین اقدام پس از ایجاد هرج و مرج و جنجال در فرودگاه‌ها با رأی یک قاضی فدرال متوقف شد. ترامپ بعداً چندین بـسار این فرمان را اصلاح کرد.

۴- فحاشی به ورزشکاران
ترامپ در ماه سپتامبر به شماری از ورزشکاران لیگ فوتبال آمریکایی که هنگام پخش سرود ملی قیام نکردند، فحاشی کرد.این ورزشکاران در اعتراض به رفتارها و تصمیم‌های ترامپ هنگام پخش سرود ملی آمریکا زانو زدند. ترامپ مدتی بعد با لحنی توهین‌آمیز خطاب به آنها گفت: وقتی کسی به پرچم کشور ما احترام نمی‌گذارد، باید گفت آن حرام‌زاده باافلاصله از بیرون می‌آمده است. آنها باید اخراج می‌شدند.

۵- تنش‌های لفظی با رهبر کره شمالی
رفتارهای تکانشی و غیرقابل کنترل ترامپ به صحنه بین‌المللی هم کشیده شد. ترامپ در یک سخنرانی در سازمان ملل از لفظ

فراخوان مناقصه نوبت اول

شرکت مدیریت طرح و اجرا ء خانه‌سازی ایران (متعلق به سازمان تامین اجتماعی) درنظر دارد جهت اجرای پروژه زیر، پس از شناخت پیمانکاران از طریق مناقصه عمومی به انتخاب پیمانکار اقدام نماید .

شماره فراخوان	عنوان پروژه	پروژه براساس فهرست نهایی سال ۹۶ (ریال)
۹۶/۱۷۷/۱	اجرای کارهای ساختمانی و تأسیساتی پروژه مجتمع رفاهی ورزشی تامین اجتماعی اراک (رتبه ۴ آب و ف ۴ تأسیسات)	۱۲۱,۲۸۰,۰۰۰,۰۰۰

توجه: پذیرش اسناد ارزیابی منحصراً از طریق لوح فشرده (CD یا DVD) خواهد بود.
جهت اطلاعات بیشتر به قسمت «فراخوان عمومی» پروژه مذکور در وب سایت شرکت مراجعه نمایید.
نمذاز کلیه شرکت‌هایی که دارای کواپمنامه صلاحیت پیمانکاری حداقل درخواستی بوده و از تجربه، توانایی و صلاحیت کافی برخوردار هستند، دعوت می‌گردد، فقط با مراجعه به آدرس اینترنتی (وب سایت) www.khanehsazi.com ضمن پرداخت هزینه مربوط، نسبت به دریافت فرم‌های ارزیابی معقدور تکمیل و ارسال آن تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ به آدرس زیر اقدام نمایند.نشانی: تهران، بلوار کشاورز، خیابان شهید ابراهیم عبیدله زاده، خیابان شهیدی سازمان آب، پلاک ۳۳. دفترحراست (سنگتاسه مناقصه گزای دی فیول یا کار با پیشنهادات مختار است). تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۱۱۹۶۱
تذکر: ضرورت ارائه اسناد بصورت نسخ فاقدی در قالب روزکن. (دفترچه‌های فز شیراز به یاد آور شده یا هر روش دیگر. اسناد ارزیابی مورد ارزیابی برای شرکت خواهد گرفت توجه: ۲۰٪ هزینه اجرای پروژه بدینوسیله تهاش زمین با ملک مستطیک خواهد گردید.

شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای

تلفن: ۰۷۷-۲۳۳۳۴۶۷۸-۲۳۳۳۳۰۰۰

به پیشنهادهای فاقد امضاء، شروط، خودش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت و سسات مقرر رد فراخوان واصل می شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوط رد اسناد مناقصه مندرج است.

هزینه درج آگهی به عهده رندهنده مناقصه می باشد.

ضمناً می توانید این آگهی را در سایت اینترنتی WWW.Tavanir.org.ir و پایگاه ملی مناقصات مشاهده نمایید.

مناقصه گزاری: شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر

نوع تضمین شرکت رد مناقصه: ضمانت نامه بانکی (معتبر)

کسر از خالصی مطالبات نزد امور مالی

و از وجه نقد به شرح اسناد مناقصه

مبلغ خرید آستاند: ۵۰۰۰۰ ریال رد وجه شرکت توزیع نیروی برق استان

بوشهر به شماره حساب ۲۱۹۵۱۲۱۰۵۳۰۸ بانک صادرات شعبه میدان امام (ره)

تاریخ فروش آستاند: ۹۶/۰۱/۲۴ لغایت ۹۶/۰۱/۲۴

محل تحویل آستاند: امور تدارکات شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر -

ردیف	موضوع مناقصه	شماره مناقصه	مبلغ تضمین روال	محل تامین اعتبار	آخرین مهلت تحویل پاکت ها	تاریخ بازگشایی پاکت های الف و ب
۱	خرید انواع لامپ بخار بخار پرفشار	۹۶/۱۷۱ م	۳۰۵,۰۰۰,۰۰۰	داخلی	حداکثر تا ساعت ۱۰ ۹۶/۱۱/۹	ساعت ۱۳:۰۰ ۹۶/۱۱/۹

امور تدارکات و انبارها - شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر

امور تدارکات و انبارها – شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر

NOVIN INSURANCE

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده صاحبان سهام شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ شناسه ملی ۱۰۳۸۰۸۶۸۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت بیمه نوین (سهامی عام) به شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ دعوت می شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر - خیابان شهید سنجابی (بهروز) - پلاک ۱۱ تشکیل می شود، حضور به هم رسانند. سهامداران محترم به منظور دریافت برگه ورود به جلسه مجمع مذکور می توانند روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ از ساعت ۹ صبح الی ۱۵ با در دست داشتن مدارک مالکیت سهام یا مستندات نمایندگی / وکالت / قیومیت و کارت شناسایی معتبر به اداره سهام و مجامع شرکت به نشانی تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر خیابان شهید سنجابی (بهروز) پلاک ۱۱ - طبقه اول مراجعه فرمایند.

به منظور رفاه حال سهامداران محترم کارت ورود به جلسه در روز و محل برگزاری مجمع نیز توزیع خواهد شد.

دستور جلسه:

- ۱ - انتخاب اعضای هیأت مدیره
- ۲ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع مذکور است.

هیأت مدیره شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

NOVIN INSURANCE

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده صاحبان سهام شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ شناسه ملی ۱۰۳۸۰۸۶۸۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت بیمه نوین (سهامی عام) به شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ دعوت می شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر - خیابان شهید سنجابی (بهروز) - پلاک ۱۱ تشکیل می شود، حضور به هم رسانند. سهامداران محترم به منظور دریافت برگه ورود به جلسه مجمع مذکور می توانند روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ از ساعت ۹ صبح الی ۱۵ با در دست داشتن مدارک مالکیت سهام یا مستندات نمایندگی / وکالت / قیومیت و کارت شناسایی معتبر به اداره سهام و مجامع شرکت به نشانی تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر خیابان شهید سنجابی (بهروز) پلاک ۱۱ - طبقه اول مراجعه فرمایند.

به منظور رفاه حال سهامداران محترم کارت ورود به جلسه در روز و محل برگزاری مجمع نیز توزیع خواهد شد.

دستور جلسه:

- ۱ - انتخاب اعضای هیأت مدیره
- ۲ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع مذکور است.

هیأت مدیره شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

NOVIN INSURANCE

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده صاحبان سهام شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ شناسه ملی ۱۰۳۸۰۸۶۸۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت بیمه نوین (سهامی عام) به شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ دعوت می شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر - خیابان شهید سنجابی (بهروز) - پلاک ۱۱ تشکیل می شود، حضور به هم رسانند. سهامداران محترم به منظور دریافت برگه ورود به جلسه مجمع مذکور می توانند روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ از ساعت ۹ صبح الی ۱۵ با در دست داشتن مدارک مالکیت سهام یا مستندات نمایندگی / وکالت / قیومیت و کارت شناسایی معتبر به اداره سهام و مجامع شرکت به نشانی تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر خیابان شهید سنجابی (بهروز) پلاک ۱۱ - طبقه اول مراجعه فرمایند.

به منظور رفاه حال سهامداران محترم کارت ورود به جلسه در روز و محل برگزاری مجمع نیز توزیع خواهد شد.

دستور جلسه:

- ۱ - انتخاب اعضای هیأت مدیره
- ۲ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع مذکور است.

هیأت مدیره شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

NOVIN INSURANCE

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده صاحبان سهام شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ شناسه ملی ۱۰۳۸۰۸۶۸۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت بیمه نوین (سهامی عام) به شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر - خیابان شهید سنجابی (بهروز) - پلاک ۱۱ تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانند. سهامداران محترم به منظور دریافت برگه ورود به جلسه مجمع مذکور می‌توانند روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ از ساعت ۹ صبح الی ۱۵ با در دست داشتن مدارک مالکیت سهام یا مستندات نمایندگی / وکالت / قیومیت و کارت شناسایی معتبر به اداره سهام و مجامع شرکت به نشانی تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر خیابان شهید سنجابی (بهروز) پلاک ۱۱ - طبقه اول مراجعه فرمایند.

به منظور رفاه حال سهامداران محترم کارت ورود به جلسه در روز و محل برگزاری مجمع نیز توزیع خواهد شد.

دستور جلسه:

- ۱ - انتخاب اعضای هیأت مدیره
- ۲ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع مذکور است.

هیأت مدیره شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

NOVIN INSURANCE

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده صاحبان سهام شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ شناسه ملی ۱۰۳۸۰۸۶۸۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت بیمه نوین (سهامی عام) به شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر - خیابان شهید سنجابی (بهروز) - پلاک ۱۱ تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانند. سهامداران محترم به منظور دریافت برگه ورود به جلسه مجمع مذکور می‌توانند روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ از ساعت ۹ صبح الی ۱۵ با در دست داشتن مدارک مالکیت سهام یا مستندات نمایندگی / وکالت / قیومیت و کارت شناسایی معتبر به اداره سهام و مجامع شرکت به نشانی تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر خیابان شهید سنجابی (بهروز) پلاک ۱۱ - طبقه اول مراجعه فرمایند.

به منظور رفاه حال سهامداران محترم کارت ورود به جلسه در روز و محل برگزاری مجمع نیز توزیع خواهد شد.

دستور جلسه:

- ۱ - انتخاب اعضای هیأت مدیره
- ۲ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع مذکور است.

هیأت مدیره شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

NOVIN INSURANCE

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده صاحبان سهام شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ شناسه ملی ۱۰۳۸۰۸۶۸۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت بیمه نوین (سهامی عام) به شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر - خیابان شهید سنجابی (بهروز) - پلاک ۱۱ تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانند. سهامداران محترم به منظور دریافت برگه ورود به جلسه مجمع مذکور می‌توانند روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ از ساعت ۹ صبح الی ۱۵ با در دست داشتن مدارک مالکیت سهام یا مستندات نمایندگی / وکالت / قیومیت و کارت شناسایی معتبر به اداره سهام و مجامع شرکت به نشانی تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر خیابان شهید سنجابی (بهروز) پلاک ۱۱ - طبقه اول مراجعه فرمایند.

به منظور رفاه حال سهامداران محترم کارت ورود به جلسه در روز و محل برگزاری مجمع نیز توزیع خواهد شد.

دستور جلسه:

- ۱ - انتخاب اعضای هیأت مدیره
- ۲ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع مذکور است.

هیأت مدیره شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

NOVIN INSURANCE

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده صاحبان سهام شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ شناسه ملی ۱۰۳۸۰۸۶۸۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت بیمه نوین (سهامی عام) به شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر - خیابان شهید سنجابی (بهروز) - پلاک ۱۱ تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانند. سهامداران محترم به منظور دریافت برگه ورود به جلسه مجمع مذکور می‌توانند روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ از ساعت ۹ صبح الی ۱۵ با در دست داشتن مدارک مالکیت سهام یا مستندات نمایندگی / وکالت / قیومیت و کارت شناسایی معتبر به اداره سهام و مجامع شرکت به نشانی تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر خیابان شهید سنجابی (بهروز) پلاک ۱۱ - طبقه اول مراجعه فرمایند.

به منظور رفاه حال سهامداران محترم کارت ورود به جلسه در روز و محل برگزاری مجمع نیز توزیع خواهد شد.

دستور جلسه:

- ۱ - انتخاب اعضای هیأت مدیره
- ۲ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع مذکور است.

هیأت مدیره شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

NOVIN INSURANCE

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده صاحبان سهام شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ شناسه ملی ۱۰۳۸۰۸۶۸۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت بیمه نوین (سهامی عام) به شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که رأس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر - خیابان شهید سنجابی (بهروز) - پلاک ۱۱ تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانند. سهامداران محترم به منظور دریافت برگه ورود به جلسه مجمع مذکور می‌توانند روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ از ساعت ۹ صبح الی ۱۵ با در دست داشتن مدارک مالکیت سهام یا مستندات نمایندگی / وکالت / قیومیت و کارت شناسایی معتبر به اداره سهام و مجامع شرکت به نشانی تهران - بلوار میرداماد - میدان مادر خیابان شهید سنجابی (بهروز) پلاک ۱۱ - طبقه اول مراجعه فرمایند.

به منظور رفاه حال سهامداران محترم کارت ورود به جلسه در روز و محل برگزاری مجمع نیز توزیع خواهد شد.

دستور جلسه:

- ۱ - انتخاب اعضای هیأت مدیره
- ۲ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع مذکور است.

هیأت مدیره شرکت بیمه نوین (سهامی عام)

موضوع مناقصه	شماره مناقصه	مبلغ تضمین روال	محل تامین اعتبار	آخرین مهلت تحویل پاکت ها	تاریخ بازگشایی پاکت های الف و ب
۱	خرید انواع لامپ بخار بخار پرفشار	۹۶/۱۷۱ م	۳۰۵,۰۰۰,۰۰۰	داخلی	حداکثر

قصر

آن سرو سربلند در این خاک ریشه داشت

با آثار و گفتاری از:

علی اکبر ناطق نوری

محمد جواد ظریف

محمد رضا عارف

علی مطهری

صادق خرازی

مجید انصاری

سید هادی خسرو شاهی

محمد هاشمی

محسن هاشمی

فاطمه هاشمی

حمید میرزاده

مصطفی معین

عیسی کلانتری

رضا ملک زاده

عباس عبدی



هاشمی، نماد عقلانیت نظام



محسن هاشمی رفسنجانی
رئیس شورای شهر تهران

چه در مدیریت سعی می‌کردند، تابع محض عقل و منطق و استدلال باشند، بخاطر ندارم ایشان با من و یا شخص دیگری در مورد موضوعی گفتگو کرده باشند و نتیجه منطقی بحث را نپذیرند، نتیجه حاکمیت عقلانیت در حوزه رفتار ایشان اعتدال بود و نتیجه آن در حوزه مسایل مدیریتی توسعه گرایی و شکوفایی.

نگاه آیت الله هاشمی رفسنجانی به مردم مقطعی و حتی برای کسب رای و محبوبیت اجتماعی نبود، از نظر ایشان، مصالح راهبردی مردم در الویت نخست قرار دارد و به هیچ وجه قابل معامله و مصالحه نیست، شاید در برخی مقاطع به دلیل تخریب ها یا حرکت های پوپولیستی برخی از چهره ها و جریانات سیاسی، محبوبیت ایشان در میان بخشی از اقشار کاهش یافت اما به تدریج که حقایق صحت پیش بینی ها و ثمره اعتدال گرایی و عقلانیت ایشان مشخص شد، مردم بیش از گذشته به آیت الله هاشمی رفسنجانی به عنوان یک تکیه گاه و حامی اعتماد پیدا کردند و به نوعی پاسخ همه تخریب ها را با حضور بی نظیر و بیاد ماندنی خود در بدرقه و تشییع ایشان دادند.

میراث ایشان، راه و مکتب آیت الله هاشمی رفسنجانی است، عقلانیت در نظر و اعتدال در عمل، سیره ای است که تنها راه توسعه و برون رفت کشور از مشکلات و تنگناهاست.

آیت الله هاشمی رفسنجانی از ابتدای انقلاب و حتی قبل از آن بدلیل نگاه توسعه گرا و دنیا دیدگی بدنبال ایجاد زیرساخت های مدرن و کارآمد برای شهرها بودند، ایشان در سال ۱۳۶۳ و اوج جنگ، در نماز جمعه تهران از مترو سخن گفتند که سرآغاز فعال شدن مترو تهران پس از سال ها توقف بدلیل برخی تنگ نظری ها و عدم نگاه به آینده بود که امروز ثمره و نتیجه آن را می بینیم.

پروژه فاضلاب تهران هم نمونه دیگری از همین نگاه توسعه گرا و آینده نگر است، از دیدگاه ایشان شهرهای ما بدون ایجاد زیرساخت های مورد نیاز، توسعه کمی یافته است و این رشد بی رویه موجب کاهش رفاه و ایمنی و سلامت شهروندان شده است که برای جبران این عقب ماندگی نیاز به اقداماتی علمی و همه جانبه برای توسعه کیفی در شهرها وجود دارد.

ایشان با وجود عاطفه قوی که نسبت به اعضای خانواده و فرزندان خود داشتند مصالح انقلاب و مردم را به مصلحت خود و خانواده شان ترجیح می دادند، در زمان دفاع مقدس، مهدی و یاسر را که در سنین نوجوانی قرار داشتند به عنوان بسیجی عازم جبهه ها کردند که چندبار به مجروح شدن آنها انجامید و سبب افتخار و سرافرازی آیت الله هاشمی شد، بنده هم در زمان تحصیل هربار که به ایران می آمدم، با ایشان به جبهه می رفتم و در سال ۱۳۶۵ هم به توصیه ایشان تحصیل در دوره دکترای پلی تکنیک مونترال را رها کردم و برای کمک به صنایع دفاعی و موشکی کشور به ایران بازگشتم، آیت الله هاشمی در سال های بعد هم مردم و انقلاب را به خانواده خود ترجیح می داد و در موضوع زندانی شدن برادر و خواهرم هم نه اقدامی علیه مصالح انقلاب انجام داد و نه در مورد حقوق مردم کوتاهی کردند و تعبیری داشتند که "فرزند من نیز مانند بچه های مردم است."

ویژگی مهم آقای هاشمی



عباس عبدی

زمستان سال ۱۳۷۱ بود که یک مقاله مفصل درباره مرحوم مصدق در روزنامه سلام منتشر شد. نویسنده این مقاله در اصل، آقای منوچهر کدیور پدر آقای محسن کدیور از فرهنگیان خوش سابقه و محترم شیراز بود. مضمون اصلی آن مقاله درباره ویژگی های شخصی و نیز دینی مرحوم دکتر مصدق بود. انتشار چنین مقاله ای در آن زمان و در روزنامه سلام به نسبت خط شکنی محسوب می شد و شاید یکی از عللی که در سال بعد از آن فشارهایی به سلام و حتی شخص بنده وارد شد بی ارتباط با آن خط شکنی نبود. این مقاله برای انتشار در اختیار سردبیری قرار گرفت. آن را برای انتشار خدمت آقای موسوی خویینی ها مدیر مسئول بردم، بحث مفصلی در گرفت که آیا منتشر کنیم یا خیر؟ جمع بندی آقای خویینی ها از مجموع گفتگوها این بود که دکتر مصدق یکی از شخصیت های مهم تاریخ اخیر کشور ما است. اگر قرار باشد که ما تمام شخصیت های تاریخی خود را به دلیل اینکه متفاوت با آنها فکر می کنیم نفی نماییم و چهره سیاهی از آنان نشان دهیم، ناخودآگاه به مردم گفته ایم که همه تاریخ شما سیاه و غیرقابل دفاع است. نتیجه طبیعی این رفتار آن است که مردم گمان کنند اگر چنین است پس آینده ما نیز متفاوت از گذشته نخواهد شد. بنابراین تأکید بر نقاط مثبت گذشتگان یک منطق روشن برای گشودن چشم اندازی امیدبخش از آینده است. این امر نافی درس گیری از اشتباهات گذشتگان و نقد آنان نیست. داشتن نگاه صفر و یک برای جامعه و ارزیابی از کنشگران زیان بار است.

با توجه به نقدهایی که بنده نسبت به سیاست مرحوم هاشمی داشتم و همچنان معتقدم که نوع مدیریت ایشان در دوران هشت ساله ریاست جمهوری آن مرحوم و نیز نحوه ورود به انتخابات ۷۸ و ۸۴ واجد مشکلاتی است که همچنان با میراث آن مواجه هستیم، ولی این نقدها در مقطع خودش و از موضع سیاسی یک کارکرد دارد، ولی این به معنای نادیده گرفتن این واقعیت نیست که مرحوم هاشمی به عنوان یکی از شخصیت های سیاسی نیم قرن اخیر ایران، جزئی از تاریخ این ملت بوده است و از این حیث باید محترم و بزرگ داشته شود و نقد اقدامات و سیاست هایش نیز جای خود را دارد که نافی این بزرگداشت نخواهد بود.

از این رو می گویشم که یکی از ویژگی های مهم مرحوم هاشمی را در این یادداشت مورد توجه قرار دهم. ویژگی ای که نزد بسیاری از دیگر سیاستمداران کشور، اگر نگوئیم نایاب کم یاب بود و هست. انعطاف پذیری آقای هاشمی که به نادرست معادل پراگماتیسم و عمل گرایی عنوان شده همان ویژگی مورد نظر بنده است. ویژگی مهم انعطاف پذیری در میان افراد منتسب به سنت اگر سیاستمدار هم باشند آن هم در سنین بالا به نسبت کمتر دیده شده است. یا اینکه حداقل در کوتاه مدت رخ نمی دهد. شاید به ذهن کمتر کسی خطور می کرد که از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ آقای هاشمی بتواند ادبیاتی جدید و متفاوت از گذشته را به کار برد و بهتر از آن تطابق دادن رفتار خود با این ادبیات و چارچوب جدید بود. شاید برای یک جوان و یا یک فرد در ابتدای دوره میانسالی بتوان چنین تحولی را تجربه کرد، ولی در اواخر دهه هفتاد عمر بودن و در موقعیت سیاسی و انتساب داشتن به سنت، چنین تغییری، نشانه ای از ظرفیت قابل توجه در انعطاف پذیر ایشان است. ای کاش این شیوه از ابتدای دهه هفتاد به عنوان یک خط مشی عرضه می شد که در این صورت امروز در جایگاهی دیگر جز آنچه که هستیم می بودیم. علی رغم هر نوع انتقادهای درست یا نادرستی که به خط مشی سیاستمدارانی چون ایشان می توانیم داشته باشیم، ولی به پاس تداوم ۵۰ سال سیاست ورزی ایشان و اینکه جزئی از تاریخ این ملت هستند، باید احترامی که شایسته این ویژگی است را بر ایشان منظور کرد.

آغاز ارتباط آیت الله هاشمی رفسنجانی با امام خمینی (ره) در اواسط دهه سی و پیش از رحلت آیت الله العظمی بروجردی رخ داد و ایشان که طلبه جوانی بودند در مجاورت منزل امام در محله یخچال قاضی قم سکونت داشتند و با دیدار امام هنگام تردد ایشان به محل درس، شیفته و جذب امام شدند و سپس در درس امام خمینی (ره) در مسجد سلیمانی قم شرکت کردند و امام هم با ایشان آشنا شدند و به مرور با انجام مشورت ها و اموری که به آیت الله هاشمی رفسنجانی از سوی امام واگذار شد، ارتباط نزدیکتر و اعتماد امام به ایشان بیشتر شد و تا زمان فوت آیت الله بروجردی و مرجعیت امام خمینی و آغاز نهضت که آیت الله هاشمی رفسنجانی بدلیل شجاعت، عقلانیت و وفاداری بالایی که به امام و نهضت داشتند به یکی از نزدیکترین شاگردان و یاران امام خمینی تبدیل شدند و این ارتباط نزدیک تا پایان عمر بنیانگذار جمهوری اسلامی باقی ماند.

یکی از ویژگی های شاخص آیت الله هاشمی رفسنجانی، اعتدال و مقابله با افراط و تفریط بود و به همین دلیل مهمترین مخالفان ایشان از افراطیون جناح ها و جریانات مختلف سیاسی و فکری بودند، این موضوع منحصر به بعد از انقلاب نبود، قبل از انقلاب هم تخریب ایشان توسط سازمان مجاهدین خلق بدلیل مخالفت آیت الله هاشمی رفسنجانی با انحراف ایدئولوژیک و مارکسیست شدن سازمان آغاز شد و سپس توسط گروهک های افراطی و منحرفی مانند فرقان ادامه یافت و ایشان ترور شدند و در طی ۴ دهه سپری شده، همواره شاهد تخریب ایشان از سوی افراطیون بودیم که بدلیل عدم داشتن دلایل منطقی برای تخریب، رو به شایعه سازی و دروغ پراکنی و توهین به ایشان آوردند.

عمق دل بستگی آیت الله هاشمی رفسنجانی به انقلاب و مردم به حدی بود که تحمل هر آسیبی که به ایشان و خانواده شان در این راه وارد می شد برایشان دشوار نبود، به تعبیر بزرگان انقلاب، مظلومیت آیت الله هاشمی به مراتب بیشتر از مظلومیت شهید بهشتی بود، چرا که تخریب شهید بهشتی در دوره ای کوتاه و توسط یک جریان سیاسی انجام شد اما اوج تخریب آیت الله هاشمی در دو دهه پایانی عمر ایشان و توسط هر دو جناح سیاسی کشور انجام گرفت. ایشان در اوج تخریب ها، آرامش عجیبی داشتند و با آرامش قلبی که برخاسته از توکل و اخلاص ایشان بود نه فقط برآشفته و ناراحت نمی شدند بلکه اطرافیان خود را که از تخریب و ظلم به ایشان عصبی و ناراحت شده بودند را به آرامش دعوت می کردند.

عقلانیت یکی از ویژگی های منحصر بفرد ایشان بود، به تعبیر برخی از صاحب نظران، آیت الله هاشمی رفسنجانی نماد عقلانیت نظام بود، ایشان در همه امور چه حوزه شخصی و چه مسایل سیاسی و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در صفحات

- هاشمی، نماد عقلانیت نظام (محسن هاشمی)..... ۲
- ویژگی مهم آقای هاشمی (عباس عبدی)..... ۲
- یار امام (محمدرضا عارف)..... ۳
- نقش شخصیت در تاریخ (سیدمسعود رضوی)..... ۴
- تدبیر سیاسی و سینه زخمی (محمود صدری)..... ۵
- هاشمی از زبان برادر (محمد هاشمی)..... ۶
- هاشمی اهداف بزرگی در سر داشت (مصطفی معین)..... ۹
- از قدرت گرفتن آقای هاشمی می ترسیدند (علی مطهری)..... ۱۰
- نسبت به آقای هاشمی بسیار حسادت می شد
- (سیدصادق خرازی)..... ۱۲
- هاشمی آموزش عالی را در کشور عمومی کرد (رضاملکزاده)..... ۱۴
- هاشمی سعی داشت بین دین و توسعه آشتی برقرار کند
- (مجید انصاری)..... ۱۶
- مسیر اقتصادی هاشمی را تحمل نکردند (سیدحسین مرعشی)..... ۲۰
- برخی دوستان به شخصیت هاشمی لطمه زدند
- (عیسی کلانتری)..... ۲۲
- خلاف‌فئدان هاشمی را اخوت اسلامی می تواند جبران کند
- (سید هادی خسرو شاهی)..... ۲۴
- سردار سرفراز عرصه قانونگذاری (علی اکبر ناطق نوری)..... ۲۶
- هاشمی فرمانده صلح بود (فاطمه هاشمی)..... ۲۷
- مواجهه هاشمی با قطعنامه ۵۹۸ (محمدجواد ظریف)..... ۲۸
- بازسازی و توسعه اقتصادی در دولت سازندگی
- (حمید میرزاده)..... ۲۹
- اسناد سازندگی (امیر فرجاد)..... ۳۱
- هاشمی با پایان جنگ به دنبال سرنگونی صدام حسین بود
- (میزگرد حسین علایی، علیرضا معیری، فریدون وردی نژاد)..... ۳۲

اطلاعات

- صاحب امتیاز:
- شرکت ایرانچاپ (موسسه اطلاعات)
- مدیر مسئول: سید محمود دعایی
- سردبیر: علیرضا خانی
- دبیر ویژه نامه: منوچهر دین پرست
- زیر نظر: سید مصطفی کاظمی
- تحریریه ویژه نامه:
- سید مسعود رضوی – علیرضا بردبار
- حسین آقایی – امیر رضا طوسی نژاد
- فاطمه اترکی – زهره گردان
- عکس ها: علی آذر نیا – محمد نجفی
- مجید فراهانی
- عکس جلد: محمد کاظم پور
- سرپرست حروفچینی: رحیم رمضان
- گرافیکست: علیرضا سرباز وطن رشید



یار امام



دکتر محمدرضا عارف نماینده مجلس شورای اسلامی

تبیین دیدگاه و نقش ممتاز آیت الله هاشمی رفسنجانی در انقلاب اسلامی یک ضرورت و کار بسیار ارزشمندی به شمار می آید تا جوانان متوجه شوند چه کسانی و با چه هزینه هایی انقلاب اسلامی را به موقعیت فعلی رسانده اند و همچنین با وظیفه سنگین خود در پاسداری از ارزش ها و همچنین ادامه راه، هرچه بیشتر آشنا شوند.

نقش آیت الله هاشمی رفسنجانی در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و مبارزات، بی بدیل بود، البته کسانی هم بودند که قبل از انقلاب در مبارزات نقش داشتند و شناخته تر از ایشان بودند که علت این موضوع هم به دلیل فعالیت های مخفیانه ای که آیت الله هاشمی وظیفه به انجام رساندن آنها را داشت باز می گردد. در آن زمان و براساس تقسیم کار، قرار بر این بود که ایشان بیشتر فعالیت ها و کارهای مخفی نهضت را به انجام برسانند و دیگر بزرگان و روحانیون به تبیین دیدگاه های امام و انجام سخنرانی ها بپردازند که از جمله این افراد می توان به آیت الله شهید مطهری، شهید مفتاح ، آیت الله خامنه ای و دیگر بزرگواران اشاره کرد.

قوام بخشی از ویژگی های بارز ایفای نقش ایشان بود. آقای هاشمی به جایگاه ها و سمت ها، نگاه ارزشی داشت و نوع آن جایگاه اهمیتی برایشان نداشت بلکه در هر پست و مقامی که نیاز بود، حضور می یافت و مشغول خدمت می شد.

آیت الله هاشمی که چهره فراچنانی بود که به خوبی شرایط را درک می کرد و آینده نگری بسیار بالایی هم داشت. ایشان با تکیه بر همین ویژگی ها، دید عمیقی نسبت به آینده داشت و پس از تحلیل مسائل، موضع گیری لازم را به عمل می آورد. همچنین ترجیح ندادن منافع شخصی بر منافع عمومی، ویژگی برجسته دیگر ایشان بود.

آقای هاشمی همواره سعی می کرد ارتباط خود را با جریانات داخلی نظام حفظ کند. ایشان به معنای واقعی کلمه یک چهره اعتدالی بود و نگاه و دراز مدت به مسائل داشت و همه تلاشش این بود که جریان های سیاسی را به یکدیگر نزدیک کند.

آینده نگری، عقلانیت، نگاه توسعه ای، برنامه محور و مبتنی بر تربیت نیروی انسانی متخصص یکی از شاخص های اصلی تفکر آیت الله هاشمی رفسنجانی است. ایشان همواره نگاهی منسجم و مبتنی بر برنامه ریزی و آینده نگری به وقایع و اتفاقات داشتند و این نگاه در روزهای ابتدایی انقلاب که هنوز بسیاری از حرکت ها شکل

سازمان یافته به خود نگرفته بود، کارساز و موثر بود. از سوی دیگر شناخت امام خمینی (ره) از ایشان و ویژگی های دیگر شخصیتی مانند تیزبینی و تیزهوشی آقای هاشمی، زمینه ساز اعتماد و علاقه امام راحل به ایشان شده بود. آقای هاشمی در هر پست و جایگاهی که قرار داشت، با دیدگاه ژرف و عمیق به مسائل می نگریست و با مدیریت زبانزد خود چه در مجلس شورای اسلامی و چه در دوران ریاست جمهوری و مجمع تشخیص مصلحت نظام در کنار دیگر افراد و با وجود اختلاف نظر ها، به ادامه مسیر می پرداخت.

حرکت بر مبنای یک برنامه ریزی واحد، موضوعی بود که ایشان از همان آغاز انقلاب اسلامی بر آن تاکید داشت و در سال های اول بعد از پیروزی انقلاب عده ای وجود داشتند که حرکت برنامه ای را نمی پسندیدند اما آقای هاشمی توانست پس از بحث های جدی و چالشی، مخالفان را به تدوین یک برنامه کاری قبل از انجام هر نوع فعالیتی وا دارد و همگان را متقاعد کند که کشور برای توسعه و پیشرفت نیاز به برنامه مصوب دارد.

آیت الله هاشمی جزو سرانی بودند که به ضرورت داشتن برنامه اعتقاد راسخ داشت و در حقیقت ایشان جزو کسانی بود که در جا انداختن ضرورت داشتن برنامه و حرکت بر اساس یک برنامه واحد، نقش ویژه ای داشت.

توسعه دانشگاه و در پی آن توسعه علم و فن آوری از دیگر خدمات ارزشمند و ماندگار آیت الله هاشمی رفسنجانی است. ایشان حل مشکلات کشور را در توسعه علم و فن آوری می دید و اهمیت بسیار زیادی نسبت به این حوزه قائل بود.

در شهریور و مهرماه سال ۱۳۶۰ و در دوره جدید دولت، در تشکیلات وزارت علوم بحث جدی مطرح بود که ظرفیت دانشگاه محدود است و نمی توان بیش از این نیروی متخصص و تحصیل کرده، تربیت کرد و از سوی دیگر آموزش علمی و آکادمیک جوانان برای جذب در بازار کار و جایگاه ها و مشاغل تخصصی یک ضرورت بود. در آن زمان در تشکیلات وزارت علوم، دفتر آموزش های آزاد را راه انداختیم تا جوانان پس از گذراندن آموزش های کوتاه مدت و غیر رسمی، آموزش های تخصصی را فرا بگیرند.

در آن زمان این موضوع را با آقای هاشمی در میان گذاشتیم و از اولویت انجام کار سخن گفتیم که ایشان پس از شنیدن اظهارات ما در این حوزه، بر ضرورت انجام آن تأکید کردند که این موضوع مقدمه تهیه طرح تشکیل دانشگاه آزاد شد و آقای هاشمی در همان سال موضوع تشکیل دانشگاه آزاد را در نماز جمعه عنوان کردند.

البته ورود بخش خصوصی به این حوزه، مشکلاتی هم داشت ولی اکنون دانشگاه آزاد نقش مهمی در تولید علم و تربیت نیروی انسانی متخصص و علم دارد.

نقش شخصیت در تاریخ

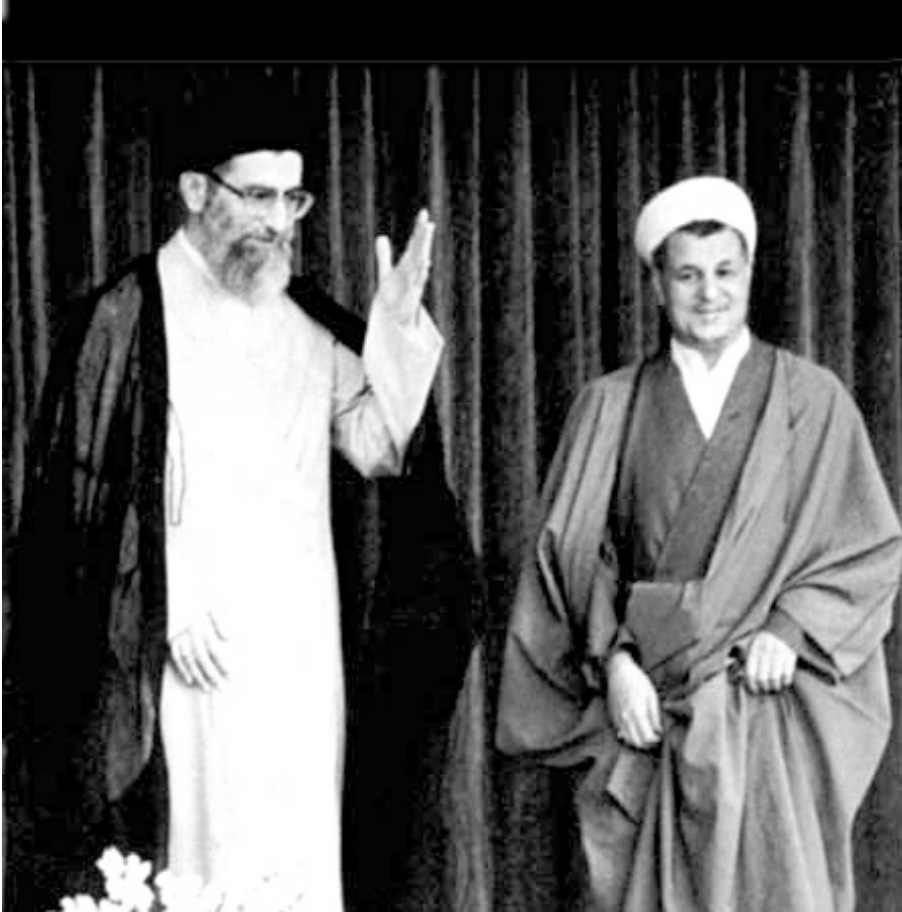


سیدمسعود رضوی

دور تسلسلی در ماجرای تاریخ وجود دارد که همواره درباره آن گفتگو و بحث و جدل شده و نظریات متنوع و گاه متناقضی پیرامون آن بیان شده است. این موضوع البته یک مسئله تازه نیست، اما کیفیت تازه‌ای از برهان‌ها، جدل‌ها و مباحث فلسفی، برای رد و اثبات نظریه‌ها را به میدان آورده و از اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی، بنیاد فلسفه تاریخ نوین را قوام بخشیده است. مجموعه استدلال‌های این حوزه خاص و این موضوع بخصوص نیز ترکیبی از عقلیات (مقدمات ذهنی و معرفتی محض) و واقعیت ثبت شده (تاریخ و سرگذشت‌ها و مستندات آن) را تشکیل می‌داد. پس از بحث و جدل‌های بسیار در قرن هجدهم و نوزدهم، این موضوع به یکی از داغ‌ترین و مهم‌ترین سرخط‌های فکری اندیشمندان و حکمای بزرگ جهان تبدیل شد. این مسئله که در دانشی خاص با عنوان فلسفه تاریخ به صورت‌بندی رسید، «نقش شخصیت در تاریخ» بود.

در ذیل نگاه‌های شبه تاریخی در قرون وسطای مسیحی، که اساسا جهان را در وسع و وسعتی الهی تفسیر می‌کرد و شخصیت‌های مقدس و بزرگی همچون انبیاء و اولیاء و قدیسین و حواریون، نقش‌های درجه اول در آن بازی می‌کردند، همواره جهت تاریخ و حیات پیروان مشخص بود و در این جهت خاص و سمت و سوی مقدس نیز هیچ خدشه و تردیدی راه نداشت. زیرا خط و اشارتی از ملکوت و جهان حقایق، موید و پشتوانه آن محسوب می‌شد. انبیای عظام، اذن و اجازه مطلق داشتند تا خوب و بد تاریخ را به ما نشان دهند، همچنان که دیگر امور و ارزش‌ها و اخلاقیات بشر نیز در زمره همین نظام اخلاقی و خیر و شر، یا خوب و بد آن شناخته و تفسیر می‌شدند. جهان قرون وسطایی، با خیل مومنان و دستگاه مراقب و محافظ ایمان مردمان، یعنی نظام کلیسایی به رهبری پدران قدرتمند روحانی (پاپ‌ها و کاردینال‌ها واسقف‌ها) فقط درتاریخ شناخته شده مهد و انبیا محدود نمی‌شد و فقط به روایت عهدین نیز اکتفا نمی‌کرد، که به واسطه همین روایت و تفسیر، تاریخ آینده بشر را نیز روشن ساخته و مهد و عهد آخرالزمان را نیز یادآور می‌شد. پس تاریخ مومنان یا تاریخ مقدسین (یا مقدس)، یا تاریخ به روایت قرون وسطای مسیحی، یکسره بر پایه نقش‌آفرینی شخصیت‌ها شکل گرفته و حتی گذر از این جهان به جهان مادون یا ماوراء (بهشت و دوزخ یا توقف در برزخ) نیز در ارتباط با همین شخصیت‌های بزرگ و قدیسین نامدار ممکن و میسر بود.

باری، گذر از «این جهان» و ظهور اندیشه‌های خاص «این جهانی»، در عصر روشنگری، درست در پی و پایان قرون وسطای اروپای مسیحی، ممکن و میسر شد. ازین پس، توجه به تاریخ، بخش مهمی از فکر و ذکر حکما و فیلسوفان بود و دانش نوین فلسفه تاریخ از رونق تاریخ‌نویسی در پیوند با مکاتب قدرتمند تاریخ نگاری و فلسفه در معنا و مفهوم چهار مرحله‌ای دکارتی، کانتی، هگلی و مارکسی زاده شد. پدران و بنیانگذاران فلسفه تاریخ نوین، قطعا فلاسفه بزرگ عصر روشنگری و در راس آن ایمانوئل کانت بود. پس از او هگل و سپس از او نیز کارل مارکس رونق فراوانی به این رشته بخشیدند. ویکو و هردر به عنوان موسسان و برخی دیگر از متفکران نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا کردند. ولتر در عصر روشنگری، رساله مهمی نوشت با عنوان «آداب و رسوم و روحیات ملل» و در آن آرزو کرد که‌ای کاش تاریخ کهن و اعصار باستانی را نیز فیلسوفان می‌نوشتند تا خوانندگان



مهم‌ترین رخدادها و تصمیمات سیاسی و مدیریتی و ثبت و ضبط وقایع یک دوران مهم و لغزنده، به شکل انحصاری و ممتازی توانست در تفسیر و تحلیل و نگارش تاریخ معاصر به جایگاه والایی برسد.هاشمی نه یک خط مشی و یک چهرهٔ یک بُعدی و بی‌انعطاف، بلکه یک شخصیت(پرسوناژ) چند لایه، تغییرپذیر، آماده، شکل دهنده و نرم و منعطف در برابر رخدادها و حوادث و امکانات روزگار حیرت‌انگیزی بود که او را برگزیده و برگشیده بود؛ او نیز در نقش‌ها و سویه‌های واپسین آن تعاملی قدرتمند داشت و به مانند کارگردانی قابل و مسلط، نقش‌ها را تعریف می‌کرد و نمایش تاریخ را به پیش می‌برد. هیچ‌کس نمی‌تواند در این زمینه ظَنّ و تردیدی به میان آورد و نقش مهم او را انکار کند یا تقلیل دهد، اَمّا درباب سود و زیان، و خیر و شرّ یا تاریکی و درخشش‌های هاشمی رفسنجانی، به مانند هر شخصیت دیگری در تاریخ، بحث و فحص و نظریات متنوع و متفاوت و متخالف فراوان است.

هاشمی چندین حوزهٔ اثرگذاری بر تاریخ ایران را به نام خود ثبت کرد و مشارکت در این ادوار، هیچ‌گاه از ذهن مورخان و صفحات کتاب‌ها و مستندات تاریخ پاک نخواهد شد. این مراحل را باز می‌شمارم تا یادآوری و بازاندیشی دربارهٔ او و ادعای ما در باب نقش شخصیت در ایجاد و تجدید و تجدد تاریخ ایران به آزمون گرفته شود.

۱- در مبارزات انقلابی و سلبی علیه سلطنت و رژیم پهلوی از میانهٔ دههٔ ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ هجری خورشیدی، به مثابه رابط، جنگجو، انسجام بخش و سرانجام هدایتگر و مدیر بخشی از انقلابیون، علاوه بر این، پشتیبان مالی و تدارکاتی بسیاری از اسباب و ادوات و امکانات و نیازهای مبارزان، گروه‌ها و خانواده‌ها به او مربوط و مرتبط بوده است.هاشمی مبارزه کرد، به مبارزه جهت داد، در پیروی از رهبری قاطع به نام آیت‌الله سیدروح‌الله خمینی هیچ تردیدی به خود راه نداد و حتی نقش اساسی در ثبت مرجعیت زعیم و برگشیدن وی به عنوان قائد مبارزه و قیام ایفا کرد. نقشی بی‌بدیل که با ارتباط وسیع با چندین گروه و جریان و صدها چهرهٔ مبارز تکمیل شد و صفحات حماسی همچون زندان و شکنجه‌های صعب به آن توصیف‌های شورانگیز افزود.

۲-نقش آگاهی‌بخش و مؤلف: هاشمی رفسنجانی از همان ابتدا، هوش و درایت خود را در مدیریت و ساختن و تجارت و کشاورزی و آموزش و تحصیل حوزوی در بهترین سطوح آشکار ساخت و به مثابه نویسنده و مترجمی توانا در انتشار نشریه مکتب تشیع و مقالات و مجلات آشکار و مخفی نشان داد. دو کتاب امیرکبیر قهرمان مبارزه با استعمار و سرگذشت فلسطین یا کارنامهٔ سیاه استعمار نیز از آثار مهم دههٔ چهل بوده است. در زندان، تفسیر راهنما را که برخوردی گسترده و کاربردی با آیات قرآن بوده است و سپس نگارش رساله‌ای به نام جهان در عصر بعثت، نمونه‌های متعدد و متوالی آفرینش

بتوانند مانند یک فیلسوف به خوانش تاریخ بپردازند. در همان اثر، او به نقش‌آفرینی انسان‌های برجسته در سمت و سوی تاریخ اشاره کرد و معماران تاریخ بشر را، باستانیش و تمایز مورد توجه قرار داد.

هر چه فلسفه تاریخ، رشد و رونق بیشتری می‌یافت، بحث‌های جزئی‌تر نیز بیشتر می‌شد، از جمله تمایز و طبقه‌بندی نژادها و نقش شخصیت‌ها در تاریخ. در این باب مهم‌ترین ایده‌ها و اندیشه‌ها متعلق به اشنپنگلر فیلسوف آلمانی است و گئورگی پلخانف، متفکر متقدم مارکسیست روسی که کتاب مفصلی با عنوان «نقش شخصیت در تاریخ» نوشته است. در قرن بیستم، نظریات باستانی که غالباً متعلق به افلاطون و فلاسفه قرون وسطا و سپس به هگلی‌ها و مارکسیست‌ها بود توسط برتراند راسل و کارل پوپر به شدّت نقد شد و همچنان اهمیت نظریه‌پردازی در این زمینه تاووم پیدا کرد.

در کشور ما نیز سایه‌ای ازین مباحث همواره مطرح بود. گویا مرحوم ارسلان پوریا، نویسنده کتاب «دیباجه‌ای بر فلسفه تاریخ در ایران» و بعدا زنده‌یاد حمید عنایت در مقاله‌هایی و سرانجام دکتر کریم مجتهدی در درسنامه‌های دانشگاه تهران، فلسفه تاریخ را در کشور ما رونقی بخشیدند. کتاب پلخانف در دههٔ ۱۳۳۰ خورشیدی ترجمه و منتشر شد و نظریات اشنپنگلر در همان سال‌ها معرفی و بخش‌هایی از نظریهٔ او در باب رجال تاریخ‌ساز به پارسی برگردانده و در نشریات روشنفکرانه و معتبر به چاپ رسید. این مقدمهٔ موجز، از آن رو گفته شد که به یک مسئله مهم که هر استدلالی پیرامون آن به نوعی تسلل و دور منتهی می‌شود میدان دهم و البته این از معدود تسلسل‌هایی است که منطقی عینی و ذهنی بشر چندان با آن در نمی‌آویزد و حتی آن را به عنوان یک ضرورت می‌پذیرد. این که شخصیت‌های بزرگ و معماران تاریخ، خود محصول تاریخ و رخدادهای تاریخی خاصی هستند. آنان زاده و دانش آموختهٔ تاریخ‌اند و سپس خالق و معمار تاریخ.

بسی‌آن که قصد مجادله در باب مقام و منزلت و نقش آیت‌الله اکبرهاشمی رفسنجانی را داشته باشم، بی‌هیچ تردیدی او را یکی از بزرگ ترین شاگردان آموزگار تاریخ معاصر ایران (از دهه سی تا شصت) و سپس معمار و خالق بخشی از تاریخ و یکی از جهت‌دهندگان و پردازندگان تاریخ ایران(از دههٔ شصت تا نود خورشیدی)قلمداد می‌کنم و از حیث پیچیدگی، تنوع و وسعت این دوران تاریخی، وی را در مرکز آزمون‌های دشوار یافته و مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهم. این نوع نگرش، نه مزیت و فخری برای‌هاشمی است و نه نقش قهرمان و قدّیس به او عطا خواهد کرد. خیر او در واقعیات روزگاری بسیار پرتکاپو و از هر حیث پیچیده مستحیل شده و در تعامل با رخدادها می‌کوشید نقش و تأثیری داشته باشد و این نقش را به چندین واسطه، مؤکد و قدرتمند ساخته بود. علاوه بر این، وی با نگارش روزآمد و منظم یادداشت‌هایی دربارهٔ

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹دی ۹۶

اطلاعات

۴

فکری او در جهات مختلف است. این آثار به او بُعدهای تازه بخشید و قدرت عملی را به عمق علمی پیوند زد.

۳- نقش رهبری، مدیریت و معماری در انقلاب مردمی اسلامی سال ۱۳۵۷، در کنار امام خمینی:هاشمی در این دوره، از لحظهٔ خلاصی از مجلس، طرح شورای انقلاب را همراه با دکتر سید محمد حسینی بهشتی اجرا کرد و به شکل موفقیت‌آمیزی، جمع مهمی از رجال روحانی و ملی و مذهبی و روشنفکران شناسخته شده را برای جمع و جور ساختن مبارزه و جهت دادن به قیام امام خمینی که از خرداد ۱۳۴۱ جریان داشت، فراهم آورد و به واسطهٔ همین گروه، گذار کم هزینه از نظام سلطنتی به جمهوری اسلامی را مدیریت کرد.هاشمی نقشی کلیدی در این عرصه داشت و در شورای انقلاب، وزارت کشور، مجلس شورای اسلامی و حزب جمهوری اسلامی، به عنوان مدیر و معماری پرکار و خستگی‌ناپذیر، به کار و فعالیت پرداخت. نقش او در این دوران، از اهمیت ویژه‌ای در تحول و تبدل تاریخ ایران برخوردار است.

۴- نقش‌هاشمی در جنگ: هدایت و شکل بخشیدن به نظام مقاومت کشوری که تحت انواع تحریم‌ها و محاصره‌ای ظالمانه قرار داشت، فرماندهی هوشمندانه و در عین حال سیاستگذاری و هدایت سیاسی در مجلس شورا و مشاوره به رهبر و بنیانگذار انقلاب از نقاط برجستهٔ تاریخ حیات این مرد سیاستمدار و تصمیم‌ساز ایران محسوب می‌شود اما به‌طور خاص، نقش‌هاشمی در فیصله دادن به جنگ و پذیرش قطعنامهٔ ۵۹۸ سازمان ملل متحد نیز یگانه و تاریخی باقی مانده است. هاشمی معمار سازندگی، تحرکات و تحولات اقتصادی برای گذار به دوران پساجنگ بوده است. او در این دوره به چهار یا پنج تصمیم و تحول بزرگ میدان داد و خود او شخصا در این عرصه میداندار اصلی بود؛

– تغییر قانون اساسی ایران در شورای بازنگری منصوب امام.

– به‌دست گرفتن سکان اجرایی کشور و معماری تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

– پشتیبانی و ایجاد وفای و زمینه برای انتقال رهبری پس از ارتحال امام خمینی(ره) به آیت‌الله خامنه‌ای.

– استفاده از نظامیان و وارد ساختن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عرصه‌های کلان اقتصاد و در کنار آن برخی نهادهای دولتی نظیر وزارت اطلاعات به اقتصاد و وارد کردن شوک‌ها و جهت‌های تازه به نظام پولی و سرمایه‌گذاری کشور برای رونق و شکوفایی.

– زمینه‌سازی برای تحرک و پویش سیاسی و همزیستی مسالمت‌آمیز در منطقه و بازگشت اقتصاد و سیاست ایران در واپسین سال‌های قرن بیستم میلادی.

– کنار نهادن جریان چپ سیاسی و تبدیل آنها به اصلاحگران در دهه‌های بعد.

۶- نقش‌هاشمی در پیدایش چهره‌ها و جریان‌های نوین سیاسی، از جمله در انضمام و پیدایش گروه یا حزب کارگزاران سازندگی ایران و انتخابات سال ۱۳۷۶ و برآمدن سید محمد خاتمی و جریان موسوم به اصلاح‌طلبی و درعین حال به حاشیه راندن بسیاری از بازیگران قدرت سیاسی سنتی در جمهوری اسلامی ایران به‌صورت قمار با اقبال همیشگی سیاست!

۷- کنارنشینی و بازگشت مداوم به‌صورت نوسانات حیرت‌انگیز در تاریخ سیاسی ایران و بازی سیاسی با تمامی جریانات مختلف و حتی متمایز و رقیب یکدیگر.

۸- بازگشت منتقدانه در مقابل جریان دولت احمدی‌نژاد و شکیبایی در برابر حملات و اتهامات خردکننده‌ای که احتمال متلاشی و اتمام خط سیاسی‌هاشمی را در ذهن‌ها تداعی می‌کرد.

۹- نقش آفرینی مصلحانه و سرانجام بازگشت به عرصهٔ سیاست به عنوان یک لیدر و خط‌دهندهٔ یگانه و معتدل و ملی که مورد تأیید اکثریت مردم قرار دارد و سرانجام آرای عظیم و غیرقابل پیش‌بینی مردم به او، به نشانهٔ اعتماد فراوان به تجربه و صبوری و اندیشه‌ها و مبارزات دایمی و پاداشی برای ماندن در کنار ملت و گذشت از لطمه‌ها و رنج‌های شخصی و خصوصی برای مردم و انقلاب…

این‌گونه، اکبر‌هاشمی رفسنجانی از تاریخ آموخت و در تاریخی پرتلاطم زیست و به آن جهت و معنا بخشید.

به یاد آیت‌الله فقیه هاشمی رفسنجانی

تکبیر سیاسی و سینه زخمی



محمود صدری

رجال جمهوری اسلامی هر یک پرتوی از رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی‌اند. شاید از همین روست که نظام سیاسی ایران در چهار دهه گذشته چنان آینه‌ای هزارپاره بوده و هر پاره‌اش با دیگران فقط یک نقطه وصل داشته که همانا آیت‌الله خمینی بوده است. لفظ توصیفی و دلبرانه «امام» که همگان پیش از نام ایشان می‌گذارند، اِماره‌ای است بر این تقید بی چند و چون و همگانی. اما پاسخ امام خمینی به این تقیدِ مطلق و دلبرانه پیروانش، در همه حال، مشروط بود و در دستگاه عنایت ایشان هر کس جای خود را داشت. عبارت‌های آشنایی مانند «مطهری پاره تن من بود» و «بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مرد …» و «هاشمی زنده است چون نهضت زنده‌است»، پاره‌های بنیادی نگرش بنیانگذار جمهوری اسلامی به یاران انقلابی‌اش بود. جمله‌های عاطفی امام خمینی درباره شهیدان مطهری و بهشتی، سوگواره‌هایی است که در فقدان مردان شهید بیان شده است و جمله به غایت سیاسی که درباره آیت‌الله فقیه هاشمی رفسنجانی گفته شده خطاب به مردی است که از ترور جان سال به در برد و تقدیرش بود که نقش توامان مطهری و بهشتی را در غیاب ایشان برعهده گیرد: هم پاره تن شود، هم مظلومانه زندگی کند و مظلومانه بمیرد. منزلتِ «پاره تن شدن» هاشمی از کجا آمد و «زیست و مرگ مظلومانه‌اش» چه بود؟

امام خمینی عبارت «پاره تن» را که برای شهید مطهری به کار برده بود درباره کسی دیگر از جمله هاشمی رفسنجانی تکرار نکرد، اما رابطه‌اش با هاشمی چنان بود و تا آخرین لحظهٔ حیاتش ماند، که در عمل مدام به همگان یادآوری می‌کرد که «هاشمی پاره تن من است». تقریباً همه تصمیم‌ها و اقدام‌های استراتژیک ایشان از طریق هاشمی انجام می‌شد و به گواهی اسناد، هاشمی تنها کسی بود که اجازه جرح و تعدیل این تصمیم‌ها و اقدام‌ها را داشت. این منزلت، علاوه بر پیوندهای دیرینه میان «استاد و شاگرد» و سهم بی‌همتای هاشمی رفسنجانی در رتق و فتق امور سیاسی و مالی انقلابیون در سال‌های پیش از انقلاب، دو دلیل اساسی هم داشت که هر دو بر سرنوشت نظام سیاسی برآمده از انقلاب اثر گذاشت: نخست اینکه، از فردای انقلاب، انقلابیون با پرسشی جانکاه مواجه شدند که پاسخگویی به آن، قهراً موجب منزلت بود. این پرسش که بعدها بسیاری از رجال در خاطرات شفاهی و مکتوب خود بدان اشاره کردند این بود که «چه باید کرد؟» پیروزی انقلاب غیرمنتظره بود و به محض فرو ریختن نظام پیشین، الگوی اداره کشور، خاصه تنظیم رابطه با جهان و تمشیت امور اقتصادی، بزرگ‌ترین معضل نظام جدید بود. انقلابیون در سال‌های مبارزه، همه نیرویشان را صرف تضعیف نظام پیشین کرده بودند و تا چند ماه پیش از سرنگونی آن نظام، هنوز سخنی از الگوی اداره کشور در روزگار پس از پیروزی در میان نبود. به همین دلیل، در فردای پیروزی، همه توشه نظری انقلابیون در زمینه ملکداری خلاصه می‌شد در چند کتاب و جزوه کم‌مایه در حوزه اقتصادسیاسی که همگی را غیر روحانیانی مانند محمود عسکری زاده و حسن توانائیان فرد و ابوظر ورداسبی و ابوالحسن بنی‌صدر نوشته بودند و آکنده بود از انگاره‌های چپگرایانه و ناسازگار با مبانی جمهوری اسلامی. حتی تنها کتابی هم که روحانی جلیل‌القدر آیت‌الله طالقانی نوشته بود (مالکیت در اسلام)، از گزند انگاره‌های چپگرایانه مصون نمانده بود و با تلقی‌های فقهی در باب مالکیت، فاصله زیادی داشت. افزون بر اینها فقط یک کتاب در خور اعتنا یعنی «اقتصاد ما» تألیف سیدمحمدباقر صدر

در اختیار انقلابیون بود اما شگفتا که این کتاب توجه کسی را جلب نکرد.

در حوزه سیاست، وضع از این هم بدتر بود و تقریباً هیچ منبعی که نشان‌دهنده نگرش سیاسی انقلابیون باشد یافت نمی‌شد مگر کتاب «حکومت اسلامی یا ولایت فقیه» که درسگفتارهای آیت‌الله خمینی بود در نجف، ترجمه‌های نسبتاً پرشمار آیت‌الله خامنه‌ای از آثار سیدقطب مانند «مسلمان‌اندر نهضت آزادی هندوستان» و «آینده درقلمرواسلام» و سرانجام کتاب «میرکبیریاقهرمان مبارزه با استعمار» تألیف آیت‌الله هاشمی رفسنجانی.

آیت‌الله خمینی با اتکا به آموزه‌های کتاب کوچک اما بسیار مهم و تأثیرگذار خود، حکومت بنا کردند. آیت‌الله خامنه‌ای واضع ترویج جهانی شدند وبعدها در عصر رهبری‌اشان، همین تلقی جهانی و ضرورت طرح مسئله اسلام را در جهان پی گرفتند و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، متأثر از امیرکبیر، واضع و عامل نوسازی ایران شد و تا آخر عمر به آن پایبند ماند. پیوند عمیق هاشمی رفسنجانی با «مسئله ایران»، به‌سرعت او را به سیاستمداری تبدیل کرد که توان عملیاتی کردن طرح مندرج در «حکومت اسلامی یا ولایت فقیه» را دارد. نگرش جهانی آیت‌الله خامنه‌ای و نگرش درونگرای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، منظومه سیاسی امام خمینی را در پهنه‌های «مسائل جهان اسلام» و «مسئله ایران» تکمیل می‌کرد و همین موجب منزلست توامان این «دو یار دیرینه» نزد بنیانگذار جمهوری اسلامی شد.

دوم اینکه، هاشمی رفسنجانی از آن جهت در حلقه یاران امام خمینی منزلت خاص یافت که می‌توانست میان «دین و دنیا» ارتباطی منطقی و سازگار برقرار کند و نظام‌نویای انقلابیون را از مخمصه نظری برهاند. در سال های نخست شکل‌گیری جمهوری اسلامی، پرسشی سهمگین در باب وجود یا فقدان جواز حکومت در عصر غیبت، مطرح شد که بعضاً از طرف اعظم فقه بود. امام خمینی پیشتر و در چارچوب مبحث امر به معروف و نهی از منکر، به این پرسش پاسخ داده بودند. ماخوذ از مباحث ایشان در کتاب‌های «حکومت اسلامی یا ولایت فقیه» و «تحریرالوسیله» می‌توان گفت بافرض کفایی بودن فریضه مهمی مانندماربه معروف،همیشه این احتمال منطقی وجودداردکه باغفلت همگانی مسلمین،این فریضه تعطیل شود. پس برای جلوگیری ازتعطیل احتمالی اجرای حدود،راهی باقی نمی‌ماندمگرتشکیل حکومت.

این حکم امام خمینی درباره حکومت، متضمن دو توانایی توامان در حاکم اسلامی است. توانایی اول، قدرت استنباط مباحث فقهی ملکداری و دفاع از حکومت از مناظر فقه و شریعت و دوم داشتن کیاست و سیاست لازم برای مجری داشتن این علم و استنباط. در حلقه یاران امام خمینی چنین کسانی کم‌شمار بودند وهاشمی رفسنجانی سرآمدین کم‌شماران بود. هاشمی رفسنجانی را از این حیث، بهتر از عالم وارسته حضرت آیت‌الله جوادی آملی نمی‌توان وصف کرد: «کسی که درحدّخود،مقدارلازم علم فراهم کرده باشد،جهاد راخوب تجربه کرده‌باشد،شهامت وشجاعت راتجربه کرده‌باشد،سیاست راتجربه کرده باشد،مدیریت راتجربه کرده باشد،کشوردانی وکشورداری وکشورآرایی رابالین مجموعه تجربه کرده باشدوجمع این فضائل،جمع مکسرنباشد»وجمع سالم باشد،آیت الله هاشمی رفسنجانی – رضوان الله تعالی علیه – هست.»

به این فضایل هاشمی رفسنجانی این غننامه را هم می‌توان و باید افزود که در همه سال‌های پس از انقلاب، همواره کامیابی‌های جمهوری اسلامی را ستود و آن را به مردم و انقلاب نسبت داد و مسئولیت ناکامی‌ها را به گردن دیگران نینداخت، اما دیگران همه خطاهای خود را به پای او نوشتند و آنگونه که زمانی خودش گفت با سینه مجروح از رازهای نظام–که لابد بسیاری از آنها خطاهای مکنون دیگران بود– به دیار باقی شتافت تا عبارت «مظلوم زیست و مظلوم مرد» هم وصف حال این «پاره تن» باشد. یادش گرامی.

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹دی ۹۶

اطلاعات

۵

هاشمی از زبان برادر

آیت‌الله هاشمی راه نجات کشور را در توسعه و پیشرفت و تولید می‌دید. برای مردم رفاه و آسایش می‌خواست و این راه را برگزیده بود



سیدمسعود رضوی

عملکرد هاشمی رفسنجانی در دوران انقلاب، دفاع مقدس، ریاست جمهوری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و حتی پس از حوادث سال هشتاد و هشت، بارها و بارها توسط منتقدان و سیاستمداران و پژوهشگران مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. لذا هاشمی رفسنجانی را شخصیتی عملگرا می‌دانند. بنابراین برای واکاوی اندیشه سیاسی ایشان نمی‌توان بی‌توجه به عملکردشان بخصوص در دوران مختلف بود. در گفتگوی حاضر برادر آقای هاشمی که سال‌ها با وی همراه بوده و خود نیز مدتی در مناصب دولتی فعالیت می‌کرد ضمن بررسی جایگاه ایشان به ذکر موضوعاتی حتی بعد از فوت هاشمی رفسنجانی پرداخته است.

ویژه اولین سالگرد
درگذشت آیت‌الله
هاشمی رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

۶

■ جناب آقای هاشمی، از شما تشکر می‌کنم که فرصت گفتگو را فراهم کردید. یک سال از درگذشت و فقدان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گذشت شما چه حسی دارید و این فقدان و این یکسال بر شما و در غیاب ایشان چگونه گذشت؟ تفسیر و تعبیر شما به عنوان یار و برادر نزدیک ایشان چیست؟

بسم الله الرحمن الرحیم، طبعاً از جهت عاطفی و احساسی، ما ضربه بسیار بزرگی خوردیم. داغ بسیار سنگین و جانکاهی بود. به خصوص که رحلت ایشان خیلی غیرمترقبه بود. به هیچ وجه انتظار چنین چیزی را نداشتیم. ایشان تقریباً در سلامت کامل بود. خیلی بانشاط به برنامه روزانه‌شان می‌پرداخت. اما یکباره در انتهای روز، خبر درگذشت را به ما دادند. وقتی با این موضوع مواجه شدیم، پذیرش آن برایمان دشوار و گویی ناممکن بود. شوک عجیب و غریبی به من وارد شد. چون من در همان روز اولین کسی بودم که به بیمارستان رفتم و بالای سرایشان قرار گرفتم و برایم غیرقابل تحمل بود. در شرایط بسیار بدی به سر می‌بردم.

خب، به دلیل حضور و همدردی گسترده مردم و دلدادگی و تسلیت و همراهی کم‌نظیرشان در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی، مقداری از بار سنگین مصیبت برایمان قابل تحمل شد و اندوه ما را تا حدی تسلی داد. اما تمامی آثار آن را نتوانسته است کاملاً از بین ببرد. من و خانواده، رابطه خیلی عمیقی با ایشان داشتیم. زیرا تکیه‌گاه محکم و بزرگی بود که همیشه به آن متکی بودیم، تکیه‌گاه دوستان، خانواده، همراهان و مردم هم بود. سعه صدر و صبر ایشان سبب می‌شد که اگر ناملایماتمی هم پدید می‌آمد، وقتی با ایشان در میان می‌گذاشتیم، به گونه‌ای برخورد می‌کرد و پاسخ می‌داد که خیلی از رنج‌ها و غم‌ها از بین می‌رفت، ولو آن که اقدام عملی هم نمی‌شد. همان کلام و شیوه برخورد، و تأسی‌شان به آیات و روایات، که به عنوان ادله می‌آورد و ذکر مثال می‌کرد، باعث آرامش روحی و روانی در جامعه بود. الان همه این‌ها را از دست داده‌ایم و در این یک سال گذشته هم برای هرکسی مشکلاتی پیش می‌آید و اندوهی بر دل می‌نشیند، وقتی تکیه‌گاهی نداشته باشد، طبعاً شرایط سخت‌تر خواهد بود. به ما سخت گذشت. بر همه مردم سخت گذشت.

■ جناب هاشمی، پرسش دیگر من، درباره ویژگی‌های آیت‌الله هاشمی است، از جمله محبت میهن و این که دل در گرو ایران و سرنوشت آن داشت. ایشان در جوانی، کتاب زندگی امیرکبیر را تألیف کرد و همین گزینش نشانگر علاقه‌اش به راه و روشی است که آبادانی ایران و خوشبختی مردم در آن دیده می‌شود، در حالیکه معمولاً طلاب علوم دینی بر کتب فقهی و اصولی حاشیه می‌نویسند. به هر حال این خصوصیت در ایشان چگونه پیدا شد و چگونه عشق به مردم و خدمت به ایران و ایرانیان در وجودشان ریشه دوانده بود؟ سفرها و زندگی ایشان، نشانگر همین امر است، هر جا رفته‌اند و هر کاری کرده‌اند، گویا تجربه‌ای بوده است برای مدیریت، سازندگی، آبادانی و خدمت به مردم و میهن، گویی قصد داشت قیاس کند و آن تجربه را به ایران منتقل کند، این امر چه دلایلی داشت و آیا تجربه‌زادگاه ایشان و محیط سخت کار و کوشش در طفولیت و نوجوانی این سخت‌کوشی و کار بی‌وقفه را به وجود آورده و بینش گسترده عمیقی ایجاد کرده بود؟

من دلیل این رویکرد و بینش خاص را در آقای هاشمی به دلایل و علل دیگری می‌بینم و آن اینکه آقای هاشمی از نظر معیارهای موجود در جامعه و از نظر تحصیلات و تجارب و دانش، قبل از این که یک سیاستمدار باشد که بود، یک عالم مجاهد و مبارز بود. ایشان از نظر دروس دینی، اصولی و فقهی، مجتهد مسلم بود، مجتهدی که اهل جهاد و فعالیت مبارزه هم بود. دانش ایشان از دو جهت خیلی اهمیت داشت و گسترده بود. یکی بحث قرآن و یکی بحث روایت و سیره‌نامه اطهار(س) چون انقلاب ما مبتنی بر مکتب اهل بیت است. در مکتب اهل بیت و مذهب تشیع، می‌بینیم که برای جامعه و انسان‌ها، وفاق و آسایش را در حد اعلی می‌خواهد. این گونه نیست که مکتب تشیع، طرفدار ریاضت باشد، به مانند بعضی از ادیان و مکاتب دیگر. طرفدار وفاق و آسایش در بهترین وضع است. در کلامی از حضرت علی(ع) داریم که: فرزندان خود را به دانش روز مجهز کنید، یعنی بهترین آموزش‌ها را برایشان در نظر بگیرید. پس زمینه فکری یا زیربنای اندیشه ایشان این گونه بود و مکتب اهل بیت را این طور درک می‌کرد. به همین دلیل می‌خواست مردم این گونه زندگی کنند. این

نگاه ایشان بود و متفاوت بود از دیدگاه بسیاری از کسانی که در کشور و در حوزه‌ها فعالیت یا تحصیل علوم دینی می‌کردند. شیوه زندگی خودشان هم چنین بود که ضمن رعایت بسیاری از مسائل، معتدل و متعادل می‌زیست و از اسراف و تبذیر دوری می‌کرد. ایشان زهدنمایی نمی‌کرد. اما به اندرزه‌های خداوند: کلو واشربوا ولا تسرفوا، یا ان الله لایحب المسرفین باور داشت. نمی‌گوید استفاده نکنید، مصرف نکنید، می‌فرماید اسراف نکنید. در اسلام نمی‌بینیم که گفته باشد تولید بد است، ثروت بد است، بلکه اینها خوب و مفید است، جامعه باید تولید کند و ثروت افزایش یابد. این نوع توجه به دنیا بد نیست. دنیاخواهی را نباید با دل بستن به دنیا و مادیات را هدف زندگی قرار دادن یکی دانست. نباید دل به دنیا ببندیم ولی نباید از نعمات و امکانات خدادادی هم محروم شویم. این دیدگاه‌ها و عقاید ایشان بود، اما این بُعد از شخصیت ایشان مغفول مانده بود و انگار کسانی نمی‌خواستند این جنبه‌ها در شخصیت ایشان برجسته شود. خصوصاً علم و مقام حوزوی ایشان. کسانی که شاگرد شاگرد ایشان هم نبودند گاهی با القاب بزرگی مثل آیت‌الله و امثال آن خطاب می‌شوند، اما آقای هاشمی همان بود؛ آقای رفسنجانی یا هاشمی. خیلی از مخالفان ایشان یا کسانی که رقابت داشتند سعی می‌کردند این جنبه از شخصیت علمی و دینی ایشان را نگذارند برجسته شود و فقط به عنوان یک رجل سیاسی معرفی می‌کنند. رجل سیاسی هم خوب است ولی حقیقت آن است که ایشان قبل از هر چیز یک رجل حوزوی و دینی و یک دانشمند در علوم مذهبی بود. با آن مقام، دانش و بینش، سیاست و مبارزه را برای خدمت به مردم برگزید.

با چنین بینش و دیدگاه و پشتوانه‌ای، آیت‌الله هاشمی راه نجات کشور را در توسعه و پیشرفت و تولید می‌دید. برای مردم رفاه و آسایش می‌خواست و این راه را برگزیده بود. نمونه‌ای هم که جنابعالی فرمودید. ایشان در میان شخصیت‌های تاریخی متعدد و رجال بزرگ، امیرکبیر را انتخاب می‌کند. امیرکبیر به چه چیز معروف است؟ او به آموزش علم و دانش و پیشرفت کشور معروف است. امیرکبیر پیش از آن که عزل شود، از دولت اتریش خواسته بود که معلمانی را در رشته‌های مختلف بفرستند

ایران تا در دارالفنون علم بیاموزند و شاگردان ایرانی را در رشته‌های مختلف تربیت کنند. متأسفانه وقتی این هیئت به ایران می‌رسند، مواجه با صدراعظمی میرزا آقاخان نوری می‌شوند و برخورد ناشایستی هم با آنها صورت می‌گیرد. آقای هاشمی به دلیل ملموس بودن شخصیت امیرکبیر برای مردم، او را برمی‌گزیند و کتاب می‌نویسد تا خاستگاه و اهداف او را در جهت خدمت به مردم و پیشرفت کشور نشان بدهد. این که چه نوع ایرانی برای او مطلوب بوده؟ ایران عقب‌مانده و مردمان مستأصل یا ایران آزاد و پیشرفته؟ بنابراین منشأ این نگاهی که شما سؤال کردید پیرو مکتب اهل بیت بودن و تأسی به ائمه اطهار، امام علی(ع)، امام صادق(ع) و ...است که خواست و نگاه و آموزه‌های آنها در همین جهت بود. آیت‌الله هاشمی می‌خواست ایران از جهت پیشرفت در منطقه و در میان کشورهای اسلامی نمونه باشد.

یک خصوصیت دیگرشان، دقت بود. در همهٔ مسائل بسیار دقیق بود. مدتی تشریف آورد آمریکا و من آن موقع دانشجو بودم. با هم رفتیم ایالت‌های مختلف برای بازدید، سازمان ملل و شورای امنیت و مکان‌های مختلف در ایالات مختلف را به دقت بررسی می‌کرد. نکته‌ای که برای ایشان خیلی جالب بود، دلیل این عمران و آبادی بود و این‌که اینها چه کرده‌اند که به این پیشرفت و توسعه دست یافته‌اند. چه نوع رفاهی برای مردم به وجود آورده‌اند و چگونه سطح زندگی‌شان ارتقا پیدا کرده است؟ به جنگل‌های معروف یکی از ایالت‌های آمریکا رفته بودیم، مسأله ایشان این بود که اینها چطور طبیعت را احیا کرده‌اند و این درخت‌های دویست متری و کشاورزی وسیع و ... حتی به خاطر دارم که می‌گفت این‌که دنیاست، پس بهشت چگونه جایی خواهد بود. نگاه ایشان بلند و وسیع بود. تفکرش حقیر نبود. نمی‌خواست ریاضت و فقر بین مردم تقسیم شود. معتقد بود انقلاب باید رفاه و خوشبختی را تقسیم کند. رفاه لازم و مفید است، همان‌طور که اسراف بد است و باید جلوی آن را بگیریم. اما اسراف در رفاه، نه در فقر! این بُعد از شخصیت و وجود ایشان مغفول مانده بود. یک بُعد دیگر هم توجه ایشان به اخلاق و مراعات اخلاق‌مداری است. همواره اخلاق اسلامی را به طور جدی رعایت می‌کرد. این را در خطبه‌ها و نوشته‌ها و گفتگوها و سخنرانی‌ها، همه جا در نظر داشت. اما خصوصیات اخلاقی و آن دانش دینی و اجتهادی ایشان تا حلی ناشناخته ماند و عده‌ای هم مخصوصاً در صدا و سیما می‌کوشیدند ایشان را فقط از جهت سیاسی نشان بدهند و یک رجل سیاسی و نه یک عالم حوزوی و انسانی خلیق و صاحب اخلاق و خصوصیات والا که حقیقتاً در وجودشان بود. به هر حال این تربیون‌ها، صدا و سیما، دست یک عده‌ای افتاده بود که او را در هاله‌ای از ابهام و در عرصهٔ سیاست به خیال خودشان محدود و حتی مورد هجوم و اتهام قرار می‌دادند.

■ **جناب هاشمی، برخی معتقدند مرحوم آیت‌الله**

هاشمی‌رفسنجانی در برخورد با دولت هشتم و رئیس‌جمهوری وقت، تغییری در شیوه بیان و مواضع و ملاحظات سیاسی و انتقادی عمده‌ای در سخن و موضع‌گیری‌ها داشت. دلیل این امر به نظر شما چه بود و چه زمینه‌هایی ایشان را به واکنش وا داشته بود؟

آقای هاشمی آینده‌نگری و دوربینی خاصی داشت. آینده و وقایع را خوب می‌دید. وقتی صحبت می‌کردیم و اوضاع را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دادیم، افق‌هایی را می‌دید که برای دیگران دشوار بود. مشکل بود. با این حال مصالح مملکت و نظام را بر مسائل خودشان ترجیح می‌داد. حالا قبل از آن که به سؤال شما بپردازم به یک خاطره اشاره می‌کنم. سال ۱۳۷۵ بود و در سفر به استان اصفهان در خدمتشان بودم. در میدان امام، جمعیت عظیمی، شاید قریب به یک میلیون نفر در استقبال ایشان حاضر بودند. مرحوم آیت‌الله طاهری، امام جمعه وقت اصفهان که برای خیر مقدم تشریف‌آورده بودند، در خلال استقبال و خیر مقدمشان، یک مقدار درباره اوضاع صنعت

و اقتصاد کشور گفتگو و بعد اشاره به برنامه توسعه کرد. برنامه‌ای که دو سه سالی بود به اوج رسیده بود و داشت انجام می‌شد. به همین مناسبت، ایشان از آیت‌الله هاشمی درخواست کرد که دوره ریاست جمهوری ایشان تمدید شود تا برنامه دوم را آقای هاشمی به سرانجام برساند و به یک معنا سرنوشت کشور دستخوش مشکل و موانع نشود و از سر خیرخواهی، آینده کشور تضمین بشود و خوب این نظر و پیشنهاد مرحوم طاهری بود و بعداً توسط آقای عبدالله نوری و بعضی از دوستان دیگر در مجلس بیان شد. من معاون اجرایی‌شان بودم و خدمتشان رسیدم که نظرشان را در این مورد ببرسم. پاسخشان این بود: مخالفم و من نظرم این است که جوان‌ها بیایند به میدان و ما در کنارشان باشیم. زیرا نمی‌خواهم در آینده، در تاریخ بنویسند که زمامداران ایران هم مثل مصر و سوریه و برخی کشورهای دیگر مادام‌العمر هستند یا فقط بعضی اشخاص قدرت را در دست دارند. این طوری به انقلاب خدشه وارد خواهد شد. من خدمتشان گفتم: شما ملاحظه تاریخ انقلاب را می‌کنید ولی ملاحظه جغرافیای کشور را نمی‌کنید. پرسیدند چرا؟ عرض کردم: من معتقدم که بعد از شما هرکس بیاید نمی‌تواند این کارها را انجام دهد و این برنامه‌ها را جلو ببرد. با مشکلات و مخالفت‌ها و مسائل دیگر، این جریان می‌خواید. گفتند: شما بدبینی. من نمی‌گذارم این اتفاق بیفتد همفکری می‌کنم، کمک و نظارت خواهم کرد. آیت‌الله هاشمی چنین روحیه‌ای داشت. برای این که در تاریخ اینطور نوشته نشود، این

آیت‌الله هاشمی در میان شخصیت‌های تاریخی متعدد و رجال بزرگ، امیرکبیر را انتخاب می‌کند. امیرکبیر به چه چیز معروف است؟ او به آموزش علم و دانش و پیشرفت کشور معروف است.
ایشان به دلیل ملموس بودن شخصیت امیرکبیر برای مردم، او را برمی‌گزیند و کتاب می‌نویسد تا خاستگاه و اهداف او را در جهت خدمت به مردم و پیشرفت کشور نشان بدهد

طور استدلال و عمل می‌کرد.

اما در مورد آقای احمدی‌نژاد، واقعیت این است که آقای هاشمی، امهات مسائل و موضوعات مربوط به ایشان و مشکلات در راه را در همان نامه بدون سلام نوشت و داد خدمت رهبری. در همان نامه می‌شود آینده‌نگری او را دید. هرکس یک بار دیگر آن را نامه بخواند، متوجه خواهد شد که همان جملات و چیزهایی که پیش‌بینی شده بود، عیناً رخ داد. ایشان هیچ‌گاه در مورد احمدی‌نژاد تغییر موضع نداد.

اما وقتی که رهبری حکم ریاست جمهوری او را تنفیذ کردند، به اعتبار این که نظام و ولایت فقیه را قبول دارد، از جهت تنفیذ رهبری، گفتند من هم پذیرفتم و در واقع قبول کردند. سکوت و پذیرش ایشان در آن موقع به خاطر پذیرش اصل نظام بود و تعبدی که داشت. به خاطر تنفیذ حکم رهبری بود، و گرنه نظر ایشان اصلاً تغییر نکرده بود. قبلش گفت نامشروع است و بعد از تنفیذ برای حفظ وحدت و انسجام جامعه و برای این که نظام ضربه نخورد پذیرفت؟

■ **چرا هیچ واکنشی نشان نداد؟**

بعد از آن مناظره‌های معروف که به شکل عجیب و یکطرفه‌ای هرچه خواست گفت، به صدا و سیما اعتراض شد و ما استناد کردیم به قانون شورای سرپرستی صداوسیما، و این مربوط بود به مذاکرات مجلس که در آن زمان پخش مستقیم داشت. اگر کسی به فردی

اهانت می‌کرد، این امکان وجود داشت که به همان میزانی که سـخنران درباره او صحبت کرده، فرصت دفاع داده می‌شد تا از همان رسانه، در همان ساعت صحبت کند و از خودش بتواند دفاع کند. این مصوبه در زمانی که من خودم سرپرست صداوسیما بودم، از تصویب شورای سرپرستی گذشت و دلیلش هم مسئله‌ای بود که در یکی از نطق‌های مجلس اتفاق افتاده بود، می‌خواستیم شرایطی باشد که پاسخی داده شود. اما صداوسیما هیچ وقت به ما جواب نداد و به آن قانون عمل نکرد و مصوبه را هم با بی‌اعتنایی مورد توجه قرار نداد.

البته آقای هاشمی هم شکبیا بود و شکایتی نمی‌کرد. حتی در انتخابات ۸۴ که آن اتفاق‌ها افتاد و همه درجریان هستند، در بیانیه‌شان می‌گویند من از کسانی که نمی‌توانند و نمی‌خواهند کاری انجام دهند شکایت ندارم و به خداوند شکایت می‌برم. این روحیه و منش آقای هاشمی بود و البته طرف مقابل هم این موضوع و این روحیه را خوب می‌شناخت. در سال ۹۱ که ایشان رد صلاحیت شد، وقتی اعلام نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری کرد، یک موج عظیم در استقبال از حضور ایشان راه افتاد. مردم استقبال زیادی کردند. شاید به همین دلیل، وزیر اطلاعات وقت، در شورای نگهبان رفته و گزارشی داده و از جمله گفته بود که از این اقبال و استقبال که هست همین الان اگر انتخاباتی برگزار بشود، آقای هاشمی نفر اول است با سی میلیون رأی از طرف مردم و خوب اینها نمی‌خواستند این برنامه انجام شود. برای اینکه جلوگیری کنند گزینه‌هایی مطرح شده بود. گزینه‌ها این بود که مثل سال ۸۴ عمل کنیم یا بگذاریم که در انتخابات رأی بیاورد یا رد صلاحیت کنیم! بالاخره همین آخری گویا از نظر آنها کم‌هزینه‌تر بود چون گفته و معتقد بودند که ایشان اعتراضی نمی‌کند؛ بر مبنای شناخت روحیه ایشان و این که می‌دانستند آقای هاشمی از حق خودش برای حفظ نظام و حفظ وجهه نظام و مملکت گذشت می‌کند و این هم هزینه‌ای برای آنها نداشت. به هر حال ایشان هم گذشت کرد چون نمی‌خواست آشوب و تنش ایجاد شود و به مردم و نظام لطمه بزند.

■ **آیت‌الله هاشمی به لحاظ فردی خیلی خاص بود.**

از جمله نظم و پرکاری داشت و این مسئله را می‌توانیم در جلوه‌های مختلف زندگی و شخصیت و کارهای ایشان ببینیم. مثلاً یادداشت‌های دقیق و منظم که سال‌ها و سال‌ها هر شب نوشته شدند و با عنوان خاطر‌اتشان نشر شد. اینها را می‌بینیم و نشان می‌دهد که از این نظر به خوبی تربیت و تجهیز شده بود. این نوع ویژگی‌ها چگونه در وجود ایشان ممخض شده بود؟

ایشان در زندگی‌شان، همیشه برنامه داشت و طبق برنامه و اموری که از پیش اندیشیده بود عمل می‌کرد. کارهایشان دفعی و یکباره نبود. نظم مشخصی داشت. این برنامه هم عبارت بود از این که شب‌ها حدود ده به بعد برای استراحت آماده می‌شد و به اتاق می‌رفت، اما صبح زود قبل از اذان برمی‌خاست برای عبادت و نماز و تهجدی که به آن همیشه پایبند بود و نوعی آرامش روحی برایشان به ارمغان می‌آورد. ریا و تظاهر هم نمی‌کرد، همیشه همین طور بود. در زمان مشخص کارهایش انجام می‌شد. صبحانه را می‌خورد و برای انجام کارها آماده می‌شد و به محل کار عزیمت می‌کرد. در کارها هم با نظم عمل می‌کرد. ساعتی برای مطالعهٔ برنامه‌ها و نامه‌ها و دیدارها، و... بعد هم ناهار مختصر و نماز و استراحت کوتاهی داشت. بعدازظهر را برای دیدن کارتاپل و کارهای شخصی صرف می‌کرد. آقای هاشمی مثل بعضی از مدیران نبود که فقط امضا می‌کنند و مختصر و مفید از امور و نامه‌ها با خبر می‌شوند یا اصلاً نمی‌دانند چه چیز را امضا کرده‌اند، خیر، همه متن‌ها و نامه‌ها را می‌خواند و می‌دید و دقیقاً خودش دستور می‌داد و پیگیری می‌کرد. این برنامه نوعاً هر روز ادامه داشت و نماز مغرب و عشا را که برگزار می‌کرد، غالباً شب‌ها هم جلساتی داشت و ملاقات‌های خاص و بحث و گفت و شنود برای تحلیل اوضاع و

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹دی ۹۶

اطلاعات

۷

رسیدگی به کارهای متفرقه و اموری که گاهی هم بسیار مهم بود. خلاصه تا نزدیک همان وقت استراحت یکسره و به دقت مشغول بود و هیچ وقت و لحظه‌ای را هدر نمی‌داد. آخرین کار هم همان بود که شما اشاره کردید؛ نوشتن خاطرات و گزارش تمامی کارها و رخدادهایی که در طول روز برایشان گذشته یا مربوط به ایشان بود. این عادت را همواره حفظ کرد و قبل از انقلاب هم همین شیوه را داشت. یادداشت بر می‌داشت و نکات مهم را ثبت و ضبط می‌کرد. هرچه به نظرشان می‌رسید نوشته می‌شد.

از حیث غذا هم ساده زیست بود و غذاهای پر حرجم و مفصل یا چرب نمی‌خورد. به کارهای خانه و پختن و گرم کردن غذا، آماده کردن صبحانه و شام و این مسائل هم می‌پرداخت. گاهی که می‌رفتم منزلشان، می‌دیدم که غذایی را که از قبل خانم پخته بودند گرم می‌کرد و همان را استفاده می‌کردیم. اگر بخواهم خلاصه کنیم باید بگویم طبق برنامه و به دور از افراط و تفریط همه کارها را پیش می‌برد. وقشان تقسیم شده بود و کارها همه مشخص، روزها برنامه‌ریزی شده و با حساب و کتاب دقیق به پیش می‌رفت. دلیل موفقیت ایشان تا حد زیادی به همین نظم و دقت باز می‌گشت.

■ در غیاب ایشان، فکر می‌کنید آرایش سیاسی ایران چه تفاوتی کرده است؟ به هر حال همه می‌دانیم که آیت‌الله هاشمی همواره مانند وزنه تعادل و نیروی آرام‌کننده در امور مختلف وارد می‌شد و اثر می‌گذاشت، اینک در فقدان ایشان، فکر می‌کنید چه وضعی را در موازنه‌ها و رویدادها و گرا‌بشات سیاسی شاهد خواهیم بود؟

ایشان کفه تعادل بود و همان‌طور که فرمودید به آرام کردن فضا خیلی تمایل داشت و کمک می‌کرد. به همه گروه‌ها و جریانات کمک و مساعدت می‌کرد و ایشان مملکت و نظام مهم بود، فرقی نداشت که به ایشان نزدیک بودند یا جریاناتی بودند که گاهی جفایی هم به آقای هاشمی کرده بودند. وقتی پای مصالح انقلاب و مردم بود از مساعدت دریغ نداشت. همیشه مانع افراط و عصبانیت بود. بسیاری از رجال و سیاستون ضریب تحملشان پایین بود، اما او تعدیل می‌کرد. به عنوان مثال، جریانی از صحنه خارج می‌شد و برای این که از نیروی آنها استفاده شود با آنها جلسه می‌گذاشت و احترام قابل می‌شد. نیازهایشان را توجه می‌کرد تا راهی برای استفاده از تجربه و سوابق و تشکیلاتشان پیدا شود. نمی‌خواست تلف شوند. خیلی از این نیروها رقیب هم بودند و در عرصه سیاسی می‌خواستند سر به تن هم نباشد، اما آقای هاشمی می‌گفت باهم کار کنید. در موارد حساس و مهم این‌طور عمل می‌کرد و حتماً وارد می‌شد تا وحدت و انسجام ایجاد کند و جلوی ریزش نیروها و اختلافات بی‌مورد را بگیرد. این را در سخنرانی‌ها و بعضی بیانی‌ها و نوشته‌ها و صورتجلسه‌های ایشان می‌توانیم ببینیم.

یک ویژگی ایشان که الان به آن نیازهم داریم، این بود که هر موضوع و بحثی را که واجد اهمیت بود، ولو این که مخالفت با نظر شخصی ایشان داشت، مطرح می‌کرد و صریحاً درباره آن بحث می‌کرد و نظرات موافق و مخالف را می‌شنید و خودش هم به نظر و تصمیمی می‌رسید. نهائیاً می‌توانم اینطور بگویم که این نوع مسائل را چکش کاری می‌کرد تا به وضع مطلوبی برسد و بهترین شرایط را پیدا کند. به این شیوه به نقطه تعادل می‌رسید و همیشه به عنوان یک شیوه و روش به این مسئله پایبند بود.

■ حتی در سال‌های اخیر که به ایشان خیلی حمله‌های ناجوانمردانه‌ای شد؟

بله، حتی در این سال‌های آخر هم به دلیل ظلم‌هایی که نسبت به ایشان شد و تحمیلی که ایشان از خود نشان داد، محبوبیتشان افزایش چشمگیری پیدا کرد. این روحیه ایشان بود. تحمل می‌کرد. در انتخابات هم از ابتدا همیشه یک درصدی رأی خاص و همیشگی

داشت. یعنی ضریب نفوذشان حدود چهل درصد - کمابیش - همیشه ثابت بود. اما در سال‌های اخیر که ایشان مورد ظلم و هجمه شدید و نادرستی قرار گرفت و بی‌اخلاقی‌هایی از سوی رقبای شد، مردم آگاه‌تر شدند و این ضریب نفوذ هم خیلی بالا رفت. مردم به یک معنا، به جهت‌گیری و تصمیم و صحبت ایشان نظر می‌کردند و موضع آقای هاشمی را حمایت می‌کردند. دیدیم که تصمیمات و برنامه‌هایشان در چند انتخابات و لیست‌های بسیار مهم و حساس چگونه بود. این در حالی بود که تربیون‌ها هم در اختیار همان‌ها بود که مخالف ایشان بودند. بدون تربیون‌های خاص، مردم را مدیریت کرد و به نتیجه خوبی هم رسید.

■ نکات خیلی خوبی مطرح کردید، ولی در غیاب ایشان اوضاع را چگونه تحلیل می کنید؟

در یک سال اخیر که ایشان نبودند، در غیاب فکر و مواضع آقای هاشمی، به نظرم باز همه مردم تحت تأثیرشان بودند. زیرا یک جهت معتدل و درستی را برای مصالح کشور تشخیص می‌دهند. در این انتخابات اخیر، خیلی‌ها می‌گفتند به لیست هاشمی رأی می‌دهیم، علی‌رغم این که خودشان حضور نداشتند و نبودند. ولی توصیه‌هایشان زنده بود. اثر داشت. در همین اواخر حیاتشان گفتند که الآن خیالم راحت است و مردم راهشان را یافته‌اند.

■ بله، این جملات در سخنرانی به مناسبت انتشار کتاب آقای شیرعلی نیا در یکی از سالن های مجمع از ایشان

الان بدون آقای هاشمی، دولت از تجارب فراوان ایشان محروم شده، چون او همواره از مسئولان زیربند درخواست می‌کرد و مثل یک حکیم و یک انسان مجرب و خیرخواه و دانا، که به زیبایی می‌توانست گره از کارهای سخت بگشاید، مشکلات را تحلیل می‌کرد و بعد راه‌حل پیدا می‌کرد. ما از چنین فردی و افکارش و حکمتش محروم شده‌ایم، جامعه و دولت محروم شده است. آقای هاشمی یک ثروت ملی بود

شنیدم، اما ما باور نمی کردیم به همین زودی از وجود مؤثر و
پشتوانه حضور آیت اله هاشمی رفسنجانی بی بهره شویم.
فقدانشان خیلی خسارت زانو اندوهبار است، همچنان که
حضورشان همیشه برکت و حرکت می آفرید.

بله. من هم همین طور فکر می‌کنم. اما خوب، می‌بینیم که تبلور آگاهی در مردم، در انتخابات و موضع‌گیری سیاسی عمومی و نتایج این گزینش‌های اکثریت دارد دیده می‌شود. هر چند که بدون آقای هاشمی، بین گروه‌ها و جریانات سیاسی، خلأهایی هم موجود است. بالاخره کسی را از دست داده‌ایم که اغلب کارها را بر اساس تجربه و روش درست و حکمت‌آمیزی حل و فصل می‌کرد. کسی که می‌توانست رهنمودهای آرامش‌بخش به نفع نظام و منافع ملی بدهد و حرف آخر را بزند و همه راضی باشند، در صحنه بمانند و با هم صلح و ثباتی داشته باشند. الان کسی را در سطح ایشان نداریم. یک دلیلش شاید بر چسب خاصی باشد که اغلب سیاست‌پو و رجال ما دارند. برخی اصول‌گرا و برخی اصلاح‌طلب‌اند. بالاخره هر کدام مربوط به طیف و جناح خاصی هستند. آقای هاشمی از احزاب و جناح‌ها فراتر بود. شخصیت ملی بود.

■ بنده تصور می‌کنم، شخصیتی بین‌المللی و چهره‌ای جهانی هم بودند.

درست است. این را در پیام‌ها و واکنش‌های شخصیت‌ها و رؤسای دولت‌های جهان هم می‌شد دید.

در کشورمان اغلب شخصیت‌ها، در تقسیم بندی‌های جناحی، یک ضریب نفوذ محدودی دارند. اما جایگاه و تراز آقای هاشمی فراتر از این جناح‌ها بود. او در جایگاهی فراتر و ممتاز، همه گروه‌ها را دعوت می‌کرد با هم کار کنند. الان خلأیی وجود دارد که یک جناح به تنهایی نمی‌تواند کار کند و با رقیب هم سخت کنار می‌آیند. تأثیر و اطمینان کامل ندارند. آقای هاشمی این مشکلات را حل می‌کرد. شاخصی بود که مردم نگاه خاصی به ایشان داشتند. اعتماد می‌کردند و اگر از او یا لیست‌هایی که معرفی می‌کرد پشتیبانی می‌کردند به دلیل همین شاخص بودن و وجهه ملی و مردمی بود.

■ آینده کشور را بدون ایشان چگونه ارزیابی می کنید؟
و اگر حضور داشتند مهم ترین رهنمودهایشان برای ملت ایران چه می توانست باشد؟

رهنمودشان قطعا پرهیز از افراط و تفریط و پیروی از اعتدال و اخلاق بود. خشونت و هرج و مرج را برای کشور مضر و مخل می‌دانست. روایتی هم از یکی از ائمه اطهار(س) نقل می‌کند که اخلاق چه آثار و ثمراتی دارد. برکات زیادی می‌آورد. توصیه‌شان بازگشت به اخلاق بود، به اعتدال و آرامش و به کار و کوشش برای ساختن جامعه. اما به نظر می‌رسد که وضعیت کنونی قدری برای ادامه برنامه توسعه و پیشرفت، راه ناهمواری پیش روی دولت است. الان بدون آقای هاشمی، دولت از تجارب فراوان ایشان محروم شده است، چون او همواره از مسئولان زیربط درخواست می‌کرد و مثل یک حکیم و یک انسان مجرب و خیرخواه و دانا، که به زیبایی می‌توانست گره از کارهای سخت بگشاید، مشکلات را تحلیل می‌کرد و بعد راه‌حل پیدا می‌کرد. ما از چنین فردی و افکارش و حکمتش محروم شده‌ایم، جامعه و دولت محروم شده؛ آقای هاشمی یک ثروت ملی بود. همان‌طور که شما گفتید یک شخصیت جهانی بود که می‌توانست در حال حاضر در داخل موجب وحدت و آرامش و ایجاد امید باشد و در انتخابات به مردم رهنمود بدهد و شور و حرارت و شکوه به سیاست القا کند. همچنان که در منطقه و با احترامی که داشت می‌توانست اثرگذار باشد و صلح و آرامش را به شکل مؤثری برای همسایگان در افق کشورها ایجاد کند. علاوه بر این مسائل، مکتب اخلاقی و شیوه بیان آرام و مستدلی آقای هاشمی همیشه مفید و مؤثر بود. نبودن ایشان یک خسران است و چگونه این خسران جایگزین خواهد شد؟

■ سپاسگزارم جناب آقای هاشمی از این که وقت گذاشتید و به پرسش های ما پاسخ دادید. در خاتمه می خواهم بپرسم از آثار و نوشته های آیت الله هاشمی چه خبر؟ چه چیزهایی هنوز منتشر نشده اند؟ با توجه به ارزش و اعتبار تاریخی و به یک معنا اهمیت ملی این نوشته ها، آیا برنامه ای برای تسریع در انتشارشان دارید؟

در مورد آثارشان، وصی ایشان، محسن آقا است. تا آنجا که من اطلاع دارم، سی و پنج جلد یا دفتر از خاطرات ایشان باید چاپ شود. بخشی البته منتشر شده و برخی هنوز چاپ نشده است. برنامه وراث ایشان و محسن آقا این است که سالی یک جلد از این‌ها منتشر شود. خوب گاهی ملاحظات می‌هست، خود دفتر انتشارات و وصی ایشان چیزهایی را صلاح می‌دانند و منتشر می‌شود. کسانی هم هستند که نمی‌گذارند یا خوششان نمی‌آید و حتی گاهی تردید می‌کنند و ادعاهایی برای بی‌اعتبار کردن تاریخ و نوشته‌های آقای هاشمی مطرح کرده‌اند که من نمی‌خواهم وارد آن حرف‌ها بشوم. مردم قضاوت خواهند کرد. همان‌طور که تا حالا قضاوت کرده‌اند. خود آقای هاشمی هم همیشه به خاطر حفظ حرمت و کرامت انسانی، رعایت و احتیاط می‌کرد. گرچه سینه ایشان گنجینهٔ اسرار بود، اما آنچه بیشتر چاپ شد، بنا بر این بود که نفع داشته باشد و به کسی زیانی وارد نشود و مصالح مملکت و مردم و انقلاب همیشه در صدر نظر ایشان و اولویت‌هایشان بود.

گفتگو با دکتر مصطفی معین:

هاشمی اهداف بزرگی در سر داشت...

دهه آخر زندگی، دوران تحول در مواضع سیاسی - اجتماعی هاشمی بود. روشننگری نسبت به فتنه گر اصلی و هشدار نسبت به شیادی و خرافه گرایی و طی کردن فرآیند دموکراسی دغدغه ایشان بود



حسین آقایی

■ شما به عنوان یک چهره شناخته شده در عرصه سیاست و مدیریت فرهنگی کشور، حتماً با آیت الله فقید هاشمی رفسنجانی برخورد و همکاری داشته اید. به طور کلی نقش ایشان را در شکل گیری نهادهای جمهوری اسلامی چگونه ارزیابی می کنید؟

نقش جناب آقای هاشمی در همه مراحل انقلاب و شکل گیری ارکان و نهادهای اصلی نظام جمهوری اسلامی برجسته و بعضاً تعیین کننده بوده است. از عضویت در شورای انقلاب گرفته تا شکل گیری مجلس خبرگان و مدیریت مجلس شورای اسلامی و از فرماندهی جبهه های دفاع مقدس تا تشکیل دولت سازندگی بعد از جنگ، همگی دوره های حساس و سرنوشت سازی در زمان خود بوده اند.

■ آیا خاطره و تجربه خاصی هست که از همکاری و برخورد با ایشان برای شما جالب بوده باشد؟

خاطره ها و تجربه های زیادی در ارتباط و همکاری طولانی با ایشان هم در مجلس اول و سوم، هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی و هم دولت اول سازندگی داشته ام. داشتن هدف های بلند، جدیت در مسئولیت ها، صمیمیت در روابط انسانی، حافظه قوی و هوشمندی سیاسی و مدیریتی از ویژگی های شخصیتی ایشان بود.

■ در ماجرای رقابت شما با آقای هاشمی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴، حضور ایشان و برخوردهای ایشان در آن مقطع را چگونه ارزیابی می کنید؟

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴، نظر سنجی ها نشان می داد که آرای منفی جناب آقای هاشمی بیشتر از سایر نامزدهای انتخاباتی است که یکی به علت تورم بالا و مشکلات اقتصادی جامعه در سال های پایانی دوره دوم دولت سازندگی و دیگری به دلیل فضا سازی جناح محافظه کار و افراطیون سیاسی بر علیه ایشان و خانواده شان بود. البته همان گروه های فشار بر علیه من نیز فعالیت تخریبی داشتند. در آن انتخابات من تنها کاندیدای حزبی از ناحیه اکثریت قاطع گروه های اصلاح طلب بودم که پیش بینی می شد با جناب آقای هاشمی به دور دوم انتخابات وارد شوم. اما شرایط انتخابات و رقابت ها بسیار ناسالم بود و بنا به قولی طرح های چند لایه و در واقع اراده قاهره ایی برای کشیدن آراء رئیس دولت مهرورزی وجود داشت. در هر صورت وقتی انتخابات به دور دوم کشیده شد به دلیل احساس خطر و علیرغم آنکه به کیفیت برگزاری دوره اول انتخابات معترض بودم، اطلاعاتی ای در حمایت از جناب آقای هاشمی رفسنجانی انتشار دادم. در آن اطلاعاتیه هشدار دادم که صدای پای فاشیسم شنیده می شود و همگان را به حضور در مرحله دوم انتخابات و دادن رای به مرحوم جناب آقای هاشمی دعوت کردم.

■ شما مدت قابل توجهی وزیر فرهنگ و آموزش عالی بوده اید، آیا بنیانگذاری و مدیریت خاص دانشگاه آزاد از سوی آیت الله هاشمی را مثبت می دانید؟ این پدیده چه دستاوردها و چه نقدهایی از نظر شما داشته است؟

از نظر من اصل بهره گیری از کمک های مردمی و منابع و ظرفیت های بلا استفاده کشور برای گسترش



آموزش عالی، امری مثبت تلقی می شود. البته انتقادی که وجود دارد این است که چرا از همان ابتدا تأسیس دانشگاه آزاد و مراحل توسعه آن در چارچوب ضوابط ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت انجام نگرفت. برای مارعایت قانونمندی و حفظ و ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه ها راهبردهایی است که نمی توان آنها را نادیده گرفت. متأسفانه مدیریتی که در آن سال ها دانشگاه آزاد را اداره می کرد مدیریتی با رویکرد سیاسی و تجاری بود تا علمی و تن به نظارت آموزش عالی و رعایت مقررات آن نمی داد. نوسان ها و فراز و نشیبی که در وضعیت این دانشگاه طی دهه های اخیر وجود داشته است به دلیل همین خودسری، گسترش بی رویه و فاقد توجیه کارشناسی علمی بوده است و البته در دولت اصلاحات و در سیاست های مندرج در برنامه چهارم توسعه، برای رفع این نقایص پیش بینی هایی به عمل آمد. هر چند که هنوز هم در این زمان و در مدیریت جدید دانشگاه روش های غیر منطقی قبلی ادامه یافته است. افت کیفیت علمی دانشگاه و کارایی دانش آموختگان، خالی ماندن صندلی های دانشگاه ها و بیکاری انبوه دانش آموختگان بخشی از این سوء مدیریت طولانی مدت در دانشگاه آزاد است.

■ یک جریان خاص که هشت سال در رأس دولت قرار داشت به طور علنی و غیرمنصفانه آیت الله هاشمی را مورد تهاجم و تهمت قرار می داد، شما علل و ریشه های این برخوردها را چه می دانید؟

افراطی گری، هرج و مرج طلبی و قانون شکنی، عوامزدگی و عوامفریبی، روش های خشن و ناهنجار از جمله شاخصه های رفتاری و شخصیتی جریانی است که به آن اشاره دارید. وقتی نخبگان یک جامعه ساکت باشند یا منافع شخصی را هدف قرار دهند و مردم از آگاهی و توانمندی کافی برخوردار نشوند و ساختار و فرصت های انتخاباتی نیز برابر و عادلانه نباشد، ظهور چنین پدیده هایی دور از انتظار نخواهد بود. اینگونه افراد و جریان ها، وجود خود را در تخطئه و حذف دیگران، در بی ثباتی و ایجاد تنش جستجو می کنند.

■ از حیث میراث سیاسی و مدیریت اقتصادی، دستاوردهای مرحوم هاشمی رفسنجانی را چگونه معرفی می کنید؟

تجهیز و تقویت زیر ساخت های توسعه کشور در آموزش عالی و بخش های دیگر، ترمیم خرابی های جنگ و کار و تلاش شش بانه روزی برای آبادانی و رفاه مردم فارغ از زد و بند ها و بازی های سیاسی میراث ارزشمند سیاسی، مدیریتی و اقتصادی آقای هاشمی است.

■ آیا به لحاظ شخصی و رفتاری، منش و برخوردهای

آقای هاشمی را خوب و مفید می دانید؟

ایشان شخصیتی پرجاذبه و رفتاری صمیمانه با همکارانشان داشت و برخوردهایی همراه با امیدواری، خوشبینی و حسن ظن نسبت به مسایل و حوادث از خود نشان می داد.

■ زندگی آیت الله هاشمی در دوران پس از انقلاب مراحل متفاوتی داشته است، به نظر شما کدام مراحل نتایج بیشتر داشته و برای شما جالب تر است؟

از نظر من همانطور که قبلاً هم گفتم، زندگی ایشان را می توان در داشتن اهداف بلند و همت بالا برای پیشرفت کشور در عین گرایشی و داشتن مشی اعتدالی در رفتار سیاسی خلاصه کرد.

■ آیا هاشمی در برخورد با وقایع مختلف تغییر کرده بود یا شرایط دگرگون شده و او ناگزیر به مواضع متفاوت شده بود؟ به عبارت دیگر آیا تحول در رفتار و کردار و گفتار و اندیشه های آیت الله هاشمی مثبت بود یا خیر؟

بله، بویژه یک دهه آخر زندگی و کارنامه پربار آقای هاشمی، دوران تغییر و تحول در مواضع، دیدگاه ها و رفتار سیاسی - اجتماعی ایشان بود. در این مرحله روشننگری نسبت به فتنه گر اصلی و شیادی و خرافه گرایی جاری در دولت نهم و دهم و هشدار نسبت به پیامدهای وخیم آنها، تأکید بر اهمیت و ضرورت طی فرآیند دموکراسی برای پیشرفت جامعه، واقع بینی و تنش زدایی در روابط بین المللی و دفاع مظلومانه در برابر هتک حرمت ها و تعرض به حقوق شهروندی خود و خانواده اش را شاهد بودیم.

■ آیا نکته ای در این باره هست که مایلید بفرمایید؟

به نظر من انفجار میلیونی و اجتماعی عظیمی که پس از درگذشت جناب آقای هاشمی در تشییع با شکوه پیکر او رخ داد ثمره خلوص، از خود گذشتگی، هزینه کردن حیثیت و آبروی خود برای منافع ملی و صبوری اش در برابر بی مهری هایی بود که به او تحمیل شد.

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی

سه شنبه ۱۹ دی ۹۶

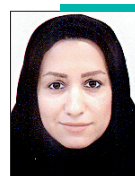
اطلاعات

۹

گفتگو با دکتر علی مطهری:

از قدرت گرفتن آقای هاشمی می‌ترسیدند

نامه‌ای که آیت‌الله هاشمی برای رهبری نوشت سند افتخاری در پرونده آقای هاشمی تلقی می‌شود چرا که وی خیلی خوب وقایع را پیش‌بینی کرده بود



زهره گردان

یک سال از زمانی که خبر فوت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را شنیدیم می‌گذرد و حالا آرام آرام خود را برای مراسم اولین سالگرد این بزرگمرد مبارز آمده می‌کنیم. آیت‌الله ۱۴ ساله بود که برای تحصیل علوم دینی راهی قم شد و همانجا خط دوستی اش با امام راحل و شهید مطهری شکل گرفت و این مثلث دوستی ادامه یافت تا اینکه به انقلابی مردمی ختم شد. به این دلیل به سراغ یادگار آن شهید بزرگوار رفتیم تا ناگفته‌هایی از آیت‌الله را برای ما بازگو کند. علی مطهری فرزند شهید مطهری اکنون نائب رئیس مجلس است. یک عصر زمستانی میهمان او در دفتر کارش مستقر در ساختمان هیات رئیسه مجلس می‌شوم و از دوران گذشته می‌پرسم.

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سه شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

■ آقای هاشمی رفسنجانی دوستی دیرینه‌ای با پدر شما داشت و قطعاً به عنوان فرزند شهید مطهری خاطرات مشترکی با این دو بزرگوار داشتید. لطفاً خاطره‌ای ماندگار از آن روزها برای ما نقل کنید.

سال ۵۷ حدوداً بیست و یک ساله بودم. آقای هاشمی از زندان آزاد شد و من به اتفاق پدر به دیدن ایشان در محله تجریش کوچه اسدی رفتم. بعد از مدت ها دوباره آقای هاشمی را می‌دیدم. در آن دیدار بحث‌های سیاسی هم شد و کلاً آن ملاقات هنوز در ذهن من باقی است. آقای هاشمی بسیار باهوش بود. بعد از آزادی از زندان متوجه شد که محور انقلاب در داخل شهید مطهری است و امام اعتماد زیادی به پدرم دارند. ایشان می‌دید تا چیزی از مسائل داخل کشور مورد تأیید پدرم نبود امام قبول نمی‌کردند؛ بنابراین آقای هاشمی در آن فاصله زمانی تا پیروزی انقلاب خیلی به شهید مطهری نزدیک شد و همواره در کنار ایشان بود. بعد از شهادت پدرم هم خاطرم هست ایشان به دیدار خانوادۀ ما آمد و در جمله‌ای گفت که آقای مطهری کار خود را کرد و رفت.

همچنین در فاصله ۱۲ تا ۲۲ بهمن پدر و آقای هاشمی به مدرسه علوی می‌رفتند. معمولاً صبح‌ها آقای هاشمی به منزل ما می‌آمد و وقتی راننده پدرم نبود من این دو بزرگوار را با ماشین به مدرسه علوی می‌بردم و شب دیر هنگام دنبالشان می‌رفتم. اول پدر را در منزل پیاده می‌کردم و بعد آقای هاشمی را به منزلشان می‌رساندم و برمی‌گشتم. یادم هست یک بار که دو بزرگوار صحبت خصوصی داشتند، آقای هاشمی خطاب به من گفت نیازی به آمدن شما نیست و من خودم رانندگی می‌کنم، اما من زیر بار نرفتم و گفتم که دنده ماشین قلق دارد و هیچ کس غیر از من نمی‌تواند از آن استفاده کند.

■ خاطر تان هست چه بحث‌هایی بین آقای هاشمی و آقای مطهری مطرح می‌شد؟

خیلی از آن زمان می‌گذرد و دقیقاً یادم نیست. ■ اولین دیدار تان با آیت‌الله را به خاطر دارید؟ بله حدود پانزده سالم بود که آقای هاشمی را دیدم. ما در محله قلهک، ساکن بودیم و آقای هاشمی کمی

نداشت. تملق و چاپلوسی نمی‌کرد. واقع بین بود و این خصوصیات از نقاط مثبت شخصیت آیت‌الله محسوب می‌شد. وی مصحلت اندیشی را در همه مسائل کشور سرلوحه کار خویش قرار داده بود. هم سیاسی و هم اجتماعی. مثلاً درباره راه اندازی مترو با اینکه مخالفان بسیاری وجود داشت که می‌گفتند بهتر است این هزینه صرف روستاهای کشور شود، اما دوراندیشی ایشان از شرایط آینده باعث شد بر اجرایی شدن پروژه مذکور اصرار داشته باشد.

■ به نظر می‌رسد از سال ۸۴ آقای هاشمی وارد دوره جدیدی از موضعگیری‌های سیاسی شد. مبنای این نوع نگاه چه بوده است؟

این موضعگیری‌ها بر اساس واقع بینی و تشخیص مصحلت کشور و انقلاب صورت گرفت. ایشان احساس کرد مسیر انقلاب در حال کج شدن است. یعنی یک گروهی قرار است روی کار آید که ممکن است انقلاب را به انحراف بکشاند. شاید آقای هاشمی اولین فردی بود که خطر حضور آقای احمدی نژاد را درک کرد و هشدار داد، اما متأسفانه برخی متوجه نبودند. حتی ورود آیت‌الله به انتخابات سال ۱۳۸۴ نه از روی قدرت طلبی بلکه برای ممانعت از روی کار آمدن آقای احمدی نژاد بود. همان زمان خاطرم هست آقای هاشمی گفت اگر اصولگراها روی آقای لاریجانی توافق کنند من وارد این عرصه نمی‌شوم. ایشان آمد تا آقای احمدی نژاد رای نیاورد ولی به گونه‌ای از آقای احمدی نژاد حمایت شد که ایشان رای آورد و البته منطق آنها هم این بود که تنها کسی که می‌تواند آقای هاشمی را به حاشیه براند آقای احمدی نژاد است. متأسفانه عده‌ای از روی دشمنی با آقای هاشمی از آقای احمدی نژاد حمایت کردند البته بعدها چویش را خوردند. سال ۸۸ هم آقای هاشمی مثل بسیاری از سیاسیون چه اصلاح‌طلبان و چه اصولگرایان به این نتیجه رسید که ادامه مدیریت آقای احمدی نژاد به صلاح مملکت نیست و بنابراین تلاش کرد تا شخص دیگری رئیس‌جمهور شود. حتی بر اساس طرحی که من آن زمان ارائه کردم قرار شد همه اصولگرایان روی آقای ولایتی اتفاق نظر داشته باشند. در ملاقاتی که با آقایان هاشمی و خاتمی داشتم، موضوع را مطرح کردم

آن طرف‌تر در کوچه لاجوردی؛ یعنی پیاده چند دقیقه فاصله بود و گاهی ایشان به منزل ما می‌آمد. اولین بار که ایشان زنگ خانه ما را زد، من در را باز کردم. دیدن یک روحانی بدون ریش برایم جالب بود. گاهی هم پدر نامه‌ای می‌داد تا به دست ایشان برسانم. آقای هاشمی خیلی صمیمی و خودمانی برخورد می‌کرد. با لباس راحتی در حیاط می‌نشست و میوه می‌خورد و تعارف می‌کرد. در آن روزگار من فقط می‌دانستم آقای هاشمی یک فرد مبارز است و گاهی زندان می‌رود، اما بعدها از روحیات و ذوق ایشان بیشتر مطلع شدم. البته ناگفته نماند که آقای هاشمی هم به شهید مطهری علاقه مند بود. ایشان وقتی به قم آمد دید که پدرم مورد توجه طلاب است و خیلی دوست داشت در کلاس درس وی شرکت کند. بعد از مدتی وقتی پدرم به تهران رفت آقای هاشمی خیلی افسوس خورد که توفیق شرکت در درس شهید مطهری را نداشت. رابطه دوستی این دو بزرگوار با توجه به اینکه شهید مطهری ۱۵ سال از ایشان بزرگ‌تر بود، نشان دهنده افق روحی بالای آقای هاشمی بود.

■ آیا علاقه و حمایت شما از آقای هاشمی صرفاً به دلیل دوستی ایشان با پدر تان بوده است؟

قطعاً این دوستی بی‌تأثیر نبوده است، اما اصل قضیه به شخصیت والای ایشان برمی‌گردد. آقای هاشمی مصالح مردم و انقلاب را بر منافع شخصی و محبوبیت خود ترجیح می‌داد و این از خصوصیات یک مصلح واقعی است. ایشان هر کجا مصلحت اقتضاء می‌کرد کاری انجام شود با شجاعت وارد می‌شد. نمونه آن هم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ درباره جنگ ایران و عراق بود. می‌توان گفت ایشان به دلیل آنکه واقعیات را بازگو می‌کرد دوست دانی انقلاب و امام بود. همچنین راه شهید مطهری را ادامه داد. درباره پدرم باید بگویم شهید مطهری نقطه نظرات امام خمینی (ره) را در جاهایی تغییر داد. آقای هاشمی هم بنابر مصلحت همین کار را می‌کرد. متأسفانه افراد معمولاً در حضور روسا و رهبری برای خوشامد آنان واقعیات را تحریف می‌کنند یا خبرهای دروغ ارائه می‌دهند، درحالی‌که مصلح واقعی زیر بار این کار نمی‌رود. آقای هاشمی از کاهش محبوبیت ترسی

آنها هم پذیرفتند و گفتند اگر شما در این قضیه محکم باشید نه آقای کروبی خواهد آمد و نه آقای موسوی اما بعدا اصولگرایان عقب نشینی کردند.

■ **علت عقب نشینی اصولگرایان از گزینه انتخاباتی خود در آن برهه از زمان چه بود؟**

اصولگرایان می گفتند احساس می کنیم نظر رهبری روی آقای احمدی نژاد است و بنابراین ما هم از ایشان حمایت می کنیم اگر چه در دل خود این موضوع را قبول نداشتند و بعدها هم تعبیر شد که بسیاری از اصولگرایان با چشمی گریان به آقای احمدی نژاد رای دادند.

■ **تشخیص درست آقای هاشمی در سال های ۸۴ و ۸۸ از کجا نشأت می گیرد؟**

این تشخیص بجا در سال های ۸۴ و ۸۸ از تیزبینی ایشان نشأت می گیرد. آقای هاشمی در آخرین خطبه نمازجمعه خود درباره نحوه برخورد با معترضان هشدار و برای حل بحران راه حل ارائه داد. همچنین نامه ای که ایشان برای رهبری نوشت سند افتخاری در پرونده آقای هاشمی تلقی می شود از این زاویه که وی خیلی خوب وقایع را پیش بینی کرده بود و همه اینها حاکی از روشن بینی ایشان است.

■ **چرا بعد از سال ۸۴ هجمه به آقای هاشمی گسترش یافت و عده ای به تخریب وی همت گماشتند؟**

چون دولت به شدت علیه آقای هاشمی بود و خیلی تبلیغات علیه ایشان و خانواده شان صورت گرفت. حتی خاطرم هست در آن سال ها اگر مسئولی از دولت نهم

ایشان تا مدتی سکوت کرد چون قدرت نداشت و کار خاصی از دستشان برنمی آمد ،اما بعدها که فضا بازتر شد از هر فرصتی برای طرح انتقاد استفاده می کرد.

■ **شما دلیل رد صلاحیت آقای هاشمی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ را در چه می دانید و آیا این رویکرد را نسبت به کسانی که در واقع از طلایه داران انقلاب بودند می پسندید؟**

آنچه که اعلام شد ناتوانی جسمانی بود اما ایشان از نظر جسمی خوب بود و مشکلی نداشت. من فکر می کنم از قدرت گرفتن آقای هاشمی می ترسیدند. البته



کاندیدا شدن ایشان و رد صلاحیتشان تاثیر بسزایی بر فضای انتخابات گذاشت.

■ **آیا در این اواخر هم دیداری با آقای هاشمی داشتید؟**

بله . یک سال قبل از فوت آقای هاشمی به دیدن ایشان رفتم. نمی دانم شاید کاری داشتم ، قصدم یک ربع دیدار بود اما آقای هاشمی بسیار دردمند بود و بسیار حرف داشت. آنقدر که حدود یک ساعت و نیم با من درد و دل کرد. حالت ناراحت ایشان در آن ملاقات در ذهنم کاملا حک شده است.

■ **در آن ملاقات درباره چه چیزهایی سخن گفتید؟**
آقای هاشمی از نحوه دادگاه پسرش مهدی ناراحت و گلایه مند بود و در این باره با من کلی سخن گفت. همچنین درباره تحولات و مسائل سیاسی و اجتماعی صحبت شد. درباره حوادث سال ۱۳۸۸ هم سخن گفتیم. البته برخی صحبت ها محرمانه است و من نمی توانم بازگو کنم. اما می توانم بگویم در آن دیدار مثل این بود که آقای هاشمی می خواست اسراری را به من بگوید و اصلا دوست نداشت که از آنجا بروم. حالت ایشان برای من جالب بود.

■ **فکر می کنید خلاء چنین شخصیت بزرگ سیاسی قابل جبران است؟**

خیر به هیچ عنوان. ایشان دارای ویژگی هایی بود که همه آنها امروز در یک فرد جمع نیست. اولاً که ایشان دید خیلی خوبی نسبت به سیاست جهانی داشت. اقتصاد جهانی را خوب می شناخت. راه های بهبود اقتصاد کشور را می دانست و اساساً مغز اقتصادی و سیاسی بود . دیگر آنکه مصالح کشور را به خوبی تشخیص می دادند. بالاخره شخصیت های بزرگی مثل امام خمینی (ره) شهید مطهری را دیده بود. واقع بین بود و صراحت لهجه داشت. از قدرت روحی خوبی برخوردار بود و به این دلیل در سطح جامعه تاثیر زیادی داشت. ما هم اکنون کسی را در حد ایشان نداریم. عده ای تصور می کنند که آقای هاشمی فقط یک فرد سیاسی بود در حالیکه ایشان از نظر علمی هم در سطح خوبی قرار داشت و بر معارف اسلامی مسلط بود. ظاهراً ایشان درس آقای بروجردی را درک کرده بود.

■ **با این اوصاف می توانید بگویید آقای هاشمی در دوره ریاست جمهوری خود موفق عمل کرده است؟**

بله در مجموع دوره موفق بود. مخصوصاً به دلیل آنکه جامعه در شرایط سختی قرار داشت. جنگ تحمیلی را پشت سرگذاشته بودیم و زیرساخت های ما از بین رفته بود. با این حال ایشان توانست اقتصاد کشور را به حرکت درآورد اگرچه در اواخر به دلیل اجرای سیاست تعدیل، تورم زیادی ایجاد شد، اما آقای هاشمی بلافاصله رویه خود را تغییر داد به این معنا که لجاجت نکرد و به سرعت اصلاحات اقتصادی را در پیش گرفت. قبول دارم به دلیل تاکیدیه که آقای هاشمی بر سازندگی کشور داشت کمی فضای آزادی بیان محدود شده بود و ایشان انتقادپذیری کافی را نداشت ولی من موضوع را این طور توجه می کنم که ایشان به دلیل شرایط نابسامان اقتصادی نمی خواست وقت کشور برای بحث های سیاسی بگذرد و هدفشان این بود که هر چه سریع تر از این شرایط بحرانی خارج شویم. ایشان گفت دولت من دولت کار است. دولت سیاسی نیست. می خواست باب بحث های سیاسی را ببندد. طبعاً این رویکرد باعث شده بود ایشان تحمل کمی در برابر انتقادات داشته باشد و شاید این نقد به آن دوران وارد است ولی در مجموع اقتصاد مملکت به حرکت درآمد و معتمد دولت آقای خاتمی هم ادامه دهنده راه آقای هاشمی بود. فقط ایشان فضای سیاسی کشور را باز کرد.

■ **آقای هاشمی با منشی اعتدالگرایانه خود نقطه وصلی بین اصلاح طلبان و اصولگرایان بود. آیا می توانید فردی را نام ببرید که در زمان کنونی این نقش را حتی کمرنگ تر ایفا کند؟**

خیر. کسی در حد آقای هاشمی با استقامت و پایداری ایشان که شجاعت مبارزه با انحرافات را داشته باشد و به موقع وارد عمل شود نداریم.

■ **حضور گسترده مردم در آیین تشییع پیکر آقای هاشمی غافلگیرکننده بود. تحلیل شما از این توجه مردم به آیت الله چیست؟**

به نکته مهمی اشاره کردید. تشییع پیکر ایشان بسیار پرشور انجام شد که حکایت از علاقه مردم به آقای هاشمی دارد. فشار جمعیت در مراسم جلوی دانشگاه تهران آنقدر زیاد بود که احساس خفگی و حال شهدای منا به من دست داد. اگر چند دقیقه بیشتر در آن حالت باقی می ماندیم شاید خطری پیش می آمد. شرکت مردم در مراسم آقای هاشمی آن هم به صورت خودجوش و بدون تبلیغات – با توجه به اینکه عده ای علاقه مند نبودند مراسم تا این حد باشکوه برگزار شود– برای من هم خیلی جالب بود. شعارهای خودجوشی که مردم در مراسم می دادند به خصوص در زمینه رفع حصر نشان می داد که مردم خوب مطلب را درک کرده بودند. اینکه مردم به راحتی شعار می دادند برای من خیلی جالب بود. در واقع مردم نشان دادند مسائل سیاسی و اجتماعی را خوب درک می کنند. حضور گسترده مردم در آن مراسم برای حکومت و نظام یک پیام داشت که نباید آن را نادیده انگاشت.

ویژه اولین سالگرد
درگذشت آیت الله
هاشمی رفسنجانی

سه شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

نسبت به آقای هاشمی بسیار حسادت می شد

آقای هاشمی تقریباً می دانست یک جریان دنبال نفی ایشان است ولی می خواست با حضور خودش جریان سازی کند تا مردم در انتخابات شرکت کنند



منوچهر دین پرست



هاشمی رفسنجانی در دوره های مختلف فعالیت های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نگرش و منش خاصی را مد نظر داشتند. یکی از مهمترین نگاه ها و دیدگاه های آقای هاشمی را می توان در مناسبات سیاست خارجی دید. او در دوران بخصوص پایان جنگ و دوران ریاست جمهوری خود با تحولات مختلفی در عرصه سیاست خارجی روبرو بود.

در این گفتگو دکتر صادق خرازی ضمن برشمردن ویژگی های سیاست خارجی در دیدگاه آقاس هاشمی برخی از وجوه فکری وی را بر شمرده است.

ویژه اولین سالگرد
درگذشت آیت الله
هاشمی رفسنجانی

سه شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

۱۲

■ در ابتدای بحث به این موضوع اشاره کنیم که آقای هاشمی رفسنجانی چه نگاه و دیدگاهی نسبت به سیاست خارجی داشتند و این فضا را چگونه تبیین می کردند؟

آقای هاشمی از جنبه های مختلف یک نابغه سیاسی بود. با اینکه ایشان روحانی و انقلابی به معنای واقعی کلمه بود اما بلافاصله که در حکومت قرار گرفت و با شأن یک رجل سیاسی وارد میدان شد، نسبت به خیلی ها از جهان بینی سیاسی و بین المللی ویژه ای برخوردار بود؛ مرحوم شهید بهشتی هم این گونه بود. مقام معظم رهبری هم این گونه بود. آقای هاشمی در سیاست خارجی هم صاحب نظر بود و در مواجهه با طرف های مقابل خیلی دقت می کرد و شنونده خیلی خوبی بود. با مطالعه وارد بحث می شد و هوش سیاسی و جهان بینی که داشت به او کمک می کرد تا در سیاست خارجی همیشه دست بالا را داشته باشد. به عنوان یک نابغه سیاسی از کسانی بود که در شکل گیری نهضت های آزادی بخش و حرکت های انقلابی هم صاحب نظر بود. اولین نقش را در تشکیل نهاد آزادی بخش سپاه آقای هاشمی ایفا کرد. در آن زمان مرحوم شهید محمد منتظری با ایشان هماهنگ بود. این فرد بزرگ، دیپلماسی جنگ را خوب می دانست و وقتی وارد بحث با طرف های خارجی می شد مثلاً در مورد قطعنامه های شورای امنیت مانند یک حقوق دان عمل می کرد. در مذاکرات دوجانبه انعطاف پذیر بود و در مذاکرات منطقه ای فوق العاده قوی عمل می کرد. در معادلات منطقه ای و بین المللی نیز قدرت تشخیص سره از ناسره را داشت.

البته این انتقاد را به آقای هاشمی دارم که در بعضی از تصمیمات حساس، ظرفیت های خارجی را در نظر نمی گرفت و این هم به روحیات انقلابی ایشان باز می گشت. تجربه همکاری با این مرد بزرگ در سیاست خارجی برای من قابل تامل بود. من تا پایان جنگ و در دوره دفاع مقدس با ایشان همکاری داشتم و بعد از پایان دفاع مقدس وقتی که ماموریت به نیویورک آغاز شد هر چند وقت یک بار که به ایران می آمدم خدمت آقای هاشمی می رسیدم و ایشان هم به صورت جدی تعهدات و مطالبات را با دقت و هوشیاری پیگیری و رصد می کرد طوری که و گاهی

وقت ها کم می آوردیم. آقای هاشمی در تصمیم گیری شجاعت داشت و شخصیتی بود که تمامی روسای جمهور بعد از وی از جمله آقایان خاتمی و احمدی نژاد و روحانی جزو مدیران دست پرورده ایشان بودند. این مرد بزرگ، فقط جریان ساز نبود بلکه بنیانگذار بود و واقعا باید او را پدر جریان فکری نظام دیوان سالاری در ایران نامید.

■ فکر می کنید این جریان همچنان ادامه دارد یا به تاریخ پیوسته است؟

به نظرم اندیشه های آقای هاشمی در آینده بسیار مورد توجه قرار خواهند گرفت. آقای هاشمی خوب

رابطه آقای هاشمی با مقام معظم رهبری یک رابطه مبتنی بر عشق و نقد بود. هر دو سلاقی متفاوت داشتند اما دارای یک عشق عجیبی به هم نیز بودند. اگر یک زمانی آقای هاشمی ملاقاتی با رهبری داشت و نمی توانست نزد ایشان برود عجیب مورد سؤال قرار می گرفت؛ کجا بودی و چرا نیستی؟ آقای هاشمی و مقام معظم رهبری دو تفکر متفاوت داشتند

شناخته نشده است.

■ چرا این اتفاق افتاد و غفلتی در شناخت ایشان صورت گرفته است؟

آقای هاشمی مورد حسادت بود هم از طرف قاطبه همسنگان و همسنگان خودش و هم از طرف کسانی که در مقابلش کم می آوردند. در واقع آقای هاشمی بیشترین ضربات را از دو جریان خورد؛ یکی جریان لیبرال اول انقلاب بود که ایشان در حذفشان خیلی بی پروا نقش داشت، یکی هم جریان چپ ایران که آقای هاشمی را تا نابودی کامل پیش بردند. اما آقای

هاشمی قدرت شخصی را داشت که در شکست بلند می شد و دوباره خودش را احیای کرد و وقتی این جریانات آقای هاشمی را تا تنفر ملی و سیاسی پیش بردند، حضور ایشان در آخرین انتخاباتی که کاندیدا شد یک جریان عجیبی به وجود آورد که نه تنها انتخابات نماد نفرت از آقای هاشمی نشد بلکه نماد شکوه و تجدید پیمان در انتخابات خبرگان رهبری هم شد. در انتخابات ریاست جمهوری هم آقای هاشمی همین ویژگی را داشت و توانست این موفقیت را به معنای واقعی احیا کند و بر قله ای که خودش باور داشت تکیه بزند.

■ شما به ثبت نام ریاست جمهوری آقای هاشمی اشاره کردید. ایشان در آخرین ساعات برای انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند. فکر می کنید ایشان چه تصمیمی گرفتند که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند؟

به نظر من آقای هاشمی تقریباً می دانست که یک جریان دنبال نفی ایشان است ولی می خواست با حضور خودش جریان سازی کند که مردم تحریک شوند و در انتخابات شرکت کنند و همین باعث باشد آقای هاشمی در اوج قرار بگیرد و ظرفیتی بالاتر از جامعه آن روز پدیدار کند. انتخابات دور اول ریاست جمهوری که آقای روحانی برنده شد انتخاباتی بود که سه عامل اساسی در آن نقش داشتند: عملکرد بد احمدی نژاد و بریدن مردم از او، بازگشت مردم و احیای تفکر هاشمی در جامعه و نقشی که ایشان و ثبت نامی که انجام داد در انتخابات داشت و رد آن به وسیله شورای نگهبان که انگیزه های جامعه را تحریک کرد و نقش آقای خاتمی در تحریک جامعه و خاستگاهی که آقای خاتمی در جامعه دارند. اگر فکر کنیم که خود آقای روحانی به تنهایی در انتخابات نقش داشتند یک اشتباه تاریخی و سیاسی است ولی انتخاب روحانی نتیجه عملکرد این سه عنصر بود که خدمتتان گفتم. همین آقای هاشمی در سال هشتاد و چهار مورد بی توجهی جامعه سیاسی قرار گرفت. مجموعه جریانات اصلاحات به دلیل اشتباه استراتژیکی که در فقدان رهبری در انتخابات داشتند، موفق نشده بودند به پیروزی برسند و همان

باعث شد دو دستی قدرت را به یک جریان مخوف و وحشتناک دادند. آقای هاشمی در سال هفتاد و هشت مورد حسد جریان چپ قرار گرفت و با شعار نابودی هاشمی به میدان آمدند و بسیار بد عمل کردند. ماجرای عالیجناب سرخ‌پوش و قدرت خاکستری و ماجراهای دیگری که در کانون‌های فکرساز جامعه شکل گرفت به قصد نابودی آقای هاشمی عمل کردند. اما ایشان ناپود نشدو از زمین بلند شد و زمینه استراتژی دیگری در جامعه ایجاد کرد.

■ **شما به بحث ثبت نام آقای هاشمی و تحولات**

آن موقع اشاره کردید. از آنجایی که بحثمان هم درباره سیاست خارجی بود ثبت نام آقای هاشمی و رد صلاحیت ایشان چه تأثیری در حوزه بین‌المللی وارد کرد و آیا وجهه ایشان در این حوزه دچار تخریب شد؟ به هر حال آقای هاشمی مسندهایی همچون ریاست مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری را بر عهده داشت؟

در مرحله اول آقای هاشمی در طبقه‌بندی‌های سیاسی و در جایگاه سیاسی تضعیف شد اما ایشان شخصیتی ورای آن صندلی که روی آن نشسته بود



داشت. آن صندلی به آقای روحانی و احمدی‌نژاد و خاتمی هویت داد ولی به آقای هاشمی هویت نداد. آقای هاشمی بود که به آن صندلی هویت داد. الان آقای خاتمی به آن صندلی هویت می‌دهد به دلیل آن کاریزمای شخصی که آقای هاشمی داشت. آقای هاشمی وقتی از ریاست مجلس به ریاست جمهوری آمد یک شخصیت درجه یک کشور بود. دنیا می‌دانست که آقای هاشمی یک رئیس مجلس عادی نیست. آقای هاشمی همیشه جزو تصمیم‌گیران دو سه نفر اول کشور و بازوی راست قدرت و صدر نظام و رهبری بود هم در زمان امام خمینی (ره) و هم زمان رهبری و هرجا هم که مقام معظم رهبری به آقای هاشمی نیاز داشتند و به ایشان رجوع می‌کردند می‌دانستند که می‌توانند مسائل را حل و فصل کنند.

■ **تعامل آقای هاشمی با مقام معظم رهبری چگونه بود؟نظر شما درباره حرف‌های مختلفی که در این مورد**

گفته شده چیست؟

رابطه آقای هاشمی با مقام معظم رهبری یک رابطه مبتنی بر عشق و نقد بود. هر دو سلایق متفاوت داشتنداما دارای یک عشق عجیبی به هم نیز بودند. اگر یک زمانی آقای هاشمی ملاقاتی با رهبری داشت و نمی‌توانست نزد ایشان برود عجیب مورد سؤال قرار می‌گرفت؛ کجا بودی و چرا نیستی؟ آقای هاشمی و مقام معظم رهبری دو تفکر متفاوت داشتند. آقای هاشمی معتقد به توسعه بود و آن را مقدم بر عدالت می‌دانست. مقام رهبری معتقد بود که عدالت و بعد توسعه باید رخ دهد. ایشان می‌گویند امکان ندارد در کشور توسعه داشته باشیم و از سوی دیگر برای عده‌ای پول‌های بادآورده بیاورد و هیچ نفعی هم برای مردم نداشته باشد. آقای هاشمی اما معتقد به توسعه اقتصادی و مقدم بر عدالت بود. من هم معتقدم بعدها هر دو بزرگواران تعدیل شدند. آقای هاشمی همین اواخر عدالت و توسعه را هم عرض هم می‌دیدند و رهبری هم اکنون بحث توسعه را خیلی جدی مد نظر دارند و درباره آن فکر می‌کنند. توسعه و عدالت را هم عرض هم دیدن خیلی مهم است واین تفکری بود که آقای هاشمی به آرامی خودش را با آن وفق داد. یک زمانی الگوی اقتصادی آقای هاشمی مبنای چپ بود و صحبت‌هایی در نماز جمعه می‌کرد و بحث‌هایی راه انداخته بود که همان موقع هم علما با ایشان مشکل پیداکردند اما به مرور زمان تا وقتی که ایشان رئیس جمهور شد یک اتفاق عجیبی در آقای هاشمی و دولتشان رخ داد شد به گونه‌ای که از کره شمالی به کره جنوبی سوق پیدا کردند. البته نمی‌خواهم بگویم یک چنین تفکری بود اما تا این اندازه تفاوت ماهوی داشتند. چنین تفکری در کشور مورد قبول واقع نمی‌شد. آقای هاشمی مرد تغییر بود؛ یک سیاستمدار و کسی که در صندلی ریاست‌جمهوری قرار گرفته و مهم‌ترین نکته او تغییر‌پذیری و انعطاف‌پذیری بود. آقای هاشمی رفسنجانی، مرد انعطاف‌ها بود. در زمان دفاع مقدس هم آن انعطاف‌ها را داشت.ایشان کسی بود که در دفاع مقدس و حماسه آن حضور داشت و اولین کسی هم بود که خواستار پایان جنگ بود.

■ **نقش آقای هاشمی در پایان جنگ چه بود؟**

نقش اول را آقای هاشمی داشت به ویژه در آنالیز و منعطف‌کردن و قانع‌کردن حضرت امام (ره). امام نمی‌پذیرفت و می‌گفت جنگ جنگ تا رفع فتنه و معتقد بود که صدام باید نابود شود اما آقای هاشمی بسا امام صحبت کرد و فضای بین‌المللی و موقعیت تجدید یافته صدام را برای حضرت امام بیان کرد. از سوی دیگر نظام سیاسی‌ای که در وضعیت سیاسی و سازمان نظامی ما حاکم شده بود را بررسی کرد. عده‌ای که می‌خواهند پایان جنگ را یک پروژه بدانند خیانت کرده‌اند. پایان جنگ یک پروسه بود. پایان جنگ همه واقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و بین‌المللی منطقه بود. در پایان جنگ نقش اول را قدرت‌های جهانی در تجدیدپذیر شدن سازمان نظامی صدام و تجدید قوا و امکانات دادن به او داشتند؛ هم قدرت مطلقه‌شرق یعنی اتحاد جماهیر شوروی و هم ایالات متحده و اروپا. صدام حسین بعد از عملیات والفجر ۸ سازمان نظامی‌اش منهدم شده بود و از هفت و هشت لشکر به دوازده سپاه رسیده بود. تعداد هواپیماهای ۶۰ و ۷۰ تایی ناگهان به هشتصد هواپیما رسید و کسی نمی‌تواند اینها را نفی کند. به هر حال عناصر و عوامل متعددی در پایان جنگ دخالت داشتند ولی نقش محوری را آقای هاشمی داشت. حتی به امام پیشنهاد کرد که من پایان جنگ را بر عهده بگیرم و شما مرا اعلام کنید.ولی حضرت امام باهمان ویژگی‌های مردانه، خودشان وارد میدان شدند حل و فصل مسائل را مدیریت کردند. آقای هاشمی شخصیت استثنایی تاریخ معاصر بود. بعضی‌ها آقای هاشمی را با امیرکبیر مقایسه می‌کنند. من معتقدم آقای هاشمی خیلی بالاتر

و قوی‌تر از امیرکبیر بود. امیرکبیر کوتاه آمد رگش را زدند. آقای هاشمی را هم می‌توانستند رگش را بزنند ولی ایشان مانورهایی داد که نتوانستند چنین کاری با ایشان بکنند. در تمامی تحولات سیاسی قبل از انقلاب و بعد از انقلاب و دوران دفاع مقدس، نقش آقای هاشمی محوری بود. در حذف شریعتمداری و لیبرالیسم و بنی‌صدر، پدیده ریاست جمهوری حضرت آقا، تجدید قوا کردن نیروهای انقلاب بعد از شهادت مرحوم بهشتی، فرمانداری جنگ و دفاع از دولت موسوی که زیر هجوم جریان‌های ستی واقع شده بود، پایان جنگ برای آقای هاشمی و ویژگی‌هایی که در مجلس خبرگان به وجود آمد آقای هاشمی نقش داشت. من نمی‌گویم نقش اول را داشت ولی نقش جدی داشت. بعضی‌ها معتقدند آقای هاشمی اگر نبود تأثیرگذاری در انتخاب رهبری به گونه‌ای دیگر بود من اما این را قبول ندارم و عناصری دارم که نشان می‌دهد این گونه نیست ولی آقای هاشمی تأثیرگذار بود. در همکاری‌های بین‌المللی آقای هاشمی نقش داشت. در قطعنامه ۵۹۸ آقای هاشمی نقش جدی داشت. در تجدید قوای نظامی و ساماندهی نظام دیوان سالار کشور بعد از جنگ و در ماجرای رهبری و خبرگان، آقای هاشمی نقش داشت. آقای هاشمی در ماجرای دوم خرداد نقش داشت. همین آقای هاشمی در سال هفتاد و هشت حذف شد ولی به گونه‌ای عمل کرد که در سال هشتاد و هشت و در ماجرای افشای جریان انحرافی و احمدی نژادایسم نقش اول را داشت. ایشان یک شخصیت سیاسی بود که کمتر در ملت‌ها اتفاق می‌افتد و از جمله شخصیت‌هایی بود که می‌تواند با قدرتی که دارند این نقش را به یک موقعیت ویژه توسعه اقتصادی و سیاسی و توسعه اجتماعی و مناسبت جهانی تبدیل کنند.

■ **در فضای سیاسی بعد از فوت آقای هاشمی**

صحبت‌های جسته و گریخته‌ای با عنوان هاشمی‌زدایی رخ داد. آیا این مورد می‌تواند تبدیل به یک جریان مبنی بر حذف اندیشه‌ها و تفکر ایشان شود؟

من قبول ندارم. هاشمی‌زدایی یعنی چه؟ هاشمی یک مکتب فکری داشت که شاگردانش همه در دولت هستند. رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور دست پرورده ایشان هستند. تمامی وزرا کسانی هستند که به نحوی از انحا در مکتب آقای هاشمی بزرگ شده‌اند. مجلس آقای لاریجانی دسست‌پرورده آقای هاشمی است. من متوجه نیستم می‌گویند هاشمی‌زدایی. اگر نقد تفکر آقای هاشمی است که نمی‌توانند بگویند هاشمی‌زدایی. طبیعی است که جامعه سیاسی مانند جامعه ما که تفکرات و اندیشه‌های متفاوتی در آن هست نمی‌تواند همه‌اش از یک جریان صحبت کند. طبیعی است تغییر مسیر در تاریخ نقدهای خودش را داشته باشد. اما اگر کسی بخواهد این‌گونه تلقی کند که آقای هاشمی قطبی بود که بعد از مرگش هم با الگوهای او کشور را باید اداره کرد، این یک جریان فکری است که تصور نمی‌کنم جواب دهد. زیرا جهان آنقدر متحول و تغییرپذیر است که این تغییرات جهانی خیلی اجازه نمی‌دهد که ما خودمان را تضعیف کنیم و از فعال بودنمان خارج شویم و خودمان را اسیر دست تاریخ کنیم.

■ **در پایان اگر نکته‌ای در نظر دارید بفرمایید.**

خدا رحمت کند آقای هاشمی را که هرچه خیرات است و خدماتی که کرده است باعث موقعیت ویژه‌اش در آن دنیا شود. آقای هاشمی‌ای که من می‌شناختم ویژگی‌های خاصی داشت. متدین و خداپرست و مذهبی و دینی بود. حافظ قرآن بود و کار موضوعی‌ای که درباره قرآن کرده کمتر کسی انجام داده است. ایشان یک مجتهد با فراست به معنای واقعی بود. خداوند انشاء الله رحمت کند ایشان را که در قله سیاست و معنویت درخشید و بدا به حال ما که امروز دستانم کوتاه شده است.

**ویژه اولین سالگرد
درگذشت آیت‌الله
هاشمی‌رفسنجانی**

سه‌شنبه ۱۹دی ۹۶

اطلاعات

۱۳

گفتگو با دکتر رضا ملک‌زاده:

هاشمی آموزش عالی را در کشور عمومی کرد

بخش عمده‌ای از آنچه که امروز در جمهوری اسلامی به عنوان پیشرفت داریم، حداقل در ۴۰ سال گذشته، مرهون تلاش و کوشش و سیاست‌هایی بود که آقای هاشمی انجام داد



حسین آقایی

دکتر رضا ملک‌زاده از جمله چهره‌های علمی کشور است که جزو دانشمندان یک درصد برتر جهان قرار دارد. دکتر ملک‌زاده در سال ۱۳۶۴ در سن ۳۰ سالگی رییس دانشگاه شیراز شد و در سال ۱۳۷۱ در دولت اول آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به مقام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسید و هم اکنون هم معاون تحقیقات و پژوهشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. به مناسبت سالگرد درگذشت آیت‌الله رفسنجانی با دکتر ملک‌زاده درباره شخصیت آیت‌الله رفسنجانی، نحوه مدیریت و خدمات ایشان به انقلاب و نظام، تغییر مواضع سیاسی آیت‌الله و حمله‌هایی که به ایشان می‌شد، گفتگویی انجام دادیم.

ویژه اولین سالگرد
درگذشت آیت‌الله
هاشمی رفسنجانی

سه شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

۱۴

■ شما به عنوان یک چهره شناخته شده در عرصه مدیریت کشور، حتماً با آیت‌الله فقید هاشمی رفسنجانی برخورد و همکاری داشته‌اید. به طور کلی نقش ایشان را در شکل‌گیری نهادهای جمهوری اسلامی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من از دورانی که خیلی جوان بودم به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ارادت داشتم. وقتی من ۳۰ ساله بودم در سال ۱۳۶۴، رییس دانشگاه شیراز شدم، آن زمان دانشگاه‌های علوم پزشکی از دانشگاه‌های دیگر جدا نشده بودند و جناب آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رییس مجلس بود. چندین بار در ارتباط با مسایل و مشکلات دانشگاه‌ها و یکبار هم با رؤسای دانشگاه‌ها خدمت ایشان رسیدم، ایشان عنایت ویژه‌ای به بخش آموزش عالی داشتند و همیشه سعی می‌کرد مسایل و مشکلات آموزش عالی را حل کند. در سال ۱۳۶۹ وقتی که من معاون آموزشی وزارت بهداشت بودم، آن زمان دکتر ایرج فاضل وزیر بهداشت بود و بر اثر اختلافات با مجلس از سمت وزارت استعفا داد و من به عنوان سرپرست وزارت بهداشت معرفی شدم. بعد هم به مدت سه سال در کابینه اول آیت‌الله هاشمی رفسنجانی وزیر بهداشت بودم. واقعاً این مدت تجربه بسیار خوبی بود از این نظر که آقای هاشمی به عنوان رییس دولت اجازه می‌داد در جلسات هیأت دولت نظراتمان را بگوئیم؛ حتی موقعی که این نظرات صد در صد با نظرات ایشان متفاوت و مخالف بود، همیشه گوش می‌داد و استدلال می‌کرد و به جمع‌بندی که می‌رسید ایشان خیلی احترام می‌گذاشت. ما واقعاً یک آرامش در کارهایی که باید با ایشان انجام دهیم، داشتیم.

یکی از خاطراتی که من با ایشان دارم موقعی است که من وزیر بهداشت بودم. در سال ۱۳۶۹ ما بخش‌های جراحی قلب در کشور نداشتیم طوری که اکثر بیمارانی که باید جراحی قلب می‌شدند به خارج اعزام می‌شدند. مطالعات زیاد انجام دادیم که چگونه می‌شود این مشکل را حل کرد. برای حل این معضل تعدادی نیروی انسانی تربیت کردیم و یک تعداد را هم برای آموزش به خارج اعزام کردیم و مراکز داخلی را تجهیز کردیم ولی باز یک مشکل وجود داشت و آن هم پایین بودن تعرفه‌ها در بخش جراحی قلب و عروق بود و این مسأله انگیزه‌ای ایجاد نمی‌کرد تا متخصصان قلب و عروق دست به جراحی پرریسک بزنند. سازمان برنامه و بودجه هم با افزایش تعرفه‌های جراحی قلب و عروق و تشخیصی قلب مخالفت می‌کرد. من یک شب دیر موقع به دفتر ایشان رفتم و این موضوع را توضیح

در دولت ایشان وزیر بودم، طبیب ایشان هم بودم. یک موقع که ایشان را معاینه می‌کردم گفتم: حاج آقا شما باید یک مقدار وزن خود را کم کنید و یک مقدار غذا کمتر میل بفرمایید. ایشان به من نگاهی کرد و گفت: وزن خود شما هم بالا است. من به ایشان عرض کردم که ما اطبا هم مانند شما علما می‌دانیم که توصیه‌هایی که می‌کنیم برای بقیه است.

■ شما یک دوره وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بودید و تجربیات آموزشی شما هم کم‌نظیر است، آیا بنیانگذاری و مدیریت خاص دانشگاه آزاد از سوی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را مثبت می‌دانید؟ این پدیده چه دستاوردها و چه نقدهایی از نظر شما داشته است؟

اتفاقاً یکی از نقدهای جدی که در زمان تأسیس دانشگاه وارد می‌شد، توسط گروه ما در شیراز و یک سری از دانشگاه‌های دیگر بود. در زمان آغاز به کار دانشگاه آزاد در سال‌های ۱۳۶۴-۶۵ ما جزو افرادی بودیم که مخالف گسترش دانشگاه آزاد به این شکل بودیم و اتفاقاً در یک جلسه که همه مخالفان حضور داشتند به آقای هاشمی گفتیم شما اجازه ندهید که دانشگاه آزاد به این شکل بی‌ضابطه رشد کند و به افراد مدارکی بدهد که در خیلی از مواقع در آن دانش و مهارت کافی نیست. اتفاقاً در یک جلسه دیگر که در مجلس با رؤسای دانشگاه‌ها خدمت ایشان رفتیم همین بحث را مطرح کردیم و من به عنوان رییس دانشگاه شیراز که مخالف این شکل شروع و ادامه کار دانشگاه آزاد بودم، صحبت کردم. ایشان خیلی سعی داشت که ما را قانع کند و مهم‌ترین حرف و دیدی هم که ایشان داشت این بود که ما از همه امکاناتی که داریم باید استفاده کنیم، چرا که جوانان ما مجبور هستند برای تحصیل به کشورهای خارج بروند و در آنجا هم کیفیت آموزش به مراتب از دانشگاه آزاد ما کمتر است. من یادم است در یک مأموریت که به رومانی برای بررسی وضع دانشجویان بورسیه رفته بودم، یک عده از دانشجویان ایرانی بورس گرفته بودند که در آنجا پزشکی بخوانند. آنقدر وضع آموزش آن‌ها را بد دیدم که به وزیر وقت علوم پیشنهاد دادم که همه ۸۰ دانشجویی که در رومانی بودند را برگردانیم به ایران و آن‌ها را در دانشگاه‌های ایران تقسیم کنیم، چون قطعاً آنجا پزشکان کم سوادتری می‌شدند. من بعداً که در وزارت بهداشت بودم به این نتیجه رسیدم که با دانشگاه آزاد تعامل سازنده داشته باشیم و به همین خاطر با آن‌ها صحبت کردم و تعداد واحدهای پزشکی را که زیاد بود

دادم و موافقت ایشان را گرفتم که بتوانیم تعرفه‌های قلب و عروق را اصلاح کنیم و فکر می‌کنم این امر باعث شد که در زمینه قلب این قدر پیشرفت کنیم که الان جراح قلب عروق اضافی داریم و تقریباً در تمامی استان‌های ما بخش‌های جراحی قلب باز است و اعمال جراحی که ما مجبور بودیم آن‌ها را به خارج اعزام کنیم، تمامی جراحی‌های قلب و عروق در داخل انجام می‌شوند و ما یک امکان وسیع هم برای توریسم درمانی داریم. این دقیقاً نشان می‌دهد که هرگاه مسایل و مشکلات برای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خوب توضیح داده می‌شد، ایشان کمک می‌کرد تا بتوانیم این مشکلات را حل کنیم.

در یک مقطعی ایشان آرزو داشت که همه مردم ایران را بیمه کنیم و کسی که پول ندارد از دریافت خدمات بهداشتی و درمانی محروم نشود و به همین دلیل ایشان خیلی ما را تشویق می‌کرد تا لایحه بیمه همگانی را با همکاری سازمان برنامه و بودجه تدوین کنیم و بعد هم در مجلس تصویب شد و این قانون بیمه همگانی برای آن زمان است.

■ آقای دکتر یک انتقاد اساسی که به وضع موجود در مان وارد است، خودگردانی بیمارستان‌ها است که در همین لایحه بیمه همگانی تصویب شده است.

بله خودگردانی بیمارستان‌ها در کنار بیمه همگانی و تعرفه‌های معقول و صحیحی است که در همه جا انجام می‌شود یعنی اگر افراد از قبل بیمه باشند، وقتی به بیمارستان مراجعه می‌کنند، هزینه‌های درمان را خودشان پرداخت نمی‌کنند. البته باید یک نظم هم در بیمارستان‌ها باشد تا ولخرجی نکنند و خودشان را اداره کنند تا هزینه‌های درمانی که سنگین هم است و دولت نمی‌تواند آن‌ها را تأمین کند، کنترل شوند. شما نباید به کلمه خودگردانی توجه کنید بلکه باید در کنار آن سیستم‌های لازم به وجود آمده باشند. اما مشکل ما وقتی است که سیستم بیمه کار نمی‌کند و به تعهداتش عمل نمی‌کند و بعضی از هزینه‌های درمان را مردم باید خودشان پرداخت کنند. اگر ما نظام بیمه کارا داشته باشیم و دولت سهم بیمه و بهداشت و درمان را به صورت کامل پرداخت کند ما با این مشکلات مواجه نمی‌شویم اما در حال حاضر مطالبات مراکز درمانی از بیمه‌ها بسیار بالا است و دولت هم قادر به پرداخت آن نیست.

■ آیا خاطره و تجربه خاصی از برخورد ایشان دارید که برای شما جالب بوده یا باشد؟

من خاطرات زیادی با ایشان دارم چون علاوه بر این که

به پنج تا شش واحد رساندیم و آنجاهایی که کیفیتش پایین بود را منحل کردیم و به واحدهای باقی مانده هم کمک کردیم تا با وضعیت بهتری اداره شوند.

■ **چه دستاوردها و نقدهایی بر تأسیس دانشگاه آزاد است؟**

فایده‌اش این بوده که ما توانسته‌ایم آموزش عالی را در کشور خیلی عمومی بکنیم. یکی از توصیه‌هایی که یونسکو در سال ۲۰۰۰ میلادی کرد این بود که آموزش عالی نباید به یک گروه و قشر خاصی محدود بشود بر اساس این توصیه باید امکان و فضای آموزش عالی را در کشورهای توسعه‌نیافته برای عموم راحت‌تر کنیم. من فکرمی کنم دانشگاه آزاد بدنبال یک شعار بین‌المللی هم بوده است. ولی مهم تر از آن فرصت عظیمی بود برای تعداد زیادی از جوانان ایرانی که آمدند در دانشگاه آزاد تحصیل کردند و توانستند توانایی مهارت پیدا کنند و مدرک بگیرند.این در حقیقت جنبه مثبت دانشگاه آزاد است.الان از جمعیت ۸۰ میلیونی کشور میلیون ها نفر لیسانس و بالاتر هستند. این خیلی تحول مهمی از نظر اجتماعی است که افراد بیایند و مدارج عالی تحصیلی را طی کنند. ضعف دانشگاه آزاد اسلامی هم در این بود که قادر نبوده است به اندازه مدرکی که می‌دهد دانش و مهارتی که لازم است به فارغ‌التحصیلان بدهد.بنابراین شما با افرادی مواجه می‌شوید که مهندس یا فارغ‌التحصیل رشته‌های دیگر هستند ، اما به اندازه کافی دانش و مهارت ندارند و وقتی می‌خواهند سرکار بروند نمی‌توانند به اندازه مدرکشان کار کنند. ولی واقعیت این است که تعدادی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاد هم دانش و مهارت خیلی خوبی دارند، هم خودشان پیشرفت کردند و هم موجب پیشرفت کشور شدند. بنابراین حرفی که ما با دانشگاه آزاد در گذشته داشتیم و امروز هم داریم این است که توسعه دانشگاه آزاد باید براساس ظرفیت و پتانسیل و زیرساخت‌ها و توانایی‌هایی که دارد ، انجام بشود. شما نمی‌توانید یک کسی رابه دانشگاه بیاورید، فارغ‌التحصیل کنید و مدرک بدهید بدون این‌که دانش و مهارت لازم را کسب کند. این نقضی است که نه فقط در دانشگاه آزاد بلکه در خیلی از دانشگاه‌های سراسر دنیا هست. نمی‌دانم چقدر مطلع هستید که در فیلیپین، هند یا در کشورهای اروپای شرقی و مالزی کنونی این مشکل به عنوان یک مشکل عمومی در اکثر دانشگاه‌های غیرانتفاعی است وبه درجاتی هم در دانشگاه آزاد هست. اما اگر سؤال کنید بود و نبود دانشگاه آزاد چقدر تفاوت دارد، می‌گویم حسن آن خیلی بیشتر از عیب‌هایش است و عیب‌هایش هم عیب‌هایی است که اگر هر وقت یک اراده قوی توسط مدیریت آن باشد، واقعاً می‌تواند برطرف شود.

■ **یک جریان خاص که هشت سال در رأس دولت قرار داشت، به طور علنی و غیرمنصفانه‌ای آیت‌الله هاشمی را مورد تهاجم و تهمت قرار می‌داد. شما علل و ریشه‌های این برخوردها را چه می‌دانید؟**

همه آدم‌هایی که در قدرت و مسئولیت‌های بالاقرار دارند در معرض این هستند که در مجموع کارهایی که انجام می‌دهند، یک تعدادی از آن‌هاهم مورد انتقاد باشد. پس نفس این‌که از آدم‌ها چه در زمانی که در قدرتند یا بعد از آن انتقادهایی بشود یک امر طبیعی است و در همه دنیا هم اتفاق می‌افتد. من فکر می‌کنم در رفتاری که با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شد در زمانی که ایشان دیگر در قدرت نبود، آن هشت سال خیلی ظالمانه بود. ما از نزدیک ایشان را می‌شناختیم و تلاش و عشق و علاقه‌اش را به خدمت به کشور و مردم ایران می‌دانستیم که ایشان چقدر علاقه داشت که به مردم ایران خدمت کند و کشور اسلامی ایران رادرجهان نمونه کند لذا با تمام وجودش در این زمینه تلاش کرد و واقعاً خدمات ارزنده‌ای هم به مملکت کرد. من فکر می‌کنم یک بخش از این انتقادات از حسادت بود ، واقعاً افرادی دراین هشت سال بودند که به جای این‌که بهتر از ایشان کار کنند، ناتوانایی‌هایشان را به اصطلاح در انتقاد به آیت‌الله جلوه می‌دادند. من فکر می‌کنم آیت‌الله هاشمی یکی از افراد خیلی مظلوم در جریان انقلاب هستند و شاید نیاز به زمان است که یک تحلیل منطقی‌تر از خدمات ایشان به انقلاب و جمهوری اسلامی داشته باشیم.

■ **از حیث میراث سیاسی و مدیریت اقتصادی، دستاوردهای**

مرحوم هاشمی رفسنجانی را چگونه معرفی می‌کنید؟

من فکر می‌کنم یک بخش عمده‌ای از آن موفقیت های



■ **آیا آقای هاشمی در برخورد با وقایع مختلف تغییر کرده بود یا شرایط دگرگون شد و او ناگزیر به اتخاذ این مواضع شده بود. به عبارت دیگر آیا تحول در رفتار و کردار و گفتار و اندیشه‌های آیت‌الله هاشمی مثبت بود یا خیر؟**

واقعاً هر دوی این هاست، اگر شما به تاریخ نگاه کنید، می‌بینید که آدم‌های بزرگ در اندیشه، گفتار و کردار دچار تحول شده‌اند. یکی از مواردی که من می‌توانم در ارتباط با آیت الله هاشمی برای شما مثال بزنم این است که در زمان وزارت من می‌خواستیم یک برنامه تنظیم خانواده داشته باشیم و این نگرانی وجود داشت که اگر ما توسعه ملی و اجتماعی‌مان را همزمان با کنترل جمعیت نکنیم ،امکان این‌که آدم‌های فقیر و کمتر توسعه یافته داشته باشیم زیاد بود و به همین جهت دنبال برنامه تنظیم خانواده بودیم و من خدمت ایشان رسیدم و با ایشان صحبت کردم ایشان یک مقدار فکر کرد و گفت: من یک موقع در نماز جمعه با تنظیم خانواده مخالفت کرده‌ام والان مشکل است که در موافقت با آن صحبت کنم ،اما وقتی که من برای ایشان استدلال کردم که نبود این برنامه چه لطمانی به جامعه می‌زند، ایشان قبول کرد. ما به‌رحال توانستیم برنامه تنظیم خانواده را در آن شرایط پیاده کنیم و این یکی از برنامه‌های خیلی موفق بود و شما ببینید اگر ما یک رشد جمعیت بی‌رویه داشتیم، الان چقدر بیکاری و مسائل دیگر بیشتر بود. به هر حال جمعیت کشور با ظرفیت‌های توسعه‌ای آن باید هماهنگ باشد. بنابراین من احساس می‌کنم این تغییرها برای ایشان قطعاً پیش آمده و یکی از دلایل آن هم شاید این باشد که آدم در مقطعی چیزی را می‌بیند و در مقطع دیگر نمی‌بیند. بعضی‌هایش هم آدم در تجربه به آن می‌رسد و در برخی موارد هم شرایط فرق می‌کند. شرایط جنگ با غیر جنگ و... فرق می‌کند ، به هرحال هم اوضاع و احوال اجتماعی و هم درکی که آدم از مسایل و مشکلات دارد باعث می‌شود تا سیاستمدارها و آدم‌های بزرگ تغییر موضع بدهند.

■ **در مواضع سیاسی آیت‌الله شما این تغییرات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

من خیلی آدم سیاستمداری به آن معنا نیستم. من آدم طیبی هستم ،ولی فکر می‌کنم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همیشه معتقد به تعامل با جهان بود و به نظر من این یک نکته بسیار مهمی است. ما باید بدانیم که دنیای امروزجایی نیست که ما بتوانیم به تنهایی تمامی تصمیم‌ها را بگیریم. دنیای امروز ،دنیای تعامل و یک دهکده جهانی است و واقعاً اگر ما بخواهیم به عنوان کشور جمهوری اسلامی درآن موفق باشیم ،باید ظرفیت و توانایی این را پیدا کنیم که با جهان تعامل کنیم و شما امروز می‌بینید که چقدر تعامل زیاد شده است. خوب در این مقطع یکی از دستاوردهای کشور در سطح بین‌المللی تعامل است و این تعامل باعث شده که امروز بتوانیم در سطح بین‌المللی دست بالاتری از ترامپ داشته باشیم که واقعاً اهل تعامل نیست .

■ **آیا نکته یا مسأله‌ای باقی مانده است که شما نگفته باشید و مایل باشید آن را بیان کنید؟**

من واقعاً از شناخت و کار کردن با آیت‌الله هاشمی رفسنجنانی در طول ۳۰ سالی که همکار ایشان بودم لذت برده‌ام و همیشه حضور و وجود ایشان را آرامشی برای مملکت می‌دانستم و همیشه دلسوزی‌ای که برای مردم داشت و علاقه و عشقی که برای سربلندی ایران و مردم ایران و جمهوری اسلامی داشت برای من یک الگو بود .

آقای هاشمی آرزو داشت

همه مردم ایران را بیمه کنیم و کسی

که پول ندارد از دریافت خدمات بهداشتی

و درمانی محروم نشود، به همین دلیل

ایشان خیلی ما را تشویق می‌کرد تا لایحه

بیمه همگانی را با همکاری سازمان برنامه

و بودجه تدوین کنیم و بعد هم در مجلس

تصویب شد و این قانون بیمه همگانی

برای آن زمان است

البته به نظر من دوره‌ای که ایشان در مجلس بود دوره بسیار بسیار مهمی است. نباید آن را کم اهمیت بدانیم بالاخره نظام پارلمانی را در کشور ما واقعاً ایشان به وجود آوردند و با همه عیب‌ها و ایراداتی که ما امروز در نظام پارلمانی داریم، بالاخره نفس شکل‌گیری آن یک اقدام بسیار مهمی بود ولی آن چه بیشتر مشخصه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی است، دوره هشت ساله رئیس‌جمهوری ایشان بود که توانست خیلی از ایده‌ها و تفکراتی را که داشت در کشور اجرا کند، پروژه‌های بسیار مهمی را در کشور در بخش‌های مختلف به خصوص در بخش آموزش عالی به سرانجام رساند. ما یک کشور با هفت دانشکده پزشکی و تعداد محدودی فارغ‌التحصیل بودیم. در سال ۶۸ وقتی من رفتم استان ایلام آنجا فقط یک متخصص هندی داشت که جراح زنان هم بود. سال گذشته که من به استان ایلام رفتم ، ۱۷۰ متخصص و فوق‌تخصص در آن جا داشتیم ، یعنی حرکتی که برای تربیت نیروی انسانی انجام شد اساس و پایه جمهوری اسلامی را پی ریخت و این‌ها بودند که باعث پیشرفت و توسعه کشور شدند. به طور مثال امروز در بخش سلامت توانسته‌ایم به تمامی استانداردهایی که در سطح دنیا در زمینه درمان است، دسترسی پیدا کنیم. در بخش‌های دیگر هم کمابیش همین‌طوری بوده و من فکر می‌کنم آیت الله هاشمی رفسنجانی تلاش کرد از تمامی تجربیاتی که داشت در هشت سال دوران ریاست جمهوری برای پیشرفت واعلای کشور با وجود موانعی که پیش روی او بود ،استفاده کند و برخی از این موانع واقعاً اجازه ندادند که ایشان به تمامی اهدافش برسند.

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹دی ۹۶

اطلاعات

۱۵

گفتگو با حجت الاسلام مجید انصاری:

هاشمی سعی داشت بین دین و توسعه آشتی برقرار کند

بین روحانیون فرد دیگری را مثل هاشمی سراغ ندارم که نگاه به توسعه کشور بر مبنای کار و تلاش زیاد داشته باشد. ایشان به شدت از زهدنمایی و ریاکاری متنفر بود و از فقر افراد و جامعه رنج می برد



علیرضا بردبار

هاشمی رفسنجانی از جمله روحانیونی بود که تلاش می کرد بین دین و توسعه و پیشرفت های کشور آشتی برقرار کند. به طوری که از نظر او اداره جامعه و حل مشکلات مردم در همراهی دین و سیاست امکانپذیر است.

حجت الاسلام والمسلمین مجید انصاری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در این گفتگو ضمن تبیین دیدگاه فوق و دیگر موضوعاتی که آقای هاشمی بدان توجه داشت به نقش و اقدامات آیت الله هاشمی رفسنجانی در قبل و بعد از پیروزی انقلاب، تمایز ایشان با سایر روحانیون، خلاء وجود مرحوم هاشمی رفسنجانی در شرایط فعلی و... پرداخت.

ویژه اولین سالگرد
درگذشت آیت الله
هاشمی رفسنجانی

سه شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

۱۶

■ نقش آیت الله هاشمی رفسنجانی در انقلاب

انصاری ابتدا درباره نقش مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی در پیروزی انقلاب و پس از پیروزی، اظهار داشت: درباره نقش ایشان در انقلاب و پس از آن صحبت زیاد شده است و خوشبختانه هنوز حافظه نزدیک مردم ایمن نقش را کم و بیش به خاطر دارد، به ویژه نخبگان و سیاسیون جامعه که حوادث را تجزیه و تحلیل می کنند. وی افزود: بی تردید آیت الله هاشمی رفسنجانی را باید به عنوان یکی از مؤسسان انقلاب اسلامی دانست. اگر برای انقلاب هیأت مؤسسی را در نظر بگیریم، در واقع بنیانگذار آن حضرت امام بودند، اما در هیأت مؤسس که از آغاز تشکیل با امام همراه و همفکر بود، افراد مختلفی حضور داشتند، ولی آیت الله هاشمی رفسنجانی در رأس کسانی بود که در آینده نگری، بلوغ شخصیت سیاسی، جهان بینی و آگاهی و نسبت به مسائل داخلی و خارجی نقش کلیدی ایفاء کردند. آیت الله هاشمی رفسنجانی از معدود افرادی بود که از ابتدا، در دوران جوانی در قم با امام آشنا شد و مثل کسی که گمشده خود را پیدا کرده است و تقارب متجانس فکری داشت، جذب حضرت امام شد، در حالی که برحسب ظاهر افرادی که از نظر حوزوی پیشکسوت تر از ایشان بودند می توانستند بیشتر به امام نزدیک شوند، اما در همان جلسات اول آقای هاشمی، جذب امام شد و بلافاصله پس از سال ۴۱ و اوایل سال ۴۲ با طرح موضوع انقلاب از سوی امام، مرحوم هاشمی رسماً وارد این عرصه شد و در دوره ای که ایشان به عنوان یک افسر وظیفه به سربازی اعزام شد، همانجا به نقشی که ایفا کرد توانست، برنامه رژیم شاه را مبنی بر لغو معافیت تحصیلی طلبه ها که در واقع نوعی دلسردی در طلبه ها ایجاد می کرد، خنثی کند. آیت الله هاشمی رفسنجانی در این زمینه با پیوندی که با افسران شاهنشاهی برقرار کرد، یک اقدام دو سر برد را طراحی کرد که نشان از هوشمندی ایشان داشت، یا آنها بحث سربازی طلبه ها را ادامه می دادند که مرحوم هاشمی توانسته بود طلبه ها را ساماندهی کند که عاملی برای انتقال مسایل سیاسی و اجتماعی به درون سربازخانه ها و شکست سنگین حصار آهنین درون ارتش و به نوعی نفوذ اندیشه امام و انقلاب در ارتش بود و طبیعی است که ادامه آن به نفع رژیم نبود و مورد دوم هم این که طلبه ها طرح را

سفر می کرد، متفاوت بود. آیت الله هاشمی رفسنجانی در سفرها هم هدف اصلی خود را دنبال می کرد و هم به دنبال کسب اطلاعات بیشتر در حوزه های مختلف بود. این مسأله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که ما نگاهی به شرایط آن زمان حوزه علمیه و روحانیت داشته باشیم. در آن زمان به هیچ وجه فضای حوزه آخوندی، اقتضای این مسایل را نداشت و آقای هاشمی در این زمینه ها یک استثنا بود که هم ضوابط حوزوی و فضای معنوی و علمی حوزه و هم الزامات روحانی بودن را به تمامی معنا رعایت می کرد و به آن پایبند بود و در عین حال در محدوده مکان و زمان خاص خود هیچ گاه خود را محصور نکرد و همواره نگاه به آینده و جهان داشت. ایشان در مقطعی احساس کرد که باید در حوزه ها برای مسایل آموزشی و فرهنگی کار انجام شود، لذا مدرسه رفاه تهران را برای کادر سازی و تربیت نیرو راه اندازی کرد و وقتی احساس کرد که مبارزان تحت فشار ساواک هستند و خانواده هایشان از نظر مالی در تنگنا هستند (که این مسأله، یکی از ابزارهای ساواک و تهدید بزرگی بود که مبارزه را به بن بست بکشاند؛ یا مبارزان جذب ساواک شوند یا از دست از مبارزه بردارند) با کمک دوستان خود شروع به کارهای اقتصادی کرد و در قم و کرج زمین خرید و کار ساختمانی انجام داد تا از این رهگذر، درآمدهایی برای تامین زندگی خانواده مبارزان دربند کسب شود. این مسأله هم نشان می دهد که آیت الله هاشمی رفسنجانی در زمان مبارزه به فکر کمک کردن و گشودن معبر و شکستن بن بست ها بود. موضوع دیگری که می توان به آن اشاره کرد، این که مرحوم هاشمی قبل از پیروزی انقلاب در نجف خدمت امام رسید و با توجه به احترام ویژه ای که امام برای ایشان قائل بودند، از چنان شخصیتی در بین مبارزان برخوردار شد که وقتی در زندان محکوم به اعدام شد، با همین نفوذی که داشت از طریق علما از جمله امام موسی صدر از این مرحله خطرناک نجات پیدا کرد. در واقع ما شاخصه های انقلابی واقعی که شجاعت، اخلاص، ایمان به هدف، اعتماد به نفس و در عین حال واقع گرایی و دوری از افراط و تفریط است را در روحیات ایشان می بینیم و همین خصوصیات موجب شد که در اوج گیری مبارزات در سال های ۵۶ و ۵۷ و در نهایت تشکیل شورای انقلاب، نخستین فرد معتمد و

برتابند و آنها از طرح خود پشیمان شوند و در آن صورت طلبه ها می توانستند به تحصیل و مبارزات خود ادامه دهند که مورد دوم اتفاق افتاد. بعد که ایشان جلوتر می آید، وقایع سال ۴۳ و تبعید حضرت امام اتفاق می افتد و تا سال ۵۷ که انقلاب پیروز شد، شما آقای هاشمی را همواره در صحنه های مختلف مشاهده می کنید؛ هم در عرصه علمی با هوش و استعداد ذاتی خود و هم با شجاعتی مثال زدنی و از خودگذشتگی خاص که هرگز مرعوب فضای بگیر و ببند و زندان های رژیم نشد. ایشان در حوزه های مختلف دیگر هم اقداماتی را انجام داد از جمله در مبارزه علیه رژیم شاه که بارها به زندان افتاد و در موقعیت های مختلف که ورود پیدا می کرد، مشا خیر بود. آیت الله هاشمی رفسنجانی زندان را یک سکوی اثرگذار علمی و اثرگذار در انقلاب تعبیر می کرد که می توان از این طریق فرصت به وجود آورد. ایشان در زندان از همه موقعیت ها برای آموزش علوم قرآنی استفاده می کرد و با نگاه جدید به تفسیر موضوعی قرآن و نداشتن امکانات و کتابخانه تخصصی و ابزارهای تحقیقی و پژوهش، با حداقل امکانات و حضور بزرگانی مثل مرحوم آیت الله طالقانی، مرحوم منتظری، مرحوم ربانی شیرازی و مرحوم ربانی المشی و دیگر بزرگان دانشگاهی مثل مرحوم بازرگان توانست کارهای خوبی انجام دهد که یکی از کارهای مهم ایشان تفسیر قرآن بود که بعدها تکمیل شد. همزمان با این اقدامات، نشان دادن یک اراده محکم و مقاومت غیرقابل شکست در آن شرایط بسیار کارآمد بود که فردی تحت فشارهای سنگین، نشکند و آیت الله هاشمی قهرمان این عرصه بود و اسناد و مدارک ساواک هم نشان می دهد که شکنجه های فوق تصور را تحمل می کرد. به هر حال، مقاومت جانانه ایشان در برابر شکنجه و شکنجه کردن در زندان و ادامه راه، یکی از نقاط برجسته زندگی سیاسی ایشان بود و بعد هم هر وقت فرصتی پیدا می کرد و آزاد بود به عنوان رابط انقلاب و انقلابیون چه در داخل و چه در خارج دیدارهایی با اعضای انجمن های اسلامی مقیم آمریکا و اروپا داشت و با نگاه توسعه ای و کسب تجربه از دانش دیگران، سفرهای زیادی انجام می داد. مثلاً در سفری به آمریکا، تمامی ایالت های این کشور را با ماشین طی کرد یا به کشورهای دیگری که سفر می کرد، نگاه ایشان با فردی که صرفاً برای ایجاد ارتباط با انجمن اسلامی ها

اصلی حضرت امام، آقای هاشمی باشد و در موضوع‌های مختلف همواره مورد مشورت امام قرار می‌گرفت و امام امور دشوار را به ایشان می‌سپرد. همچنین در کوران انقلاب و پس از آن نقش آقای هاشمی کاملاً مشهود است، چه در طراحی و ایجاد ساختار نظام جمهوری اسلامی و چه در شورای انقلاب،چینش اعضا و در غائله‌هایی که پیش آمد، در جریان حزب جمهوری اسلامی و ساماندهی نیروها قبل از انتخابات دور اول مجلس شورای اسلامی، بعد از امام، نقش تعیین کننده ایشان به وضوح دیده می‌شود. در دوران دفاع مقدس هم به عنوان نماینده امام و جانشین فرماندهی کل قوا با شجاعت ایفای نقش کرد؛ تدارک سلاح در طول هشت سال جنگ که در تحریم مطلق بودیم، کار ساده‌ای نبود و آقای هاشمی در کانون این مسأله و در کنار سایر نیروهای انقلابی، سپاه و ارتش بود.

انصاری در ادامه گفت: نخستین آشنایی و همکاری مستقیم من با آقای هاشمی در مجلس اول بود، اما من شاهد بودم که ایشان با مدیریت راهبردی خود، بنیان قوه مقننه را چنان مستحکم بنا کرد، که امروز هر نقطه مثبتی مشاهده می‌شود از مجلس اول است و اگر احیاناً در بعضی جاها ما ضعفی را می‌بینیم به لحاظ فاصله گرفتن از شاخص‌های ارزشی مجلس اول است. ریاست ایشان در مجلس متعین بود و با وجود شخصیت‌های بزرگی که به لحاظ سنی و علمی ممکن بود از ایشان جلوتر باشند، آقای هاشمی توانست با مدیریت صحیح خودشان، مجلس را به خوبی اداره کند و فراتر از ریاست مجلس ظاهر شود. به تعبیر دیگر، اگر مجلس در رأس امور قرار گرفت بخشی از آن به لحاظ نقشی بود که مجلس در شکل‌گیری ساختار سیاسی کشور داشت و بخشی هم مربوط به آقای هاشمی است که توانست این جایگاه را به درستی ارتقاء دهد. نقش بعدی ایشان در جایگاه ریاست جمهوری است. مرحوم هاشمی بعد از پایان جنگ، کشور ویرانه‌ای را در دست گرفت که تمامی زیر ساخت‌های آن از بین رفته بود؛ ساماندهی مهاجران جنگی و بازگشت به شهرهایشان و بازسازی کشور از جمله کارهای سخت و طاقت‌فرسایی بود که آقای هاشمی با عنوان دولت سازندگی کارها را سروسامان داد، زیرساخت‌ها را ترمیم کرد و مهاجران به شهرهای خود بازگشتند و با نگاه تعاملی، روابط با کشورها را بهبود بخشید و سعی کرد دوران قهر و غضب را به دوران همراهی و همکاری بدل کند و انصافاً هم در کار خود موفق ظاهر شد. نقش‌آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بعد از ارتحال حضرت امام(ره) در ایجاد آرامش کشور وتعیین رهبری و مشورت‌هایی که در زمان‌های طولانی در این زمینه داشت و همراهی‌های ایشان از جمله نقش‌های بی‌بدیلی بود که ایشان از عهده همه آنها برآمد. در مجمع تشخیص مصلحت نظام نزدیک به ۲۰سال با نهایت حسن سلوک، امور را اداره کردند و همچنین در مقام ریاست مجلس خبرگان رهبری، در تحولات سیاسی و جلوگیری از افراط‌گری‌ها به خصوص در انتخابات سال۷۶ و بعد از آن، نقش مرحوم هاشمی به خوبی دیده می‌شود.

در یک جمله باید گفت که بی‌تردید نقش آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در قبل و بعد از انقلاب در تثبیت و تحکیم و پیشرفت و توسعه انقلاب و کشور، نقش بی‌نظیری بود.

- محکوم به مرگ شدن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی**

شما در خلال صحبت‌هایتان صحبت از محکوم شدن آقای هاشمی به مرگ گفتید، در حالی که این مسأله تاکنون مطرح نشده بود. انصاری پاسخ داد: من خودم چنین حکمی را ندیدم اما در آن زمان که ما طلبه بودیم، این شایعه قوت گرفته بود که آقای هاشمی محکوم به اعدام شده است و بعد گفتند که امام موسی‌صدر در سال ۵۴ یا ۵۵ به ایران سفر کرده بود و چون نفوذ زیادی در لبنان داشت و شاه هم از ایشان حساب می‌برد و ظاهراً احترام ایشان را هم داشته است، به کمک آیت‌الله حکیم وساطت کردند و از این کار جلوگیری کردند.

- تمایز مرحوم هاشمی با سایر روحانیون**

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به این درخواست که با توجه به اینکه آقای هاشمی در قبل و بعد از انقلاب یک عملکردی خاصی داشت، ضمن این که خود ایشان هم در جایی گفته‌بود که من زندان رفتن را نمی‌پسندم ولی به دلیل اهمال یکی از دوستان به زندان افتاد و در زندان هم هوشمندانه توانست طوری عمل کند که چیزی متوجه ایشان نشود، لطفاً درباره تمایز ایشان با سایر روحانیون و نگاه ایشان به جهان توضیح دهید،گفت: آقای هاشمی یک انقلابی واقعی بود.

درباره انقلابی بودن آقای هاشمی، مثلاً در بحث اسرائیل ایشان تحلیل درستی از نقش اسرائیل و صهیونیست داشت لذا در آن دوران که اصلاً در قم مرسوم نبوده، اولین کتاب خود را با نام «سرگذشت فلسطین» ترجمه می‌کند و کارهای انقلابی اینچنین انجام می‌دهد.

آقای هاشمی در مبارزه از هیچ چیز نمی‌ترسید و فشارها را تحمل می‌کرد. با اینکه کسی که در سن جوانی ازدواج کرده است و چند بچه قد و نیم‌قد هم دارد و به زندان می‌افتد و همسر بزرگوارشان، خانم مرعشی باید بچه‌ها را برای ملاقات ایشان به زندان ببرد اما اینها اصلاً در روح بزرگ و عطفو او تلاطمی ایجاد نمی‌کند.

امتیاز آقای هاشمی نسبت به سایر روحانیون و مقامات در همین نگاهشان به واقعیات اجرایی و میدانی بود. ایشان فرمود اگر حوزه، فقه و تفسیر ما جوابگوی بخشی از نیازهای روز و زندگی مردم نباشد به بیراهه رفته‌ایم. آقای هاشمی سعی داشت، بین دین و سیاست و بین دین و اداره جامعه و بین دین و سعادت مردم و پیشرفت و توسعه کشور، همخوانی و آشتی برقرار کند.

من بارها می‌دیدم که آقای هاشمی با کمترین چیزی که گفته می‌شد متأثر می‌شد و گریه می‌کرد. من خودم در این زمینه خاطرات متعدد دارم، ولی این روح عطفو تحت کنترل آن هدف‌گرایی کلی ایشان قرار می‌گرفت. همین انسان انقلابی به عنوان فرمانده جنگ، روزی که احساس می‌کند منفعت کشور در پایان جنگ است خدمت امام می‌رسد و پیشنهاد خودش را مطرح می‌کند و می‌گوید: آقا شما گفته‌اید که تا آخرین نفس، تا آخرین نفر و آخرین سنگر مقاومت می‌کنیم، اما ما در حال حاضر نمی‌توانیم جنگ را ادامه بدهیم و اجازه دهید بنده به عنوان جانشین شما، پایان جنگ را بپذیرم و شما بعد بنده را محاکمه و اعدام کنید. این خیلی حرف بزرگی است و این یعنی انقلابی بودن، یعنی شخص برای منافع ملی از جان خود بگذرد. از جان گذشتن ممکن است آسان باشد، اما از آبرو و حیثیت گذشتن خیلی سخت است و خیلی‌ها حاضر نیستند این ریسک را بپذیرند، لذا انقلابی‌گری به این معناست. انقلابی‌گری به این معناست که وقتی ایشان در جایگاه عملکردی وارد عرصه اداره کشور می‌شود، می‌داند که هر روز با دعاو و چنگ به صورت این و آن کشیدن نمی‌توان کشور را اداره کرد و ایشان به‌خوبی محدودیت‌های منابع را می‌دانست و اطلاع داشت که باید سرمایه‌گذاری خارجی جذب شود تا کشور پیش برود و می‌دانست که برای اداره کشور مشارکت عموم مردم لازم است، لذا باید دایره را وسیع‌تر کند. از این جهت من وجه تمایز آقای هاشمی رفسنجانی با دیگران را در هر کجا که همراه ایشان بودم به وضوح می‌دیدم. یک روحانی که در حوزه بزرگ شـده، اما نگاهش به مسائل داخلی و جهانی و نگاه به مدیریت علمی و تخصصی است. آقای هاشمی در هر موضوعی که می‌خواست تصمیم بگیرد به شدت معتقد بود باید اطلاعات آن مسأله را از مبدأ اصلی

و تخصصی‌اش کسب کند، لذا دعوت می‌کرد و می‌نشست و تصمیم می‌گرفت. قدرت شنوایی ایشان خیلی بالا بود. حوصله شنوایی آقای هاشمی منحصر به فرد بود. در مجمع تشخیص مصلحت نظام گاهی موضوعی حداکثر نیم ساعت وقت طلب می‌کرد، ایشان چهار ساعت بحث می‌کرد.اعضای مجلس، مدعوین و دولتی‌ها هر چه می‌گفتند، ایشان از اول تا آخر به دقت گوش می‌کرد و این ویژگی در قرآن برای رهبران هم گفته شده است و آقای هاشمی این استماع را در حد اعلاء داشت. مطالعه زیاد می‌کرد، حرف کارشناسان را می‌شنید قدرت جمع‌بندی فوق‌العاده‌ای داشت که من کمتر در دیگران دیدم، اینکه اول حوصله شنیدن سخنان دیگران را داشته باشید و بعد بتوانید در جمع و تلفیق همه نقاط مثبتی که مجموعه در قالب یک جمع‌بندی مشترک گفته‌اند، ارائه کنید. من نقش آقای هاشمی را در مدیریت مجلس شورای اسلامی، هم در مجلس خبرگان و هم مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌خوبی دیدم. در بین متخصصان هم معروف بود که می‌گفتند در حضور آقای هاشمی دروغ‌بافی نمی‌توان کرد و نمی‌توان بی‌مورد حرف زد. من بارها شاهد بودم که در موضوع‌های تخصصی یا اقتصادی وقتی مرحوم آقای نوربخش و دیگران صحبت می‌کردند، ایشان در آخر، تناقضات حرف‌ها و اشکالات و ناهماهنگی‌های آمار را استخراج می‌کرد و در نهایت پنج سوال مطرح می‌کرد و متخصصان می‌فهمیدند که این اشکالات وارد است و باید در جلسه بعد جوابی را پیدا و ارائه کنند. یا در آخرین عیدی که خدمتشان بودیم، متخصصان آمدند و جوابی هم ارائه نکردند که سرانجام به ارتحال ایشان منتهی شد.

آقای هاشمی گفته بود که این حجم نقدینگی یعنی ۳۰۰-۴۰۰هزار میلیارد تومان کجاست؟ در آن جلسه نه بانک مرکزی پاسخ صحیحی داد و نه وزیر اقتصاد و دیگران و یکی دو پاسخ هم که مطرح شد ایشان نقد کرد. منظور من این است که امتیاز آقای هاشمی نسبت به سایر روحانیون و مقامات در همین نگاهشان به واقعیات اجرایی و میدانی بود. نگاهشان در مجموع به ریاست این بود. ایشان فرمود اگر حوزه، فقه و تفسیر ما جوابگوی بخشی از نیازهای روز و زندگی مردم نباشد به بیراهه رفته‌ایم. با این نگاه، آقای هاشمی سعی داشت، بین دین و سیاست و بین دین و اداره جامعه و بین دین و سعادت مردم و پیشرفت و توسعه کشور، همخوانی و آشتی برقرار کند. این چیزی است که ما خلاء آن را امروز مشاهده می‌کنیم. این که برخی تصور می‌کنند اگر مشکلی حل نمی‌شود دین مانع آن است؛ نه خیر، دین مانع نیست، بلکه نگاه نادرست و برداشت غلط از دین منشأ این مسائل است. به همین دلیل، ایشان همواره مورد تخریب، بغض بعضی از کانون‌های دینی و به تعبیر حضرت امام، متحجرین قرار می‌گرفت که در طول سسی و هفت – هشت سال بعد از انقلاب برنمی‌تافتند. ویژگی دیگر ایشان این بود که خیلی در قالب‌های جناحی و حزبی خاص نبود. ایشان عضو حزب جامعه روحانیت مبارز نبود، ولی در همان زمان در قضیه انتخابات آقای خاتمی نقش ایفا کرد یا بعد در انتخابات سال ۹۲ و انتخاب آقای روحانی، نشان داد که خود را حبس نمی‌کرد و در مسایل تشکیلاتی غرق نمی‌شد، بلکه در ابعاد وسیع‌تر به منافع مردم و کشور می‌اندیشید.

انصاری افزود: من بین روحانیون فرد دیگری را مثل آقای هاشمی سراغ ندارم که نگاه به توسعه کشور بر مبنای کار و تلاش زیاد داشته باشد. ایشان به شدت از زهدنمایی و ریاکاری متنفر و از فقر افراد و جامعه رنج می‌برد و معتقد بود همه در هر سطحی که هستند باید کار و تلاش کنند. بر همین اساس خودشان هم تا زمان رحلت، لحظه‌ای از کار و تلاش دست نکشید و این جزو افتخارات ایشان بود که در منطقه کویری و بیابان شور، بهترین محصول را تولید می‌کرد و بخشی از گذران زندگی‌شان را با دسترنج خودشان و اعضای خانواده تأمین می‌کرد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در قبل از انقلاب هم زمین‌های زیادی را برای کشاورزی و در جهت کمک به انقلاب آباد کرد و پس از

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹دی۹۶

اطلاعات

۱۷

پیروزی انقلاب این زمین‌ها را قطعه‌بندی و به‌طور رایگان در اختیار کشاورزان قرار داد.

وی با اشاره به این که مرحوم هاشمی از تولید و افتتاح پروژه‌ها، لذت می‌برد، گفت: مرحوم هاشمی هرگاه یک مزرعه، باغ یا یک زمین کشاورزی را می‌دید مشغوف و از خوشحالی سرمست می‌شد.

اگر به کارنامه سراسر افتخارآمیز آیت‌الله هاشمی
رفسنجانی نظر بیندازیم، باید گفت که هیچ عرصه مهمی
در کشور بعد از انقلاب ایجاد نشده است که یادگار آقای
هاشمی نباشد که از آن جمله می‌توان به توسعه خطوط
آبراه‌آهن، کارخانه قند و شکر خوزستان، مترو، صنایع مختلف،
دانشگاه آزاد و... اشاره کرد.

تخریب آیت الله هاشمی رفسنجانی

گفته شد که آقای هاشمی به قواعد و قوانین بسیار پایبند بود و معمولاً با کسانی رقابت می‌کرد که به قواعد پایبند نبودند و همین مسأله در بسیاری جاها دست و پای آقای هاشمی را می‌بست و همین مشکلاتی را برای ایشان ایجاد می‌کرد و دلیل این مسأله را در چه می‌دانید و تخریب آقای هاشمی در طول این سال‌ها به چه منظور انجام می‌شد؟

انصاری پاسخ داد: مردان بزرگ متأسفانه در دوران حیات خود نوعاً یا اندیشه‌هایشان درک نمی‌شود یا افراد کوته‌نظر با افکار کودکانه مانع حقیقت می‌شوند. در تاریخ جهان و ایران صفحات غم‌انگیزی از این دست زیاد دیده می‌شود. شما مرحوم مدرس را ببینید، جای شهید مدرس با آن اندیشه‌های بلند هم دینی و هم ملی، زندانِ خوف یا تبعیدگاه کاشمر نبود، یا پادشاه مظلومانه امیرکبیر با آن اندیشه‌های ملی یا میهنی بلندشان، حمام فین کاشان و شهادت مظلومانه‌اش نبود. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را خیلی زود دشمنان قبل از دوستان او شناختند. ابتدا گروه فرقان بعد از به شهادت رساندن مطهری و بعد یکی دو اقدام دیگر، برای ترور و گرفتن این کانون اندیشه پویا از امام و انقلاب سراغ آقای هاشمی رفتند و ایشان را ترور کردند. جریان‌های متحجر، وقتی که ایشان در مجلس بود و بحث قوانین مختلف را مطرح می‌کرد افکار ایشان را برناتافتند و علیه آقای هاشمی در قم راهپیمایی و علیه ایشان سخنرانی کردند. در مدرسه فیضیه و جاهای دیگر، آقای هاشمی را به جریان‌های مارکسیستی و لیبرالیستی متهم می‌کردند. در یک مقطع که اقتضای کشور ایجاب می‌کرد و به لحاظ جنگ محدودیت‌هایی بود و نگاه به بازار و اداره کشور با سهمیه‌بندی اداره می‌شد که واقعاً ضرورت آن زمان بود، نه نگاه مارکسیستی، بعدها در دوران سازندگی که مردم به رفاه و آسایش نیاز داشتند و این که بعد از جنگ اعصاب مردم آرامش پیدا کند، آقای هاشمی متهم به لیبرالیستی و غرب‌گرایی شد. جالب این که کسی به او دادگی متهم می‌شد که در جبهه‌های نبرد و مبارزه، مقاومت او ضرب‌المثل شده بود.

البته آقای هاشمی در برخی اوقات از سوی عوامل مختلف تندرو و اصلاح طلب که خیلی هم پیوندی با جریان اصلاح طلبی نداشتند مورد تخریب قرار گرفت و صحبت های من به این معنا نیست که آقای هاشمی رفسنجانی معصوم بوده و هیچ اشتباهی نداشته است. غیر از معصومین کسی راسراغ نداریم که عاری از اشکال یا گناه باشد. حتما کسی که در صحنه های مختلف و مسائل اجرایی حضور داشته، اشتباه هم کرده است، ولی دستاویز کردن برخی اشتباه ها و بزرگ کردن آنها و تخریب ایشان در مقطعی اتفاق افتاد و اوج اینها در زمان آقای احمدی نژاد بود. از دید من، در دوران ایشان، نه تنها آقای هاشمی، بلکه اخلاق سیاسی و مدیریتی در جامعه به طور اساسی تخریب شد. آقای احمدی نژاد با سوء استفاده از برخی مشکلات موجود کشور برای ترقی و جلب آراء خود، صرفا بر تهمت زدن و تخریب شخص آیت الله هاشمی رفسنجانی تکیه کرد و برخی از جریان های افراطی سیاسی به اصطلاح راست و اصولگرا به تصور این که، این شعارها، شعارهای درستی است و می توانند به آقای احمدی نژاد تکیه کنند هم با ایشان همنا شدند و در تخریب آقای

هاشمی از هیچ چیز فروگذار نکردند و با اتهام‌های بی‌اساس به ایشان و اعضاء خانواده و به زندگی آن مرحوم یک تصویری از آقای هاشمی در جامعه ایجاد کردند که حتماً ایشان در یک کاخ کاذب زندگی می‌کند. ما سال‌های سال بر جماران همسایه ایشان بودیم و با نحوه زندگی ایشان آشنا بودیم. تأسف‌بارتر این که در مرحله بعد که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اصلاً کاندیدا هم نبود، مجدداً در سال ۸۸، توطئه‌های آقای احمدی‌نژاد و باند ایشان در اتهام به آقای هاشمی رفسنجانی وجود داشت و به همراه ایشان، رسانه‌های بیگانه و منافقان که از قبل نسبت به ایشان کینه زیادی داشتند این مسائل را تشدید می‌کردند. بعد از حوادث سال ۸۸ حقیقتاً این بد اخلاقی‌ها به اوج خودش رسید. من در جماران شاهد بودم، جمعی ناآگاه ارادل و اوپاش تحریک شده و ساماندهی شده جلو منزل آقای هاشمی جمع شده بودند و بدترین اهانت‌ها را به ایشان می‌کردند، اهانت‌هایی که نه در سطح افراد عالیرتبه، بلکه در بین افراد عادی یک جامعه اسلامی و غیراسلامی هم شایسته نبود و نیست. در جریان ۹ دی هم سوء استفاده‌کنندگان و تبلیغات‌چی‌ها و تخریبگران پلاکارتهایی را در دست داشتند که علیه آقای هاشمی شعار می‌دادند. یکی از افراد روی تابلو خود نوشته بود که «تاجر ورشکسته برگرد به باغ پسته»، یا در یکی از انتخابات معلوم شد که بیش از ۲۰۰ میلیون سی‌دی لبریز از انواع اتهامات و تخریب‌ها، علیه آقای هاشمی از بیت‌المال تهیه کرده بودند و در گستره کشور توزیع می‌کردند. ده‌ها خبرگزاری، سایت و رسانه که

هاشمی بارها در مجمع گلایه می‌کرد

که فشار سنگینی بر دولت وارد

می‌شود. روز قبل از ارتحال هم در مجمع

دو کمیسیون زیربنایی و اقتصادی یا

نظارت برگزار شد، ایشان در روز شنبه

همین موضوع را مطرح کرد

و مقایسه‌ای داشت بین دوران دولت

افای روحانی و دولت خودشان و فرمود:

وَقَتْلَى مِنْ رِئِيسِ جَمْهُورٍ بُوْدِم هِيچ يَك ار

مسکلات دوره آقای روحانی را ندانستم

همه از بیت‌المال و پول مردم تغذیه می‌کردند، علیه آقای هاشمی و تخریب ایشان به کار گرفته شدند. در صدا و سیما و برخی تریبون‌های نماز جمعه و بالاتر از آن در راهپیمایی ۲۲ بهمن که نمایش وحدت کشور بود، آقای هاشمی که مؤسس انقلاب بود از سوی عوامل تحریک شده و اوایش مورد هتک حرمت و فحاشی قرار گرفت. همچنین در مراسم ۱۴ خرداد در مرقد حضرت امام، اینها آن صحنه عجیب را به وجود آوردند، حتی به حاج حسن آقا هم توهین کردند. من حضور داشتم که عوامل آنها بعد از مراسم به ماشین آقای هاشمی رفسنجانی لگد و مشت می‌زدند و توهین می‌کردند. به هرحال برگ‌های بسیار تلخ که در خاطره ملت ایران ثبت شده است و آقای هاشمی رفسنجانی که می‌توانست در هشت سال زمامداری دولت نهم و دهم از نفوذ و توان خودش در داخل و در منطقه برای تلطیف روابط با کشورهای همسایه و به‌خصوص عربستان کمک کند نه تنها ظرفیت استفاده نشد، بلکه همواره ایشان را در رنج روحی و فکری قرار دادند و برخوردهایی که با فرزندان ایشان شد و البته ادامه دارد از همان دست برخوردهاست. مثلاً در دولت نهم و دهم اگر یک عقلی حاکم بود، علی‌القاعده باید از ظرفیت نفوذ آقای هاشمی رفسنجانی در حل مسائل ایران با جامعه اروپا و جامعه بین‌الملل استفاده می‌شد که متأسفانه نه تنها استفاده‌ای از این ظرفیت نشد، بلکه ایشان ممنوع‌الخروج هم شد. در کل، مجموعه عوامل کودکانه و اقدامات برخی

عوامل نفوذی که به جد من معتقدم در بسیاری از مراکز تصمیم‌گیری و جریان‌های سیاسی حضور دارند و تخصص اینها زدن پایه‌های اعتماد مردم است، شخصیت‌هایی که در باورهای مردم محبوب بودند، را تخریب و بی‌آبرو و کشور را بی‌پشتوانه کردند. یک عده هم تصور می‌کنند که در کشور با زدن، متهم کردن و تخریب همه قوا و ادعای طرفداری از ولایت فقیه و رهبری می‌توانند از انقلاب دفاع کنند؛ در حالی که نمی‌فهمند این کشور به نام ولایت فقیه و رهبری است و طبق اصل ۵۷ قانون اساسی، سه قوه زیر نظر ولی فقیه انجام وظیفه می‌کنند، وقتی این افراد نادان قوه مجریه را آمریکایی، واداده و مزدور بیگانه و اخیراً چیزهای دیگری هم به آن اضافه کرده‌اند، می‌دانند و قوای قضائیه و مقننه را هم طور دیگری می‌گویند و از سوی دیگر حداقل ۵۰ درصد جمعیت ایران که گرایش اصلاح‌طلبی دارند و بزرگان اصلاح‌طلب، آقای خاتمی و دیگران را به انواع اتهام‌ها محکوم می‌کنند و بعد هم می‌گویند نظام مقدس جمهوری اسلامی است، کجای این نظام دیگر باقیمانده است.

شما سه قوه را که مطرود می‌دانید، و تقدس نیروهای سیاسی را هم گرفته‌اید، این هنر نیست که بگویید رهبری تنهاست. این چه حرفی است که زده می‌شود. در ذات این سخن احمقانه در واقع، تضعیف رهبری است. معنایش این است که رهبر معظم انقلاب نتوانسته‌اند سه قوه را هماهنگ کنند. چون یکی از اختیارات و وظایف رهبری، طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی هماهنگی قواست. اینها تصویری ارائه می‌کنند و فکر می‌کنند که به ولایت فقیه خدمت می‌کنند، در صورتی که دارند ایشان را تضعیف می‌کنند. من الان شاهد، بلایی که بر سر آقای هاشمی رفسنجانی آوردند، دارند بر سر آقای روحانی می‌آورند. من چهار سال که در دولت یازدهم بودم از نزدیک می‌دیدم که در هنگامه کارزار مذاکرات هسته‌ای و حل مشکلات اقتصادی که همه باید کمک می‌کردند، صداوسیما علیه آقای روحانی شمشیر را از رو بسته بود. همین سایت‌های تخریب‌گر که آن روز آقای هاشمی رفسنجانی را تخریب می‌کردند، الان هم همان وضع را ادامه می‌دهند. سؤال من این است که در زیر این آسمان یک دولت دیگری را پیدا کنید که ابزار رادیو و تلویزیون را در اختیار نداشته باشد. این انحصاراً مربوط به ایران است. در حالی که طبق قانون اساسی صداوسیما خارج از حوزه دولت است و اشکالی هم ندارد، ولی نباید علیه دولت باشد.

الان هم مجددا می بینیم که صدواسیما علیه آقای روحانی شمشیر را از رو کشیده و در شرایطی که مردم نیاز به آرامش و امید دارند، علیه دولت اقدام می کند. ما نمی گوئیم که صدواسیما انتقاد نکنند مشکلات را منعکس کنند، اما خدماتی که انجام می شود را چرا نمی گویند و چرا کوتاه نظرانه می خواهند دولت را ناتوان معرفی کنند. ناتوان معرفی کردن دولت، یعنی ناتوانی نظام و رهبری. به نظر من اگر خوشبین باشیم، باید بگوئیم که در اداره صدواسیما، نادانانی حاکم است. اگر بدبین باشیم باید بگوئیم که نفوذ صورت گرفته است. همه می فهمند که صدواسیمای ملی یک کشور نباید علیه منافع ملی یک کشور حرکت کند. بنده در زلزله های بزرگ ایران پس از انقلاب به لحاظ مقتضای مسئولیت هایی که داشتم، حضور پیدا می کردم و در جریان زلزله کرمانشاه من ادعا می کنم که براساس گزارش های قطعی، خدماتی که در زلزله اخیر از سوی دولت صورت گرفت (با اینکه زلزله متوسطی بود نسبت به زلزله های گذشته) از حیث سرعت عمل، هماهنگی نیروها اعم از ارتش، سپاه و بسیج، هلال احمر، وزارت کشور، نیروهای مردمی، هم سرعت در امداد و نجات و هم در کمک رسانی و اسکان زلزله زدگان، یکی از بهترین ها در طول زلزله های تاریخی ایران بوده است، ولی صدواسیما طوری عمل کرد که انگار نظام و دولت زلزله زدگان را فراموش کرده اند و کاری انجام نداده اند کمک های گسترده ای که دولت و ملت کردند، تحت الشعاع برخی ضعف های کوچک قرار گرفت. منظور این است که دولت در جبهه خودی بیشتر دچار مشکل است تا دشمن که باید همزمان هم خدمت

کند و هم فضاسازی کند برای تبلیغات مسموم. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گرفتار همین مشکل بود و تا زمانی که این مشکل حل نشود، ره به جایی نمی‌بریم. شما در کجای دنیا سراغ دارید که خدمتگزاران خودشان را تخریب می‌کنند. بعد هم چون در ذات این تخریب‌ها، حرمت‌شکنی وجود دارد، ضمن این‌که مرزها به همین اشخاص محدود نمی‌شود، دایره اینها گسترده می‌شود و شما می‌بینید که با انگیزه جناحی و سیاسی می‌آیند علیه یک جریان یا یک شخصیت، شعاری سر می‌دهند یا تجمعی راه می‌اندازند و بعد از دستشان در می‌رود و علیه خودشان شعار داده می‌شود. به طور کلی صداسیما باید یک دانشگاه باشد و در برخورد با افراد و جریان‌های سیاسی یک موضع اصولی داشته باشد، در حالی که صداسیما منافع کشور را رعایت نمی‌کند و اخلاق‌شکنی و هنجارشکنی از همین نقطه شکل می‌گیرد و این مسأله موجب شده است که اعتماد عمومی به این رسانه کاهش پیدا کند و مردم به رسانه‌های بیگانه گرایش پیدا کنند، یا به فضای مجازی بی‌کنترل سوق پیدا کنند که از این منظر کشور دچار آسیب می‌شود. من درباره بی‌عدالتی صداسیما خیلی حرف داشته و دارم و آنچه که درباره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مطرح می‌شود، این است که اگر عقلی در اداره صداسیما وجود داشت می‌بایست می‌رفتند در حوزه‌های مختلف از آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان عصاره تجربه یک نسل بزرگ انقلابی و به عنوان تجربه تکرار نشدنی و کسانی که از آغاز شکل‌گیری انقلاب وجود داشتند و انقلاب را رهبری کردند و به پیروزی رساندند و سی و شش سال در جریان ساختار سازی و اداره کشور در فراز و فرودها و در جنگ و تحریم بودند، اطلاعات کسب می‌کردند و صدها برنامه ماندگار برای آیندگان ضبط می‌کردند. اما تلاش صداسیما و دیگران این بود که این شخص را بی‌آبرو و بی‌شخصیت و تردید ایجاد کنند و کار را تا جایی پیش ببرند که مراسم رحلت ایشان را هم آن گونه که شایسته و شأن و موقعیت ایشان است، پوشش ندهند. به هر حال این مصیبتی است که ما گرفتار آن هستیم و نسبت به دیگران هم همین رفتار را دارند. الان ما شخصیت‌هایی از انقلابیون بزرگ و یاران امام داریم که در گوشه و کنار کشور هنوز زنده‌اند و ذهنشان گنجینه ارزشمند درباره حوزه‌های مختلف است.

اما متأسفانه اثری از اینها نیست و برعکس در شبکه‌های ملی ما دائم قیافه و سخن کسانی تکرار و به خورد مردم داده می‌شود که در بین مردم واژدگی ایجاد کرده اند. در هر موضوعی سه – چهار نفر هستند که در همه موارد اظهارنظر می‌کنند. اگر شما مقایسه‌ای در خطبه‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با سایر خطبه‌ها داشته باشید، محروم شدن مردم از آن گنجینه وضع و خطابه را مشاهده خواهید کرد. من تردید ندارم در ۵۰ – ۴۰ سال آینده که نسل‌های بعد می‌آیند و با فرونشستن غبارهای کینه و دشمنی‌ها، تاریخ امروز را مطالعه کنند، حتماً اشک حسرت خواهند ریخت که چگونه این شخصیت‌های بزرگ و با این ظرفیت‌ها که می‌توانستند کشور را پیش ببرند، محدود و متهم شدند و ما عقب ماندیم. من در این روزها که به سالگرد ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نزدیک می‌شویم، غصه می‌خورم و هم این نکته بنده را رنج می‌دهد که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۸۳ که با چه امید و شوقی با وجود زیرساخت‌ها و ریل‌گذاری‌ها و نرم‌افزاری و سخت‌افزاری که در طول دو دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی بر اساس عقلانیت شده بود و کشور به یک نقطه آرامش رسیده بود که رهبر معظم انقلاب احساس کردند که ما می‌توانیم از برنامه‌های پنج‌ساله گام‌ها و افق‌های دورتری را برای خودمان ترسیم کنیم، فرمود سبند بیست ساله کشور را بنویسید. معنای این سخن این بود که ما به نقطه ثبات، هموارسازی و بسترسازی‌های اجتماعی و اقتصادی رسیده‌ایم می‌توانیم برای بیست ساله آینده برنامه‌ریزی کنیم.

قرار شد سند چشم انداز بیست ساله طراحی شود و آقای خاتمی و دولت مشغول این امر شدند و وقتی به مجمع تشخیص آمد، با حوصله هر چه تمام‌تر، با کارشناسی بسیار

عالی در کمیسیون‌های مختلف مطرح شد. قاطع می‌گویم که روی هیچ سند ملی به اندازه این سند چشم انداز کار کارشناسی جدی و فراگیر صورت نگرفت و قرار شد ایران در افق ۱۴۰۰ به عنوان یک قدرت اقتصادی و علمی و فناوری در منطقه مطرح شود با شاخص‌ها و اهداف کمی که مشخص شده بود. الان که ۱۲ سال از آن مبداء گذشته است با کمال تأسف، در بسیاری از شاخص‌های سند چشم‌انداز ، از مبداء سال ۸۴ بسیار عقب رفته‌ایم. فکر می‌کنم اگر خیلی تلاش بکنیم و همه همت‌ها را بسیج کنیم، شاید تا چهار سال دیگر در برخی از این شاخص‌ها بتوانیم به نقطه سال ۸۴ برسیم. بنابراین، این یک مصیبت برای کشور است و بانیان این وضع همان‌هایی هستند که امروز مدعی‌اند. یعنی کسانی که این شرایط را در زمان آقای هاشمی بوجود آوردند، امروز آن را مطالبه می‌کنند و مردم هم باید مات و مبهوت نظاره‌گر این صحنه باشند.

■ تأثیر حضور مرحوم هاشمی در وضع موجود کشور

سؤال شد که در شرایط موجود و نارضایتی مردم نسبت به برنامه‌های اقتصادی کشور، اگر آقای هاشمی رفسنجانی زنده بود، نقش ایشان در این شرایط چگونه بود؟

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: من فکر می‌کنم اگر آقای هاشمی زنده بود، بر اجرای مصوبات و سیاست‌هایی که وضع شده و موانع نمی‌گذارد، اجرا شوند، تأکید می‌کرد. یعنی آقای هاشمی در دوران دولت یازدهم یکی از مدافعان جدی دولت آقای روحانی بود و حمایت می‌کرد و ایشان بارها در مجمع گلایه می‌کرد که فشار

هاشمی در برخی اوقات از سوی عوامل مختلف تندرو و اصلاح‌طلب که خیلی هم پیوندی با جریان اصلاح‌طلبی نداشتند مورد تخریب قرار گرفت و صحبت‌های من به این معنا نیست که آقای هاشمی رفسنجانی معصوم بوده و هیچ اشتباهی نداشته است. غیر از معصومین کسی را سراغ نداریم که عاری از اشکال یا گناه باشد

سنگینی بر دولت وارد می‌شود. روز قبل از ارتحال هم در مجمع دو کمیسیون زیربنایی و اقتصادی یا نظارت برگزار شد. ایشان در روز شنبه همین موضوع را مطرح کرد و مقایسه‌ای داشت بین دوران دولت آقای روحانی و دولت خودشان و فرمود وقتی من رئیس جمهور بودم هیچ یک از مشکلات دوره آقای روحانی را نداشتیم و مجلس کاملاً با من همراه بود و صدا و سیما دست بردارم بود و جنگ تمام شده بود و نیروهای نظامی هنوز به عنوان فرمانده به من نگاه می‌کردند و با قوه قضائیه مطلقاً مشکلی نداشتیم و همراه من بودند و بعد گفت که آقای روحانی یا هیچ یک از اینها را ندارد یا بخش عمده‌ای از اینها همراه او نیستند. لذا برای آقای روحانی و دولت ایشان دلسوزی می‌کرد و می‌گفت آقای روحانی کار سختی در پیش دارد. در واقع من فکر می‌کنم امروز هم کسانی که به اسلام، انقلاب و ایران با هر زاویه‌ای که نگاه می‌کنند، عقل حکم می‌کند که همه دست به دست هم بدهند و دست از این رقابت‌ها و مزاحمت‌های کودکانه بردارند.

اگر دشمنان در بین اینها نفوذ کرده‌اند آنها را شناسایی و از خود دور کنند. همه به دولت کمک کنند چون اداره کشور کار آسانی نیست. برای اشتغال باید سرمایه‌گذاری انجام شود، برای رفع مشکلات معیشتی مردم و رفع کمبودها باید تولید زیاد شود، تولید هم جز با سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نیست و سرمایه‌گذاری هم جز با آرامش میسر نمی‌شود. ما نمی‌توانیم دائم با کل دنیا و در داخل با خودمان در ستیز

باشیم، بعد انتظار سرمایه‌گذاری داشته باشیم. سرمایه‌گذاری مثل یک آهو می‌ماند که اگر امنیت آن با هر چیزی تهدید شود، فرار می‌کند. همه عوامل فرار را پیش پای دولت می‌گذاریم و بعد از دولت انتظار داریم که چرا اشتغال ایجاد نمی‌کند، چرا کمبود وجود دارد. تجربه بشر در اداره جوامع آن هم در دنیای امروز که مثل دهکده به هم پیوسته‌ای جلو چشم ما است، همسایه‌های ما از جمله ترکیه و دورتر، خاور دور، مالزی را ببینیم که در آرامش کار خود را پیش می‌برند و این طور نیست که همه به استیکار وابسته باشند و دین خود را از دست داده باشند. ما که یک کشور اسلامی و انقلابی هستیم، به طریق اولی باید بتوانیم بهتر از آنها کشور را اداره کنیم و بن‌بست‌ها را بشکنیم. من احساس می‌کنم که اگر آقای هاشمی زنده بود، همواره همان چیزهایی که در خطبه‌ها مدنظر داشت بیان می‌کرد. همان نصایحی را می‌کرد که به همه گروه‌های سیاسی می‌کرد. امروز واقعا شرایط کشور و موقعیت منطقه‌ای ما و هم مشکلاتی که بر اثر کم‌آبی و خشکسالی وجود دارد و برکت هم از کشور ما رخت بر می‌پندد، در این شرایط خاص باید به آموزه‌های امام و رهنمودهای ایشان بازگردیم و راه انقلابیون بزرگی مثل آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را دنبال کنیم. توصیه‌هایی هم که رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند باید جدی‌تر پی بگیریم و گروه‌ها هر قطعه آن را برای بیرون کردن رقیب از صحنه انتخاب نکنند. دست به دست هم دهیم تا ان‌شاءالله کشور از این شرایط نجات پیدا کند. کشور مشکلات عدیده‌ای دارد، نظام بانکی ما از قبل با مشکلات زیادی مواجه است و مسئولان دارند تلاش می‌کنند که از این مشکل عبور کنند. این دولت و این کشور وارث خیلی مشکلات انباشته شده‌ای هستند که جز با صبوری و با وفاق جمعی حل نمی‌شوند. به اعتقاد من، دولت آقای روحانی با وجود همه مشکلات و موانع پیروز خواهد شد زیرا دکتر روحانی با اراده و علاقه جدی پای کار است و من در جریان برجام، سختکوشی و اخلاص ایشان را در مقابل آن فشارهای سنگینی که وارد می‌شد، دیدم. اگر نبود علاقه و سرنوشت کشور، آقای روحانی عطای آن را به لقایش می‌بخشید زیرا یک کارزار سخت‌تر از جبهه جنگ بود. در جبهه جنگ تکلیف روشن است که شما خمپاره می‌اندازید و دشمن هم خمپاره می‌اندازد، اما در پشت میز مذاکره با شش قدرت بزرگ جهان، یک تنه ایستاند و دکتر ظریف در کلمه به کلمه واژه‌ها مسایل را پیش می‌برد. تیم مذاکره‌کننده ایران در سند برجام ماه‌ها تلاش کرد و هر وقت دکتر ظریف از سفر برمی‌گشت و به دولت گزارش می‌داد، حقیقتاً برای سلامتی او نگران می‌شدم زیرا لابی اسرائیل و منافقان و آمریکا و همه دست به دست هم داده بودند، پول می‌ریختند و خرج می‌کردند. درست در همین هنگامه سخت من در مجلس که بودم به عنوان معاون پارلمانی رئیس جمهوری، می‌دیدم همان حرفی که خواست اسرائیل و عربستان و بر خلاف منافع ملی ما است، به نام انقلابی‌گری از تریبون مجلس علیه آقای ظریف و تیم مذاکره‌کننده مطرح می‌شود و اینها به واداده و سازشکار متهم می‌شدند و من هرگز آن منظره‌ها یاد نمی‌رودم که واقعا چگونه برخورد می‌کردند.

ولی آقای روحانی نگذاشت این مسأله ابتر بماند و استقامت کرد و حرف‌های زشت و رکیک را به جان خرید و الحمدلله یک گام بلندی برداشت و امروز ما می‌بینیم که جمهوری اسلامی ایران در یک طرف ایستاده است و اسرائیل و آمریکا و کل جهان در طرف دیگر ایستاده‌اند. خوشبختانه در دولت و شخص رئیس جمهوری برای سامان دادن به اقتصاد کشور و عبور از مشکلات همین اراده وجود دارد. به نوعی من احساس می‌کنم که مجلس حتماً نسبت به گذشته بهتر عمل خواهد کرد و نسبت به مجلس نهم، همراه‌تر است. این اواخر من هماهنگی‌های سه قوه را بیشتر احساس می‌کنم و ان‌شاءالله صدا و سیما هم با دولت و مردم آشتی کند و مهربان‌تر به میدان بیاید و صدا و سیما و گروه‌ها فکر نکنند که با بذر بدبینی و کینه، تهمت و سلب اعتماد، دولت از هم می‌پاشد.

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

گفتگو با مهندس سید حسین مرعشی:

مسیر اقتصادی هاشمی را تحمل نکردند

اگر از سال ۱۳۶۸ تا امروز همان هدف رشد ۸ درصدی هر سال ادامه پیدا کرده بود امروز اقتصاد ایران از اقتصاد ترکیه، بزرگ‌تر بود اما الان اقتصاد ایران، نصف اقتصاد ترکیه است



منوچهر دین پرست

هاشمی رفسنجانی در مهم‌ترین دوره تاریخی معاصر ایران ریاست جمهوری را بر عهده گرفت. این دوران پس از درگذشت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و پایان جنگ همراه بود. در این دوران کشور با مسائل عدیده اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کرد. هاشمی با شعار سازندگی و تعدیل اقتصادی وارد میدان نبرد شد. مهندس مرعشی از جمله همراهان هاشمی بود که از بسیاری از فعالیتهای اقتصادی ایشان مطلع بود. در این گفت و گو سعی شده برخی از مسائل آن دوران حتی با نگاهی انتقادی به بحث گذاشته شود. اگر چه وی بر این باور است هاشمی فردی مطلع در امور اقتصادی بود و اگر راه او در مسیر اقتصادی طی می‌شد وضعیت کشور بسیار بهتر از اکنون بود.

ویژه اولین سالگرد
درگذشت آیت‌الله
هاشمی رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

۲۰

■ شما از مدیران مرحوم هاشمی رفسنجانی بودید و سال‌ها با ایشان به خصوص در حوزه فعالیت‌های اقتصادی همکاری داشتید. آقای هاشمی بعد از پایان یافتن جنگ و انتخاب ایشان به عنوان رئیس‌جمهور فعالیت‌هایی را آغاز کرد که با عنوان سازندگی معروف شده است. آیا دیدگاه آقای هاشمی در حوزه سازندگی مبتنی بر ایده خاصی بود یا سعی می‌کرد بر اساس تجربه شخصی، دیدگاه خودشان را پیگیری کند؟

خدا آقای هاشمی را رحمت و با اولیا و انبیا محشور کند. ایشان یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که ایفا کرد در سازندگی بود. البته باید گفت که آقای هاشمی برای ایفای نقش‌های مختلف در مقاطع مختلف کسب اطلاع می‌کرد. همیشه نسبت به وضع موجود و وضع آینده کشور تحلیل داشت و می‌توانست قبل از وقوع بحران‌ها، بحران‌های آینده را حدس بزند، پیش‌بینی کند و تغییر مسیر برای کشور پیشنهاد دهد. اتفاقی که در آغاز دولت آقای هاشمی و در دوران سازندگی ایران افتاد، یک تغییر جهت در کشور بود. واقعیت این بود که در اثر بروز انقلاب اسلامی و اعمال سیاست‌های چپ در کشور در حد وسیع که معمولاً بعد از همه انقلاب‌ها چنین می‌شود و به دنبال انقلاب، حادثه لانه جاسوسی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مجموعاً مسائلی برای کشور به وجود آمد که منجر به تغییر ساختار مهم اقتصادی در ایران شد و بسیاری از صنایع، بانک‌ها، بیمه‌ها، اراضی کشاورزی تغییر وضعیت دادند. همچنین اولین تجربه تحریم‌های اقتصادی را از آن زمان در ایران داشتیم. به دنبال جنگ تحمیلی، مقدار زیادی از منابع هم آنجا هزینه شد. نتیجه همه این‌ها با همه این بود که در سال ۱۳۶۷ هر ایرانی نصف سال ۱۳۵۵ ثروت داشت. یعنی تولید ناخالص سرانه ایران در سال ۱۳۶۷، یک دوم سال ۱۳۵۵ شد.

آقای هاشمی که با این اعداد و ارقام آشنا بود و آخوندی نبود که اعداد و ارقام را نتواند درک و تجزیه و تحلیل کند، فهمید که باید سیاست‌هایمان را تغییر دهیم و با این سیاست‌هایی که داریم سیر قهقرائی می‌رویم و گرفتاری برای کشور درست می‌شود. آقای هاشمی می‌توانست قبل از آن که هر بحرانی آغاز شود جهت کشور را تغییر دهد، شبیه آنچه در دوره سازندگی اتفاق افتاد و یک تغییر جهت در کشور به سمت سیاست‌هایی که می‌توانست مجدداً اقتصاد ایران را در معرض بهبودی قرار دهد، رخ داد. نتیجه‌اش هم این شد که بعد از آغاز سازندگی تا حدود سال ۸۴ که پایان دوره خاتمی است،

در این دوره تولید ناخالص سرانه ایران دوباره و نسبت به سال ۶۷ دو برابر شد. این مهم‌ترین ویژگی آقای هاشمی این بود که می‌توانست حرف‌های کارشناسی را خوب بشنود، درک کند و تجزیه و تحلیل ارائه دهد. آقای هاشمی، حرف‌هایش جمع‌بندی کارشناسان کشور بود.

■ معمولاً از چه نوع کارشناسانی استفاده می‌شد؟ آیا کارشناسان خارجی هم بودند؟

خیر. در دولت، وزرا اطلاعات زیادی به آقای هاشمی منتقل می‌کردند. در جلسات شورای اقتصاد و جلسات دولت، کارشناسان گزارش‌های لازم را اعلام می‌کردند. کارشناسان از درون بخش‌های مختلف کشور بودند. آقای هاشمی این ظرفیت را داشت که حرف‌های کارشناسی مختلف را گوش کند و یک جمع‌بندی ارائه دهد. بالاتر از نظر خود کارشناسان آنچه که در دوره سازندگی اتفاق افتاد جمع‌بندی کارشناسی کارشناسانی بود که چپ بودند و سیاست‌های دوران جنگ و همان اقتصاد دولتی را ترجیح می‌دادند که اجرا کنند ولی آقای هاشمی معتقد بر اقتصاد آزاد بود. زیرا دنیا را خوب می‌شناخت و می‌فهمید که سیاست‌های چپ دنیا جواب نمی‌دهد؛ تجربه کره را می‌فهمید، تجربه برزیل را می‌فهمید، مطالعه داشت. در واقع کشور را در مسیری انداخت که اگر آن مسیر ادامه پیدا کرده بود امروز هیچ‌کدام از این بحران‌هایی که مردم با آن در معیشتشان و شغلشان دست به گریبانند، اتفاق نمی‌افتاد.

■ به نظر شما چرا ادامه پیدا نکرد؟ آیا واقعاً باید ادامه پیدا می‌کرد یا ممانعت‌هایی ایجاد شد؟

در دوره آقای هاشمی سیاست‌ها کُند شد. در برنامه اول که افکار و ایده‌های آقای هاشمی کامل حاکم بود، اقتصاد ایران به طور متوسط سالانه ۶/۷ درصد رشد داشت و در برنامه دوم که دوباره تفکرات مجلس چهارم، کشور را رادیکال کردند، رشد اقتصادی در برنامه دوم، ۲/۵ درصد شد و دوباره در برنامه سوم که زمان آقای خاتمی بود رشد رفت روی ۵ درصد. ما در ایران مرتب رفته‌ایم و برگشته‌ایم. ایران سیاست‌های خیلی خوبی را از آغاز سازندگی شروع کرد اما در ادامه‌اش، با آقای هاشمی همراهی نکردند و اختلاف نظر به وجود آمد.

ما تحمل نکردیم که مسیر را تا انتها برویم. اگر رفته بودیم ایران امروز هیچ‌کدام از این مشکلات را نداشت. اگر از سال ۱۳۶۸ تا امروز همان هدف رشد ۸ درصدی

هر سال ادامه پیدا کرده بود امروز اقتصاد ایران از اقتصاد ترکیه، بزرگ‌تر بود اما الان اقتصاد ایران، نصف اقتصاد ترکیه است. ■ نفرومودید ممانعت‌هایی که با آقای هاشمی شد از طرف چه افراد و احزابی بود؟

به هر حال اختلاف نظر بود در کشور بود. مجلس سوم علیرغم این که مجلسی بود که چپ‌ها در آن اکثریت داشتند ولی با آقای هاشمی راه آمد و سرمایه‌گذاری خارجی و فاینانس‌ها را تأیید کرد. در نتیجه برنامه اول را خیلی خوب شروع کردیم. مجلس چهارم علیرغم این که با شعار «اطاعت از رهبری، حمایت از هاشمی» روی کار آمد و اکثر نمایندگان آن، اصولگرا یا راست بودند، شعار حمایت از هاشمی را کاملاً کنار گذاشتند و در تقابل با آقای هاشمی قرار گرفتند و همه برنامه‌ها را کُند کردند. برنامه اول برنامه تعدیلی بود و برنامه دوم برنامه تثبیت اقتصادی شد. دوباره نرخ‌گذاری‌ها و کنترل قیمت‌ها و محدودیت سرمایه‌گذاری‌ها را راه انداختند و جو را رادیکال کردند. در نتیجه رشد اقتصادی از ۷/۶ دوم درصد به ۲/۵ درصد کاهش پیدا کرد.

■ می‌خواهم شما به عنوان یک منتقد به تاریخ آن دوران رجوع کنید نه به عنوان همراهی که در آن دوران بوده است.

یک سال در دوره آقای هاشمی تورم سنگین ۴۹ درصد داشتیم که ناشی از تحلیله نرخ ارز بود. وقتی نرخ ارز از ۷ تومان، رفت روی ۱۷۵ تومان، حجمی که قبلاً یوزانس کرده و نسبه خرید بودیم و ریالش را از مردم، واردکنندگان یا دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، به نرخ ارز ۷ تومان گرفته بودیم باید به نرخ ۲ سال بعد به طرف خارجی می‌دادیم. همین اتفاق به اقتصاد خیلی فشار آورد. البته ما این کار را در زمان آقای خاتمی هم کردیم و نرخ ارز از ۱۷۵ تومان به ۸۰۰ تومان رسید. اما در زمان آقای خاتمی قیمت‌های نفت رو به افزایش بود و ما هر سال نسبت به بودجه پیش‌بینی شده حداقل ۲ تا ۳ میلیارد دلار درآمد اضافه داشتیم. مجلس ششم تجربه زمان آقای هاشمی را داشتیم و ۸ میلیارد دلار از مازاد درآمد نفست به بانک مرکزی دادیم که بانک مرکزی پرداخت‌های قبلی‌اش را انجام داد و پایه پولی تغییر نکرد و دولت به بانک مرکزی بدهکار نشد. ولی در زمان آقای هاشمی وقتی ارز از ۷ تومان به ۱۷۵ تومان رسید هیچ منابع ارزی وجود نداشت که بتوانیم بدهیم و ارزی که با درآمد نفت ۱۴، ۱۵ دلار در کشور حاصل می‌شد، همان مقداری بود که کشور نیاز داشت

و این ۱۶۸ تومان مابه‌التفاوت هر دلار ، پایه پولی را بالا برد و تورم ۴۹ درصد ایجاد کرد.

کشور آن زمان این تجربه را نداشت و یکمرتبه با شوک مواجه شد و باید از قبل پیشگیری می‌کردیم.

دومین مسأله‌ای که می‌توانم به‌عنوان یک انتقاد بگویم مربوط به همان دورهٔ ریاست آقای عادلی بر بانک مرکزی است.

آقای دکتر عادلی توانست پرداخت‌های ارزی ایران را مدیریت کند. ما کل دیفالت‌های ارزی یا تأخیرهای ارزی‌مان حدوداً ۸ میلیارد دلار بیشتر نبود و بانک مرکزی باید ۸ میلیارد دلار را قبل از اینکه دیفالت بشود و اعتبار ایران مخدوش شود جابه‌جا و مدیریت می‌کرد و این اتفاق و بدهی نیز خیلی به آقای هاشمی ضربه زد. در اصل بانک‌مرکزی، آزادسازی بانک‌ها را اعمال کرده بود و به بانک‌ها اجازه داده بود ال سی باز کنند ولی از بانک‌ها نخواست به اطلاعات بدهند و یک مرکز اطلاعاتی در بانک مرکزی درست نکرده بود که پرداخت‌های ارزی را بتوانند خوب مدیریت کنند و اقتصاد کشور دچار شوک شد. اگر این دو شوک یعنی تورم ۴۹درصد و دیفالت‌های ۸ میلیارد دلاری ارزی، دو اتفاق نمی‌افتاد نیاز نبود آقای هاشمی از خیلی از سیاست‌ها عقب‌نشینی کند و کوتاه بیاید.

■ آقای هاشمی به یک کلیدواژه خیلی توجه داشت و اغلب به کار می‌برد و آن هم واژه رفاه بود.ایشان فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه و شهروند را راه‌اندازی کرد. بعد از چند سال اکنون می‌بینیم مال‌هایی در شهر ساخته شدند که مشکلات عدیده شهرنشینی به وجود آورده‌اند. به نظر شما آن زمان که چنین ایده‌هایی در ذهن ایشان بود هم این انتقادات وارد می‌شد که بعدها این ایده‌ها مشکلاتی را به وجود خواهند آورد؟

مال‌هایی که الآن ساخته می‌شوند با آن فروشگاه‌های زنجیره‌ای تفاوت دارند و دو سطح مختلف دارند. یک دسته فروشگاه‌های زنجیره‌ای برای طبقه متوسط هستند مثل کارفور و سی اند ای؛ یک دسته هم همان مال‌هایی هستند که بیشتر در دوره آقای قالیباف ساخته شدند و در واقع بازارهای جدیدی هستند که عمدتاً برندهای لاکچری هستند و ربطی به سطح اول ندارند. زمان آقای هاشمی از این مال‌ها نداشتیم. فروشگاه‌های رفاه و شهروند عمدتاً بر برندها تمرکز ندارند و برای طبقه متوسط به بالا هستند و هدف آقای هاشمی این بود که آن‌ها را جایگزین تعاونی‌هایی که در محلات مختلف در زمان جنگ درست شده بود بکنیم و به نوعی اجناس از تولید به مصرف و در سطح تولید انبوه عرضه شوند تا قیمت تمام شده پایین بیاید. اصولاً هم همه دولت‌ها دلشان می‌خواهد رفاه را گسترش دهند اما ممکن است از دو زاویه مختلف نگاه کنند. یکی قیمت‌ها را از راه کنترل، پایین نگه دارد و یکی از راه افزایش درآمدها و افزایش قدرت خرید رفاه را گسترش دهد.

آقای هاشمی سیاست افزایش قدرت خرید مردم را دنبال می‌کرد بود و در پی این بود با ایجاد امکانات و سازه‌های جدید و اشتغال، درآمد مردم را بالا ببرد تا بتوانند بیشتر کالا بخرند و رفاه بیشتری داشته باشند. تجربه دنیا هم این است که اگر شما بخواهید قیمت‌ها را پایین نگه دارید چون واحدهای اقتصادی و واحدهای تولیدی ضرر می‌کنند، سرمایه‌گذاری انجام نمی‌شود. سرمایه‌گذاری که انجام نشود، شغل درست نمی‌شود و شغل که درست نشود، فقر افزایش پیدا می‌کند. هر وقت شما بروید سراغ این که کسب درآمد بنگاه‌های تولیدی را محدود کنید، اشتغال ضربه می‌خورد و به دنبال آن طبقات محروم جامعه لطمه می‌خورند.

آقای هاشمی خیلی حساس بود روی این که ما نباید کاری کنیم که کسانی که توانایی کار دارند کار گیرشان نیاید. مثلاً همیشه روی پرداخت‌های عمرانی حساس بود. امکان نداشت اجازه دهد پرداخت‌های عمرانی با تأخیر مواجه شوند و پیمانکاران هزار هزار میلیارد تومان از دولت طلبکار باشند. اصلاً چنین چیزهایی در قاموس دولت آقای هاشمی نبود. به طور کلی هم اگر در جامعه آدم‌های فعالان، کار داشته باشند و شما کار آنها را کساد نکنید کشور رشد می‌کند. به طور طبیعی هم ممکن است عده‌ای بتوانند کار پیدا کنند یا نخواهند کار خوب انجام دهند.

برخی از بنگاه‌های اقتصادی، چند سال پیش فعال بودند

ولی متوقف شدند.

اینها موضوعاتی است که آقای‌هاشمی خیلی رویشان حساس بود و می‌گفت نباید اجازه دهیم واحدهای تولیدی، واحدهای صنعتی، دفاتر مهندسی و دفاتر خدماتی بیکار باشند. درحالی که در شرایط فعلی به دلیل این‌که پرداخت‌های عمرانی دولت کاهش پیدا کرده. در این بخش خیلی دچار مشکل هستیم.

■ یکی از موضوعاتی که آقای‌هاشمی به آن توجه داشت، بحث تعدیل اقتصادی بود.بحث تعدیل اقتصادی تا سال‌ها تاثیرات مختلفی بر جریانات اقتصادی کشور داشت.شما به عنوان یک منتقد بخواهید آن دوران را نقد کنید چه نقدی به بحث تعدیل اقتصادی وارد می‌دانید؟

نمی‌شود با این دقت، بحث کرد. تعدیل اقتصادی، ابعاد مختلفی دارد. یکی درآمد دولت است یکی هزینه دولت. اگر درآمدهای دولت با هزینه‌هایش، دچار عدم تعادل شوند تورم ایجاد می‌شود و این موضوع، بخشی از تعدیل است. بعد دیگر، نرخ ارز است. تا دلار ۷ تومانی بود خیلی از کالاها، وارداتش اقتصادی بود. مثلاً در دوران جنگ، حدود سالی ۱۵۰ میلیون دلار پنیر وارد شد. یعنی ما یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار در طول ۸ سال جنگ، پنیر وارد کردیم و کوپنی توزیع کردیم که مردم نان و پنیر بتوانند بخورند. خیلی هم منطقی بود.هنوز هم ذائقه ایرانی‌ها فقط آن پنیر سفید را می‌پسندد چون زمان جنگ خورده‌اند و عادت کرده‌اند.

ما همان زمان، ۶۵میلیون دلار سرمایه‌گذاری کارخانجات پنیر زدیم. ولی کارخانه پنیو باید صرفه داشته باشد. اگر قرار

هاشمی بیش از ۵۰ سال در عرصهٔ سیاسی حاضر و ظاهر بوده و نقش‌محوری در مسائل سیاسی ایران داشته است و در فراز و نشیب‌های مختلف سیاست وی، بالاخره یک عده لطمه خورده‌اند، یک عده ضرر کرده‌اند و عده‌ای ناراحت شده‌اند. در عین حال به نظر من این که شخصیتی این اندازه تأثیرگذار باشد و محبوبیتی که سال‌های آخر عمر آقای هاشمی پیدا کرد، خیلی بی‌نظیر است

باشد شما با دلار ۷ تومان پنیر وارد کنید بدهید در بازار ولی شیری که از گاودار می‌خریم و می‌دهیم به کارخانه‌گران‌تر تمام شود و از او بخواهیم با همان قیمت تمام شده وارداتی شیر بفروشد، معلوم است که تولید می‌خواید. برای این که این اتفاق در صنعت شیر و لبنیات نیفتد، آقای‌هاشمی گفت: شیر را به قیمتی بخریم که برای دامدار صرف کند و قیمت پنیرگران شد اما کشور الان دیگر مشکلی به نام لبنیات ندارد.

حتی امروز یکی از مسائلمان مازاد تولید لبنیات است به این دلیل که در یک دهه اخیر، ۱۵ درصد هزینه خانسوار کاهش پیدا کرده و به تبع آن مصرف لبنیات در ایران ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده است و فشار به کارخانجات لبنیات و گاوداری‌ها می‌آید.

در آن دوره ما با ۶۰ میلیون دلار به جای یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار واردات پنیر،کارخانجات پنیر در ایران فعال کردیم و کشور صاحب کارخانجات پنیر شد و شغل درست شد. من یک مثال برایتان بزنم. هلال احمر ایران سالی ۱۰ میلیون دلار از دولت ارز ۷ تومانی می‌گرفت می‌داد به واحدهای خارج از کشورش. روزی که دلار آزاد شد، یعنی ۶۰ تومان شد، یکی از مسائل تحلیل اقتصادی، نرخ دلار بود و می‌گفتند: مگر می‌شود، با دلار ۷ تومانی تولید در ایران راه انداخت؟ بله اما روی کاغذ!

آمار تولید خودرو در ایران در سال ۱۳۵۶ یک سال قبل از اینکه انقلاب اوج بگیرد و اعتصابات شروع شود ۱۱۰ هزار خودرو بوده است. همان سال ۴۰ هزار خودرو وارد شده است. یعنی ۱۵۰ هزار خودرو در ایران در سال

۵۶ فروش رفته است. در سال ۱۳۶۸، تعداد خودرو سواری تولیدی در ایران، ۸ هزار تا بوده است یعنی از ۱۱۰هزار تا به ۸ هزارتا تقلیل پیدا کرد.

نه ما دلار ۷ تومانی داشتیم به کارخانه بدهیم نه کارخانه‌دار می‌توانست برود با دلار آزاد تولید کند چون نرخ‌گذاری‌اش می‌کردند.

این عدم تعادل‌ها، اقتصاد را بیچاره می‌کند. تعدیل اقتصادی یعنی این عدم تعادل‌ها به تعادل برسند. دلار نرخی داشته باشد که مقداری که کشور می‌تواند حاصل کند با مقداری که می‌خواهد مصرف کند برابر باشد و نرخش در بازار به نرخ تعادلی برسد.

■ داشتید درباره تأثیر تعدیل اقتصادی به سبک زندگی می‌گفتید.

به‌طور طبیعی سبک زندگی، بیش از آنکه تحت تأثیر تعدیل اقتصادی باشد، تحت تأثیر گسترش رسانه‌ها، تغییر کرد. یک زمانی شهرهای ایران هر کدامشان هویت فرهنگی خودشان را داشتند. تحت تأثیر تلویزیون الان شما در هر شهر ایران بروید، سوپرها، اسم خیابان‌ها، فروشگاه‌ها و اجناس عین هم است. شما نمی‌توانید فرق ایران‌شهر و پیرانشهر را بفهمید چون هر جا که می‌روید، در ایران‌شهر و پیرانشهر، هم خیابان شهید رجایی و طالقانی است هم خیابان شریعتی و امام خمینی. خیابان‌ها که یکی است، مصالح ساختمانی، سبک ساختمان‌ها و نماها هم شبیه به هم شده‌اند. این می‌شود تغییر در مدل زندگی در داخل ایران. در مبادله با دنیا هم شبکه‌های ماهواره‌ای، اثرات واقعی‌تر روی زندگی دارند تا تعدیل اقتصادی که این پیام را بدهد هرکس بیشتر تلاش بکند سهم بیشتری از کیفیت اقتصاد، گیرش می‌آید.

■ الان نزدیک به یک سال از فوت آقای هاشمی می‌گذرد. در این مدت انتقادات مختلفی به ایشان وارد شد. شما جایگاه آقای هاشمی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

اختلاف‌نظر به‌طور طبیعی همیشه وجود دارد. بالاخره وقتی آدم‌های تأثیرگذار تصمیم می‌گیرند، یک عده با تصمیم‌شان موافقت یک عده مخالف. در مورد آقای هاشمی دو نکته اضافه می‌شود. یک نکته این که جناح‌های سیاسی همیشه دلشان می‌خواسته‌است آقای هاشمی طوری که آنها می‌پسندند زندگی کند و حرکت کند و تصمیم بگیرد و فکر کند.جناح اصولگرا دلش می‌خواست آقای هاشمی در صحنه باشد، فعال باشد، حضور داشته باشد اما آن‌گونه که آنها می‌خواهند.

در یک مقطع هم اصلاح‌طلب‌ها همین توقع را داشتند. آقای هاشمی استقلال داشت. آقای هاشمی به لحاظ فکری و ذهنی و تجربی برتری‌هایی داشت که تابع هیچ جریانی قرار نمی‌گرفت. او خودش برای خودش، بینش داشت، روش داشت، تشخیصی داشت و براساس تشخیص خودش عمل می‌کرد و هر دو جناح هم در مقاطعی از ایشان می‌رنجیدند و انتقاد وارد می‌کردند.

نکته دوم این بود که آقای هاشمی، در یک دورهٔ طولانی اثرگذار بود. شما به تاریخ سیاسی کشورها نگاه کنید. ممکن است کسی در کشورش حداکثر در دو دهه از حضورش و اوجش تا افول و کناره‌گیری‌اش از سیاست، تأثیرگذار باشد و سابقه بیشتر از این نیست. حتی برگردید قبل از انقلاب؛ کسی از نخست‌وزیرهای ایران بیشتر از ۴ سال نه ۸ سال نه ۱۲ سال، نبوده است. در دنیا هم تقریباً همین است. اما آقای هاشمی جزو معدود شخصیت‌های انقلابی بود که هم در دوران مبارزه و انقلاب حضور پررنگی داشت هم در دوران استقرار، هم در دوران دفاع مقدس، هم در پایان دادن جنگ، هم در دوران سازندگی و هم در دوران انتقال قدرت بعد از سازندگی به دوره اصلاحات.در دوره اصلاحات نیز شخصیت مؤثری بود.

پس ایشان بیش از پنجاه سال در عرصهٔ سیاسی حاضر و ظاهر بوده و نقش‌محوری در مسائل سیاسی ایران داشته است و در فراز و نشیب‌های مختلف سیاست وی، بالاخره یک عده لطمه خورده‌اند، یک عده ضرر کرده‌اند و عده‌ای ناراحت شده‌اند. در عین حال به نظر من این که شخصیتی این اندازه تأثیرگذار باشد و محبوبیتی که سال‌های آخر عمر آقای هاشمی پیدا کرد خیلی بی‌نظیر است و بخش زیادی از آن ناشی از اخلاص آقای هاشمی است.

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹دی ۹۶

اطلاعات

۲۱

گفتگو با دکتر عیسی کلانتری:

برخی دوستان به شخصیت هاشمی لطمه زدند

خیلی‌ها هاشمی را شناختند و بعضی از دوستانش هم به شخصیت ایشان لطمه زدند. آقای هاشمی اعتماد می‌کرد، اعتنا می‌کرد، اختیارات می‌داد و پیگیری می‌کرد



فاطمه اترکی

عیسی کلانتری، دارای مدرک دکتری فیزیولوژی و بیوشیمی محصولات زراعی از دانشگاه ایالتی آیوا آمریکا، در دولت‌های اول و دوم اکبر هاشمی رفسنجانی وزیر کشاورزی بود. او که در حال حاضر معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، مشاور معاون اول رئیس جمهور در امور آب، کشاورزی و محیط زیست و دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه است، با نوعی احساس و ارادت قلبی از هاشمی رفسنجانی یاد می‌کند. گفتگو با دکتر کلانتری در ظهر روز ۴ دی ماه در دفترش در سازمان حفاظت محیط زیست انجام شد.

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سه شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

■ شما در هر دو دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی وزیر کشاورزی بودید. رابطه‌تان با ایشان چگونه بود؟

رابطه من با آقای هاشمی به خاطر این نبود که وزیر کشاورزی ایشان بوده‌ام. رابطه من با ایشان رابطه مرید و مرادی بود. از همان سال‌های ۶۱-۶۲ که با آقای هاشمی و طرز فکرشان آشنا شدم، ایشان را چیز دیگری یافتم، انسانی که عاشق کشورش و عاشق ملتش بود، آرزوی عمران و توسعه کشورش، خوشبختی ملتش و زدودن فقر از مملکت را داشت و من اینها را در هیچ کس دیگری ندیدم. هاشمی آرزوهای فوق العاده‌ای برای کشور داشت.

عشقش ایران بود. درست است که آقای هاشمی یک روحانی مذهبی بود، ولی واقعاً عشقش عمران و آبادی ایران بود. وقتی سدی به بهره‌برداری می‌رسید، جاده‌ای، راه‌آهنی افتتاح می‌شد، آقای هاشمی بسیار خوشحال می‌شد.

بارها می‌دیدم وقتی طرحی را می‌دید که به نتیجه می‌رسد احساساتی می‌شد. برای مثال وقتی بعد از ریاست جمهوری ایشان از اولین محصول نیشکر تولیدی خوزستان در غرب کارون بازدید می‌کردیم، هنگامی که دید از آن بیابان لم‌یزرع نی‌های دو متری رشد کرده است، نشست در نیستان و زار زار گریه کرد.

■ پیش از دوران وزارت هم با ایشان آشنایی داشتید؟

اولین بار که به خدمت ایشان رسیدم، فکر می‌کنم اردیبهشت ۶۱ بود. آن موقع من سرپرست سازمان ترویج کشاورزی بودم و ایشان رئیس مجلس بود. از همان ملاقات اول، یک ربع بیست دقیقه که ایشان را دیدم، دیدم اصلاً تصورات ایشان چیزهایی است که شاید مدیران آموزش و ترویج کشاورزی کشور حتی خوابش را هم نمی‌دیدند. دیدگاه ایشان نسبت به آموزش و ترویج و توسعه زیربنای دیدگاه منحصر به فردی بود.

در سال ۶۳، وقتی که رئیس مؤسسه اصلاح بذر بودم، یک روز آقای ساداتیان زنگ زد که حاج آقا می‌خواهد روز جمعه بیاید بازدید از مؤسسه اصلاح بذر. چون تعطیل هم بود، دیگر مزاحمتی برای کار عادی مؤسسه ایجاد نمی‌شد، ولی ما به محققانمان گفته بودیم که حضور داشته باشند. آقای هاشمی وارد مؤسسه شد. من یک ربع یا بیست دقیقه درباره مؤسسه و وظایفش برای ایشان توضیح دادم. گفت اول برویم مزرعه و بعد آزمایشگاه‌ها را ببینیم. آن زمان بخش اصلاح نبات و ژنتیک گندم در همان مکانی بود که الان ترمینال شهید کلانتری در کرج است. چون خاکش یکنواخت بود، آنجا را از قدیم

انتخاب کرده بودند.

اصلاً آدم باورش نمی‌شد. آقای هاشمی گفت که من از مسائل ژنتیک و اصلاح نباتات هیچ چیز بلد نیستم. شما برای من یک دوره آموزشی ژنتیک اصلاح نباتات بگذارید. کارشناسان می‌دانند که خود ژنتیک حداقل ۶ واحد است و اصلاح نباتات ۶ واحد است. ایشان گفت من تا ظهر اینجا به مباحث شما گوش می‌دهم و بعد از ظهر می‌رویم بازدید چون تئوری‌اش را اول باید یاد بگیرم. یک تخته سیاه آوردیم در مزرعه. ایشان هم عبا را انداخت روی زمین و نشست روی عبا. چند نفر از آقایان از جمله آقای دکتر وهابیان، دکتر محمودی، دکتر وجدانی، آقای اکبری و آقای ماکویی و خودم هر کدام بخش‌هایی را توضیح دادیم. تقریباً ایشان سه ساعت در آفتاب اواخر اردیبهشت از جایش تکان نخورد. بعد از توضیحات ما چند سؤال پرسید. یادداشت هم نمی‌کرد. تقریباً وقت اذان ظهر بود که کلاسمان تمام شد و رفته برای نماز و بعد از ظهر بازدید از مزارع اصلاح نژاد و آزمایشگاه ژنتیک و بایوکیستری و... شروع شد. وقتی به بخش اصلاح نباتات رسیدیم، ایشان پرسید: «این چه وضعی است که می‌گویید دوازده سال طول می‌کشد تا یک گیاه اصلاح شود. چرا این زمان را کمتر نمی‌کنید؟» گفتند کمترش بودجه می‌خواهد و ما نداریم.

در بخش باغبانی، گفتند: «شما چه فکری کردید برای بازسازی نخیلات جنوب؟ فرض کنیم که امسال جنگ تمام بشود. سال دیگر تمام بشود، دائم که جنگ نخواهد بود». آن زمان تازه کشت بافت شروع شده بود ولی هنوز در ایران رایج نبود. گفتیم امکانات کشت بافت وجود دارد ولی حداقل سه چهار میلیون دلار هزینه برمی‌دارد. وقتی می‌رفت، گفت: «هزینه‌اش را من می‌دهم. شما اینجاها را بسازید».

بازدید هشت نه ساعته ایشان از مؤسسه تمام شد و جمعه هفته بعد رسید. من نماز جمعه نرفته بودم. وقتی رادیو را باز کردم، شنیدم که آقای هاشمی در نماز جمعه دارد از اصلاح نژاد و ژنتیک صحبت می‌کند. واقعاً با استعداد بود و مثل کسی که سال‌ها در رشته ژنتیک یا اصلاح نباتات مطالعه داشته است، صحبت می‌کرد.

برکت حضور آن روز ایشان مسبب ایجاد همین مؤسسه تحقیقات بایوتکنولوژی شد که جزو زیرمجموعه‌های وزارت کشاورزی است. نکته جالبش این بود که سه چهار روز بعدش در اخبار شب شنیدم که ایشان از آقای مهندس موسوی درخواست کرده است تا بودجه لازم برای این کار به ما تخصیص داده

شود. آن زمان وزیر کشاورزی وقت، آقای زالی، هم در جریان نبود چون آقای هاشمی به‌طور خصوصی به مؤسسه ما آمده بود. منظورم این است که واقعاً اگر متوجه می‌شد چیزی باعث توسعه و پیشرفت است، باعث جلوگیری از مملکت، باعث افزایش تولید، باعث رفاه و باعث برطرف کردن محرومیت‌هاست، در حمایت از آن تردید نمی‌کرد.

طرح‌های اولیه همین متروی تهران از قبل از انقلاب وجود داشت. ولی یک تنه، در زمانی که رئیس مجلس بود، آمده بود در دولت مهندس موسوی و از آن حمایت کرده بود و عملیات اجرای متروی تهران را به تصویب رسانده بود. واقعاً آقای هاشمی در گفتار نمی‌گنجد.

■ درباره دقت بالا و هوش آقای هاشمی بسیار سخن گفته‌اند...

بله. این توضیح را بدهم که برای تولید یک گیاه در آزمایشگاه و حفظ خلوص ژنتیکی آن، از شیوه کشت بافت استفاده می‌شود. ما در سطح آزمایشگاهی سیب‌زمینی را از طریق کشت بافت تکثیر کرده بودیم ولی در سطح گسترده امکانات تولید نداشتیم.

ایشان از رئیس مؤسسه رازی پرسیده بود چطور است که در مؤسسه اصلاح بذر با کشت تک‌کوپچی از سیب‌زمینی می‌شود یک گیاه کامل سیب‌زمینی تولید کرد ولی چطور است که شما برای تولید واکسن، مخاط زبان گاو را در آزمایشگاه تکثیر می‌کنید و تبدیل به گاو نمی‌شود؟ شاید باورتان نشود، ۵ نفر در سازمان تحقیقات رازی مأمور بررسی این موضوع شدند. مطالعاتشان ۴۰ روز طول کشید و بالاخره به این نتیجه رسیدند که آن مدیایی که زبان گاو را تکثیر می‌کند، توان تفکیک (differentiation) سلول‌ها را ندارد. یعنی این قدر آدم باهوش و دقیقی بود.

هوش زیادی داشت و از مسائل کشور اطلاع دقیق داشت. در سال ۶۸ وقتی آقای غرضی وزیر مخابرات بود، در شورای اقتصاد مطرح کرد که باید قیمت‌های تلفن ثابت را افزایش بدهیم و نظارش روی چیزی حدود دویست درصد بود. مثلاً آن زمان تلفن ثابت در تهران حدود ۹۰ هزار تومان بود، ایشان گفته بود باید بشود ۱۹۰ هزار تومان، در شهرستان‌های بزرگ ۱۲۰ هزار تومان، در شهرستان‌های کوچک ۸۰ هزار تومان و پالس تلفن هم آن زمان هر پالسی ۵ ریال بود که می‌خواست برساند به ۱۵ ریال.

آن زمان مرحوم نوربخش وزیر اقتصاد و آقای زنجانی

رئیس سازمان برنامه و بودجه بود و آقای غرضی در مجمعیش آنها را هم قانع کرده بود که مخابرات دارد ضرر می‌دهد و باید تلفن را گران کنیم و امضای آنها را گرفته بود.

در شورای اقتصاد نشسته بودیم و آقای غرضی توضیحاتش را داد. وقتی آقای هاشمی عمامه را از عقب به جلو جا به جا می‌کرد، ما می‌فهمیدیم که قانع نشده است و الان یک اتفاقی می‌افتد. یک دفعه گفت که من تأسف می‌خورم که وزیر اقتصاد و رئیس برنامه و بودجه این صحبت‌های شما را تأیید کرده‌اند. شما می‌خواهید ۶۰۰ هزار خط تلفن بدهید و می‌گویید که قیمت تمام شده‌اش امروز این قدر است. ولی وقتی در سال ۶۴ وزیر شدید، در مخابراتی که تحویل گرفتید، زیربنای تحویل ۴۵۰ هزار خط تلفن آماده بود. شما خرجی نکرده بودید و پول را گرفته بودید. این پول را کجا به حساب آوردید؟ به همین دلیل گفت که این قیمت‌ها قابل قبول نیست. قیمت خط تلفن تهران را از ۹۰ هزار تومان رساند به ۱۳۰ هزار تومان، شهرهای بزرگ ۸۵ هزار تومان و شهرهای کوچک ۶۰ هزار تومان. پالس تلفن را هم از ۵ ریال رساند به ۸ ریال.

■ **ارتباط ایشان با زیردستانشان چطور بود؟**

از مدیرانی که از حوزهٔ کاریشان اطلاع نداشتند خوشش نمی‌آمد. وقتی از مدیری سؤال می‌کرد، انتظار داشت که سؤال فنی‌اش را جواب دهد. اصل هم برایش همین بود. می‌گفت، در کنار سایر مسائل، مدیر باید مطلع باشد. به همین دلیل وقتی به استان‌ها می‌رفت، من دلهره داشتم که اگر ایشان از مدیران استانی سؤال ببرسد، آیا مدیران کل قادر خواهند بود که به سؤال‌ها جواب بدهند یا نه. به مدیر کل‌ها گفته بودم که اگر روی حوزهٔ مدیریتی‌تان مسلط نباشید و آقای هاشمی از تسلط شما به حوزهٔ مدیریتی‌تان رضایت نداشته باشد، من عوض‌تان می‌کنم. آنها هم ناچار شده بودند که روزی دو سه ساعت به مطالعات اقلیمی، توپوگرافی، اکولوژیکی و هرچیز مربوط به حوزه‌شان بپردازند. آقای هاشمی هم به مدیران فرصت می‌داد که بتوانند پاسخگو باشند. وقتی می‌رفت و می‌آمد و اظهار رضایت می‌کرد، که مدیرتان خوب بود و مطلع بود، ما مدیر را تشویق می‌کردیم. در دو سه مورد هم ناچار شدیم مدیرکل هایی را که مطالعه نکرده بودند و اطلاع کافی نداشتند، تغییر بدهیم. آقای هاشمی حتی از وزیری که از کارش سردر نمی‌آورد خوشش نمی‌آمد و انتظار داشت که غیر از وزارت که پستی سیاسی است، اصول اولیهٔ حوزهٔ مدیریتی خودش را بداند و از آنها آگاه باشد.

■ **از نقاط قوت مدیریتی ایشان چه چیزهایی در خاطر تان است؟**

ایشان وسواس داشت در اینکه پرسنل تحت مدیریتش باید هم حمایت شوند، هم تقویت شوند و هم مبتکر، پیگیر و پاسخگو باشند و اختیارات کامل هم می‌داد. در کار وزارتخانه‌ها هیچ دخالتی نمی‌کرد مگر وقتی که سؤالی داشت.

همیشه تلاش می‌کرد غیر از جلسات رسمی دولت، با زیرمجموعه‌اش که همان هیئت وزیران باشند، در ارتباط نزدیک باشد. اگر یک ماه می‌گذشت و وزیری به‌دلیل مشغله خدمت ایشان نمی‌رفت و گزارش عملکرد نمی‌داد، از دفتر ایشان وزیر را احضار می‌کردند. زنگ می‌زدند و می‌گفتند مثلاً فردا از ساعت نه تا ده حاج آقا برای شما وقت ملاقات گذاشته‌اند. آن موقع می‌فهمیدیم که یک ماه گذشته است و مثلاً یک ماه و نیم شده است. می‌رفتیم و ایشان یک اطلاعاتی خودش از اوضاع داخلی وزارتخانه و دستگاه داشت و مشکلاتی هم ما داشتیم که مطرح می‌کردیم. اول به‌طور کامل گوش می‌کرد و بعد نظر می‌داد. واقعا اگر نیم ساعت یا یک ساعت ملاقات داشتیم، نود درصد وقت را گوش می‌کرد. ده درصد را هم به حل مشکلات اختصاص می‌داد. مثلاً اگر با دستگاه دیگری مثل بانک، یا وزارتخانه‌های دیگر مشکلی داشتیم، همانجا می‌گفت دو طرف بیایند و تصمیم می‌گرفت و مشکل را حل می‌کرد.

هیچ وقت یادم نمی‌رود زمانی که تازه قرار بود طرح‌های توسعه نیشکر در خوزستان راه‌اندازی شود، من و آقای زنگنه که آن زمان وزیر نیرو بود، دربارهٔ اینکه آیا در خوزستان آب هست یا نیست به اختلاف رسیدیم.

آقای دکتر بانکی وزیر سابق نیرو، مجوز آب را داده بود. سال ۶۹ آقای زنگنه گفت دیگر آن آب در خوزستان نیست و من نمی‌توانم آب مورد نیاز برای طرح‌هایتان را در اختیارتان بگذارم. سازمان برنامه و بودجه هم معمولاً به‌دلیل اینکه ژاندارم بودجه بودند، می‌گفتند خرج هرچه کمتر باشد بهتر است.

کم‌وبیش الان هم تاحدودی همین رویه است. موضوع را با آقای هاشمی مطرح کردم و گفتم مطالعات ما تمام شده است و آمادهٔ اجراست ولی آقای زنگنه می‌گویند آب نیست.

گفت کارشناسان ما و وزارت نیرو آماده باشند تا موضوع در شورای اقتصاد مطرح مطرح شود. یک روز یک جلسهٔ هشت‌ساعته در شورای اقتصاد گذاشتند که بحث تمام نشد و هفته بعدش یک جلسهٔ شش‌ساعتهٔ دیگر گذاشتند. روی هم چهارده ساعت جلسه برای این موضوع گذاشته شد و ایشان حرف مهندسان مشاور ما و وزارت نیرو را شنید. مهندسان مشاور دو طرف گزارش دادند و بحث کردند. آخر آقای هاشمی در یک دقیقه جمع‌بندی کرد و گفت: «با این گزارش‌ها در خوزستان آب هست. کارون به اندازهٔ کافی آب دارد و وزارت نیرو موظف است که تعهد وزیر نیروی سابق را اجرا کند». با وجود مخالفت سازمان برنامه و بودجه این میزان آب به طرح‌های توسعه نیشکر اختصاص داده شد و این طرح‌های توسعه نیشکر که الان هفت واحدش کار می‌کند و ۷۰۰ هزار تن شکر می‌دهد، همه از تصمیمات آقای هاشمی است.

این قدر مسائل برایش مهم بود که خودش دخالت و پافشاری می‌کرد در مسائل خیلی مهم. برایش مهم نبود که چه روزی و چه ساعتی است، این برایش مهم بود که این مسأله حل شود، واقعأ خستگی ناپذیر بود.

■ **به‌نظر می‌رسد یکی از ویژگی‌های شخصیتی آقای هاشمی این است که در هر مجموعه‌ای که وارد می‌شدند، آن بخش اعتبار و ویژه‌ای پیدا می‌کرد. در این مورد شما چطور فکر می‌کنید؟**

شخصیت ذاتی خودش بود. این آقای هاشمی بود که به کار و منصب شخصیت می‌داد، نه اینکه منصب به ایشان شخصیت بدهد. آن قدر بزرگ و بزرگوار بود که حتی اگر در یک مدرسه یک معلم ساده هم می‌شد، معلمی را به عرش می‌برد. چنین شخصیتی استثنایی است. چنین کسانی کمتر دیده می‌شوند. به نظرات کارشناسی فوق‌العاده توجه داشت. به کارشناسان اعتماد می‌کرد و کارشناسان هم به ایشان اعتماد می‌کردند. و طوری بود که حرف غیرمنطقی نمی‌زد. یک وقتی بعد از تفکیک وزارت کشاورزی و وزارت جهاد سازندگی با کارکنان جهاد رفته بودند برای افتتاح طرح حرم تا حرم که بعد از بیست و هفت هشت سال هنوز هم اثری از درختانش نیست. ایشان را به ایستگاهی در سمنان برده و گفته بودند ما این ایستگاه را ساخته‌ایم. درحالی که تازه قرار بود نهال بکارند.

من یک سؤال کردم و گفتم آقای هاشمی شما که آدم باهوشی هستید، چه‌طور مدیر محلی جهاد به شما گزارش داد که این ایستگاه تازه ساخته شده است؟ این ایستگاه در سال ۱۳۴۹ توسط فرح پهلوی افتتاح شده است و شما پذیرفتید؟ گفت: «نخواستم که جلوی رادیو و تلویزیون چیزی بگویم ولی خصوصی به ایشان گفتم که این درخت‌ها حداقل چیزی حدود بیست سال عمر دارند».

واقعا یکی از حسن‌هایش این بود که موارد این‌چنینی را خصوصی تذکر می‌داد و در حضور عموم سعی می‌کرد شخصیت افراد را خراب نکند.

■ **چقدر از وضع مردم عادی و بطن جامعه باخبر بود؟**

یادم است، زمانی که سال اول ریاست جمهوری‌اش بود، برای سه چهار روز بارندگی شدیدی در منطقهٔ شمال غرب کشور در اردبیل و سراب و همدان اتفاق افتاد. بارندگی شدید باعث شده بود تا زمین گل‌آلود باشد و نتوانند سیب‌زمینی‌ها را برداشت کنند. اواخر شهریور بود، سیب‌زمینی تابستانه تمام شده بود و ذخیره نداشتیم. همین موضوع باعث شد تا سیب‌زمینی یک‌م‌رتبه گران شود. ظرف یک هفته از کیلویی دو تا سه تومان رسید به ۱۵ تومان. روز چهارشنبه بعد از پایان جلسهٔ هیأت دولت به سه چهار نفر از وزیران گفت که بمانند. علت را پرسید و ما توضیح دادیم. گفت چقدر ذخیره دارید؟ اطلاع دقیق نداشتم. از مدیر تعاون روستایی سؤال کردم گفتند ۵ هزار تن. درحالی که اشتباه کرده بودند و فقط ۵۰۰ تن ذخیره داشتیم. قرار شد تا وقتی که زمین خشک شود و بتوانند برداشت کنند روزی ۱۵۰ تن سیب‌زمینی عرضه کنیم. رئیس تعاون روستایی ساعت یازده شب به من زنگ زد که ببخشید فقط ۵۰۰ تن ذخیره سیب‌زمینی داریم. گفتم من نمی‌دانم باید ۱۵۰ تن در روز را عرضه کنی تا زمانی که قیمت به تعادل برسد. ضررش هم پای سازمان تعاون روستایی است. لازم باشد خودت

بروی در مزرعه گل آلود و سبب زمینی دربیآوری، باید روزی ۱۵۰ تن را عرضه کنی.

آن سال قرار بود که مسابقات جهانی کشتی در تهران باشد. آن زمان هنوز محل‌های اقامت و هتل‌ها خیلی سروسامان نگرفته بود. قرار گذاشته بودیم که با آقای ترکان که وزیر دفاع و رئیس فدراسیون کشتی بود، من که رئیس کمیته ملی المپیک بودم و آقای حسن غفوری فرد که رئیس سازمان تربیت بدنی بود روز پنجشنبه برویم و مهمانسراهای ارتش و نیروهای مسلح را ببینیم برای اسکان مهمانان خارجی. در تهران از این پادگان به آن پادگان می‌رفتیم که در پادگان باغشا، افسر نگهبان آمد و گفت که آقای هاشمی با شما کار دارد. گفت چقدر ذخیرهٔ سیب‌زمینی دارید؟ گفتم ۵۰۰ تن. گفت حالا چه کار می‌خواهی بکنی؟ گفتم من به شما قول داده‌ام که از روز شنبه روزی ۱۵۰ تن عرضه کنم و این کار را می‌کنم.

منظورم این است که این قدر دقیق بود، از وضع جامعه به‌سرعت اطلاع پیدا می‌کرد و پیگیری هم می‌کرد. واقعا برای انجام کارها و حل و فصل امور وقت می‌گذاشت.

■ **آگاهی آقای هاشمی از سیاست خارجی را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

آقای هاشمی استاد سیاست بود. در مسائل بین‌المللی هم استناد بود. مثلاً در سال‌های ۷۰ یـا ۷۱ آقای دیوف (Jacques Diouf) رئیس فائو که یک مسلمان سنگالی بود و تازه انتخاب شده بود، به ایران آمد برای دیدن آقای هاشمی. ایشان در گیلان بودند و ما هم برای دیدنشان به گیلان رفتیم. گفته بود برای صبحانه مهمان من باشید. برای صبحانه رفتیم خدمت ایشان و بعد رفتیم افتتاح مرکز تحقیقات برنج رشت. سر صبحانه دیوف خیلی نگران بود از اینکه ممکن است آقای هاشمی اطلاعات دقیقی از مراکز بین‌المللی سازمان ملل نداشته باشد و صحبت‌هایی بکند که ایشان در تنگنا گیر کند. گفتم نگران نباش. آقای هاشمی مسلط است. رفتیم ایشان یک گزارش از فائو داد. آقای هاشمی گفت: ببین آقای دیوف شما مسلمان هستی. توصیه می‌کنم اگر می‌خواهی به کشورهای اسلامی کمک کنی، سعی کن در این پست باقی بمانی. شما زمانی می‌توانی به کشورهای جهان سوم و کشورهای اسلامی کمک کنی که مدیر کل فائو باشی. اگرنه یک آدم معمولی هستی و فوقش می‌روی مثلاً در سنگال می‌شوی وزیر کشاورزی.

گفت خب چه کار کنم. آقای هاشمی گفت: «من توصیه می‌کنم که مثل مختار امبو (Amadou-Mahtar M'Bow) رفتار نکنی.»

احمدمختار امبو هم سنگالی مسلمانی بود که یک زمان رئیس یونسکو شد و یک سال بیشتر دوام نیاورد. به‌دلیل اینکه می‌خواست تندروی کند، خودش را با امریکایی‌ها درگیر کرد. امریکایی‌ها هم سهم ۲۵ تا ۳۰ درصدی‌شان از بودجهٔ یونسکو را ندادند.

آقای هاشمی به دیوف گفت شما زمانی می‌توانی در این پست به کثورت کمک کنی که خودت را با امریکایی‌ها درگیر نکنی. دیوف گفت اتفاقاً من می‌خواستم این را از شما بشنوم. ما یک مثل جالب در سنگال داریم که می‌گوییم شغال وقتی گرسنه است و برای شکار می‌رود، این‌قدر سروصدا به راه می‌اندازد که همهٔ شکارها فرار می‌کنند. ولی شیر به‌آرامی و بی‌سروصدا خود را به طعمه می‌رساند و شکار می‌کند و شغال مجبور می‌شود پسماند شیر را بخورد.نسبت به سیاست بین‌المللی و مسئولیت‌های ارگان‌ها و چگونگی اداره شدنشان تسلط کامل داشت. واقعا در همهٔ زمینه‌ها، در امور فرهنگی، اجتماعی، مطلع و آگاه بود و انصافاً یک انسان استثنایی بود. شاید هر هزار سال یا پانصد سال هم چنین آدمی نیاید.

■ **هاشمی را چطور توصیف می‌کنید؟**

خیلی‌ها هاشمی را نشناختند. بعضی از دوستانش هم به شخصیت ایشان لطمه زدند. آقای هاشمی اعتماد می‌کرد، اعتنا می‌کرد، اختیارات می‌داد و پیگیری می‌کرد. کسانی که خواهان توسعه کشور و خواهان استمرار همیشگی جمهوری اسلامی نبودند، به انواع و اقسام روش‌ها می‌خواستند به ایشان لطمه بزنند. تاریخ خودش قضاوت خواهد کرد. شاید در کوتاه مدت به اهدافشان رسیده باشند ولی قطعا در بلندمدت هاشمی یک چهره ماندگار همیشگی برای این سرزمین خواهد بود. عنصری غیر قابل جایگزین را از دست دادیم، چه برای انقلاب و چه برای کشور.

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹دی ۹۶

اطلاعات

۲۳

گفتگو با حجت الاسلام سید هادی خسروشاهی:

خلأ فقدان هاشمی را «اخوت اسلامی» می‌تواند جبران کند

هاشمی چکیده و محصول یک عمر است. به یقین بیش از شصت سال تلاش و مبارزه و جهاد و اندیشه بود و به همین دلیل نمی‌توان شخصیت خاصی را جایگزین ایشان ساخت



بررسی جایگاه و شخصیت آقای هاشمی به خصوص بعد از فوت ایشان از دیدگاه بسیاری از صاحب نظران و همراهان آقای هاشمی مغفول نماند. به طوری که بسیاری ضمن بررسی و تحلیل اقدامات و فعالیت‌های آقای هاشمی سعی کردند عملکرد ایشان را تبیین کنند. حجت‌الاسلام سید هادی خسرو شاهی در این گفت و گو بر این باور است که تحلیل شخصیت آیت الله هاشمی از لحاظ فردی و اجتماعی و سیاسی، امر سهل و ساده‌ای نیست، چون ابعاد شخصیتی ایشان گوناگون با اضلاع متعددی است. او همچنین معتقد است که شخصیت و منش آیت الله هاشمی رفسنجانی را نمی‌توان به قبل و بعد سال ۸۸ تقسیم کرد... یعنی «شخصیت» ایشان اصالت خود را حفظ کرد ولی رفتارها و مواضع سیاسی، طبق «برداشت و اجتهاد» قطعا متفاوت بود. لازم به ذکر است به مناسبت سالگرد رحلت آیت الله هاشمی رفسنجانی «مرکز بررسی های اسلامی - قم» این گفتگو را با استاد سید هادی خسروشاهی داشته و متن آن را در اختیار روزنامه «اطلاعات» قرار داده است.

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سه شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

■ شخصیت آیت الله هاشمی رفسنجانی را چگونه تحلیل می‌کنید و چه صفات برجسته و انحصاری برای ایشان قائلید؟

تحلیل شخصیت آیت الله هاشمی از لحاظ فردی و اجتماعی و سیاسی، امر سهل و ساده ای نیست، چون ابعاد شخصیتی ایشان گوناگون با اضلاع متعددی است و نمی‌توان در یک گفتگوی کوتاه آن را به طور دقیق و عمیق مورد بررسی قرار داد و همین طور ویژگی‌های منحصر به فرد ایشان... که فقط فهرست وار می‌توان به آنها اشاره کرد. ویژگی‌های شخصیتی ایشان در صفات و نکات زیر تبلور یافته بود: تدین، شجاعت، شهامت، صراحت، خستگی ناپذیری، تعمق، دور اندیشی، آینده نگری، عقلانیت، اعتدال و سمرانجام تحمل و صبوری، و... البته جمع شدن این صفات برجسته در یک فرد، می‌تواند چگونگی «بی‌نظیر» یا «منحصر به فرد» بودن آن را روشن سازد.

■ علیرغم رابطه مستقیم و قدیمی ایشان با امام خمینی، چگونه عده‌ای به اتهام زنی علیه ایشان اقدام کردند؟ ودلایل عمده این امر چه بود؟

رابطه ویژه و نزدیک با امام خمینی و رهبری نمی‌تواند یک عامل بازدارنده در این راستا به شمار آید. خود آن بزرگوار نیز، چه در حال حیات و چه حتی پس از حیات، همواره مورد حمله و اتهام توسط دشمنان داخلی و خارجی قرار گرفته است و دلیل آن بسیار روشن است و آن اینکه نهضت امام خمینی و استمرار اقدامات انقلاب، پس از ایشان، علاوه بر دشمنان خارجی، منافع ویژه عناصر فرصت طلب و وابسته را در معرض خطر قرار داد و سپس میدانی برای ادامه سود ویژه خواری و برتری جویی آنان باقی نگذاشت و این بود که همواره مورد حمله و اتهام قرار گرفت. البته این اختصاص به امام خمینی نداشت. بلکه شخصیت‌های فرهیخته و برجسته ای چون شهید بهشتی نیز با هجوم انبوهی از اتهامات روبه رو بود و این نشان می‌دهد که همواره کسانی که منشأ اثر هستند، مورد تهاجم قرار می‌گیرند، تا جامعه و توده مردم را از آن‌ها دور کنند و به اهداف خبیث خود برسند... بنابراین آیت الله هاشمی هم در این معرکه، استثنا نبود و دشمنان برای انتقام گیری از ایشان که در طول سال‌های مبارزه و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نقش تأثیر گذاری در همه

رفتار سیاسی آیت الله هاشمی، به طور طبیعی مانند هر سیاستمدار دیگری، با مرور ایام و تفاوت‌های زمان و مکان، با دگرگونی هایی همراه خواهد بود و این در مورد شخصیت‌هایی چون آیت الله هاشمی، ناشی از تجدیدنظر در برداشت‌ها و اجتهادها است...

به نظر من تفاوت‌های رفتار سیاسی، در طول دهه‌های مختلف، خود یک ویژگی مطلوب است، چون اگر کسی در مرحله ای اقداماتی انجام داد که در مراحل دیگر رفتارهای بهتر و دیگری به نظرش رسیده و از روش قبلی عدول کرده، این یک نوع حسن و امتیاز است...

البته اگر تفاوت‌ها و اختلافات، تضادی با اصول و مبانی و ارزش‌ها داشته باشد مورد قبول نخواهد بود، اما اگر به خاطر تکامل اندیشه‌ها و گشایش روش‌ها و راه‌های دیگر، تبلور یابد، بی تردید قابل تقدیر هم خواهد بود، چون سخنان و نظرات را شنیده و بهترین را انتخاب کرده و شامل آیه شریفه: الَّذِينَ يَسْمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ... شده‌است.

■ مسئله رد صلاحیت آیت الله هاشمی در سال ۹۲ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مسئله انتخابات سال ۹۲ و به اصطلاح! رد صلاحیت ایشان یک نقطه منفی در پرونده کسانی است که آن را به اجرا درآوردند... احساس شخصی من مانند بسیاری از دوستان و برادران، چه در حوزه علمیه قم و چه در سطح جامعه مردمی، بسیار دردناک و ناگوار بود و واقعا تصور نمی‌کردیم که چنین حادثه ای درباره ایشان، پس از آن همه کار و تلاش و فداکاری و موفقیت‌ها، رخ دهد ولی اراده‌ای که پشت پرده حادثه قرار داشت، این توطئه را عملی ساخت و به نظر من این اقدام موجب تضرر کل جامعه و حتی کسانی شد که هوادار آن اقدام بودند!

البته بهانه «کبر سن» در این رابطه، یک بهانه سیاسی غیر معقول بود و اصولا بعضی از کسانی که آن «مصوبه» را امضا کردند، خود «مسن تر» از آیت الله هاشمی رفسنجانی بودند و اگر «کبر سن» عامل عدم صلاحیت باشد، در مورد خود آنان هم می‌بایست صادق باشد که می‌بینیم چنین نشده است.

■ آیا می‌شود شخصیت و روش ایشان را به دوره قبل و بعد از سال ۸۸ تقسیم کرد؟

امور داشته است، توسط ایادی خود وارد میدان شدند و در این میان، متأسفانه افراد و عناصری هم که انتظار نمی‌رفت، نقش ایفا کردند و از روی غفلت یا کدورت و عداوت شخصی، سخنانی را به عمل آوردند که به دور از موازین انسانی و اسلامی بود و بی تردید نمی‌توان از این قصور یا تقصیر آنها، چشم پوشی کرد.

البته کسانی که وارد این قبیل مراحل غیرشرعی و غیراخلاقی می‌شوند، به تعبیر قرآن مجید بر بیماری درونی و قلبی آنها افزوده می‌شود و ناگهان می‌بینیم که بدون

بدرقه میلیونی در تشییع جنازه

آیت‌الله هاشمی، آن هم پس از چندین سال تخریب شبانه روزی و همه جانبه، نشان پاسداشت مردم مسلمان و با ایمان ایران از بزرگ‌مردی بود که یک عمر تمام و در هر مقطعی، در مبارزه و تلاش و کوشش بوده و علیرغم توطئه «خناسان» با صبر و تحمل بی نظیر در تاریخ، همچنان به اصول و ثوابت، وفادار ماند و این باز نکته ایست که در پیام تسلیت آیت الله خامنه‌ای به آن تصریح شده است

مراعات هیچ یک از موازین و آداب و رسوم شرعی، بدون اینکه اتهاماتی ثابت شده باشد، به نقل و نشر اکاذیب می‌پردازند و خیال می‌کنند که کار نیکی انجام داده‌اند. و یظنون انهم یحسون صنعا...

مرحوم آیت الله هاشمی درباره این افراد یک بار این آیه را تلاوت کرد: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ». و البته توبه ایسن افراد هم با توجه به اینکه «حق الناس» را ضایع کرده‌اند، بدون گذشت و رضایت صاحب حق، عند الله مورد قبول نخواهد بود.

■ دلایل تفاوت‌ها و روش‌های سیاسی آیت‌الله هاشمی در دود دهه اخیر چه بود؟ آیا این را تغییر روش نمی‌دانید؟



ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

۲۵

دادم و بقیه را قرار شد به طور اقساطی بپردازم. نکته جالب اینست که خود آیت الله هاشمی، هرگز موضوع مذاکره با آن استاد معظم را خود به من نگفت و پس از پایان معامله، همان استاد معظم داستان را برای من تعریف کرد و حسن اخلاق و رفتار ایشان را ستود. آیت الله هاشمی در مصاحبه با آقای دکتر زیباکلام درباره فروش این منزل می‌گوید: «یک خانه در زمین موقوفه ای در حدود سیصد متر در قم داشتیم آن خانه را به آقای سیدهادی خسروشاهی که از طلاب مبارز و از دوستانمان بود به مبلغ بیست و هشت هزار تومان فروختم و این برایم یک سرمایه اولیه شد و با همان سرمایه در تهران و سپس در کرج کار ساختمانی را ادامه دادم.» و اکنون، نویسنده ای در اوج بی انصافی، این منزل موقوفه را جزو «املاک نجومی»! آیت الله هاشمی معرفی کرده و ایشان را از «ملاکین بزرگ» قلمداد کرده است. البته من بعدها از اینکه این مبلغ، سرمایه اولیه ایشان برای آغاز کار اقتصادی شده بود مسرور شدم، ولی بی انصافی بعضی افراد درباره املاک نجومی! آیت الله هاشمی، از مسرت ما کاست!

۲- خاطره دیگری که به طور اجمال می‌توان نقل کرد اینست که اینجانب در هیچ یک از ملاقات‌های بعد از انقلاب، چه در دفتر مجلس شورای اسلامی و چه در دوره ریاست جمهوری و چه در محل مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیچ وقت ندیدم که ایشان پشت میز ریاست بنشینند، بلکه همواره و در همه دیدارها یا در یک صندلی رو به رو یا در کنار من می‌نشست و علیرغم اصرار من، حاضر نمی‌شد که در پشت میز ریاست بنشیند و این اخلاق و تواضع و ادب و احترام ایشان را نسبت به دیگران نشان می‌دهد.

۳- خاطره آخر اینکه در دوران ریاست جمهوری در دیداری، من از اوضاع جاری کشور به سختی انتقاد کردم و شواهدی هم برای سخنان خود آوردم و ایشان، برخلاف بعضی دیگر از دوستان، با کمال خوشرویی و تبسم همیشگی، انتقادهای مرا گوش داد و با اینکه بعضی از آنها را نپذیرفت، هرگز ترش‌رویی و واکنش منفی نشان نداد و معلوم شد که «تحمل شنیدن انتقاد» را دارد... و فقط در ضمن کتاب خاطرات خود، درباره این نوبت از ملاقات و سخنان من، دو جمله نوشته است: «آقای خسروشاهی آمد و مطالبی را مطرح ساخت و انتقاد کرد... در کل معلوم شد که خیلی از اوضاع راضی نیست...» و این تنها واکنش او بود!

حشره الله مع الذین أنعم الله علیهم من النبیین و الشهداء و الصّدیقین و حسن اولئک رفیقاً.

بود و به همین دلیل است که نمی‌توان شخصیت خاصی را جایگزین ایشان ساخت! خلافت فقدان ایشان را فقط «وحدت ملی» و بازگشت به مرحله «اخوت اسلامی» آغاز انقلاب، می‌تواند جبران کند و امید است که دوستان و دگران‌دیشان در این راستا گام بردارند و تصور نکنند که با پافشاری به برداشت‌های خود و «جذب دیگران»، می‌توانند مشکلات را حل کنند و دگرگونی‌هایی را در راستای پیشرفت کشور و ملت به وجود آورند. این به نظر می‌رسد که تنها راه باشد و امید آنکه تذکرها نتیجه بخش شود: «فذكر فان الذکری تنفع المؤمنین».

■ اگر خاطرات خاصی از ایشان دارید، به یکی دو نمونه اشاره کنید.

البته در طول ۶۰ سال آشنایی و دوستی و همکاری، از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۹۵، خاطرات گوناگون به وجود می‌آید که نقل آنها مقدور و عملی نیست. اما بی‌مناسبت نیست به یکی دو سه خاطره اشاره کنم که همچنان در ذهن من باقی مانده است:

۱- آیت الله هاشمی در خیابان صفائیه، کوچه ممتاز در قم، خانه‌ای ساخته بود که زمین آن موقوفه آستانه حضرت معصومه بود... وقتی من شنیدم ایشان می‌خواهد به تهران «هجرت» کند، به عنوان مشرتی خانه و طبق معمول بدون اطلاع قبلی به منزل ایشان رفتم و موضوع را مطرح کردم که نخست قیمت آن را سی هزار تومان گفت و من دنبال تخفیف بودم که مبلغ به بیست و نه هزار تومان تقلیل یافت. البته بدون قولنامه یا بیع نامه یا شرط شرعی و غیره، این گفتگو انجام گرفت... پس از رفتن من یکی از استادان معظم حوزه علمیه قم، به دلیل نزدیکی منزل به حرم و مراکز درسی، مشتری آن منزل شده و گفته بود که حاضر است به طور نقد، به سی هزار تومان آن خانه را خریداری کند. آیت الله هاشمی در پاسخ استاد گفته بود که درباره منزل با آقای خسروشاهی صحبت کرده ام و نمی‌توانم منزل را به شما بفروشم... ظاهراً استاد محترم دو هزار تومان هم به مبلغ افزوده و گفته بود شما که معامله شرعی نکرده اید، می‌توانید به دیگری واگذار کنید؛ ولی آقای هاشمی گفته بود بلی ما معامله نکرده‌ایم و اگر خریدار باشد، مقداری از مبلغ ایشان هم نسیه است و قسطی خواهند پرداخت و پول شما نقد است، اما من چون صحبت کرده ام، از واگذاری منزل معذورم، مگر آنکه خود ایشان اعلام انصراف کنند...

و بدین ترتیب منزل را نفروخته بود در حالی که سی و دو هزار تومان در آن دوران (سال ۱۳۴۶) خیلی پول بود... بعد من وارد معامله شدم و طی قولنامه معامله انجام گرفت و من حدود بیست هزار تومان آن را نقداً

شخصیت و منش آیت الله هاشمی رفسنجانی را نمی‌توان به قبل و بعد سال ۸۸ تقسیم کرد... یعنی «شخصیت» ایشان اصالت خود را حفظ کرد ولی رفتارها و مواضع سیاسی، طبق «برداشت و اجتهاد» قطعاً متفاوت بود و این امر همانطور که قبلاً اشاره کردم یک نقطه مثبت در زندگی هر فردی است که همگام با تحولات زمان و مکان، پیش برود و به طور «دگم» به آنچه که قبلاً انجام داده، نچسبد!

این اختلاف یا تفاوت نظری را مقام معظم رهبری به «اختلاف در اجتهاد» تعبیر کرد و بدین ترتیب نباید اجتهاد آیت الله هاشمی در عرصه‌های بعد از سال ۸۸ را متفاوت نامید و مورد نقد قرار داد... مگر آنکه اصولاً «باب اجتهاد» را در این زمینه‌ها ببندیم و خود را در چارچوب محدودی که مشکلات را پاسخ نمی‌دهد، محصور بداریم!

■ بدرقه پرشکوه و بی نظیر مردم از ایشان ناشی از چه علل و عواملی بود؟

بدرقه میلیونی در تشییع جنازه آیت الله هاشمی، آن هم پس از چندین سال تخریب شبانه روزی و همه جانبه، نشان پاسداشت مردم مسلمان و با ایمان ایران از بزرگ‌مردی بود که یک عمر تمام و در هر مقطعی، در مبارزه و تلاش و کوشش بوده و علیرغم توطئه «خناسان» با صبر و تحمل بی نظیر در تاریخ، همچنان به اصول و ثوابت، وفادار ماند و این باز نکته ایست که در پیام تسلیت آیت الله خامنه ای به آن تصریح شده است.

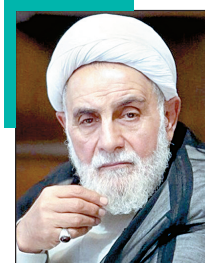
در مورد تشییع جنازه امام خمینی (ره) بعضی از تحلیلگران خارجی نوشتند وقتی ایشان به تهران آمد، پنج میلیون نفر به استقبال او رفتند ولی به هنگام تشییع، ده میلیون نفر به بدرقه آمدند و این نشان دهنده آن بود که آن همه خصومت و دشمنی و رذالت اجانب و ایادی داخلی آن‌ها، علیه امام، تأثیر کاملاً معکوس داشته و مردم در تشخیص خود اشتباه نکرده اند... و همین نکته در مورد بدرقه آیت الله هاشمی رفسنجانی توسط مردم و بعد بزرگداشت‌ها در شهرهای مختلف ایران، کاملاً صدق می‌کند.

■ خلافت فقدان آیت الله هاشمی را چگونه می‌توان جبران کرد؟

پُر کردن خلافت فقدان آیت الله هاشمی رفسنجانی توسط نظام یا هیچ نهاد و نیروی دیگری مقدور نخواهد بود، زیرا خصوصیت‌های موجود در آیت الله هاشمی را نمی‌توان به طور «خلق الساعه» ایجاد کرد و به صحنه آورد. هاشمی چکیده و محصول یک عمر، یعنی به یقین بیش از شصت سال تلاش و مبارزه و جهاد و اندیشه



سردار سرافراز عرصه قانونگذاری



حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر ناطق نوری

بحث درباره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پایان‌ناپذیر است واز دیدگاه من که بیش از ۵۰ سال با ایشان آشنایی و ارتباط داشتم،شخصیت آن مرحوم اگر نگوییم بی‌نظیر، اما در تاریخ‌مان کم‌نظیر است؛به ویژه از نظر مدیریت. بنده معتقدم که اگرچه مدیریت علم است و رشته قابل توجهی است که شقوق مختلفی دارد و در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و متخصصان و استادانی هم در این رشته‌ها تربیت می‌شوند و کتاب‌های زیادی هم در این رابطه وجود دارد، لیکن با حفظ احترام به همه این شخصیت‌ها و رشته‌ها و نویسندگان این کتاب‌ها که بسیار هم مفید هستند و ثمره تجربیات در طول تاریخ مدیریت‌های عملی هستند، اما مدیریت نوعا در خون انسان‌ها است. بخش عظیم مدیریت در ساختار خود انسان‌ها دیده می‌شود به علاوه عامل تربیت که می‌تواند موثر باشد و مدیر بار بیاورد. چه بسا افراد متخصص و فوق‌تخصص و استادان بلندپایه‌رشته مدیریت که در میدان عمل مدیران اجرایی موفقی نباشند و چه بسیار افرادی که این رشته‌ها را نخوانده‌اند و این کتب را ندیده‌اند و مطالعه نکرده‌اند اما در طول تاریخ مدیران شایسته و لایق و جامعی بوده‌اند. مدیریت هم در خون انسان‌هاست و هم معلول تربیت است. مرحوم آقای فلسفی رحمت‌الله علیه می‌گفت: اگر می‌خواهید ببینید کدام بچه مدیر و کدام بچه مدیر نیست و بعد مدیر خوبی می‌شود یا نمی‌شود این مثل راگوش کنید:جمعی دارند والیبال بازی می‌کنند، وسط بازی، بچه‌ای می‌رسد و می‌گوید که من یار کی؟ به او می‌گویند فعلاً صبر کن و ما الان ۷ - ۱۳ هستیم و باید دست بازی تمام شود. بچه دیگری به محض این‌که می‌رسد، کاری ندارد که بازی چند چند است، همان اول می‌رسد و می‌گوید که بچه‌ها بازی پی‌بازی، کی یار من؟ فرق است بین بچه‌ای که بگوید من یار کی هستم و به او می‌گویند فعلاً صبر کن، با آن بچه‌ای که می‌گوید کی یار من است. مدیریت در خون این بچه است که می‌گوید کی یار من؟ او ابتکار دارد و این در خونسش است، این طور تربیت شده است. در واقع عوامل مدیریت عقل و تدبیر هستند و شجاعت و سینه‌چاکی و تحمل و سعه‌صدر داشتن و این عوامل بعضاً در انسان‌ها و تربیت‌ها هستند. برخی خانواده‌ها از اول فرزندشان را بزدل و ترسو بار می‌آورند و روح اعتماد را در او از بین می‌برند و برخی افراد هستند که فرزندانشان را از اول شجاع بار می‌آیند و در خانواده با شرح صدر و سعه صدر تربیت می‌شوند. بنابراین، مدیریت در خون انسان‌ها است.

گرچه جلسه به نام مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و روز و روزگاران سخت دوران جنگ است، اما اجازه بدهید خاطراتی را خدمت شما عرض کنم. مرحوم آقای هاشمی به قم آمد و مبارزه را آغاز کرد و قبل از آن هم کارهای و فعالیت‌های فرهنگی داشت. مبارزه که شروع شد، مرحوم هاشمی که اصلاً دنبال اسم و نام و تیترو مطرح‌شدن نبود، فوراً گروهی را در حوزه جمع و فعالیت مبارزاتی را آغاز کرد. ایشان در آن شرایط سخت، جزوه‌های «بعثت و انتقام» را به صورت فتوکی منتشر کرد که از این جزوه‌ها خون می‌چکید و انصافاً بحث‌هایی داشت که اگر ریشه‌اش را پیدا می‌کردند که از کجاست و چه کسی منتشر می‌کند، معلوم نبود سرنوشت ایشان چه می‌شد. سپس ماجرای فیضیه پیش آمد و با جمعی از دوستان در مدرسه خان جمع شدیم که مراسم هفتم شهدای فیضیه را برگزار کنیم. بنده هم طلبه‌ای بودم و گفتم که مراسم

در مسجد بالاسر بگیریم و خودم سخنران باشم. عمامه را عوض کردم و عمامه سیاه گذاشتم و سید شدم و با یک عینک دودی آماده سخنرانی شدم. مرحوم آقای هاشمی خبردار شد که یک نفر برای سخنرانی داوطلب شده است. به برادر انقلابی‌مان آقای جعفری گیلایی که با هم ارتباط تنگاتنگی داشتند گفت: برادری که قرار است سخنرانی کند را بیاورید من ببینم تن صدایش به سخنرانی می‌خورد یا نه؟ من و آقای جعفری به منزل ایشان در خیابان صفائیه و شاید کوچه کاظمی رفتیم وایشان فرمود متن سخنرانی‌ام را برایشان بخوانم. وقتی دو خط آن را به صورت دکلمه خواندم، تن صدای مرا تأیید کرد. یعنی به ریز برنامه‌ها و قضایا در آن روزها توجه داشت و آن‌ها را مدیریت می‌کرد.

گاهی هم در منزل ایشان در تهران حوالی قلعهک خدمت می‌رسیدم و اعلامیه‌هایی را می‌بردم و اعلامیه‌هایی را می‌گرفتم و راهنمایی می‌کردند که چه کار بکنیم و چه کار نکنیم. مدیریت، اخلاص، صفا و شجاعت اساساً در خون ایشان بود و هیچ داعیه‌ای هم نداشت.

من درباره مرحوم هاشمی در مراسم ختم ایشان در مرقد امام(ره)گفتم: ایشان سردار سرافراز عرصه قانونگذاری، سازندگی و جنگ و جهاد بود؛ شخصیتی منحصر به فرد در قانونگذاری که وقتی جمهوری اسلامی تازه شکل گرفته بود و امام هم فشار می‌آوردند که مجلس هرچه زودتر شکل بگیرد،به شایستگی مدیریت مجلس نوبایی که در هیچ‌جای دنیا نمونه ندارد را به عهده گرفت. مرحوم هاشمی در سخت‌ترین شرایط مجلس اول، به‌قدری مقتدرانه عمل کرد گویی عمری دوره دیده و این کاره بوده است. وی به زیباترین شکل جلسات را اداره می‌کرد و وقتی ماجرای استیضاح بنی‌صدر پیش آمد، آن بحران را با مدیریت قوی گذراند. واقعاً سردار سرافراز عرصه قانونگذاری بود. البته بعدها ما هم آمدیم اما کار او که از ابتدا و بدون هیچ الگوی قبلی کار را شروع کرد با ما که الگو داشتیم فرق می‌کرد. پس از آن، رئیس‌جمهوری شد. من قائم که ما در این قسمت خیلی آقای هاشمی را معرفی نکرده‌ایم. زمانی ایشان رئیس‌جمهوری شد که نفت بشکه‌ای ۸ تاه دلار بود. جنگ تازه تمام شده بود و جنگ زده‌ها یک طرف، ویرانی‌ها یک طرف. زیرساخت‌ها همه از بین رفته بودند و در چنین بحرانی ایشان رئیس‌جمهوری شد. من رئیس مجلس بودم و در مقطعی که ایشان رئیس‌جمهوری بود، یادم هست که ایشان لایحه بودجه را با نفت بشکه‌ای ۱۶دلار بستند. ما آن را رد کردیم. من خدمت ایشان رسیدم و گفتم حاج آقا ۱۶ دلار محقق نمی‌شود و دچار کسری بودجه می‌شوید. البته ایشان اهل منطق و استدلال هم بود و چهار روز در چندین جلسه از صبح تا بعدازظهر از یک طرف بنده با کارشناسان مجلس و مرکز پژوهش‌ها و از طرف دیگر ایشان با کارشناسان بانک مرکزی و جاهای دیگر ، بحث کردیم و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که نفت را با بودجه ۱۴دلار ببندیم. همین مسئله را مدیریت‌کردن در آن شرایط که زیرساخت‌های کشور نابود شده بود، دلیلی است که می‌گویم مدیریت عقل، شجاعت، ایثار و سعه‌صدر می‌خواهد و ایشان چنان مدیریت می‌کرد که همین الان هرچه سدو فولاد و سیمان و پتروشیمی می‌بینید مربوط به زمان آقای هاشمی است، آن هم با نفت ۸ دلار و ده دلار و ۱۲ دلار. بعدها اما مدیریت کشور رادر مقطعی که نفت بشکه‌ای ۱۰۰ تا ۱۴۰ دلار فروخته شد با آن دوران هیچ مقایسه‌ای نکردیم، این که چرا آن زمان آن‌طوری شد و الان این‌طوری است. یکی از مشکلات ما هم همین است که دوغ و دوشاب برای ما یکسان می‌شود و همین است که استعداها و روحیه‌ها را نابود می‌کند و نمی‌گذارد به فعلیت برسند.

مرحوم هاشمی، سردار سرافراز سازندگی است و در دوران جنگ، جانشینی فرماندهی کل قوا و فرماندهی جنگ را دارد. مدارکش موجود است که ایشان با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب خدمت امام می‌رسند. آقای هاشمی می‌گویند آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رئیس‌جمهوری، فرمانده جنگ شوند. امام می‌گویند صلاح نیست،ایشان رئیس‌جمهور است و باید بماند. شما رئیس مجلس هستید و نایب رئیسان جلسات را اداره می‌کنند و شما هم جنگ را اداره می‌کنید.بنابراین آقای هاشمی، مدیریت جنگ را به‌عهده می‌گیرد، آن‌هم در مقطعی که اختلاف دید و سلیقه بین سپاه و ارتش وجود داشت و همین اختلاف‌ها در آن زمان که بخشی هم از پشت صحنه به جنگ تحمیل شد، باعث شد آسیب‌های زیادی به جنگ وارد شود. ایشان اما جنگ را مدیریت کرد و همزمان در نمازجمعه هم به زیبایی حضور می‌یافت و همه مردم منتظر بودند که آقای هاشمی به نماز جمعه بیاید و درباره جنگ و جبهه و حوادث هفته تحلیلی ارائه دهد تا همه آرام شوند.

به یاد دارم که آغاز جنگ، موشک‌های مینیکس داشتیم که هیچ‌جا حتی لامپ آن را به ما نمی‌دادند و هرچه را که از دست می‌دادیم، جایگزین نداشتیم. حتی یک تانک به ما نمی‌دادند. در حالی که قدرت‌های حامی صدام در عملیات بیت‌المقدس، تانک‌های تی ۷۲ را در اختیار عراقی‌ها گذاشتند.

عراقی‌ها موشک‌ها را به تهران، اصفهان و شهرهای دیگر شلیک می‌کردند و مردم در نماز جمعه شعار می‌دادند که «هاشمی هاشمی، موشک جواب موشک». آقای هاشمی هم با درایت و خرد و لبخند و سعه‌صدر به دفعات در نمازجمعه به مردم می‌گفت: امام هنوز اجازه نداده‌اند که ما در انبارها را باز کنیم چیزی نبود. چون موشک چشم ندارد و کور است و ممکن است در مناطق مسکونی اصابت کند. در حالی که در انبارها اصلاً چیزی نبود که در آن را باز کنیم. ما کمترین این مدیریت توجه داریم.

آقای هاشمی حتی اختلاف بین سپاه و ارتش را به زیبایی حل کرد و چنان این دو نیرو را به وحدت رساند که من در عملیات بیت‌المقدس و شب پیروزی عملیات آزادسازی خرمشهر در قرارگاه، شاهد ماجرا بودم. شهید بزرگوار صیاد شیرازی، یک ارتشی عملیاتی تکاور دوره دیده قبل از انقلاب،پشت بی‌سیم می‌گفت که فلان پل را بزیند تا عراق از آن نقطه وارد نشود که پانک بزند اما شهید بزرگوار حسن باقری، جوان‌ترین فرمانده و برادر رئیس محترم ستاد کل نیروهای مسلح، سردار سرلشکر باقری و یک جوان تا این حرف مرحوم صیاد را شنید گفت: جناب سرهنگ فکر نمی‌کنید که پل فردا به درد ما بخورد. یکدفعه صیاد گفت: این حرف درستی است. این وحدت را هاشمی به وجود آورد و از زمانی که سپاه و ارتش متحد شدند پیروزی‌های ما



هاشمی فرمانده صلح بود



دکتر فاطمه هاشمی

که قادر نبودند وارد جبهه و جنگ بشوند، ولی با اصرار خودشان وارد جبهه شدند که مهدی و یاسر هر دو در جبهه مجروح شدند. مهدی جانباز شیمیایی است و یاسر هم در عملیاتی مجروح و به بیمارستان منتقل شد. اما پدرم از این که پسرانش در کنار مردم به جبهه رفته بودند خوشحال بودند. محسن هم پس از اتمام تحصیلات به کشور بازگشت و اولین فعالیتش را در برنامه موشکی آغاز کرد. بنابراین با توجه به این که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اعتقادی به ادامه جنگ نداشتند ولی می‌گفتند که خانواده ما باید در کنار مردم در همه صحنه‌ها حضور پیدا کنند.

یادم هست یک سالی در تعطیلات عید که به جبهه می‌رفتند، اعضای خانواده را هم به اهواز بردند. لحظه‌ای که وارد اهواز شدیم، بمباران شروع شد و ایشان با خوشحالی و افتخار گفتند: ما همگی باید در کنار مردم باشیم تا بتوانیم راهی را که انتخاب کرده‌ایم جلو ببریم و به نتایج مثبتی برسیم. این مسائل را گفتم از این بُعد که آقای هاشمی علاوه بر این‌که خود وارد مسایل سیاسی و جنگ می‌شدند، خانواده، دوستان و هم‌زمان خودشان را هم در این زمینه‌ها مورد توجه قرار می‌دادند.

بنابراین همه ما وظیفه بزرگی داریم، نه برای این‌که آقای هاشمی را در رابطه با هشت سال دفاع‌مقدس معرفی کنیم بلکه باید به نسل آینده خودمان بگوییم در این هشت سال چه گذشت و چه افرادی چه نقش‌هایی در این جنگ ایفا کردند؛ از شهدا، خانواده شهدا، جانبازان و معلولان و همه افرادی که به‌نحوی در این حوزه فعالیت می‌کردند. این وظیفه خطیری است که دوستداران انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی باید به آن توجه کنند تا اجازه ندهیم بار دیگر مشکلی بر کشور به‌وجود بیاید. هنوز آثار این رویداد در جامعه‌مان دیده می‌شود و در آینده هم دیده خواهد شد.

در پایان می‌خواهم در توضیح سخنانی که می‌گویند آقای هاشمی مسئولیت جدی در جنگ نداشت و فرمانده جنگ نبود بگویم؛ بله، آقای هاشمی فرمانده صلح بود، آقای هاشمی برای صلح حرکت کرد، آقای هاشمی برای صلح به جبهه می‌رفت و برای صلح با امام صحبت می‌کرد و در جلساتی که با نظامیان، ارتشیان و سپاهیان می‌گذاشت به دنبال این بود که هر چه زودتر صلح را به مردم و کشور ایران برگرداند و مردم در کمال آرامش زندگی کنند.

* متن سخنرانی ایراد شده در همایش ملی آیت الله هاشمی رفسنجانی و هشت سال دفاع مقدس که در کتابخانه ملی ایران برگزار شد.

می‌خواهم سختم را با جمله‌ای که بارها از زبان پدرم شنیدم، آغاز کنم. بارها از ایشان شنیدم که جنگ هشت‌ساله ما مهم‌ترین رویداد تاریخی بود که در دوران انقلاب اتفاق افتاد و همه ما موظف هستیم که بتوانیم واقعیت‌هایی که درباره جنگ بوده و اتفاقاتی که افتاده و منجر به صلح شده است را به رشته تحریر درآوریم و ایشان همیشه ناراحت و نگران بودند از این که این واقعیت‌ها گفته و مکتوب نشده است و در همین راستا خودشان جلساتی را با افراد مختلف گذاشتند تا مسائلی را درباره جنگ، مطرح کنند.

یادم هست روزی از ایشان سؤال کردم آیا همه حرف‌ها زده شده است؟ گفتند: نه؛ بنا به مصالحی نمی‌توانم همه ناگفته‌ها را بگویم ولی تا آنجا که امکان داشت، این کار اتفاق افتاد و باز یادم هست که از دوستان و هم‌زمان خودشان می‌خواستند که این قضیه جدی گرفته و دفتری تأسیس و ستادی راهاندازی شود تا تمامی اسناد جنگ را برای نسل آینده جمع‌آوری بکنند تا آزمون و خطا و تجربه‌ای باشد که دوباره تکرار نشود. شخصیت آقای هاشمی رفسنجانی طوری بود که با این که ایشان از خشونت دوری می‌کردند و از جنگ راضی نبودند، ولی مسئولیت‌هایی را در طول جنگ داشتند و از آنجا که من دائماً در خانه و در کنار ایشان بودم، زیاد در این باره سؤال می‌کردم و نظر ایشان را می‌پرسیدم و همیشه بیان می‌کردند که علاوه‌ای به ادامه جنگ ندارم. می‌گفتند که خدمت امام رسیدم و گفتم اگر خودتان جنگ را تمام نکنید، معلوم نیست که بعد از شما جنگ چگونه ادامه پیدا خواهد کرد. حتی روزی که امام به ایشان پیشنهاد دادند که من مسئولیت جنگ را بپذیرید به امام گفتند که من به صلح فکر می‌کنم، نه ادامه جنگ و گفتند که امام لبخندی زد؛ حالا نمی‌دانم که معنای لبخند این بود که نمی‌توانید جنگ را تمام کنید یا ایشان هم علاقه داشتند که جنگ تمام شود. حتی در اولین جلسه‌ای که پس از حکم فرماندهی با نظامیان و سپاهیان در جبهه گذاشتند، گفتند که ما باید به پایان جنگ و صلح فکر کنیم و به دنبال این برویم که یک پیروزی بزرگی را به دست بیاوریم و بعد از پیروزی به دنبال صلح باشیم و خیلی هم از این مسأله ناراحت بودند که نتوانستند به آن پیروزی که می‌خواستند برسند و مسایل بعد از آن را دنبال کنند.

ایشان فردی بودند که واقعاً از خشونت بیزار بودند و دوست داشتند مردم در صلح و صفا و آرامش زندگی کنند و در تمامی مدت جنگ دوستانشان این روحیه را می‌شناختند. با همه این احوال، وقتی مسأله جنگ اتفاق افتاد، خانواده خودشان را در کنار مردم قرار دادند؛ مادرم اولین فردی بودند که فعالیت حمایت از رزمندگان و مهاجران جنگی که به تهران می‌آمدند را شروع کردند. هر روز به بیمارستان‌ها سر می‌زدند و کمک‌ها را جمع‌آوری می‌کردند، با جانبازان و مجروحان از نزدیک گفتگو و به خانواده آنها رسیدگی می‌کردند. من به یاد دارم که به همراه مردم به خانواده‌های مهاجران سر می‌زدیم و رفع مشکلات آنها را دنبال می‌کردیم. در آن زمان برادران من در سنی بودند

پشت سرهم رخ داد و نیروهای ما در جنگ موفق شدند و جنگ ادامه پیدا کرد.

آخرین خاطره که منجر به حوادث تلخ و بعد شیرین شد عملیات مرصاد است. ما قطعنامه ۵۹۸ را در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷، قبول کردیم و عراق هم این قطعنامه را پذیرفت. سپس عراق با عملیات مرصاد و منافقان با نام چلچراغ و اسم‌های دیگر در جنوب به خرمشهر و اهواز، در ایلام به مهران، در کرمانشاه به گیلانغرب و قصر شیرین و در کردستان به بانه و میروان حمله کردند. جمهوری اسلامی روز ۲۷ تیرماه قطعنامه را پذیرفت و وقتی حمله شد، آقای هاشمی ۲۹ تیرماه سریعاً خود را از جنوب به کردستان رساند. یکی از دوستان تعریف می‌کرد که مرحوم هاشمی مستقیماً به قرارگاه رمضان آمد، در حالی که هیچ پاسداری نبود، چون فرمانده مربوطه پاسدارها را به گیلانغرب برده بود تا دفاع کنند. بنابراین در قرارگاه تعداد محدودی پاسدار و سرباز حضور داشتند و وقتی آقای هاشمی وارد شد، فرماندهان جبهه‌های غرب را سریعاً فرا خواند و بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه، همه را جمع کرد و مشغول مذاکره شد که خبر دادند ارتش عراق از قصرشیرین حمله کرده و به کرند رسیده است. منافقان هم در کرند چه بسیار جنایت کردند و هم‌زمان پایگاه نوژه را زدند. عراقی‌ها، هوانیروز کرمانشاه را بمباران کردند و مسعود رجوی هم اعلام کرد که ما ۲۴ ساعته به تهران می‌رسیم و ساعت ۴ بعدازظهر فردا در میدان آزادی تهران جشن می‌گیریم. همین طور که خبر پیشرفت یگان‌های عراقی و منافقان به گوش می‌رسید، این فرمانده مدیر و مدبر و شجاع با شرح صدر با تهران در تماس بود و همانی فرماندهان ارتش و سپاه را بسیج کرد و دستور داد که به سمت قصر شیرین بروند و به مردم شهر کرمانشاه هم گفت شهر را خالی کنید. به آقای

ویژه اولین سالگرد
درگذشت آیت‌الله
هاشمی رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

۲۷

هاشمی گفتند: مردم با دستور شما شهر را خالی کردند، اما صلاح نیست که شما در اینجا بمانید چون شما فرمانده جنگ هستید. او هم نپذیرفت و همان شب، در قرارگاه رمضان با یک عده قلیل ماند و گفت: اگر من بروم، نیروها و مردم روحیه خود را از دست می‌دهند و این خواست دشمن است. لذا من می‌مانم و ماند و به نیروها روحیه داد و صبح فردا به فرماندهان پایگاه وحدتی دزفول و به هوانیروز و جاهای مختلف و جنگنده‌های اصفهان و تبریز دستور داد که وارد عمل شوند. فرمانده بزرگوار شهید صیاد شیرازی را خواست که خود وارد عملیات شود. و به این ترتیب یکی از قهرمانی‌ها و نقش‌های بالای صیاد در عملیات مرصاد رقم خورد و با بالگرد وارد جبهه و صحنه شد و جنگید، در حالی که رجوی گفته بود که ما ساعت ۴ بعدازظهر فردا در تهران جشن می‌گیریم. این گوشه‌ای از فداکاری‌های هاشمی و دفاع مقدس و جنگ است. من توصیه می‌کنم کتاب خاطرات ایشان، با عنوان «هاشمی و روزگاران سخت» که مربوط به دفاع و جنگ تحمیلی است را مطالعه کنید.

منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن

منم که دیده نیالودام به بد دیدن

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم

که در طریقت ما کافر یست رنجیدن

* متن سخنرانی ایراد شده در همایش ملی آیت الله هاشمی رفسنجانی و هشت سال دفاع مقدس که در کتابخانه ملی ایران برگزار شد.



مواجهه هاشمی با قطعنامه ۵۹۸

دکتر محمدجواد ظریف
وزیر امور خارجه

استفاده شده است. او هم به من گفت اجازه ندارد به عنوان رئیس شورای امنیت درباره سلاح شیمیایی با من صحبت کند درحالی که شش گزارش دبیر کل ملل متحد در مورد استفاده عراق از سلاح شیمیایی صادر شده بود و در همه آنها بدون تردید اعلام کرده بود عراق از سلاح شیمیایی استفاده کرده است اما یکبار شورای امنیت حاضر نشد عراق را محکوم کند. در تنها قطعنامه‌ای که برای تقبیح استفاده از سلاح شیمیایی علیه سربازان صادرکرد نیز حاضر نشد بگوید چه کسی از سلاح شیمیایی استفاده کرده است. در همان شرایط آقای هاشمی رفسنجانی توانست در حوزه سیاست خارجی و در جنگ تحمیلی با مدیریت کار را به جایی ببرد که برای اولین بار در قطعنامه ۵۹۸ در تاریخ سازمان ملل، پنج عضو دائم شورای امنیت در اوج جنگ سرد، قطعنامه ۵۹۸ را صادر کردند. در آن زمان که شوروی خاک افغانستان را اشغال کرده بود و آمریکایی‌ها حاضر نبودند در آن زمان در بازی‌های المپیک که در شوروی برگزار می‌شد شرکت کنند، برای این که با پیشروی‌های نیروهای جمهوری اسلامی ایران مقابله کنند، پنج عضو دائم شورای امنیت متشکل شدند و اولین قطعنامه‌ای که حاصل همکاری هر پنج عضو دائم شورای امنیت است یعنی قطعنامه ۵۹۸ را صادر کردند. اینجاست که اوج درک دیپلماسی مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در نحوه مدیریت قطعنامه ۵۹۸، همان قطعنامه‌ای که علیرغم همه خصومت‌هایی که با ما داشتند در زمان پیروزی‌های جمهوری اسلامی در جنگ تصویب شده بود، ظهور پیدا می‌کند.

در نحوه برخورد با قطعنامه ۵۹۸ هم درس و حقیقتی است که من از حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یاد گرفتم؛ این که که شجاعت همیشه به معنی تندروری نیست. شجاعت در نوع برخورد آن روز با قطعنامه ۵۹۸ و در شرایط آن زمان بود، شرایطی که شورای امنیت قصد داشت اولین تحریم خود را علیه ایران اعمال کند. شاید دوستان ما ندانند شورای امنیت سه بار خیز برداشت که ایران را تحریم کند. بار اول در مسأله لانه جاسوسی، بار دوم در قضیه جنگ تحمیلی و بعد از قطعنامه ۵۹۸ و متأسفانه بار سوم در بحث هسته‌ای بود. تفاوت مدیریت کشور در آن دو مورد با مورد سوم این است که در آن دو مورد ما گرفتار تحریم‌های شورای امنیت نشدیم، اما متأسفانه در مورد سوم گرفتار تحریم شدیم. این هم یکی از آن واقع‌نگری‌های مدیران ارشد عالی آن زمان، حضرت امام، مقام معظم رهبری و حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود که باعث شدند در دو مرحله نخست، تحریمی متوجه ایران نشود.

مرحله بعد، نامه‌نگاری‌هایی است که مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با صدام حسین داشت؛ صفحه زرینی از نگرش مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره فدا شدن برای نظام و پذیرش این مسأله که شجاعت به معنی تندروری نیست. شما در طول این نامه‌نگاری‌ها می‌توانید درایت، کیاست و دقت مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را با جدیت دنبال کنید که خود آن یک درس تاریخی است برای کسانی که تاریخ جنگ را مرور می‌کنند. من در آن دوره این سعادت را داشتم که از نزدیک کار را دنبال کنم و دقت و ظرافت‌هایی که مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این زمینه داشتند را به خاطر بیاورم.

مرحله آخر که در دیپلماسی ایشان در جنگ تحمیلی باید به خاطر داشته باشیم مذاکراتی است که به تعیین متجاوز توسط دبیر کل سازمان ملل متحد انجامید. باز هم باید زمان بگذرد تا امکان طرح هرچه در آن دوران گذشت فراهم شود. اما به جرأت می‌گویم اگر مدیریت شجاعانه و همراه با از خود گذشتگی مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نبود هیچ‌گاه نمی‌توانستیم محکومیت صدام حسین به لحاظ حمله بر ایران را از سازمان ملل متحد بگیریم که برگ دیگری در تاریخ ننگین شورای امنیت در برخورد با ایران است؛ این که علی‌رغم این که دبیر کل سازمان ملل متحد گزارشی براساس هماهنگی‌ها و مطالعاتی که صورت گرفته بود داد و صدام را مسئول جنگ تحمیلی دانست، اما باز هم در این مورد سکوت کرد.

* متن سخنرانی ایراد شده در همایش ملی آیت الله هاشمی رفسنجانی و هشت سال دفاع مقدس که در کتابخانه ملی ایران برگزار شد.

بعضی از خاطرات بنده از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از مذاکرات جنگ تحمیلی و مذاکرات ۵۹۸ و بحث‌های بعد از آن در حوزه جنگ، امروز امکان طرح ندارد و روزی که طرح شود شخصیت حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خیلی برجسته‌تر از این خواهد بود که امروز می‌شناسیم. بنابراین بحث خودم را با درس‌هایی که از رفتار مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به ویژه در قبال جنگ آموختم شروع می‌کنم.

نکته اول این که شجاعت همواره به معنی تندروری نیست. در بسیاری از موارد شجاعت به معنی انتخاب‌های تلخ است. شجاعت به معنی آینده‌نگری است، شجاعت به معنی ترجیح منافع ملی بر منافع شخصی است. من احساس می‌کنم در تمامی برهه‌های زندگی این بزرگمرد، نموداری از این واقعیت بود که بسیار شجاع بود و شجاعت را در راستای منافع کشور، نظام و اسلام تعریف می‌کرد.

نکته دوم که با همین شجاعت ارتباط پیدا می‌کند این واقعیت است که قرار است ما هزینه نظام و انقلاب و کشور شویم، نه این که کشور و نظام و انقلاب هزینه ما بشوند. شما اگر به رفتار سیاسی مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دقت کنید در جای جای زندگی ایشان این آمادگی را به وضوح مشاهده می‌کنید. من که کمترین سعادت را داشتم که در جای دیگری از زندگی‌شان حضور داشته باشم اما در حوزه دیپلماسی که به عنوان یک کارشناس در زمانی که ایشان فرماندهی کار را به عهده داشتند، از دور شاهد بودم، واقعیت این است که ایشان همواره این آمادگی را داشتند که خود را هزینه کشور، انقلاب و اسلام کنند، نه این که کشور، نظام و انقلاب هزینه صحبت‌ها، سیاست‌ها و حرف‌هایی که فقط برای اسم و رسم باقی می‌ماند، شوند و معروف‌ترین آن در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود. زمانی که شرایط کشور این گونه اقتضا می‌کرد، مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی این آمادگی را داشت و بر این آمادگی تأکید می‌کرد که مسئولیت بپذیرد تا امام راحل(ره) ناگزیر از پذیرش مسئولیت نشوند. همین جا می‌خواهم به تجربه بین‌المللی مدیریت جنگ تحمیلی اشاره کنم که یکی از دشوارترین و تلخ‌ترین تجربیاتی است که در صحنه بین‌المللی قابل پیگیری بود. من به جرأت می‌توانم بگویم که در تاریخ سازمان ملل متحد و شورای امنیت، برخورد شورای امنیت سازمان ملل متحد با موضوع جنگ تحمیلی ایران و عراق اگر موضوع فلسطین اشغالی نبود به راحتی یکی از سیاه‌ترین برخوردها بود؛ زیرا در موضوع فلسطین اشغالی لاقال چندین بار شورای امنیت ملل متحد جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین را علیرغم وتوهای مکرر ایالات متحده، محکوم کرد. اما جنگ تحمیلی ما در واقع یکی از پرونده‌های تاریخ سازمان ملل متحد و شورای امنیت است که شاید یک مورد اقدام مثبت توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در موضوع آن پیدا نکنیم. از ابتدا عرض کنم، پس از هفت روز از حمله صدام به ایران و اشغال قسمت مهمی از خاک جمهوری اسلامی ایران، شورای امنیت سازمان ملل متحد اولین قطعنامه خود را که شماره ۴۷۹ است، صادر کرد. این را مقایسه کنید با شش ساعت پس از حمله عراق به کویت، که شورای امنیت بیانیه صادر کرد. این بار شورای امنیت پس از حمله به ایران اولین قطعنامه خود را تصویب کرد که در آن نه صحبت از حمله نظامی شد نه صحبت از خروج نیروهای اشغالگر از خاک جمهوری اسلامی و بازگشت و عقب‌نشینی به مرزهای شناخته شده بین‌المللی، زیرا سفیر وقت آمریکا، آقای مکن ری در شورای امنیت در جلسه مذاکرات محرمانه گفته بود: منطقه‌ای که امروز در اشغال عراق است، منطقه مورد اختلاف است و نیاز نیست ما الان درباره خروج نیروها از این منطقه صحبت کنیم. اولین باری که شورای امنیت در مورد خروج نیروها از سرزمین‌های اشغال شده صحبت کرد پس از آزادی خرمشهر بود و در فاصله قطعنامه ۴۷۹ تا قطعنامه ۵۱۴ که بعد از آزادی خرمشهر صادر شد. یعنی شورای امنیت دو سال تمام درباره جنگ ایران و عراق سکوت کرد. اداره چنین جنگی در صحنه بین‌المللی در برابر این میزان از بی‌توجهی به مقررات بین‌المللی بسیار شاقی است و باید به تمامی مسئولان کشور و در رأس آنها، امام راحل(ره)، مقام معظم رهبری و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رضوان‌الله تعالی علیه، برای این مدیریت آفرین گفت. در تمامی طول جنگ تحمیلی من کاملاً خاطرم هست اولین بار که به ما در نیویورک اعلام شد که عراق در جنگ از سلاح شیمیایی استفاده کرده است (شاید سال ۶۴-۶۳) خود ما باور نمی‌کردیم. من در آن زمان جوانی بودم که از بد حادثه به لحاظ قحط‌الرجال، کاردار جمهوری اسلامی ایران شده بودم. رفته رفته سرخ رئیس وقت شورای امنیت و به او گفتم که در جنگ تحمیلی علیه ما سلاح شیمیایی

ویژه اولین سالگرد
درگذشت آیت‌الله
هاشمی رفسنجانی

سه شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

بازسازی و توسعه اقتصادی در دولت سازندگی



با انتخاب آیت الله هاشمی رفسنجانی (ره) به عنوان رئیس جمهور، برنامه دوران سازندگی عملا از شهریور ۱۳۶۸ شروع شد و این در حالی بود که در ۸ سال دوران جنگ تحمیلی، بسیاری از زیربناها در شهر ها و روستاها تخریب شده و اقتصاد کشور تحت تاثیر جنگ توان فرسا آسیب دیده و بی رمق بود. کاهش شدید قیمت نفت تا مرز کمتر از ۱۵ دلار، توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را با جمعیتی حدود ۶۰ میلیون نفر، با مشکلات جدی مواجه ساخته بود. با این همه در دوران سازندگی، تولید ناخالص داخلی کشور (GDP) همه ساله بیش از ۶ درصد رشد داشت. در واقع در دولت سازندگی میانگین رشد ۱۱ درصدی سرمایه گذاری و بالا رفتن بهره وری نیروی کار از عوامل اصلی تداوم این رشد اقتصادی بود. اهمیت این رشد اقتصادی زمانی روشن تر می شود که بدانیم بخاطر ۸ سال دوران جنگ، رشد تولید ناخالص داخلی در ابتدای سال ۱۳۶۸ یعنی شروع دولت سازندگی ۶/۶۴- بود . توسعه اقتصادی و زیربنایی دوران سازندگی آنقدر تاثیر گذار بود که حتی رشد تولید ناخالص داخلی در سالهای دولت اصلاحات تحت تاثیر برنامه های اقتصادی دولت سازندگی قرار گرفت . ضمن اینکه گرایش های سیاسی هماهنگ دولت اصلاحات با دولت سازندگی و حضور بخشی از مدیران دوران سازندگی در دولت اصلاحات نیز در تداوم این موفقیت ها موثر و کار ساز بود. لازم به یاد آوری است که دولت احمدی نژاد کشوری را تحویل گرفت که دو دولت قبلی پس از دوران جنگ از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ و بعد از آن از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ یعنی ۱۶ سال کار بازسازی خرابی های جنگ و بطور همزمان بازسازی اقتصاد و زیربنای کشور را انجام داده بودند. مرور تحولات دوران سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶) نشانگر میانگین رشد تولید ناخالص داخلی سالانه ۶/۴ درصد و در دولت اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴) همین شاخص به ۵/۳۴ درصد رسید. در حالیکه علیرغم درآمد های نفتی بسیار بالا در دو دوره دولت احمدی نژاد میانگین رشد اقتصادی کشور فقط ۲/۶۶ درصد بوده است! در این مقاله سعی شده به استناد منابع آماری*، ضمن مرور تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوران سازندگی، عملکرد دولت سازندگی با دوران اصلاحات و دوره دولت احمدی نژاد، در موارد مشابه، مقایسه شود.

ویژه اولین سالگرد
درگذشت آیت الله
هاشمی رفسنجانی

سه شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

۲۹

وزیران بود و بر همین اساس «ستاد بازسازی مناطق جنگزده کشور» با همان ترکیب ستاد مناطق بمباران شده اما این بار با تجربه و اختیارات بیشتر تشکیل و امر بازسازی با مشارکت مردم و دستگاههای اجرایی کشور نهادینه شد . ۸۷ شهر آسیب دیده از جنگ در دوران دولت سازندگی در نوار مرزی کشور بازسازی شد و بیش از ۳۰۰ هزار واحد مسکونی با زیر بنای ۳۰ میلیون متر مربع همراه با اجرای هزاران پروژه عمرانی زیر بنایی و فرهنگی و اجتماعی در مناطق جنگزده ساخته و اجرا شد و تقریبا همه امکانات و نیاز هایی که برای امکان زندگی در شهرها و روستاهای جنگزده لازم بود در فاصله سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۴ باز سازی و نوسازی و فراهم شد و تا اواسط سال ۱۳۷۴ همه مهاجرین جنگ تحمیلی (حدود ۱۲۰۰۰ نفر) که در سراسر کشور پراکنده بودند به شهر ها و روستا های خود بازگشتند.

بازسازی اقتصادی و رشد تولید ناخالص داخلی

با انتخاب آیت الله هاشمی رفسنجانی (ره) به عنوان رئیس جمهور، برنامه دوران سازندگی عملا از شهریور ۱۳۶۸ شروع شد و این در حالی بود که در ۸ سال دوران جنگ تحمیلی، بسیاری از زیربناها در شهرها و روستاها تخریب شده و اقتصاد کشور تحت تاثیر جنگ توان فرسا آسیب دیده و بی رمق بود. کاهش شدید قیمت نفت تا مرز کمتر از ۱۵ دلار، توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را با جمعیتی حدود ۶۰ میلیون نفر، با مشکلات جدی مواجه ساخته بود. با این همه در دوران سازندگی، تولید ناخالص داخلی کشور (GDP) همه ساله بیش از ۶ درصد رشد داشت . در واقع در دولت سازندگی میانگین رشد ۱۱ درصدی سرمایه گذاری و بالا رفتن بهره وری نیروی کار از عوامل اصلی تداوم این رشد اقتصادی بود. اهمیت این رشد اقتصادی زمانی روشن تر می شود که

به خانه هایشان بر می گشتند و در همه شهر ها و روستاها در این نوار مرزی، همه چیز اعم از بازسازی ۳۰۰ هزار مسکن شهری و روستایی و همه انواع زیر بنا ها و تاسیسات و تجهیزات و هر چه برای زندگی کردن مردم در این مناطق لازم بود، باید بازسازی می شد. متأسفانه همان اوایل دولت سازندگی بود که زلزله ۳۱ خرداد سال ۱۳۶۹ شمال رودبار و منجیل و لوشان و طارم علیا) هم مزید بر علت شد و حدود ۲۰۰ هزار واحد مسکونی شهری و روستایی و بسیاری از زیربناها در استانهای گیلان و زنجان تخریب و به حجم بازسازی های کشور اضافه شد.

خوشبختانه این نگارنده در آن زمان سمت معاون اجرایی رئیس جمهور را برعهده داشتم و قبل از آن با تصویب دولت آقای مهندس موسوی نخست وزیر وقت مسئولیت «ستاد باز سازی مناطق بمباران شده» سراسر کشور را بر عهده داشتم. در آن زمان نظر ایشان این بود که بلافاصله بعد از بمبارانها برای اینکه روحیه مردم حفظ شود، باید باز سازی را شروع کنیم و امر «بازسازی همراه با دفاع مقدس» در دهه ۱۳۶۰ یکی از نقاط روشن و برجسته عملکرد دولت آقای مهندس موسوی بود که تا مرداد ۱۳۶۸ ادامه یافت . بعد از خاتمه جنگ و با شروع دولت آقای هاشمی رفسنجانی (ره) کار بازسازی مناطق آسیب دیده از جنگ همچنان تداوم داشت تا اینکه به پیشنهاد آیت الله هاشمی رفسنجانی (ره) و براساس اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به استناد تصویب نامه شماره ۲۳۱،۷۱۵۱۲-ت مورخ ۱۳۶۹،۶،۲۲ هیات وزیران اینجانب به عنوان نماینده ویژه رییس جمهور دایر بازسازی مناطق جنگزده کشور تعیین شدم و افتخار خدمتگزاری به مناطق جنگزده نصیب شد . بر اساس این مصوبه تصمیمات نماینده ویژه در حکم تصمیمات رییس جمهور و هیأت



دکتر حمید میرزاده
استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر

پس از اتمام هشت سال جنگ جانفرسا و ضربات سنگینی که به زیربنا های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور وارد شد، زمینه برای آغاز دوران بازسازی و سازندگی فراهم شد. امام خمینی (ره)، طی پیامی ۹ ماده ای که در تاریخ ۱۱ مهرماه سال ۱۳۶۷ خطاب به ملت ایران صادر شد فرمان بازسازی کشور بعد از جنگ را صادر کردند. این پیام منحصر به بازسازی مناطق جنگزده نبود و در بر گیرنده خط مشی و سیاست های کلی بازسازی کشور در تمام ابعاد بود. کوششهای همه دولتهای بعد از انقلاب مخصوصا دولت سازندگی و بستر سازیهای آن دورانها بود تا امروز ایران در بسیاری از زمینه ها سرآمد شده و یا پیشرفتهایی افتخار آمیز بدست آمده است. این افتخارات یک شبه حاصل نشده و مربوط به مجاهدتهای همه ملت ایران و مدیرانی است که با پاکدامنی در سالهای خون و آتش و بعد از آن جهاد گونه خدمت کردند که متأسفانه قدر خدماتشان هم دیده نشد.

دولت هاشمی باز سازی یک کشور جنگزده را آغاز کرد

بازسازی خرابیهای جنگی که ظرف ۸ سال ۱۵ استان کشور را آسیب زده و در ۵ استان خوزستان، کرمانشاه، ایلام، آذربایجان غربی و کردستان تخریب های وسیعتری وارد کرده بود، در نواری مرزی از چوبیده آبادان تا پیرانشهر حدود ۱۲۰۰ کیلو متر و به عمق حداقل ۱۰۰ کیلومتر وسعت داشت. بالغ بر یک میلیون و دویست هزار نفر جنگزده باید

بدانیم بخواطر ۸ سال دوران جنگ، رشد تولید ناخالص داخلی در ابتدای سال ۱۳۶۸ یعنی شروع دولت سازندگی ۶/۶۴– بود. توسعه اقتصادی و زیربنایی دوران سازندگی آنقدر تأثیر گذار بود که حتی رشد تولید ناخالص داخلی در سالهای دولت اصلاحات تحت تأثیر برنامه های اقتصادی دولت سازندگی قرار گرفت . ضمن اینکه گرایش های سیاسی هماهنگ دولت اصلاحات با دولت سازندگی و حضور بخشی از مدیران دوران سازندگی دردولت اصلاحات نیز در تداوم این موفقیت‌ها موثر و کار ساز بود. لازم به یاد آوری است که دولت احمدی نژاد کشوری را تحویل گرفت که دو دولت قبلی پس از دوران جنگ از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ و بعد از آن از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ یعنی ۱۶ سال کار بازسازی خرابیهای جنگ و بطور همزمان بازسازی اقتصاد و زیربناهای کشور را انجام داده بودند. مرور تحولات دوران سازندگی(۱۳۶۸–۱۳۷۶) نشانگرمیانگین رشد تولید ناخالص داخلی سالانه ۶/۴ درصد است. در دولت اصلاحات (۱۳۷۶–۱۳۸۴) همین شاخص به ۵/۳۴ در صد رسید. بعبارت دیگر از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۶ یعنی ۱۶ سال مداوم رشد مثبت تولید ناخالص داخلی (به قیمت جاری) داشته است. در حالی‌که علیرغم درآمد های نفتی بسیار بالا در دو دوره دولت احمدی نژاد میانگین رشد اقتصادی کشور فقط ۲/۶۶ در صد بوده است!

در دوران سازندگی شاخص فقر که تاقلیل از آن دوره به ۳۱ در صد رسیده بود (قبل از انقلاب این شاخص ۴۷ درصد بود) به حدود ۱۸ در صد کاهش یافت و نرخ بیکاری به ۸/۹ در صد رسید (سال ۱۳۷۵) رقمی که بعد از آن هنوز تکرار نشده است.

از طرف دیگر به شهادت آمار موجود در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در آمد سالانه ارزی دولت آقای هاشمی رفسنجانی سالانه ۱۶ میلیارد دلار ، دولت آقای خاتمی سالانه ۲۱ میلیارد دلار و دولت آقای احمدی نژاد سالانه بین ۷۰تا ۱۰۰ میلیارد دلار بوده است و مجموعه درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت دو دولت آقای احمدی نژاد به تنهایی بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار بوده است. گفتنی است در آمد ارزی ایران در دولت نهم و دهم بیش از ۵۰در صد کل درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت ایران از سال ۱۹۱۳ میلادی یعنی اولین سال صدور نفت خام ایران بوده است. یعنی ظرف ۸ سال دولتهای احمدی نژاد ، حدود۲ برابرکل درآمدهای ارزی ۱۶ ساله دولتهای سازندگی و اصلاحات در آمد ارزی داشته است (در آمد ارزی دولت سازندگی ۱۴۱/۷ در آمد ارزی دولت اصلاحات ۱۵۷/۲ میلیارد دلار بوده است). نباید فراموش کنیم که دولت های بعد از دولت سازندگی بخواطر هزاران فعالیت اقتصادی ، زیربنایی و اجتماعی دوران سازندگی کارشان بسیار آسان تر بود و بسیاری از آن طرحها که مورد بهره برداری قرار گرفتند، ریشه در برنامه‌ریزی ها واجرای دولت سازندگی داشتند. حتی در زمینه انرژی هسته ای، و صنایع موشکی و دفاعی ایران به شهادت برنامه‌های مصوب و مندرج در قوانین بودجه‌سنواتی ومصوبات دولت ، سابقه بیست ساله وجود دارد.

حمایت از تولید در صنعت ومعدن و کشاورزی

یکی از وجوه بارز در عملکرد دولت سازندگی حمایت از صنایع و تولید و کشاورزی بود که هم اشتغال‌زا بود و هم اتکائِ کشور را به واردات کاهش می داد.در آن سالها بخواطر همین سیاستها وعلیرغم کاهش شدید درآمدهای ارزی کشور، توسعه و افزایش تولید واحدهای بزرگ صنعتی مثل توسعه تولید فولاد و مس و آلومینیم و سیمان، ایجاد واحدهای پتروشیمی ،ایجاد خطوط راه آهن سراسری و طرحهای بزرگ سد سازی در کنار اجرای هزاران طرح زیربنایی و تولیدی بزرگ برای افزایش رفاه اجتماعی و در آمد ملی وایجاد اشتغال در دست اجرا قرار گرفت که در همان زمان ویا در دولتهای بعدی افتتاح و آماده بهره برداری شد.

در دوران سازندگی ترکیب تقاضای اقتصاد با توجه به شتاب رشد سرمایه گزاری جنبه تولیدی بیشتری به خود گرفت و در مجموع به دلیل افزایش سهم مشارکت بخش خصوصی در تشکیل سرمایه کشور منابع پایداری برای تامین سرمایه در جامعه شکل گرفت. مصرف کل به قیمتهای ثابت به

طور متوسط ۶/۶ درصد رشد یافت .در این دوران با توجه به فضای اعتماد ایجاد شده در سطح بین المللی از بار هزینه های بهره وامهای کوتاه مدت برای تامین واردات کاسته شد و در نتیجه تغییر ساختار و شیوه اخذ اعتبار، بهره وامهای کوتاه مدت کاهش یافت و با دریافت وامهای کم بهره بسیاری از زیر بناها و تاسیسات اصلی کشور از جمله مترو تهران ایجاد واحدهای پتروشیمی ،ایجاد خطوط راه آهن سراسری و طرحهای بزرگ سد سازی ساخته یا توسعه یافت چیزی که منبعذ از آن با چنین سازو کاری ازنظر تامین وامهای سرمایه گذاری با بهره کمتر تکرارشده است. کسری بودجه مزمن ۵۰ درصدی سال ۱۳۶۷ که بخواطر تداوم جنگ اجتناب ناپذیر بود به نفع هزینه‌های عمرانی تغییرو بهبود یافت و تراز منفی بازرگانی خارجی کشور مثبت و سنگینی تعهدات و بدهی های خارجی در دوران سازندگی سبک شد. تراز بازرگانی خارجی در دوران سازندگی ۴۹۰۰ در صد و دوران اصلاحات ۴۰۰ در صد و در دوران احمدی نژاد حلدود ۲۱۵ در صد (ابتدای سال ۱۳۹۱)رشد داشت. میزان مخارج جاری دولت به تولید ناخالص داخلی در دوران سازندگی ۳۳ در صد ، در دوره اصلاحات ۴۳ در صد و در دولت احمدی نژاد برابر ۶۶ درصد بوده است که این امر نشان دهنده افزایش حجم دولت نسبت به دوران سازندگی و حرکت در جهت خلاف سیاست های کلی نظام و اصل ۴۴ قانون اساسی است.

در کنار رشد واستحکام اقتصادی دوران سازندگی، در آمد سرانه و رفاه اجتماعی بالا رفت و سیاست محوری تسهیلات رفاهی و بهداشتی پوشش فراگیری در شهرها و مناطق محروم

گرفت.
در دوران سازندگی شاخص فقر که تاقلیل از آن دوره به ۳۱ در صد رسیده بود (قبل از انقلاب این شاخص ۴۷ درصد بود) به حدود ۱۸ در صد کاهش یافت و نرخ بیکاری به ۸/۹ در صد رسید (سال ۱۳۷۵) رقمی که بعد از آن هنوز تکرار نشده است.

از طرف دیگر به شهادت آمار موجود در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در آمد سالانه ارزی دولت آقای هاشمی رفسنجانی سالانه ۱۶ میلیارد دلار ، دولت آقای خاتمی سالانه ۲۱ میلیارد دلار و دولت آقای احمدی نژاد سالانه بین ۷۰تا ۱۰۰ میلیارد دلار بوده است و مجموعه درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت دو دولت آقای احمدی نژاد به تنهایی بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار بوده است. گفتنی است در آمد ارزی ایران در دولت نهم و دهم بیش از ۵۰در صد کل درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت ایران از سال ۱۹۱۳ میلادی یعنی اولین سال صدور نفت خام ایران بوده است. یعنی ظرف ۸ سال دولتهای احمدی نژاد ، حدود۲ برابرکل درآمدهای ارزی ۱۶ ساله دولتهای سازندگی و اصلاحات در آمد ارزی داشته است (در آمد ارزی دولت سازندگی ۱۴۱/۷ در آمد ارزی دولت اصلاحات ۱۵۷/۲ میلیارد دلار بوده است). نباید فراموش کنیم که دولت های بعد از دولت سازندگی بخواطر هزاران فعالیت اقتصادی ، زیربنایی و اجتماعی دوران سازندگی کارشان بسیار آسان تر بود و بسیاری از آن طرحها که مورد بهره برداری قرار گرفتند، ریشه در برنامه‌ریزی ها واجرای دولت سازندگی داشتند. حتی در زمینه انرژی هسته ای، و صنایع موشکی و دفاعی ایران به شهادت برنامه‌های مصوب و مندرج در قوانین بودجه‌سنواتی ومصوبات دولت ، سابقه بیست ساله وجود دارد.

زیربخشهای مختلف اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی در حد قابل توجهی رشد یافتند . بخشهای آب و کشاورزی و نیرو گسترش چشمگیری پیدا کردند. بیش از ۶۰ سد مخزنی ساخته شد و توسعه شبکه های آبیاری و زهکشی و سایر اقدامات بخش کشاورزی سبب گردید که محصولاتی مانند گندم و محصولات زراعی رشد سالانه ای حدود ۶ در صد را تجربه کنند. بر اساس آمار پایگاه آمار سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران،سال ۱۳۸۹، تولید محصولات زراعی کشاورزی برای دوره ۷۷–۱۳۶۸ نشانگر رشد ۶۱/۲ درصد و در دوره ۸۷–۱۳۷۸، تولید این محصولات دارای رشد ۴۷/۳ درصد در کل هر دوره بوده است.

طی همین دوره ۷۷–۱۳۶۸ ،تولید محصولات دامی در بخش کشاورزی ۵۷/۲ درصد رشد را از خود نشان می دهند و حاکی از این واقعیت است که بعد از آن دوره روند رو به رشدی در مورد تولید محصولات دامی اتفاق نیفتاده است بطور کلی در دوران سازندگی تولید غلات ۲/۸ برابر دوران احمدی نژاد و در دولت اصلاحات ۳/۴ برابر دولت احمدی‌نژاد، رشد تولید داشته است. در دوران سازندگی تولید گندم از ۵۸۷۷ هزار تن به ۱۰۰۴۵ هزار تن افزایش یافت که رشد متوسط سالانه ۸/۹ در صد را نشان می دهد.در دوره اصلاحات تولید گندم از ۱۰۰۴۵ هزار تن به ۱۳۳۰۹ هزار تن با رشد متوسط سالانه ۵/۳ درصد رسید و در دوران احمدی نژاد تولید گندم از ۱۴۳۰۹ هزار تن به ۱۲۵۰۰ هزار تن کاهش یافت و کاهش کل ۵/۷– در صد بوده است. که در نتیجه واردات گندم نسبت

به سنوات قبل سالانه ۲۱۱درصد رشد متوسط داشت. در سه دوران مذکور واردات برنج به ترتیب دوران سازندگی۲۷/۷ در صد کاهش کل ، دوران اصلاحات ۲/۶ درصد کاهش کل نسبت به دوره قبل ودر دوره احمدی نژاد با رشدکل ۸۲/۴درصدی واردات برنج نسبت به دوره قبل مواجه بوده ایم. در تولید برنج دوران سازندگی رشد کل دوره ۹۲/۳درصد و دوره اصلاحات همین شاخص ۱۶/۵ درصد و در دوره احمدی نژاد رشد کل ۱۰/۱درصد بوده است.

در دوران سازندگی محصولات فولاد از ۱۰۸۱ هزار تن به ۶۳۲۲هزارتن بارشد متوسط سالانه ۶۱ درصد رسید که تا کنون هیچ دولتی به این در صد رشد برای فولاد نرسیده است. همین شاخص در دولت اصلاحات رشد متوسط سالانه ۶درصد را داشت و در دولت احمدی نژاد علیرغم ۴ برابر شدن در آمدهای ارزی کشور رشد سالانه ۷ در صدی را تجربه کرد. تولید سیمان و پتروشیمی در دوران سازندگی دارای رشد متوسط سالانه به ترتیب معادل۵/۳ و ۲۱ درصد بودند..

توسعه‌آموز زیر بنایی

دردوران سازندگی خطوط راه آهن کشور از ۵۸۰۲ کیلومتر در سال ۱۳۶۸به۸۴۹۱کیلومتر در سال ۱۳۷۶ رسید رشد کل این دوره ۴۶/۳درصد بوده است. در دوره اصلاحات همین خطوط از ۸۴۹۱ کیلومتر به ۱۰۸۵۱ کیلومتر در سال ۱۳۸۴رسید. رشد کل این دوره ۲۷/۸ در صد بوده و در دولت احمدی نژاد همین خطوط از ۱۰۸۵۱کیلومتر به ۱۳۰۱۱کیلومتر یعنی رشد کل ۹/۱۹ در صد رسید. در مورد تولیدات صنعتی زیربنایی در آن دوره، ظرفیت اسمی نیروگاههای کشور ۱۰ هزار مگا وات افزایش یافت و میزان تولید برق ناخالص برق در دوران سازندگی رشد کلی ۸۵/۴ درصدی و در دوره اصلاحات رشد کلی ۸۲/۱درصدی و در دوره‌احمدی نژادرشد کلی ۴۲/۸ در صدی داشته است. توسعه گاز رسانی به مناطق شهری و روستایی در دوران سازندگی رشد متوسط سالانه ۴۰/۱ درصد و در دوره اصلاحات همین شاخص ۲۰/۲ و در دوره احمدی نژاد این شاخص ۱۱/۱ بوده است .

توسعه‌بخش‌های فرهنگی واجتماعی

بخش‌های اجتماعی و فرهنگی و آموزشی در دوران سازندگی و در تمامی سطوح رشد بالایی را تجربه کردند در صد با سوادی از حدود ۶۸/۹ در صد در سال ۱۳۶۸ به ۷۵/۵ در صد در سال ۱۳۷۶ رسید. علیرغم افزایش دانش آموزان از ۱۳/۸میلیون نفر در سال ۱۳۶۸ به ۱۸ /۸ میلیون نفر در سال ۱۳۷۶ ، بخواطر مجموعه سرمایه گزاریهای انجام شده تراکم دانش آموز در کلاس و نسبت دانش آموز به معلم کاهش یافت. معهذاً در صد رشد کل سواد عمومی کشور در دولت سازندگی۱۳/۴ در صد و همین شاخص در دولت اصلاحات ۴ در صد و در دولت احمدی نژاد ۱/۵ درصد رشد داشته است. تعداددانشجویان از۴۴۷ هزار نفر در سال ۱۳۶۸ به ۱/۳ میلیون نفردر سال ۱۳۷۶ بالغ شد و زیر بناهای آموزش عالی و دانشگاهها و پژوهشگاههای زیادی تاسیس یا توسعه یافت. اعضای هیات علمی دانشگاهها در سه دوره سازندگی ، اصلاحات و احمدی نژاد به ترتیب ۱۵۸ در صد ، ۶۶ درصدو ۶۵ در صد رشد کل هر دوره را داشته اند.

ایجاد شهرک‌های پژوهشی وعلمی و حمایت از تاسیس دوره های تحصیلات تکمیلی وتوجه به رشد وتوسعه علمی دانشگاه‌ها بود که امروز آثار سرمایه گذاری‌های آن‌روزها را مشاهده می‌کنیم. خوب است نگاهی به سابقه تشکیل یا توسعه دانشگاهها و پژوهش‌گاه‌ها بیندازیم تا معلوم شود که بسیاری از آنها حتی در دوران دفاع مقدس تاسیس شده اند. از جمله تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی در ۳۱ اردیبهشت سال ۱۳۶۱ توسط امیر کبیر دوران که نقطه عطفی بی نظیر در تاریخ توسعه آموزش عالی ایران بود و بیش از ۴۰۰ واحد دانشگاهی دارالفنونی در سراسر ایران تاسیس شد که سهم بسزایی در توسعه علمی ایران و ارتقاء مرتبه آن دارد.اگر امروز به تعداد مقالات ایران در مجلات علمی جهانی وبه سهم حدود ۲ درصد تولید علمی جهانی ایران می‌بایم باید بدانیم که حدود ۲۰ درصد این تولید علمی تنها متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی است که موسس دور اندیش آن یعنی آیت الله‌هاشمی رفسنجانی(ره) این بنیاد عظیم علمی بی‌نظیر را بنا نهادند. به طوری‌که هم

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹دی ۹۶

اطلاعات

درگذشته ۱۹ دی ۹۶

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

تولد: ۱۳۰۱

اکنون حدود ۵۰ درصد فارغ التحصیلان آموزش عالی ایران از دانشگاه آزاد اسلامی هستند و بالغ بر ۵۰ درصد دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشورهم در این دانشگاه مشغول تحصیل هستند. ابتکار تاسیس این دانشگاه باعث شد تا ظرف ۳۵ سال گذشته نیمی از بار مالی آموزش عالی از دوش دولت برداشته شود و به قول یکی از صاحب‌نظران آموزش عالی اگر دانشگاه آزاد اسلامی نبود با توجه به تنگنا های مالی دولت برای حوزه آموزش عالی ایران فاجعه رخ می‌داد.

درسال ۱۳۷۶ لایحه فقر زدایی به مجلس تقدیم شد و طرح ایران ۱۴۰۰ که نشانگر نگاه استراتژیک دولت وقت به آینده یک ایران توسعه یافته و قوی بود در همان سال به اتمام رسید که دولتهای بعدی از آن برای تدوین برنامه های خود بهره جستند.

نتیجه‌گیری

یکی از دلایل اصلی موفقیت دولت سازندگی شخصیت و روحیه سازنده ایشان بود. ایشان عمیقاً اعتقاد داشتند که اصولاً یکی از ماموریت های اصلی انسان آبادانی زمین است و مکرراً این موضوع را در سخنان خود یاد آور می‌شدند و این ماموریت را بر اسباب آموزه های قرانی توجیه می کردند که « هُوَ أَنشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (آیه ۶۱ سوره هود). از طرف دیگر جهان دیدگی ایشان و آشنایی با تجربیات موفق توسعه در کشور های پیشرفته در کنار تفکر قرآنی و عزم و اراده قوی و انقلابی خود ساخته ناشی از تحمل شکنجه ها و مرارت های دوران مبارزه قبل از انقلاب اسلامی و پر کاری و تعهد ایشان برای ساخت «ایران آباد» در کنار هوش سرشارو آینده نگرانه و امید به خداوند و مردم ، همه و همه شخصیتی استثنایی و تکرار نشدنی از وی ساخته بود بطوری که هاشمی رفسنجانی(ره) برای مردم ایران به مثابه یک سرمایه ملی و روش و منش اعتدالی او به عنوان یک نماد و شاخص مقبول اجتماعی محسوب می شود.

این رازموفقیت مردی بود که عاشق توسعه کشور و رفاه مردم بود. اینست که امروز در جای جای کشورمان رد پای مدیریت تاثیر گذار و انگشتست سلیمانی باصلابت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی(ره) در تمامی حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و علمی کشور مشاهده می‌شود و یادگارهای جاویدان دوران سازندگی حاصل از فکر خلاق و زاینده او، چون کانخی بلند و پایدار باقی خواهد ماند. دغدغه مدام ایشان برای آبادانی ایران به همه ثابت شده بود.و بر همین اساس با شناختی که مردم از خادم خود طی سالهای متمادی پیدا کردند، هیچ‌گاه کوشش های او را برای توسعه کشور از خاطر نخواهند برد. مردم یک عمر مبارزه مخلصانه او را که در مسیر حق و عدالت و با مشی اعتدالی بودفراموش نمی کنند و تاریخ پژواک ندای حق‌طلبی او را از یاد نخواهد برد. همانطور که همه شاهد بودیم در مراسم تشییع و تدفین و ترحیم آن سردار ملی ، مردم دوستی و مودت خود را به او نشان دادند و این، نوعی پاداش خداوند است که به مردان با ایمان و صالح و درست کار و مِبی ریا و خالص خود عطا می کند. : « إِنْ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»(سوره مریم آیه ۹۶) هاشمی رفسنجانی(ره) در تاریخ ایران و جهان‌ماندنی شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

* منابع

* آمار و ارقام مندرج در این مقاله ازمنابع زیر استخراج شده است:

- کتاب ایران آباد هشتت سال تلاش مقدس– ۱۳۷۶، سازمان برنامه و بودجه، حمید میرزاده
- کتاب آمار سخن می گوید، حمید میرزاده و شمس الدین حسینی – ۱۳۷۸
- کتاب کامیابی ها و ناکامی های توسعه در ایران ، حسن واعظی– ۱۳۹۳
- سالنامه های آماری مرکز آمار ایران ۱۳۶۸–۱۳۹۲
- حساب های ملی ایران (مرکز آمار ایران)۱۳۶۸–۱۳۹۲
- گزارش های دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه۱۳۶۸–۱۳۹۲
- گزارش های نوبه ای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸–۱۳۹۲



خاطره ای از دوران ریاست جمهوری آیت الله هاشمی رفسنجانی

اسناد سازندگی

سفرها و بازدیدهای عمومی ایشان از استانها هستند تا پس از آماده‌سازی به چاپ برسد و از روزنامه اطلاعات درخواست همکاری داشتند.ادیت و ویراستاری بخشی از مجموعه سفرها و سخنرانی های ریاست جمهوری به چند استان، ماموریت من در نهاد ریاست جمهوری بود.

چند روزی، اول وقت اداری از کرج به روزنامه اطلاعات که آن زمان در خیابان خیام بود می رفتم و در نیمه روز به نهاد می رسیدم اما پس از آن هماهنگ شد که دیگر به روزنامه نروم و مستقیم به نهاد مراجعه کنم. کاری که شروع شده بود، ظاهراً کمی سرعت گرفت. تنوع سوژه های قابل انتشار و ثبت در تاریخ این نهاد مبنی بر چگونگی تصمیم گیری وایجاد تحول در اداره استانها چنان متنوع و گسترده بود که روز به روز بر آگاهی و خوشحالیم می افزود. نمی دانم در آن تاریخ آماده سازی کتاب ها تا چه مرحله پیش رفته بود اما یقین داشتم که جمع آوری آن اطلاعات ارزشمند از دل سفرهای استانی آقای رفسنجانی اگر به مرحله پیگیری و اجرا در می آمد، بسیاری کم و کاستی که اینک رخ نموده است پدیدار نمی شد. در آن دوران، دقایق و ساعت ها به روز و هفته پیوند خورد و ماهها چون باد سپری شد و نوروزی را هم در خلوت این فضای منحصر به فرد برای هر نویسنده و خبرنگار، در نهاد سپری کردم و در پایان دوره یک ساله ماموریت، به خواست نهاد چند ماهی دیگر تمدید شد و سرانجام خدمت من پایان گرفت. آن سخنرانی ها و مطالبی که به صورت دست نویس بود و به ترتیب تاریخ ، تایپ و آماده می شد چندان گیرایی و جاذبه داشت که گذر ایام را به فراموشی سپرده بودم . در این مدت به دریایی از اطلاعات و منابع و مشکلات و راه حل‌ها دسترسی پیدا کردم که تحقق یافتن آنها می باید کشوری را گلستان کند. آگاه شدم که چه فرصت های کم نظیری برای سازندگی و پیشرفت در استانها وجود دارد که اکثر مردم از آن بی اطلاع هستند و رئیس جمهور نیز باید از چه درجه آگاهی و اشراف نسبت به امور جاری و آتی مملکت برخوردار باشد تا کاستی و خللی در گردش کارها بروز نکند.

در همان دوران برای اولین بار خواندم که آقای هاشمی رفسنجانی، دقیق و سنجیده، از ضرورت رویکرد به انرژی های پاک از جمله بهره گیری از آبهای گرم زیر زمینی در بخشی از آذربایجان و اردبیل و نیز اهمیت سرمایه گذاری در مقوله انرژی خورشیدی و باد سخن گفته اند وضمن بازدید از یکی دو منطقه مستعد، در سرعت بخشی به اجرای این طرحها تاکید کرده‌اند. در سفری دیگر، ضرورت تبدیل مناطق کویری اما مستعد به فضا‌های سبز منطق با شرایط آب و هوایی هر منطقه مورد اشاره قرار می گیرد و بر تأثیر آن در اشتغال انگشت نهاده می‌شود. در این مختصر بنا نیست به محتوا و جمع بندی کتابها بپردازم چون تعدادی از آنها اینک در دسترس است و علاقه مندان می‌توانند به آن مراجعه کنند.

بدین روی از همه دوستان مطبوعاتی که از سال ۱۳۴۴ تا امروز در موسسات مطبوعاتی مختلف همراه و در کنارشان بوده ام ، و یقین دارم وجودشان از عشق به اعتلای میهن مالا مال است، انتظار دارم از مطالعه این گنجینه اطلاعات کشور داری و ایران شناسی دریغ نورزند وهر جا هنوز فرصت اجرای طرح ها و پیشنهادهای کلیدی در راه عبوراز رکود و واماندگی دهه گذشته از دست نرفته است، آن را مورد بازبینی و کندوکاو قرار دهند.



امیر فرجاد

بعد از ظهر روزی که تاریخ آن الآن در دسترسم نیست، آقای دعایی مرا خواستند و جدی و گرم و صمیمی گفتند خودت را آماده کن می خواهیم جایی برویم...

کارهای نیمه کاره روزمره، کم و بیش جمع و جور شد و با اتومبیل پیکان مشهور آقای دعایی و راننده اش، عازم محلی شدیم که تا آن روز به آنجا نرفته بودم. پیکان آقای دعایی نزد مردم و پرسنل روزنامه اطلاعات داستنان ها دارد که دلم می خواهد پرانتزی بر آن بزنم. این روزها رفتار و انتظارات برخی به کرسی رسیدگان کم مقدار ... را اینجا و آنجا شاهد هستید یا می خوانید. طلبکار که هستند، بماند. چانه می زنند که با بودجه شوراها، بهترش را بدهید! یا یک نماینده مجلس، غافل از هر چه در جامعه می گذرد، از کمی حقوقش ناله و فغان سر می دهد. مردم به همین زودی دریافته اند که چه تحفه هایی با تبلیغ یا پشتیبانی باند های مقام پرست به برخی کرسی های قدرت راه پیدا کرده اند و به یقین در دوره های بعد در انتخاب خود، دقت و وسواس بیشتری نشان خواهند داد. آقای دعایی سالها در مقام نمایندگی مردم در مجلس و مدیربرجسته ترین موسسه مطبوعاتی کشور، با همین پیکان شخصی به امور محوله می پرداخت و تازه درروزهای سخت زمستان، اگر با درمانده ای در کنار خیابان برخورد می کرد، او را در مسیر خود به مقصد می رساند. من اگر از نزدیک با این خلق و خو آشنا نمی شدم، هرگز به نقل آن ورود نمی کردم. در یک روز برفی، از کرج به میدان انقلاب رسیده بودم و در اول خیابان کارگر جنوبی منتظر رسیدن تاکسی بودم که یک پیکان شخصی کنارم توقف کرد. سوار که شدم، خود را همسفر آقای دعایی یافتم . خوشحال از این همسفری، چند قلم پائین تر آقای دعایی از راننده خواست مرد میانسال دیگری را در آن مسیر سوار کند. آقای دعایی از سرما، کمی خود را دورن عبا جمع و جور کرده بود تا جای ما تنگ نباشد! هرگز این خاطره فراموشم نمی شود و هر جا در خیابانی با کاروان اسکورت مقامات ا رو به رو می شوم، این همسفری و تفاوت در ذهنم جرقه می زند...

بگذریم و ببخشید بر این حاشیه. این بار کنار آقای دعایی، انگار به طرف نهاد ریاست جمهوری حرکت می‌کردیم. با حضور ایشان درصندلی جلو ، درهای نهاد و پست های نگهبانی و بازدید بدنی بی هیچ توقفی طی شد و با عبور از دوسه بخش، وارد اتاقی شدیم که دفتر آقای مرعیی بود که چند قدمی به استقبال آقای دعایی آمدند. کنار ایشان ایستاده بودم. دستم را گرفت و به آقای مرعیی معرفی کرد و مختصری از سابقه کاری من گفت و ادامه داد که در بین دوستان تحریریه ، ایشان فردی موجه و چشم و چراغ من و روزنامه هستند و در اختیار شما خواهند بود. جناب مرعیی و عزیزانی از نهاد که بعدا به آنها معرفی شدم، هنوز از اصل موضوع چیزی نمی دانستم. آنجا بود که با این توضیحات معلوم شد مجموعه ای در نهاد مدتی است سر گرم پیاده کردن نوارهای سخنرانی آقای هاشمی رفسنجانی درجریان

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹دی۹۶

اطلاعات



ویژه اولین سالگرد
درگذشت آیت الله
هاشمی رفسنجانی

سه شنبه ۱۹ دی ۹۶

اطلاعات

۳۲

میزگردی با حضور سردار حسین علایی، دکتر علی رضامعیری و دکتر فریدون وردی نژاد

هاشمی با پایان جنگ به دنبال سرنگونی صدام حسین بود

وردی نژاد پیشنهاد داد از میان ابعاد مختلف شخصیت حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی، بیش از همه بر تصمیمات سخت و تصمیماتی که معمولاً همه سعی می کنند یا انجام ندهند یا اگر آن تصمیم را اتخاذ می کنند، مسئولیتش را به عهده دیگری بگذارند ولی ایشان معمولاً برابر آنها سینه سپر می کردند و به میدان می آمدند پرداخته شود.

میزگرد «آیت الله هاشمی رفسنجانی؛ مدیریت راهبردی دفاع مقدس و پذیرش قطعنامه و صلح» به عنوان صندوق اسرار دفاع مقدس با حضور دکتر حسین علایی، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران در دوران دفاع مقدس، دکتر علیرضا معیری، معاون سیاسی نخست وزیر در دوران دفاع مقدس و دکتر فریدون وردی نژاد از حوزه رسانه برگزار شد. در این میزگرد، فریدون

■ سردار علایی

یادم هست اولین باری که با آیت الله هاشمی رفسنجانی به پایگاه وحدتی دزفول رفتیم و فکر می کنم قبل از عملیات فتح المبین بود، ایشان در یک آمفی تئاتری که عمدتاً فرماندهان نیروی هوایی ارتش و تعدادی از فرماندهان سپاه حضور داشتند، فرمودند: جنگ چیز خوبی نیست و خداوند هم جنگ را ناخوشایند تلقی می کند. ولی بعضی وقت ها، چیزی را که ناخوشایند می دانیم برایمان خیر و برکت دارد. یعنی اصل جنگ خوب نیست، ولی جنگ به ما تحمیل شد، در آن صورت دفاع چیزی است که همه در آن شرکت می کنند و همه توان خود را به کار می گیرند.

همچنین یادآوری کنم آیت الله هاشمی رفسنجانی در زمان عملیات بیت المقدس رسماً نقش هماهنگ کننده بین ارتش و سپاه را به عهده نداشت. ایشان از سال ۶۲ قبل از عملیات خیبر، رسماً فرماندهی جنگ را از طرف حضرت امام به عهده گرفت. بنابراین تا قبل از عملیات خیبر، اداره جنگ در مقاطع متفاوت، روش های متعددی داشت ولی از بهمن سال ۶۲ امام، آیت الله هاشمی رفسنجانی را مأمور کرد تا به عنوان هماهنگ کننده بین ارتش و سپاه، فرماندهی میدان جنگ را به عهده بگیرد.

در عملیات بیت المقدس، قرارگاه مشترکی بین ارتش و سپاه وجود داشت که جنگ در آنجا به سبک دیگری اداره می شد. ارتش و سپاه هنوز اختلافاتشان بروز نکرده بود زیرا در دوران موفقیت بودیم. از بعد از عملیات بیت المقدس که عملیات رمضان آغاز شد و ناکامی هایی به وجود آمد، اختلافات خود را نشان داد و طبیعی هم هست و از سال ۶۲ بعد که شرایط جنگ بسیار سخت شد تا پایان جنگ، نقش آیت الله هاشمی رفسنجانی، برجسته تر شد.

از یک طرف صدام حاضر به کوتاه آمدن از مواضع خود نبود و می خواست همان طور که روز اول جنگ، سرزمین های ایران را اشغال کرد و فرصت دفاع به ایران نداد، جنگ را به نفع خودش تمام کند و زمانی هم که شکست خورد و ایران سرزمین های خود را پس گرفت، صدام حسین باز هم حاضر نبود که معاهده ۱۹۷۵ الجزایر

را بپذیرد و جنگ خاتمه پیدا کند. بنابراین شرایط خیلی سخت بود. اما در بین کسانی که در جنگ دیدیم آقای هاشمی رفسنجانی برای جنگیدن، نمی جنگید بلکه برای به نتیجه رسیدن و پایان دادن به جنگ، طرح و فکر و برنامه داشت. اصل جنگ به خاطر جنگ برای ایشان ارزش نبود و همیشه در جلسات، دنبال طرحی برای خاتمه دادن به جنگ بود.

جمله ای هم از ایشان به یاد دارم که به احتمال زیاد قبل از عملیات خیبر یا قبل از عملیات بدر گفته شده است اما الان حضور ذهن ندارم، این که شما این عملیات را به نتیجه برسانید، بقیه جنگ با من.

بنابراین آیت الله هاشمی رفسنجانی وقتی وارد جنگ شد از ابتدا در ذهن خودشان بود که چگونه بجنگیم که جنگ را تمام کنیم که به نظر من این یک امتیاز بزرگی است. در جنگ حرف های زیادی زده می شد که الان هم گفته می شود: از جمله این که آن زمان که ما قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفتیم آیا بهترین کار را انجام دادیم؟

به نظرم ایشان از لحظه ای که عملاً مسئولیت اداره جنگ را به عهده گرفتند استراتژی مشخص را برای پایان دادن به جنگ داشتند که بیابیم با دست برتر و از موضع بالاتر جنگ را در وضع عزت به پایان ببریم. موضع برتر گرفتن یک منطقه حساس و مؤثر از عراق بود تا پای مذاکره حاضر شوند و نکاتی را که ما برای رسیدن به صلح دنبال هستیم، بپذیرند. بنابراین، آیت الله هاشمی رفسنجانی از قبل از عملیات خیبر تا آخرین روزی که ما به آتش بس رسیدیم و تا زمان حیات حضرت امام (ره)، فرمانده کل نیروهای مسلح بود.

در ادامه کار باز این مسأله مطرح بود که ما رفتیم و به کنار دجله هم رسیدیم، ولی قدرتی که در عراق تشکیل شده بود، فراتر از قدرت عراق بود. عراق به نمایندگی از قدرت های حاکم بر جهان مقابل ما ایستاده بود و سیاست قدرت های بزرگ این بود که عراق در جنگ با امتیاز گرفتن از ایران موفق شود. در ادامه جنگ وقتی ما از خیبر به فاو رسیدیم، سیاست آمریکا و شوروی تغییر

کرد. فرمانده عملیات فاو آیت الله هاشمی رفسنجانی بود که همه امکانات را برای عملیات فاو تجهیز و همه توان ارتش و سپاه را با هم هماهنگ کرد. مسأله فاو این بود که ما وقتی از اروند عبور کردیم نه فقط رابطه عراق از دریا را قطع کردیم و عراق را به یک کشور محاط در خشکی تبدیل کردیم، بلکه صورت مسأله جنگ را هم پاک کردیم؛ در حالی که عراق می خواست اروندرود را به مالکیت در بیاورد و خط مرزی را به ساحل این طرف بکشاند. در کتاب خاطرات آیت الله هاشمی رفسنجانی آمده است: ما اول فاو را برای ختم جنگ طراحی کردیم. منتهی اختلاف افتاد و قدرت های بزرگ تصمیم به تقویت بیشتر عراق گرفتند تا به هیچ وجه ایران در دوران جنگ برنده مطلق نباشد. از این زمان آمریکایی ها شعار نه برنده نه بازنده را در جنگ مطرح کردند.

ویژگی دیگر آیت الله هاشمی رفسنجانی این بود که آینده را خوب می دید و در ذهن و برنامه خودش ترسیم می کرد. سناریوهای مختلف را که دشمن در ذهن خودش علیه ما برنامه ریزی می کرد می دید و حس می کرد که چه اتفاقاتی ممکن است بیفتد و به حق دنبال خاتمه جنگ بود و این که ما با خاتمه دادن به جنگ می توانیم صدام حسین را سرنگون کنیم و نظام بعث عراق را با ننگیدن از بین ببریم و همین اتفاق هم افتاد. نکته دیگری که عرض می کنم این است که آیت الله هاشمی رفسنجانی بیش از همه کسانی که من به یاد دارم به دنبال تقویت قدرت دفاعی ایران و رفع ضعف های دفاعی بود. از جمله این که در دوران جنگ یک زمانی آسمان ایران دچار مشکل پدافندی شد و موشک های هاگ مثل سابق این قدرت را نداشتند که از آسمان ایران دفاع کنند. موشک های فولسیک و اف ۱۴ هم نمی توانستند مثل سابق عملیاتی باشند. زیرا ارتش عراق با کمک فرانسوی ها قدرتی را سازماندهی کرده بود که هرکجا راداری روشن می شد، آن را می زد و هرکجا موشکی می خواست پرتاب شود، امکان موفقیتش کاهش پیدا می کرد. آقای هاشمی رفسنجانی به دنبال آن بودند که از ظرفیت ها و ضعف های دشمن و آمریکا استفاده

کنیم و برخی نقاط ضعف را برطرف کنیم. از جمله «های پاورهای» مربوط به موشک‌های هاگ و تأمین موشک تاو ضد تانک و تأمین موشک‌های دوربرد مثل اسکاد، اج وای ۲ و موشک‌های ضدسطحی.

همچنین وقتی عراقی‌ها به کمک فرانسوی‌ها یک نیروی هوایی دوم درست کردند که تمامی خلیج فارس و نفت ما را کنترل می‌کرد، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به‌خوبی این مسئله را درک و به دنبال تأمین آن رفت. ایشان در دوران جنگ، به چین سفر کرد و در آن سفر موشک‌هایی رادریافت کرد که باعث بنیانگذاری صنایع موشکی در ایران شد، همین صنعت موشکی که الان به آن افتخار می‌کنیم و قدرت دفاعی ما را به سطح بالا رسانده است. اینها ثمره فکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود.

یادم هست وقتی ایشان محسن هاشمی را در حوزه موشکی گذاشت، در اصل می‌خواست روی توسعه صنعت موشکی تمرکز کند تا نقایص کار بلافاصله به ایشان منتقل شود و آن را حل کنند. این اتفاق افتاد و آقا محسن کارخانه‌های بزرگی را از بخش صنعت گرفت و در اختیار صنایع موشکی گذاشت که برای ما غیرقابل تصور بود که چگونه این کار ممکن است.

آخرین نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که عراق در زمان جنگ این سیاست را داشت که کشتی‌هایی که نفت ایران را حمل می‌کردند از هر ملیتی بزند و با این کار تمامی بنادر نفتی، اسکله‌ها و خطوط کشتیرانی در خلیج فارس را با کمک میراژهای ۲۰۰۰ فرانسوی ناامن کند. آمریکایی‌ها هم نفتکش‌های کویتی را اسکورت و در خلیج فارس از عراق حمایت می‌کردند. روزی من در قرارگاه بین اهواز و آبادان خدمت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رسیدم و گفتم:اگر اجازه بدهید به محض این که عراقی‌ها نفتکش‌ها و اسکله‌های خارک و آذرپاد ما را زدند، ما هم در پاسخ اسکله احدیه که نفت عراق را حمل می‌کند و بنادرش در اختیار عراق است را با این موشک‌هایی که گرفتیم بزنیم. اما پاسخ آقای هاشمی ایسن بود که امام اجلازه نمی‌دهند. بعد از چند روز که عراقی‌ها دوباره حمله کردند، من خدمت ایشان رسیدم که ما می‌توانیم آنها را بزنیم و این موشک‌ها را در اختیار داریم. لاقلاً اجازه دهید آزمایش کنیم و توان بچه‌های خودمان را بسنجیم که می‌توانند این کار انجام دهند یا نه. پاسخ ایشان دوباره همین بود که امام اجازه نمی‌دهند. در واقع ایشان به دنبال گسترش جنگ نبود و از لحظه‌ای که به میدان جنگ به عنوان فرمانده وارد شد، طرح‌هایشان برای خاتمه دادن به جنگ بود.

■ علیرضا معیری

مدیریت آقای هاشمی منحصر به مدیریت دوره جنگ نیست. از ابتدای انقلاب به توصیه حضرت امام جلساتی به عنوان جلسات سه قوه تشکیل می‌شد که رئیس جمهوری، رئیس مجلس، نخست‌وزیر و رئیس قوه قضاییه و مرحوم حاج احمدآقا به نمایندگی از طرف حضرت امام شرکت می‌کردند و این جلسات در هفته سه بار در دفتر یکی از رؤسا تشکیل می‌شد و زمانی هم که در منزل حاج احمدآقا تشکیل می‌شد، حضرت امام گاهی تشریف می‌آوردند و دقایقی در جلسه حضور پیدا می‌کردند. در آن جلسات تصمیم‌های کلان در مسایل مختلف کشور گرفته می‌شد و ما هم افتخار داشتیم گاهی برحسب مورد و موضوع دعوت شویم. در این جلسات که منحصر به مسائل جنگ نبود، تصمیمات با تدبیر حضرت آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی نقش بسیار تعیین‌کننده داشت. حتی به خاطر دارم در دوران جنگ، زمانی که حملات بسیار زیادی به کشور ما می‌شد و شهرها، بنادر و پلایشگاه‌های ما مورد بمباران قرار می‌گرفت، من در اتاق نخست‌وزیر بودم. ایشان به اولین کسی که تلفن می‌زد تا راه چاره و راهکار به دست بیاورد، آقای هاشمی بود و بعد از صحبت کردن با آقای هاشمی آرامش پیدا می‌کرد.

به‌طور خلاصه عرض کنم که آقای هاشمی مرد

تصمیمات کلان بود.می‌توانست خیلی راحت تصمیمات بسیار مهم و بزرگ بگیرد بدون این که وارد جزئیات شود و این صرفاً مربوط به جنگ هم نبود. سعه صدر فوق‌العاده‌ای داشت؛ حرف‌ها را با آرامش و بدون این که تحت تأثیر فشارها قرار گیرد گوش می‌داد و تصمیم می‌گرفت. بسیار رقیق‌القلب بود و خانواده ایشان خیلی بهتر از من این را می‌دانند، هم به لحاظ مهربان بودن و عاطفی بودن، هم تحت تأثیر بودن که از ویژگی‌های یک انسان است. وقتی ما درباره زندگی حضرت علی(ع) می‌خوانیم، می‌بینیم که حضرت در عین حالی که جنگنده بسیار شجاعی بودند، در مقابل ایتام و ظلم‌هایی که صورت می‌گرفت بسیار رثوف بودند. این ویژگی خوشبختانه در وجود حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم بود. ویژگی دیگری که باعث شد حضرت امام(ره)ایشان را جانشین فرماندهی کل قوا کنند، مقبولیت عام ایشان بود، هم در ارتش،هم در سپاه، هم در بسیج و هم در دولت. هر وقت کاری داشتم و می‌خواستم خدمت ایشان برسم، می‌دیدم چند تن از وزراء قبل از بنده وقت گرفته‌اند و می‌خواهند گزارش دهند. در صورتی که وزراء باید به نخست‌وزیر و رئیس جمهوری گزارش دهند، نه رئیس مجلس! آقای هاشمی با دولت و بدنه نظامی کشور ارتباط تنگاتنگی داشت. بعد از عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ که دو عملیات بسییار موفقیت‌آمیز رزمندگان ما در جبهه‌ها بود،ترس و خوف زیادی در دل دشمنان عراقی و حامیانشان به وجود آمد؛ زیرا دیدند که ایران با قدرت و قوی جلو آمده و با کارهایی که تصورش

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی آینده را خوب می‌دید و در ذهن و برنامه خودش ترسیم می‌کرد. سناریوهای مختلف را که دشمن در ذهن خودش علیه ما برنامه‌ریزی می‌کرد می‌دید و حس می‌کرد که چه اتفاقاتی ممکن است بیفتد و به حق دنبال خاتمه جنگ بود و این که ما با خاتمه دادن به جنگ می‌توانیم صدام حسین را سرنگون کنیم و نظام بعث عراق را با بنجنگیدن از بین ببریم و همین اتفاق هم افتاد

را هم نمی‌کردند توانسته است نیروهای نظامی خود را سازمان دهد و بسیاری از هواپیماهای دشمن را ساقط کند.به دنبال این وضع، آمریکا و شوروی درجلسه‌ای در ویکی‌و یک ایسلند به این جمع‌بندی رسیدند که همه‌جانبه از رژیم صدام حمایت کنند. حمایت کشورهای عربی منطقه، شوروی آن زمان و حمایت‌های اطلاعاتی آمریکا و حمایت‌های لجستیکی و نظامی فرانسه که حتی هواپیمای سوپر اتاند دادند، وضعی را در جبهه‌ها به وجود آورد که منجر به عدم موفقیت و یک یک مقدار تفکر در تصمیم‌گیرندگان جنگ شد. خاطرم هست که یک سال آخر جنگ، اواخر سال ۶۶ و اوایل ۶۷ که جنگ خاتمه پیدا کرد، بحث این بود که دولت باید کلاً در خدمت جنگ باشد و شهادت می‌دهم که دولت واقعاً هم در خدمت جنگ بود. در سال ۶۵ زمانی که درآمدهای ارزی ما ۶ میلیارد دلار بود با پایین افتادن قیمت نفت، دولت سه میلیارد دلار به جنگ اختصاص داد و کشور را هم با سه میلیارد دلار اداره کرد بدون این که واقعا تنش و گرفتاری و بحران در کشور ایجاد شود. ولی برادران عزیز سپاهی ما نظرشان این بود که باید بیشتر از این دولت در خدمت جنگ باشد. تدبیری اندیشیده شد مبنی بر این که نخست‌وزیر از طرف حضرت آیت‌الله هاشمی و با تایید حضرت امام به عنوان رئیس ستاد فرماندهی کل قوا انتخاب شود و بنده هم مشاور رئیس ستادکل فرماندهی کل قوا در آن زمان باشم و کارها را پیش ببریم تا همه ترفندها،

کمک‌ها و کل کارخانه‌های صنعتی و نظامی بسیج شوند برای پشتیبانی از قضیه جنگ.

پس از اصابت موشک به هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو جنگی آمریکا در خلیج فارس که یک کار غیرعادی بود و بیش از ۲۸۰ نفر از هموطنان ما را به شهادت رساندو نمی‌توان آن را به حساب یک خطای نظامی گذاشت زیراحجم هواپیما و نوع مسیرش قابل تشخیص بوده است، در روحیه آیت‌الله هاشمی نیز بسیار تأثیرداشت و نیز حوادث پس از آن از جمله حلبچه و اتفاقات دیگر، وزیر اقتصاد وقت، آقای ابروانی که الان در دفتر رهبری کار می‌کندگزارش مکتوبی ، به نخست‌وزیر نوشت مبنی بر این که کشور به لحاظ مسائل مالی توان اداره جنگ را ندارد. آقای محسن رضایی نیز که در آن زمان فرمانده کل سپاه پاسداران بود، نامه‌ای خدمت حضرت امام و آقای هاشمی رفسنجانی فرستاد و یک سری امکانات درخواست کرد و گفت اگر اینها فراهم نشود، امکان ادامه جنگ وجود ندارد و مسائل دیگری هم پیش آمد که در مجموع باعث پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شدند.

به هرحال آقای هاشمی یک نقش تعیین‌کننده در همه زمینه‌ها داشت که جنگ یک بعدش و مسائل دولت، سازندگی و فرهنگی ابعاد دیگر آن بود.

من یادی کنم از مرحوم حضرت آیت‌الله سید احمد فعلی‌زنجانی رحمه الله، یکی از افراد بسیار بزرگی که من افتخار داشتم خدمتشان برسم. ایشان نماینده حضرت امام در سوریه بود و می‌گفت: جمعه‌هایی که آقای هاشمی خطبه‌های نماز را ایراد می‌کنند، علیرغم همه کمبودها و گرفتاری‌های جنگ و مشکلاتی که هست، به‌قدری شیرین و صمیمی صحبت می‌کنند که تا یک هفته مردم همه چیز را فراموش می‌کنند تا هفته بعد آرامشی دارند. واقعاً چنین زبان و تسلطی به مسائل ادبیات و ارتباط برقرارکردن با قلوب مردم، فقط از جانب آقای هاشمی رفسنجانی بر می‌آمد.

■ فریدون وردی‌نژاد

می‌خواهم درباره بخشی از خصوصیات و ویژگی آقای هاشمی صحبت کنم که کمتر به آن پرداخته شده است و آن نقش بی‌بدیل و مثال‌زدنی در دیپلماسی دفاعی و دیپلماسی پنهان کشور است.

در هنگامه تصمیمات سخت و تلخ که گاهی همه به دنبال فرار از آن هستند، و در مسیر تأمین امکانات بسیار حساس و مورد نیاز جبهه‌ها در کشورهای خارج، آقای هاشمی به یک شبکه آمریکایی برخورد که علاقه‌مند بود برای فروش تسلیحات با ما وارد مذاکره شود. در آن مقطع زمانی، بحث و گفتگو با آمریکایی‌ها و نشستن با یک آمریکایی به عنوان شیطان بزرگ و استکبار جهانی و پشتیبان اصلی رژیم شاه در آن سوی مرزها و کسانی که مستشاری و جنایت‌های بسیاری در این کشور کردند، کار خیلی سختی بود و حرکت انقلابی این بود که به جای گفتگو با آنها و تأمین نیازها نامزا بگویم و با آنها برخورد کنیم. ولی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با قاطعیت تصمیم گرفت بخش‌هایی از نظام که اتفاقاً جزو انقلابی‌ترین بخش‌های کشور، انقلاب و نظام بوده‌اند، مثل سپاه پاسداران مسئولیت این کار را به عهده بگیرند و نه تنها عقب‌نشینی کنند بلکه بروند نیازها را تأمین کنند، چون اگر آنها نیازمند نبودند، سراغ ما نمی‌آمدند. آقای هاشمی به زیبایی و با دقت تشخیص داد که آمریکایی‌ها دنبال این هستند که از توان و موقعیت و ابتکار و ظرفیت جمهوری اسلامی در سطح خاورمیانه و سوریه و لبنان آن روز برای رفع و رجوع مشکلاتی که با مسلمانان و شیعیان در آنجا پیدا کرده بودنداستفاده کنند. ایشان به خوبی به عنوان میانجی که اولا حقوق لبنانی‌ها را تأمین کنیم و ثانیاً از این نیاز آمریکایی‌ها و شرایطی که در آن هستند برای تأمین نیازهای خودمان در جبهه‌ها و جنگ استفاده کنیم، این رابطه را مدیریت کرد و هیچ‌کس غیر از آقای هاشمی نمی‌توانست آمریکایی‌ها را این‌گونه بازی بدهد طوری

ویژه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سه‌شنبه ۱۹دی۹۶

اطلاعات

۳۳

که در چنان موقعیت حساسی، چندین مقام آمریکایی از سطوح بسیار بالای حکومت آن زمان، با کیک، شیرینی و هدیه به تهران بیایند و چندین روز در یکی از هتل‌ها مستقر باشند و هیچ مقام مسئول و رسمی با آنها ملاقات نکند و به گونه‌ای عمل کنند که آن مجموعه با خودش به عنوان تدارکات یک سلسله نیازهای جامعه نظامی ما را با خودش آورده باشد.

به این ترتیب جمهوری اسلامی به چند تانک و ضد هوایی و امکانات جنگ رزمی هواپیماها در آسمان دست پیدا کرد و توانست پس از این که فاو را گرفت، بیش از ۷۰ شبانه روز تک و حمله عراق را دفع کند و برای عراقی‌ها خیلی عجیب بود که چه اتفاقی افتاده است. این همان بخش دیپلماسی پنهان موفق بود که رهبری و هدایت آن به عهده آقای هاشمی بود. تصمیمات خطرپذیر و پرریسک و تصمیمات متوکلاته، معمولاً توسط آقای هاشمی رفسنجانی اتخاذ می‌شد. وقتی هم قرار شد با آمریکایی‌ها گفتگو‌ها کنیم، طبیعی بود که همه ما با آن شور و شوق انقلابی که در آن روزگار داشتیم حاضر نشویم این بحث و گفتگو را انجام دهیم. ما بنشینیم با آمریکایی‌ها، با جنایتکارانی که نیروهای ما را شکنجه کردند و... گفتگو کنیم؟ آقای هاشمی از بنده و یکی دو نفر از نیروهای سپاه که در آن مقطع مسئولیتی هم داشتیم پرسید مشکل شما چیست؟ مگر نمی‌خواهید ما در جنگ پیروز و موفق شویم و از امکانات دشمن استفاده کنیم؟ گفتیم

امروز هم اگر آقای هاشمی رفسنجانی را در آن سوی مرزها بخواهند تعریف کنند، یک رویداد غیر تکرار در خاورمیانه و غرب آسیا و میان کشورهای اسلامی، هم از نظر دیپلماسی، هم از نظر مدیریت و اداره داخلی و هم از جهت قدرت در ارتباط با افکار عمومی مطرح می‌کنند. آقای هاشمی رفسنجانی خودشان به شخصه، یک رسانه تمام عیار بود.

هواپیماهای اف ۱۴ و فوئیکس، امکانات ضدهوایی و تجهیزات شوند و رصدی که در ایران مانده و نتوانستند ببرند، ممکن است در شرایط سخت با رقیبشان معامله کنیم. ما مسلمانییم و باید امانت‌دار باشیم هرچند امانت مربوط به دشمن باشد. حتی در مقاطعی آمریکایی‌ها حاضر بودند در ازای این که از بخشی از منافع گروه‌های انقلابی در لبنان بگذریم یا حتی سکوت کنیم، مثل آزادی زندانیان آنها در یکی از کشورهای عربی، آنها همه چیز را در اختیار ما بگذارند، ولی آقای هاشمی باز هم محکم ایستاد و گفت:



اولویت ما در میانجیگری حفظ منافع لبنان و مردمشان و طرف‌هایی است که با آمریکایی‌ها درگیر هستند و حاضر نشد منافع آنها و جایگاه انقلابی و دیدگاه خودشان را زیر پا بگذارد. آن روزها اسناد این ملاقات‌ها و مواضع انقلابی آقای هاشمی در کتابی تحت عنوان «شنود اشباح» توسط یکی از آدم‌هایی که الان در زندان است به نیت تخریب آقای هاشمی منتشر شد. در آن کتاب قسمت‌هایی که قرار بود در توافقی با آمریکایی‌ها، زندانیان لبنانی آزاد و منافعیان تأمین شود و حمله‌ای به لبنان صورت نگیرد و اسرائیلی‌ها از لبنان خارج شوند، همه آمده است. در آن مقطع خیلی‌ها به آقای هاشمی حمله می‌کردند که ایشان به خاطر منافع کشور و ایران و جمهوری اسلامی، منافع لبنانی‌ها را زیر پا نمی‌گذارد. در صورتی که واقعیت نداشت و آقای هاشمی همه اینها را در نظر می‌گرفت و ما هم شاهد این قضایا بودیم.

موضوع دیگر شکاندن اتحاد اعراب بود علیه ایران، یعنی دیپلماسی آقای هاشمی در گفتگوهایی که با لیبی آن روز داشت و همکاری با الجزایر و کشورهایی که موضعشان با سایر کشورهای عربی متفاوت بود، اتحاد عرب‌ها علیه ایران برای جنگ عربی - عجمی و ایرانی -

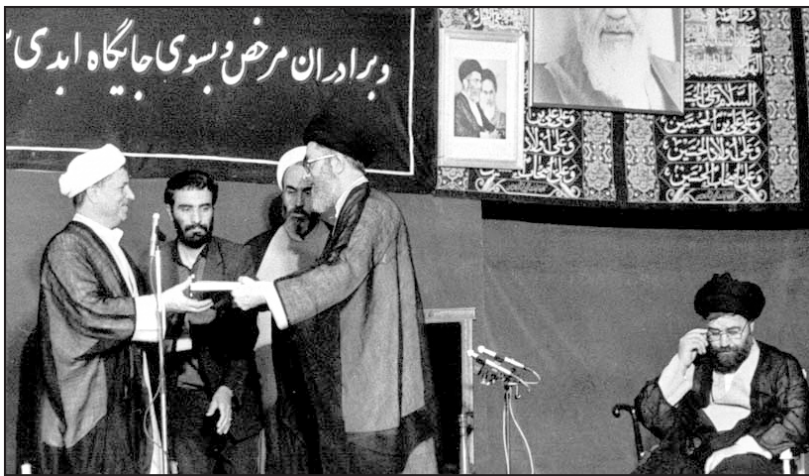
عربی یا شیعه و سنی را شکاند و آن دیدارها، ملاقات‌ها و سفرها منجر به این شد که یک کشور عربی برای دفاع از کشور انقلابی ما در مقطعی که چیزی نداشتیم از خاک ایران به کشور عربی دیگر، پاسخ حملات را بدهد. این نماد حرکت آقای هاشمی و دیپلماسی پنهان و موفق ایشان بود که خیلی به آن پرداخته نشده است و شاید بخش‌هایی از آن هم قابل مطرح شدن نباشد.

با شکاندن صفوف اعراب و این که سوریه، لیبی و الجزایر را در کنار خودتان قرار دهید، دیگر جنگ جنبه عربی - ایرانی و عجم و عرب و جنبه شیعه و سنی پیدا نمی‌کند و این موفقیت بزرگی بود در دیپلماسی جنگ یا شکاندن پشتیبانی تام و بلامنازع شوروی آن روز از عراق که در سفر موفقیت‌آمیز آقای هاشمی به مسکو که بنده هم همراه ایشان بودم نصیب شد. دیپلماسی پنهان و دفاعی آقای هاشمی بود که آن پشتوانه و حرکت عظیم شوروی‌ها پشت سر صدام را متزلزل کرد و توانست شوروی‌ها را قانع کند که تسلیحات استراتژی میگ، سوخو و تجهیزات مربوط به پدافند و اطلاعاتی و موارد بسیار زیادی به ما بدهند. موفقیت در گفتگو با آمریکایی‌ها را هم که قبلاً توضیح دادم و وقتی ما به دلایل شرایط داخلی‌مان نتوانستیم آن گفتگوها را ادامه بدهیم، آمریکایی‌ها به صورت کامل رفتند پشت سر عراق.

از سوی دیگر یادتان می‌آید که در رقابت بین گروه‌های مختلف در کشور، اطلاعاتی از داخل کشور ما به لو رفت و اسرائیلی‌ها که از گفتگوها حذف شده بودند آن را مدیریت کردند و از یک جریان داخلی موضوع را در یک نشریه لبنانی لو دادند و منجر به متوقف شدن مذاکرات و گفتگوها در آن مقطع شدند. بنابراین، حرکت بعدی که آقای هاشمی انجام داد، این بود که نگاه به شرق را تقویت کند. نگاه به شرق در آن مقطع اگرچه سیاست کلی نظام جمهوری اسلامی ایران بود، اما رهبری عملیات توسط آقای هاشمی در صحنه و قانع کردن چینی‌ها و سفر به ژاپن و همکاری با چینی‌ها در آن مقطع و توافق‌های راهبردی با آنها باعث شد چینی‌ها در کنار ما قرار بگیرند، هرچند چینی‌ها در عین حالی که با ما بودند، با عراق و بقیه هم بودند و منافع کشورشان را در نظر می‌گرفتند اما استراتژی موفق و دیپلماسی برتر جمهوری اسلامی موجب شد این پشتوانه‌ها آرام آرام از عراق برداشته شود و توفیقات دیپلماسی پنهان در آن شرایط بتواند کشور را در عملیات مختلف موفق کند.

کوتاه سخن این که اگر از من بپرسند که حاصل تجربه سال‌ها خدمتگزاری همراه آقای هاشمی چیست و آقای هاشمی را چه گونه توصیف می‌کنید، می‌گویم: از دید من، آقای هاشمی رفسنجانی در اصل چرخ طیار جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی بود. ویژگی چرخ طیار در فیزیک این است که وقتی این سو یک سلسله تنش‌ها، یک سری بلندی و پستی و فراز و نشیب‌ها، یک سری تندروی‌ها و کندروی‌ها، یک سری عدم تعدیل‌ها و توازن‌ها و یک سری لجبازی‌ها و کینه‌توزی‌ها وجود دارد، یک کسی باید باشد که همه اینها را در درون خودش لوکالیزه و بومی کند و در آن سوی مجموعه یک روند ثابت متعادل عقلایی خروجی بدهد. آن چیزی که در نمازهای جمعه اتفاق می‌افتاد، همین نقش چرخ طیار بودن آقای هاشمی است. یعنی اجازه نمی‌داد که تندروی‌ها و کندروی‌ها بیاید و تعدیل‌کننده شرایط بود. تنش‌ها و هیجانات را به حداقل می‌رساند و یک روند عقلایی و منطقی از جمهوری اسلامی به دنیا ارائه می‌کرد. امروز هم اگر آقای هاشمی رفسنجانی را در آن سوی مرزها بخواهند تعریف کنند، یک رویداد غیر تکرار در خاورمیانه و غرب آسیا و میان کشورهای اسلامی، هم از نظر دیپلماسی، هم از نظر مدیریت و اداره داخلی و هم از جهت قدرت در ارتباط با افکار عمومی مطرح می‌کنند. آقای هاشمی رفسنجانی خودشان به شخصه، یک رسانه تمام عیار بود.

* متن سخنرانی ایراد شده در همایش ملی آیت الله هاشمی رفسنجانی و هشت سال دفاع مقدس که در کتابخانه ملی ایران برگزار شد.



مراسم تنفیذ ریاست جمهوری هاشمی سال ۱۳۶۸ ▲ سفر به قزاقستان در تاریخ ۱۳۷۲/۹/۳ ▼



بازدید از خط مترو ۱۳۶۶/۴/۲۱ ▼



سفر به عربستان و دیدار با ملک عبدالله ۱۳۸۷/۳/۱۷ ▼



سفر به روسیه، میدان کرملین ۱۳۶۸/۴/۳ ▼



سفر دهمین اجلاس مجلس خبرگان رهبری ۹۱/۱۲/۱۵ ▲ کنفرانس مطبوعاتی هاشمی در دوران ریاست مجلس ▼



سفر به روسیه و دیدار با میخائیل گورباچف ۲۱ ژوئن ۱۹۸۹ ▼ مراسم تحلیف آیت الله‌خامنه‌ای ۱۳۶۰/۷/۲۱ ▼



دیدار با بی نظیر بوتو نخست وزیر پاکستان ۱۳۷۲/۹/۱۸ ▼

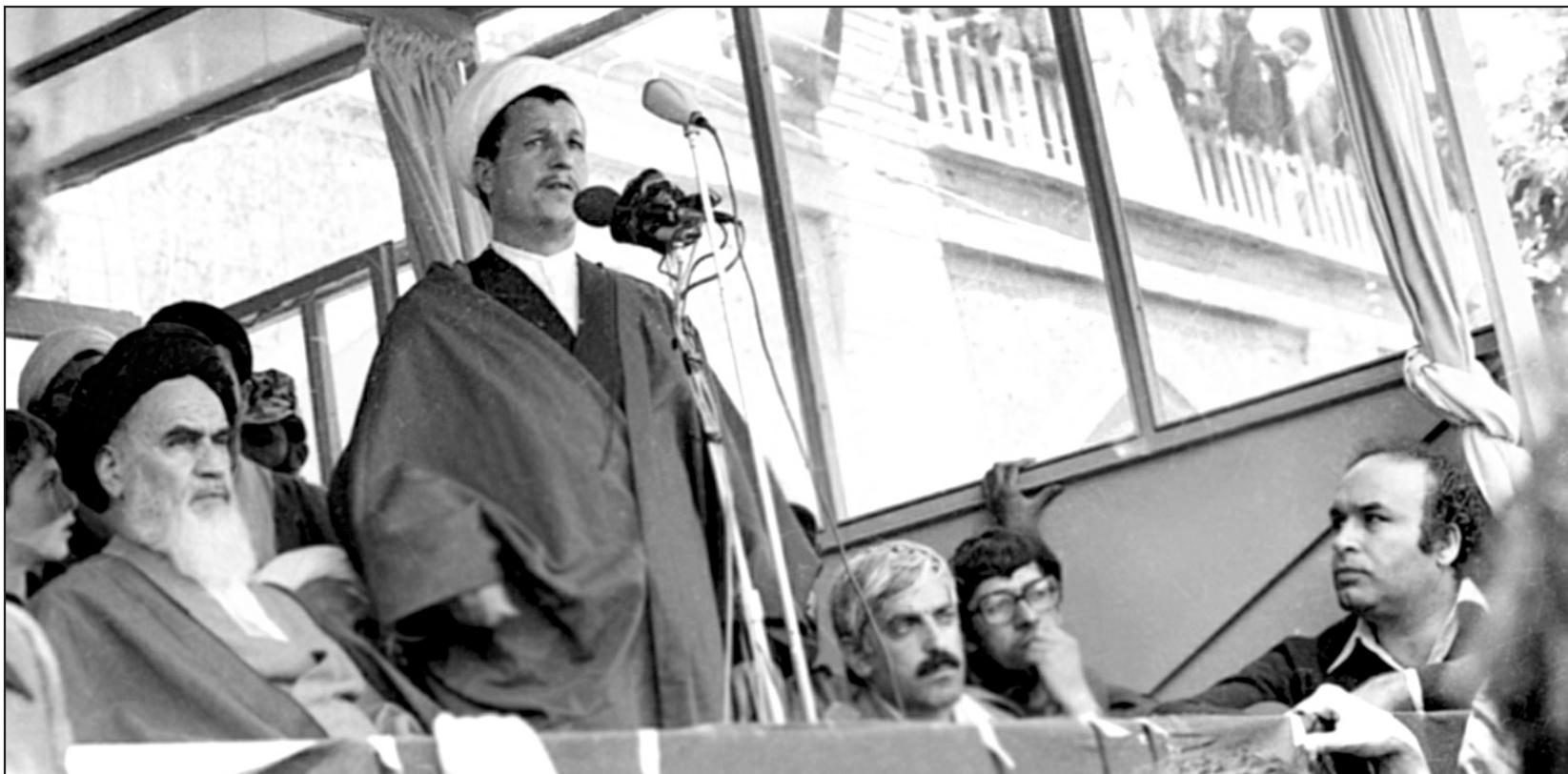


هاشمی در دوران ریاست مجلس ۱۳۶۰ ▼



استقبال مردم سودان از هاشمی ۱۳۷۵ ▼





▼ نماز جمعه تهران ۱۳۸۸

▼ مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۹۴

▲ مدرسه رفاه سال ۱۳۵۷



▼ تقدیر از آیت‌الله‌های رفسنجانی در اختتامیه بیستمین دوره مسابقات قرآن و عترت و نخستین جشنواره شیخ طبرسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۵/۸/۱۱

